

رساله اول پولس رسول به قرنتیان

مقدمه

در زمان پولس رسول، شهر قرنتس مشهورترین شهر در جنوب یونان بشمار می‌رفت^۱. قرنتس، همانند افسس یکی از مهمترین بنادر و مراکز داد و ستد و مرکز مهم فرهنگی آن زمان بود. قرنتس همچنین، مرکز ایالت اخاییه که شامل قسمت اعظم جنوب یونان می‌شد، بوده و از اهمیت سوق‌الجیشی و اقتصادی خاصی برخوردار بود. لذا بلحاظ موقعیت خاص آن، شهر قرنتس محل خوبی برای موعظه انجیل و پخش و انتشار مسیحیت به سرتاسر جهان محسوب می‌گردید.

پولس رسول در حوالی سال ۵۰ میلادی، و در انتهای دومین سفر بشارتی خود به شهر قرنتس سفر کرده و حدود هجده ماه در آن شهر توقف نموده است. در ابتدای امر، پولس رسول به یهودیان قرنتس بشارت می‌داد، ولی پس از آنکه اغلب ایشان پیام انجیل را رد نمودند وی امر بشارت در میان یهودیان را متوقف کرده، به موعظه در میان ملت‌های غیریهودی ساکن قرنتس پرداخت (به اعمال ۱:۱۸، ۴-۷، ۹-۱۱ مراجعه نمایید).

پس از آنکه پولس رسول اولین کلیسای مسیحی قرنتس را تأسیس کرد، در حوالی سال ۵۲ میلادی، شهر قرنتس را ترک نموده، به افسس رفت و در آنجا بیش از دو سال اقامت گزید. افسس در آنسوی دریای اژه و در ۵۰۰ کیلومتری شرق قرنتس در کشور ترکیه فعلی می‌باشد. هر دو شهر مذکور از شهرهای مهم آن روزگار محسوب می‌شد و بسیاری با کشتی بین آن دو شهر سفر کرده، به تجارت و داد و ستد مشغول بودند.

زمانی که پولس رسول در افسس بود، خبرهای ناگواری از رفتار ایمانداران قرنتس بگوش وی رسید و علاوه بر آن، وی نامه‌ای از ایمانداران کلیسای قرنتس دریافت کرد که شامل سؤالات مختلفی پیرامون نکات عملی زندگی مسیحی بود. به همین جهت، در حدود سال ۵۴ میلادی، پولس رسول اولین رساله خود به قرنتیان را نگارش نمود. لذا قسمت اول این رساله شامل توبیخ و هشدارهای رسول به خاطر رفتار نامناسب اعضای

۱- در ایام عهدجدید، یونان جزو قلمروی امپراطوری روم محسوب می‌شد. پیش از آن، یونان قدرت نظامی و اقتصادی بزرگی بوده و مهد تمدن مغرب زمین بشمار می‌رفت.

کلیسای قرن‌تیان است و بخش دوم جوابیه‌ای است به سؤالات کلیسای قرن‌تس. از آنجا که قسمت اول رساله حاضر با لحنی بسیار تند و نیش‌دار نوشته شده و مملو از سرزنش‌های گوناگون پیرامون رفتار ناهنجار ایمانداران می‌باشد، رساله پولس رسول مورد استقبال چندانی قرار نگرفت؛ و بسیاری از اعضای کلیسا بر علیه پولس به مخالفت برخاستند، و لذا پولس رسول دومین رساله به قرن‌تیان را از شهر افسس به آن کلیسا ارسال نمود (دوم قرن‌تیان ۲: ۳-۴). ولی متأسفانه این رساله دوم مفقود گردیده و اثری از آن نیست (احتمال دارد که کلیسای قرن‌تس، خود رساله مذکور را از بین برده باشند). صرف نظر از چگونگی گم شدن رساله دوم، با خواندن آن رساله، رفتار اعضای کلیسای قرن‌تس دچار بهبود شد. زمانی که پولس رسول از بهبود رفتار کلیسای قرن‌تس با خبر گردید، رساله سومیه به آن کلیسا نوشت که در کتاب عهدجدید تحت عنوان «رساله دوم پولس رسول به قرن‌تیان» موجود می‌باشد.

جهت اطلاع بیشتر از زندگی پولس رسول به مقدمه رساله پولس رسول به رومیان مراجعه نمایید.

رئوس مطالب

الف- مقدمه (۱: ۱-۹).

۱- سلامها و تهنیات (۱: ۱-۳).

۲- شکرگزاری (۱: ۴-۹).

ب- جدایی در کلیسای قرن‌تس (۱: ۱۰ - ۴: ۲۱).

۱- واقعیت وجود تفرقه (۱: ۱۰-۱۷).

۲- وجود تفرقه بخاطر پیام (۱: ۱۸ - ۲: ۱۶).

۳- وجود تفرقه بدلیل خدمت‌های مختلف (۳: ۱-۲۳).

۴- تقاضای پولس جهت خاتمه تفرقه و جدایی (۴: ۱-۲۱).

ج- عدم هماهنگی در کلیسای قرن‌تس (۵: ۱ - ۶: ۲۰).

۱- عدم وجود تربیت و انضباط مسیحی در کلیسا (۵: ۱-۱۳).

۲- شکایت نزد قضات غیرمسیحی (۶: ۱-۱۱).

۳- وجود فساد اخلاقی در کلیسا (۶: ۱۲-۲۰).

د- جوابهای پولس رسول به سؤالات ایمانداران کلیسای قرن‌تس (۷: ۱ - ۱۵: ۵۸).

۱- در رابطه با ازدواج (۷: ۱-۴۰).

۲- در رابطه با گوشت قربانی که به بتها تقدیم شده است (۸: ۱-۱۳).

-
- ۳- در رابطه با حقوق و وظایف یک رسول مسیح (۱:۹-۲۷).
 - ۴- در رابطه با اعمال بحث‌انگیز (۱:۱۰-۳۳).
 - ۵- در رابطه با نقش زنان در امر پرستش (۱:۱۱-۱۶).
 - ۶- در رابطه با شام خداوند (عشای ربانی) (۱۷:۱۱-۳۴).
 - ۷- در رابطه با عطایای روحانی (۱:۱۲ - ۴۰:۱۴).
 - ۸- در رابطه با قیامت مُردگان (۱:۱۵-۵۸).
 - ه- نکات پایانی (۱:۱۶-۲۴).
 - ۱- جمع‌آوری هدایا بمنظور کمک به فقرا (۱:۱۶-۴).
 - ۲- مسافرت آتی پولس رسول به قرنتس (۱۶:۵-۱۲).
 - ۳- سلامها و دعای پولس (۱۶:۱۳-۲۴).

باب ۱

سلامها و شکرگزاری (۱:۱-۹)

۱ پولس خود را با عنوان **پولس به اراده**

خدا رسول خوانده شده عیسی مسیح معرفی می کند (به رومیان ۱:۱؛ غلاطیان ۱:۱؛ افسسیان ۱:۱ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

سوستانیس، یکی از شاگردان و همکاران پولس رسول بود. گو اینکه سوستانیس هیچ قسمتی از این رساله را نگارش ننموده است، ولی ممکن است که وی در امر نگارش به پولس رسول کمک کرده و یا اینکه پولس رسول در پیرامون مطالب این رساله با وی مشورت نموده باشد.

زمانی که پولس رسول به شهر قرنتس قدم نهاد، سوستانیس، رئیس کنیسه یهودیان آن شهر بود. وی سپس به عیسی مسیح ایمان آورده و مسیحی شده بود (به اعمال رسولان ۱۷:۱۸ مراجعه شود).

۲ پولس رسول، رساله حاضر را به **کلیسای خدا** در قرنتس می نویسد. **کلیسا** چیست؟ «کلیسا» متشکل از ایمانداران است، ما که مقدس هستیم و برای **تقدس خوانده** شده ایم، کلیسا می باشیم. برای همین است که در عهد جدید، مسیحیان بعنوان «مقدسین» خوانده می شوند.

«مقدسین در مسیح عیسی» چه کسانی هستند؟ ایشان کسانی هستند که «نام عیسی مسیح را می خوانند» (به رومیان ۱۰:۱۲-۱۳ مراجعه نمایید). ایشان کسانی هستند که نام عیسی مسیح را نه با زبان فقط بلکه با دل و با ایمان می خوانند. بسیاری با زبان خود می گویند «خداوندا، خداوندا»؛ ولی دلهای ایشان از خدا دور بوده و در زندگیشان تغییری ایجاد نشده است و مقدس نشده اند (به انجیل متی ۷:۲۱ و تفسیر آن آیه مراجعه نمایید). زمانی که با ایمان، نام عیسی مسیح را بخوانیم و او را به قلب خود دعوت نماییم، او بصورت روح القدس وارد

قلب ما خواهد شد. و این قدرت مقدس کننده روح القدس است که ما را متبدل خواهد نمود. پس از آن زندگی ما تغییر می یابد و ما مقدس شده، پاک می شویم. **مقدسین**، کسانی هستند که گناهانشان پاک شده و زندگی شان بوسیله نیروی روح القدس دستخوش دگرگونی و تغییر گردیده و بخشایش گناهان خود را از خدا دریافت نموده اند.

۳ به رومیان ۷:۱؛ افسسیان ۲:۱ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید.

۴ پولس رسول همیشه بخاطر زندگی و ایمان، تمامی ایمانداران از خدا شکرگزاری می کند (رومیان ۸:۱؛ افسسیان ۱:۱۵-۱۶؛ کولسیان ۳:۱-۴). در اینجا نیز، پولس رسول بخاطر ایمان قرن تیان و بخاطر «فیضی» که خدا شامل حال ایشان نموده است، خدا را شکر می گوید. بیاید که ما نیز، همیشه خدا را بخاطر ایمان و زندگی یکدیگر شکر کرده و از بابت عطایایی که خدا مضمول ما و دیگران ساخته است، مراتب شکرگزاری را بجا آوریم.

۵ **مسیحیان از هر چیز در وی** (عیسی مسیح) **دولتمند** شده اند. در اینجا، پولس رسول به دو مورد خاص ثروت روحانی اشاره می کند: اول از هر چیز **در هر کلام** (یا گفتگوهای خود) و دوم **در هر معرفت**. چقدر کم هستند افرادی که کلامشان پر از معرفت باشد؟ بیشتر مردم، یا با کلامی خالی از معرفت صحبت می کنند، و یا آنکه معرفت دارند ولی قادر به بیان صحیح آن معرفت نمی باشند! ولی شخصی که از هر دو عطیه برخوردار باشد، منشأ برکات بسیاری برای کلیسا خواهد بود.

۶ در این آیه، پولس رسول دلیل این دولتمندی قرن تیان را بازگو می کند. **چنانکه شهادت مسیح** شهادتی که پولس رسول راجع به مسیح داده بود، **در شما استوار گردید**. زمانی که به عیسی مسیح شهادت می دهیم، باعث دولتمندی دیگران خواهیم شد. پولس رسول

زندگی روحانی ما کاملاً به نیروی روحانی عیسی مسیح که بواسطه روح القدس به ما بخشیده می‌شود، متکی است. با تکیه بر قوت خود، هرگز نخواهیم توانست که زندگی خود را مطابق میل خدا ساخته و موجبات رضایت خاطر او را فراهم آوریم. ولی عیسی مسیح در این امر مهم ما را یاری کرده و قوت عطا می‌فرماید (به فیلیپان ۱:۶؛ اول تسالونیکیان ۵:۲۳-۲۴ مراجعه نمایید).

۹ خدا امین است. خدا ما را دعوت نموده است؛ او ما را عادل گردانیده است؛ و او ما را جلال خواهد داد (به رومیان ۸:۳۰ و تفسیر آن آیه مراجعه نمایید).

برخی ایمانداران با ذکر نمودن آیات ۸-۹ می‌گویند که مسیحیان هرگز بطور کامل لغزش نخورده و نجات خود را از دست نخواهند داد. ولی آیات دیگری در کتاب مقدس بر صحت این مدعا صحه نگذاشته و آن آیات برخلاف این مطلب تعلیم می‌دهند (انجیل لوقا ۸:۱۳؛ رومیان ۱۱:۲۲؛ اول تیموتائوس ۴:۱؛ و همچنین مقاله عمومی: «آیا ممکن است نجات خود را از دست بدهیم» مشاهده شود).

خدا به چه منظوری ما را می‌خواند؟ خدا ما را می‌خواند تا که با پسرش عیسی مسیح شراکت حاصل نماییم. و با مشارکت با عیسی مسیح، بتدریج و رفته‌رفته، به شباهت او در خواهیم آمد. این هدف نهایی و غائی خدا برای بشریت است، خواست خدا اینست که انسانها **بصورت پسرش متشکل شوند تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد** (به رومیان ۸:۲۹ و تفسیر آن مراجعه نمایید).

پس با توجه به این آینده بسیار درخشانی که در انتظار ما قرار دارد، بیایید از خود پرسیم که آیا امروز با عیسی مسیح مشارکت داشته‌ایم؟ زیرا بدون داشتن مشارکت با عیسی مسیح، مانند شاخه‌ای بُریده شده از درخت خواهیم بود که خشک خواهد شد (به انجیل یوحنا ۱۵:۵-۶

درباره خود شهادت نمی‌داد، بلکه شهادتات و سخنان او همیشه راجع به خداوندش بود.

۷ بخاطر آن فیضی که نصیب ایمانداران قرن‌تس گردیده بود، ایشان دیگر از لحاظ روحانی بی‌نیاز بودند. در اینجا پولس رسول به عطایای مخصوص روح القدس اشاره می‌کند (به رومیان ۶:۱۲-۸؛ اول قرن‌تبیان ۱۲:۷-۱۱، ۲۷-۲۸؛ افسسیان ۴:۱۱ مراجعه نمایید). ولی بزرگترین هدیه روحانی، عیسی مسیح و روح القدس و نجات و حیات جاویدان می‌باشد. تمامی نعمات فیض خدا به ایمانداران، از قبیل فیض خدا، محبت خدا، رحمت او، قوت روحانی او، روح القدس، پسر یگانه‌اش، و غیره، همگی برکات روحانی و عطایای روحانی او به ما می‌باشند.

هر چند که ایمانداران قرن‌تس از هر برکت روحانی بهره‌مند بودند، ولی با این همه، متأسفانه ایشان دچار ضعف شده و گرفتار گناهان خطرناکی گردیده بودند. ایشان نه تنها از بابت هر عطیه روحانی دولت‌مند بودند، بلکه انواع گناهان شنیع و زشت را نیز در میان خود داشتند! ایشان با بلوغ روحانی و کاملیت فاصله زیادی داشتند (انجیل متی ۵:۴۸). به همین خاطر است که پولس رسول به ایشان سفارش می‌کند که «منتظر مکاشفه خداوند ما عیسی مسیح» باشند. یعنی اینکه منتظر بازگشت ثانوی عیسی مسیح و خلاصی جسم خود، باشند (رومیان ۸:۲۳)؛ زیرا در آن روز گناهان ایشان کاملاً پاک شده و بدست فراموشی سپرده خواهد شد.

۸ او (مسیح) شما را تا روز آخر استوار خواهد فرمود. بوسیله مرگ خود بر روی صلیب، عیسی مسیح، جرم و گناه ما را از میان برداشته است، تا اینکه ما **در روز خداوند ما عیسی مسیح** (یعنی روزی که عیسی مسیح جهت داوری انسانها به زمین باز خواهد گشت)، **بی‌ملاحت باشیم.**

و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

تفرقه در کلیسا (۱: ۱۰-۱۷)

۱۰ دعای پولس رسول به جهت کلیسای قرن‌تس اینست که **همه یک سخن گویند و شفاق در میان شما نباشد، بلکه در یک فکر و یک رأی کامل شوید.** آیا منظور پولس این است که بایستی همیشه و در هر موردی در میان اعضای کلیسا توافق کامل برقرار باشد؟ خیر، این سخن بدین معنی نیست. ولی اعضای کلیسا بایستی در موارد اساسی و اصلی ایمان، از قبیل الوهیت عیسی مسیح و لزوم ایمان به وی، برسمیت شناختن کتاب مقدس بعنوان کلام خدا، و لزوم اطاعت از کلام خدا، و اینکه نجات بوسیله ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌گردد، و غیره توافق داشته باشند (مقدمه مقاله‌های عمومی مشاهده شود). ما بایستی در محبت و ایمان و اطاعت از عیسی مسیح، با یکدیگر متحد باشیم. ولی داشتن اختلاف‌نظر و اختلاف عقیده در موارد کم‌اهمیتتر، بلامانع است. بگذارید که یک نفر گوشت بخورد و دیگری از خوردن آن امتناع ورزد (رومیان ۱۴: ۵). لازم نیست که بر سر این موضوعات کوچک و کم‌اهمیت، صرف وقت نماییم. حتی اگر بر سر این مسائل کوچک، دارای اختلاف‌نظر باشیم، مادامی که در رابطه با موضوعات مهم ایمانی توافق باشد و یکدیگر را با محبت و فروتنی بپذیریم، اتحاد کامل برقرار خواهد بود. وجود اتحاد و توافق مهم‌ترین مسئله است (به رومیان ۱۶: ۱۲؛ ۱۵: ۵-۶؛ دوم قرن‌تیان ۱۱: ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۲ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

وحدت و یکی بودن در میان مسیحیان، مانند وحدت و یگانگی در میان برگهای یک درخت است. برگهای درخت، از فاصله دور یکرنگ و یکسان بنظر می‌رسند، ولی اگر از نزدیک به آنها نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که هر یک با دیگری فرق می‌کند. همانطوری که

برگهای یک درخت، در اصل باهم متحدند، ما نیز بایستی در مسیح با یکدیگر اتحاد داشته باشیم، مسیح می‌خواهد که ما متحد و هماهنگ باشیم و نه یکسان و هم‌رنگ.

پولس اولین شخصی نبود که برای اتحاد و یگانگی ایمانداران دعا کرده است، در انجیل یوحنا می‌خوانیم که عیسی مسیح جهت اتحاد و یگانگی روحانی ایمانداران دعا می‌کند (به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۰-۲۳ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

۱۱ **خَلُونی** خواهر ایمان‌داری بود که در قرن‌تس زندگی می‌کرد. بعضی افراد خانه وی به افسس سفر کرده و پولس رسول را در جریان تفرقه‌ها و مناقشات بین اعضای کلیسای قرن‌تس قرار داده بودند.

۱۲ و اما در قرن‌تس چه اتفاقی رخ داده بود؟ کلیسای قرن‌تس دچار چند دستگی گردیده بود. عده‌ای از ایمانداران (احتمالاً آنانی که در ابتدا خبر انجیل را از پولس شنیده بودند) خود را دنباله‌رو پولس رسول می‌شمردند.

ولی پس از آنکه پولس رسول شهر قرن‌تس را ترک نمود، یک رهبر مهم مذهبی دیگر بنام **اِپُلُس** وارد قرن‌تس شده و به تعلیم ایمانداران پرداخته بود. لذا، عده‌ای از ایمانداران کلیسای قرن‌تس، خود را به وی وابسته کرده و می‌گفتند که ایشان هواداران اپلس هستند! اپلس، یهودی دانشمند و **مردی فصیح و در کتاب توانا بود، ... او در طریق خداوند تربیت یافته و در روح سرگرم بوده، درباره خداوند به دقت تکلم و تعلم می‌نمود** (اعمال ۱۸: ۲۴-۲۵). در زمانی که اپلس در قرن‌تس بسر می‌برد، ایمانداران آن شهر را **اعانت بسیار کرد** (اعمال ۱۸: ۲۷-۲۸).

دسته دیگری از ایمانداران، به پیروی از **کیفا** پرداخته بودند. **کیفا** یا پطرس پیش‌کسوت دوازده حواری اول عیسی مسیح بود (انجیل یوحنا ۱: ۴۲). ممکن است دلیل آن گروه از قرن‌تیان، این باشد که پطرس (کیفا) جزو

که اینطور متفرق شده و با یکدیگر تضاد پیدا کنند؟ چرا ایشان بجای پیروی از مسیح، دل خود را به پیروی از انسانها خوش ساخته‌اند؟ ایشان مرتکب چه اشتباه عظیمی می‌شوند! این عیسی مسیح بود که برای ایشان مصلوب گردید. رهبران و واعظین مختلف، ممکن است که ایشان را تعلیم داده و تعمید داده باشند، ولی ایشان هیچ کس را به نام خود تعمید نداده بودند، همه ایمانداران بنام عیسی مسیح تعمید گرفته بودند.

۱۴-۱۵ پولس رسول نمی‌خواهد که قرن‌تیان از انسانهای فانی پیروی نمایند؛ در عوض وی خواهان آنست که ایشان بدنبال مسیح حرکت کنند. از اینجهت، پولس خوشحال است که فقط دو تن از ایمانداران قرن‌تس را تعمید داده است. زیرا که در این صورت هیچ کس نمی‌تواند به وی تهمت ایجاد دسته و گروه و حزب خاص خودش را بزند!

کوشپس رهبر کنیسه یهودیان قرن‌تس بود (اعمال ۸:۱۸). از **قاپوس** در رساله به رومیان ۲۳:۱۶ نام برده شده است، احتمالاً جلسات عبادتی کلیسای قرن‌تس در خانه وی تشکیل می‌شده است.

۱۶ در اینجا، پولس رسول بیاد می‌آورد که خانواده استیفان را نیز تعمید داده است. پولس نمی‌خواهد که هیچ کس را از خاطر برده باشد، برای او تمام ایمانداران از اهمیت خاصی برخوردار هستند. مخصوصاً خانواده **استیفان** را، زیرا ایشان اولین کسانی بودند که در ایالت اخائیه به مسیح ایمان آوردند (اول قرن‌تیان ۱۶:۱۵-۱۸).

۱۷ در این قسمت، پولس رسول با تأکید بر دعوت و خوانده‌شدگی خود به منظور رساندن بشارت مسیح و نه تعمید دادن؛ توضیح می‌دهد که چرا او تعداد کمی را تعمید داده است. **مسیح مرا فرستاد، نه تا تعمید دهم بلکه تا بشارت رسانم.** بسیاری از شبانان و خادمین کلیسا، به هر دو

حواریون مسیح بوده و در حالی که پولس و یا پلس به آن گروه دوازده حواری اولیه مسیح تعلق نداشتند. بنا به تصور بعضی ایمانداران، فقط دوازده حواری اول عیسی مسیح از مقام و قوت رسالت برخوردار بودند.

و بالاخره، عده دیگری ادعا می‌کردند که پیرو مسیح می‌باشند. گفتن اینکه «من پیرو مسیح هستم» کاملاً نیکو و بجاست، ولی کسی حق ندارد که از این امر در جهت سرکوبی و حقیر شمردن دیگران استفاده نماید. گروه آخر، خود را برتر از دیگران دانسته و معتقد بودند که فقط آنها مسیحیان واقعی هستند. ولی با این طرز فکر، ایشان در دام غرور افتاده، خود را بالاتر و برتر از دیگران می‌دانستند. نظر آنها اشتباه محض بود! زیرا ایشان مسیحیان واقعی نبودند و عیسی مسیح دیگران را نیز به آغوش خانواده خود پذیرفته بود. لذا آن کسانی که خود را «پیرو مسیح» می‌دانستند نیز با رفتار غرورآمیز خود، دیگران را تحقیر کرده و همچون گروههای دیگر، باعث نفاق و تفرقه شده بودند. ایشان با اعمالشان نام مسیح را لکه‌دار ساخته بودند، زیرا که ادعا می‌کردند که مسیح خداوند گروه کوچک خودشان است و بس و منکر خداوندی و پادشاهی مسیح بر گروههای دیگر شده بودند. حال آنکه عیسی مسیح خداوند کل کلیسا است. توجه کنید که بیماری غرور چقدر مهلک است؟ غرور، حتی حاضر است که بین مسیح و فرزندانش تفرقه ایجاد کند! ریشه اصلی جدایی‌ها در کلیسا، غرور است و بس. و فقط یک راه درمان جهت برطرف ساختن تفرقه و جدایی در کلیسا وجود دارد، و آن اینست که اعضای کلیسا خود را فروتن ساخته و بجای آنکه به خود بنگرند به مسیح چشم بدوزند. رهبران کلیسا و هواداران ایشان بایستی تنها در پی برافراشتن نام مسیح باشند و نه نام و شهرت خودشان.

۱۳ مسیحیان قرن‌تس چگونه حاضر شدند

خدمت مقدس تعمید دادن و بشارت انجیل می‌پردازند. پولس رسول در سفرهای خود به شهرهای دیگر نیز هر دو این کارها را انجام می‌داد. ولی در شهر قرنتس، پولس وقت و نیروی خود را صرف بشارت و تعلیم کرده بود و خدمت تعمید را بر عهده دیگران محول نموده بود. پس نتیجه می‌گیریم که پولس مخالف تعمید گرفتن ایمانداران نبوده و فقط با گروه‌بازی و ایجاد فرقه‌ها و دسته‌های مختلف در درون کلیسا مخالفت می‌ورزد.

پولس رسول با توسل به **حکمت کلام خود** و با توکل به حکمت بشری خود موعظه نمی‌کند؛ بلکه موعظه‌ها و بشارت پولس با تکیه بر قوت روح‌القدس می‌باشد. این درسی است که باید تمامی مبشرین و واعظین کلام بیاموزند. زیرا زمانی که یک واعظ، از حکمت و دانش بشری و نیروی فصاحت و بلاغت خود مدد جسته و با توسل به اینها موعظه کرده و بشارت می‌دهد، معمولاً نتیجه آن خواهد شد که مردم، بعوض آنکه به مسیح جذب شوند، بدنبال آن واعظ خواهند رفت. و بجای آنکه به حمد و ستایش مسیح پردازند به تحسین بلاغت و فصاحت گوینده کلام خواهند پرداخت.

ولی پولس رسول می‌خواست که شنوندگان خود را به پیروی از عیسی مسیح تشویق و ترغیب نماید. وی می‌خواست که دلیل ایشان از پیروی انجیل، ایمان ایشان به حقیقت کلام خدا باشد و نه بخاطر قدرت سخنوری او.

بعضی واعظان ممکن است بسیار باهوش و حکیم بنظر آیند و عده زیادی برای شنیدن سخنان آنها حاضر شوند. ولی ممکن است که این واعظان حکیم چیزی در باره «صلیب عیسی مسیح»^۲ بزبان نیاورند. این واعظان چیزی در باره اینکه عیسی مسیح چگونه بوسیله مرگ خود بر روی صلیب، اسباب بخشودگی از گناهان را فراهم کرده و چگونه صلیب مسیح قدرت بخشیدن حیات جاودانی را دارد، ذکری

بمیان نمی‌آورند. این همان قدرت صلیب است که پولس رسول در اینجا به آن اشاره می‌کند. به همین خاطر است که اگر واعظین فقط بر حکمت و بلاغت خود تکیه کنند، **صلیب مسیح را باطل** می‌سازند، زیرا که در آن صورت شنوندگان قادر نخواهند بود که از معجزه صلیب نفعی حاصل کنند. شنوندگان این واعظین، هرگز به این حقیقت پی نخواهند بُرد که عیسی مسیح برای گناهان ایشان جان داده و بوسیله صلیب خود راه نجات را برای آنها فراهم نموده است و هرگز قادر نخواهند بود که از منافع صلیب سهمی ببرند. کلمات واعظ، هر قدر هم که حکیمانه و پر قدرت و قاطع و بُرنده باشد، هرگز قادر به نجات بخشیدن شنوندگان خود نخواهد بود. تنها مسیح مصلوب شده و قیام کرده است که قدرت بخشیدن گناهان و انفاق حیات جاودانی را دارد. بوسیله مرگ عیسی مسیح بر صلیب و قیام وی از مردگان است که ما زنده می‌شویم. و این پیامی است که پولس رسول موعظه می‌کرد! (به اول قرن‌تیان ۲: ۴، ۵-۱۳، مراجعه نمایید).

مسیح قوت و حکمت خدا (۱۸:۱-۳۱)

۱۸ ذکر صلیب برای هالکان حماقت است، لکن نزد ما که ناجیان هستیم قوت خداست. این **هالکان** چه کسانی هستند؟ ایشان بی‌ایمانان می‌باشند. برای ایشان پیام صلیب و **ذکر صلیب**، یعنی پیام انجیل، **حماقت** است. چرا؟ چونکه برای آنها این سخن که پسر خدا و منجی عالم، مانند یک مجرم بر روی صلیب جان‌سپاری کند،

۲- در امپراطوری روم، رایج‌ترین وسیله اعدام این بود که محکومین به مرگ را بر صلیب می‌خکوب کرده و ایشان را می‌گذاشتند تا با مرگی تدریجی و دردناک بمیرند. جهت اطلاع بیشتر در این باره کلمه «صلیب» در فهرست لغات مشاهده شود.

بی‌معنی و بسیار اغراق‌آمیز خواهد بود. بی‌ایمانان قادر به باور کردن این محبت عظیم خدا نمی‌باشند. برای این افراد، هرگونه ذکری از صلیب حماقت خواهد بود.

ولی برای کسانی که به این پیام شگفت‌انگیز ایمان آورده و قدرت حیات‌بخش و رستاخیز دهنده خدا را در زندگی‌های خویش تجربه کرده‌اند، **قوت خداست**. این قوتی است که با ایمان به پیام صلیب، پیام پُر از فیض انجیل عیسی مسیح، بما بخشیده می‌شود. خدا را بخاطر این پیام شکر و سپاس باد! (به رومیان ۱۶:۱ مراجعه نمایید).

۱۹ پولس رسول در اینجا از اشعیای نبی ۱۴:۲۹ نقل قول می‌کند. خدا از زبان اشعیای نبی تکلم کرده می‌گوید که **حکمت حکما را** (که با پیام صلیب آیه ۱۸، مخالفت می‌ورزند) **باطل سازم و فهم فهیمان را نابودگردانم**. چگونه حکمت انسان با حکمت خدا برابری تواند کرد؟ این غیرممکنست! (مزمور ۱۰:۳۳-۱۱؛ اشعیاء ۸:۵۵-۹؛ رومیان ۱۱:۳۳-۳۴).

۲۰ کجاست حکیم؟ هیچ کجا! هیچ کس بجز خدا حکیم نیست. خدا، حکمت خود را به کسانی که به پیام صلیب ایمان آورده‌اند عنایت می‌فرماید.

کجا کاتب (دانشمندان علوم الهی)؟ **کجا مباحث** (فلاسفه) **این دنیا؟** معمولاً تصور عوام بر این است که دانشمندان و فلاسفه، از حکمت سرشاری برخوردار هستند. کاتبین و فلاسفه بیشماری انجیل و کتاب مقدس را بدون آنکه به پیام آن ایمان بیاورند مطالعه کرده و در آن به تحقیق می‌پردازند. ولی خدا، بوسیله فرستادن پسر یگانه خود به جهان و با مرگ وی بر صلیب و رستاخیز وی از مُردگان، **خدا حکمت جهان را**، حکمت دانشمندان و فلاسفه جهان را، **جهالت** گردانید. انسانهای حکیم، به همراه حکمتشان از این جهان رخت بر خواهند بست، ولی کسانی که به مسیح ایمان آورند، تا به ابد خواهند

زیست.

۲۱ حکمت این جهان به حکمت خدا پی نخواهد بُرد (به اول قرن‌تبیان ۱۴:۲ مراجعه نمایید). **جهان**^۳ حکمت خدا (انجیل عیسی مسیح) را حماقت قلمداد می‌کند. ولی خدا، بوسیله این عمل بظاهر «حماقت»‌آمیز، همه کسانی را که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اند نجات بخشید.

۲۲ **یهودیان**، همیشه در پی **معجزات و آیات** بودند، ایشان همیشه از مسیح معجزات گوناگونی درخواست می‌کردند تا اینکه به او ایمان پیدا کنند (به انجیل متی ۳۸:۱۲؛ انجیل مرقس ۱۱:۸؛ انجیل یوحنا ۱۸:۲ مراجعه نمایید). آنها در پی دلیل و مدرک و گواهی اثبات ادعاهای عیسی مسیح بودند، آنها حاضر نبودند که بدون دیدن معجزات ایمان بیاورند.

عیسی مسیح نیز به ایشان آیت عظیم نشان داد، وی از میان مُردگان برخاست (به انجیل یوحنا ۲:۱۹-۲۲ و تفسیر آن مراجعه نمایید). ولی یهودیان، حاضر به پذیرفتن این بزرگترین آیت عیسی مسیح نگردیدند.

یونانیان^۴ دائماً در پی تحصیل حکمت دنیوی بودند.

۲۳ عیسی مسیح، برای یهودیان **لغزش** بود. یعنی اینکه، صلیب عاملی بود که مانع ایمان آوردن ایشان می‌گشت. یهودیان نمی‌توانستند قبول کنند که منجی موعود آنها مانند جنایتکاری، بر صلیب جان داده باشد. برای یهودیان، کشته شدن منجی موعود ایشان بر

۳- در اینجا، منظور از جهان، افراد بی‌ایمان عالم می‌باشد.

۴- در اینجا، منظور از یونانیان، فقط ساکنان جزایر یونان نبوده، بلکه منظور تمامی امتهای یهودی مغرب زمین می‌باشد. در زمان نگارش عهدجدید، تقریباً تمامی مغرب زمین به زبان یونانی تکلم می‌کردند.

ولی در مقام مقایسه، توانایی و حکمت انسان بمراتب کمتر و ناچیزتر از ناتوانی و جهالت خدا است. حکیمانانه‌ترین سخنان بشر و قوت قویترین افراد، هرگز قادر به نجات دادن کسی نخواهد بود. ولی حتی ناتوانی و جهالت خدا، قدرت و حکمت کافی جهت نجات گناهکاران را دارا می‌باشد. و ناتوانی و جهالت خدا، (مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب) نه تنها یک گناهکار خاص را بلکه قدرت نجات بخشیدن همه کسانی را که به او ایمان آورند دارا خواهد بود.

۲۶ اغلب افرادی که **حکیم**، «صاحب‌منصب»، «مصدر قدرت»، و یا «نجیب‌زاده» می‌باشند، در پی خدا نیستند. ایشان فکر نمی‌کنند که به خدا محتاج هستند (به انجیل مرقس ۲۳:۱۰ و تفسیر آن آیه مراجعه نمایید). این افراد تمایلی به خدمت خدا و انجام اراده او نداشته و برعکس بدنبال ارضای امیال و خواسته‌های خود هستند (به انجیل مرقس ۴۴:۱۰ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

۲۷-۲۸ حکمت خدا، با فهم انسانی مغایرت دارد. آنچه که در نظر انسان حکیمانانه است، در پیش خدا، حماقت می‌باشد. و آنچه را که بشر بعنوان حماقت می‌شناسد، خدا حکمت می‌نامد.

لذا، خدا کسانی را که جهان «جاهل»، «احمق»، «ضعیف»، «خسیس»، و «حقیر» قلمداد می‌کند برگزیده است تا که پیروان او گردند. منظور از **ناتوانان و خسیسان دنیا و محقران** در حقیقت ما ایمانداران می‌باشیم. زیرا خدا عمداً افرادی نظیر ما را برگزیده است تا توانایان و حکیمان جهان را رسوا سازد! (به رساله یعقوب ۵:۲ مراجعه نمایید).

منظور از «نیستیها» در آیه ۲۸، نیز ایمانداران مسیحی نظیر خود ما می‌باشند. در نظر اهالی شهر قرنتس، ایمانداران کلیسای قرنتس، همان **نیستیها** بودند! در قرن اول میلادی و در زمان

روی صلیب، امری غیرقابل قبول و حتی کفرآمیز بود. حتی زمانی که عیسی مسیح بر روی صلیب آویزان و در حال نزع بود، یهودیان او را مسخره کرده و به وی اهانت می‌نمودند (به انجیل متی ۲۷:۴۱-۴۲؛ انجیل مرقس ۱۵:۳۱-۳۲ مراجعه نمایید).

و از سوی دیگر، برای **امت‌ها**، یا طوایف غیریهودی، فکر اینکه منجی عالم، بر صلیب جان دهد، فکری احمقانه و **جهالت** بود. این عقیده که پسر خدا به جهان آمده، مانند یک جنایتکار بر صلیب اعدام شود، مسخره‌آمیز و حماقت محض بود.

۲۴ ولی برای کسانی که به عیسی ایمان آوردند، صلیب عیسی مسیح **قوت خدا و حکمت خداست**.

ایمانداران واقعی **دعوت‌شدگان** هستند. برای آن کسانی که خدا دعوت کرده باشد، صلیب عیسی مسیح، نه تنها باعث خجالت، شرمساری، مایه حماقت و تمسخر نیست، بلکه عیسی، **قوت و حکمت** خداست. همه قوت و تمامی حکمت در عیسی مسیح جمع گردیده است (به رومیان ۱:۱۶ مراجعه نمایید). و آن قوت و حکمت، امروز برای ما فراهم است. قوت و نیروی غالب آمدن بر گناهان و وسوسه‌ها و زندگی مقدس، و حکمت جهت شناختن خدا و پیدا کردن راه نجات.

۲۵ زمانی که پولس رسول از عبارت **جهالت خدا** استفاده می‌کند، آن را بمنظور بیان نظرگاه‌های بی‌ایمانان بکار می‌برد، وگرنه وی هرگز و به هیچ وجه به خدا جهالت نسبت نمی‌دهد. در نظر بی‌ایمانان، این کار خدا که پسر یگانه خود را به جهان فرستاده تا در راه گناهکاران جان دهد «جهالت» محض می‌باشد.

و به همین ترتیب منظور وی از **ناتوانی خدا**، تسلیم و سرسپاری بی‌چون و چرای مسیح به مجازات صلیب است. زیرا که مرگ، اوج ناتوانی یک انسان می‌باشد.

پولس رسول، بطور دائم از عبارت **در مسیح** استفاده می‌کند. در مسیح بودن، یعنی ملحق شدن و ملصق گشتن به عیسی مسیح، یعنی شاخه‌ای از شجر عیسی بودن (به انجیل یوحنا ۱۵:۴-۷). اگر در مسیح باشیم، مسیح هم در ما خواهد بود. و اگر عیسی مسیح در ما ساکن باشد، قوت و حکمت و محبت او و **تمامی پُری** عیسی مسیح در ما سکونت خواهد داشت (افسیسیان ۱۹:۳). عیسی مسیح پادشاه کل هستی و سلطان زندگی ما است و ما متعلق به او هستیم.

۳۱ در اینجا پولس رسول از کتاب ارمیای رسول در عهدعتیق نقل قول می‌کند. ارمیای رسول از زبان خداوند، می‌گوید که اگر می‌خواهید به چیزی فخر کنید، به خود فخر نکرده و مغرور نباشید بلکه در عوض به خدا افتخار نمایید (ارمیاء ۲۴:۹). و حقیقتاً ما موضوعی جهت فخر کردن داریم! و آن اینست که عیسی مسیح پسر یگانه خدا برای ما مصلوب شده، برخاسته است و اینک در ما زندگی می‌کند و از این جهت ما ثروتمند، حکیم و قوی می‌باشیم. ما بایستی فخر کنیم، ولی نه به خودمان! هر چیز خوب و جمیل از جانب عیسی مسیح آمده است، پس بیایید که به او افتخار کنیم (به غلاطیان ۱۴:۶ مراجعه نمایید).

باب ۲

موعظه پولس (۱:۲-۵)

۱ یونانیان برای **حکمت** و فصاحت و بلاغت و **فضیلت کلام** و یا بعبارت دیگر، حکمت دنیوی، ارزش زیادی قائل بودند. در بین یونانیان، حکما و فلاسفه متعددی بودند که با حکمت بشری و **حکمت کلام** (اول قرن‌تبیان ۱۷:۱) بحث و مجادله و گفت و شنود می‌کردند و با توسل به قدرت بیان خود، مخالفین خود را مجاب کرده و ایشان را به قبول سخنان و مواضع خود ترغیب می‌نمودند.

نگارش این رساله، بی‌ایمانان، کلیسای مسیح و ایمانداران را به هیچ شمرده و در روابط اجتماعی خود به گونه‌ای رفتار می‌کردند که گویی کلیسای مسیح وجود خارجی ندارد. ولی کلیسا بتدریج، در شهر قرتنس و امپراطوری روم و سراسر جهان پخش شده، بصورت یکی از بزرگترین مذاهب جهان در آمد. و حتی پس از سرآمدن ایام این جهان نیز، کلیسای مسیح باقی خواهد ماند.

۲۹ چرا خدا ما افراد جاهل و ضعیف و کم‌اهمیت را برگزید؟ او ما ضعیفان و جاهلان را به این خاطر برگزیده است که هیچ کس فخر نکرده و پیش خود نگوید که خدا او را بخاطر قوت و حکمت او انتخاب نموده است (افسیسیان ۸:۲-۹). خدا به افراد مغرور و متکبر نیازی ندارد! او ما را بخاطر فیض خود و نه بخاطر ارزش و اهمیت ما، برگزیده است. وانگهی، هیچ کس از پیش خود قابلیت و حکمتی نداشته بلکه هر ارزش و اهمیت و حکمت بشری، از سوی خدا صادر شده و هدیه خدا است. ما انسانها، چیزی که باعث فخرمان باشد دارا نیستیم!

۳۰ هرگز این حقیقت را فراموش نکنیم که این خدا بود که ما را برگزید و ما خدا را انتخاب نکرده‌ایم (به انجیل یوحنا ۱۵:۱۶؛ افسسیان ۱:۴-۵؛ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید). بخاطر او است که مادر عیسی مسیح هستیم. بزرگترین هدیه خدا به بشریت، همانا عیسی مسیح است. مابقی هدایای ارزشمند خدا از قبیل **عدالت**، **قدوسیت**، و **فدیه گناهان**، همگی بخاطر و بواسطه مسیح بما بخشیده شده است (به رومیان ۳:۲۴؛ افسسیان ۱:۶-۸؛ کولسیان ۱:۱۴؛ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید). اگر عیسی مسیح را پذیرفته باشیم، بطریق اولی مابقی آن عطایا را نیز کاملاً دریافت خواهیم کرد (به رومیان ۸:۳۲؛ افسسیان ۱:۳؛ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

جهت یونانیان، ذکر صلیب حماقت و جهالت محسوب می‌گردید (اول قرن‌تبیان ۱: ۱۸، ۲۳).

۳ قرن‌تس، شهر بزرگ و مهمی بود و بسیاری افراد بانفوذ و ثروتمند در آن زیست می‌کردند. پولس رسول، مردی عادی و فقیر و خیمه‌دوز بود که از شهری به شهر دیگر گشته، به عیسی مسیح بشارت می‌داد. او با زبانی ساده و قابل فهم با مردم سخن می‌گفت (دوم قرن‌تبیان ۱۰: ۱). زمانی که پولس به شهر قرن‌تس پا نهاد، حتی یک نفر مسیحی نیز در آن شهر وجود نداشت. او تنها بود و بسیاری به مخالفت با وی برخاسته بودند (اعمال ۱۲: ۱۸). برای همین است که پولس رسول در اینجا می‌گوید **و من در ضعف و ترس و لرزش بسیار نزد شما شدم.**

۴ ولی بواسطه موعظه‌های ساده پولس، قدرت **روح‌القدس** آشکار شده و کلام ساده وی به **برهان روح** (روح‌القدس) و **قوت** آراسته گردیده شنوندگان را مجاب ساخت. زیرا زمانی که ما ضعیف هستیم، قوت و قدرت خدا در زندگی ما بهتر نمایان خواهد شد (به دوم قرن‌تبیان ۷: ۴؛ ۹: ۱۲-۱۰ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

قوت روح‌القدس در زندگی پولس به دو صورت جلوه‌گر شد. اولاً، عده بسیاری بواسطه کلام پولس ایمان آورده و توبه کردند و بخاطر قوت روح‌القدس در زندگی پولس رسول، کلیسایی در شهر قرن‌تس بنا گردید. ثانیاً، قوت روح‌القدس بواسطه آیات و معجزات بسیاری که پولس، بعنوان رسول مسیح بعمل آورد، نمایان گردید (رومیان ۱۵: ۱۹؛ دوم قرن‌تبیان ۱۲: ۱۲ مشاهده شود).

۵ زمانی که ما مسیحیان به عیسی مسیح موعظه کرده، بشارت می‌دهیم، بسیاری از شنوندگان ما تحت تأثیر پیام قرار گرفته، خواهند گفت که پیام مسیح آرامش‌بخش، زیبا، و تسلی دهنده است. بسیاری از مردم، از شنیدن انجیل و پیام محبت خوش خواهند شد. ولی آنهایی که

ولی موعظه پولس، با پایه حکمت خود و قدرت فصاحت و بلاغت بشری و **فضیلت کلام** یا **حکمت** بنا نشده بود. پولس رسول حکمت خود را تعلیم نمی‌داد و به فلسفه خود موعظه نمی‌کرد، بلکه با زبانی ساده و عامه‌فهم، **سرّ خدا** را که حقایق مربوط به عیسی مسیح باشد، به شنوندگان خود **اعلام می‌نمود**. سرّ خدا و یا پیام و شهادت خدا، پیرامون پسر یگانه‌اش عیسی مسیح است. برای بی‌ایمانان، پیام مسیح رازی سرپوشیده و امری غامض و پیچیده است. برای ایشان، پیام عیسی مسیح، **سوی مهر شده** است که بایستی باز شود (به رومیان ۱۶: ۲۵؛ افسسیان ۳: ۴-۶، ۸-۹؛ و کولسیان ۱: ۲۵-۲۷ مراجعه شود). و پولس رسول، این راز و سرّ را با بیانی ساده و قابل درک موعظه می‌کرد.

۲ در تمامی موعظه‌های پولس رسول، یک مطلب خاصی بیشتر وجود نداشت و آن مطلب، عیسی مسیح بود. هدف اصلی بشارت و وعظ پولس، یک چیز بیشتر نبود و آن اینکه شنوندگانش، اعم از مرد و زن بسوی عیسی مسیح جلب شده و به وی ایمان بیاورند.

پولس رسول فقط به **حقیقت الوهیت عیسی مسیح** وعظ نمی‌کرد، بلکه در عین حال به این امر نیز که عیسی مسیح در آن واحد بشری مانند من و شما بود. عیسی مسیح، در ضمن آنکه خدای کامل بود، بخاطر گناهان ما انسانها، همچو انسانی بر صلیب جان سپرد (مقاله عمومی: «عیسی مسیح» مشاهده شود). این پیام پولس رسول بود. فی‌الواقع تلاش پولس رسول این بود که چیزی جز این را معرفی کند. می‌گوید: **زیرا عزیزم نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب**. یعنی اینکه او فقط به عیسی مسیح مصلوب شده موعظه می‌کرد و لاغیر.

اگر پولس قصد سخنرانی حکیمانه و موعظه با **فضیلت کلام** را داشت، هرگز از صلیب عیسی مسیح ذکری بمیان نمی‌آورد. زیرا که

خواهیم برد (آیه ۱۴). انجیل، فقط به کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورند، مکشوف خواهد شد.

انجیل، حکمت خداست که پیش از دهرها برای جلال ما مقدر فرموده است. عیسی مسیح، جلال مجسم شده خداست؛ مسیح قوت خدا و حکمت خدا است (اول قرن‌تیان ۱: ۲۴). بخاطر عیسی مسیح، ما نیز جلال پیدا خواهیم کرد (به رومیان ۸: ۳۰؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۴ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید). خدا، پیش از دهرها یعنی پیش از آفرینش عالم، اراده نمود که ما را در عیسی مسیح جلال عنایت فرماید (افسیسیان ۴: ۱؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳).

۸ زمانی که عیسی مسیح به جهان آمد، حکمت خدا بطور کامل بنمایش گذارده شد. «سرّ خدا» که تا آن زمان از دیدگان بشریت مخفی بود، بطور کامل مکشوف گردید. ولی با وجود آنکه خدا بوسیله عیسی مسیح از راز بزرگ خود پرده برگرفت، بسیاری آن را درک نکردند. بسیاری مسیح را رد کرده او را نپذیرفتند. چشمان روحانی ایشان کور و تاریک شده بود، علی‌الخصوص روسای این جهان، کوردل شده و خداوند جلال را ندیدند. زیرا اگر غیر از این بود، خداوند جلال را مصلوب نمی‌کردند. روسای این عالم، سران قوم یهود و والی رومی بودند که به قتل عیسی حکم کردند، در همین حال، منظور از روسای این عالم، قوای شریر روحانی یا قوای شیطان نیز می‌باشد (افسیسیان ۶: ۱۲). زیرا، آن کسانی که عیسی را مصلوب نمودند، زیر سلطه شیطان قرار داشتند، چون بدون مداخله شیطان، هرگز کسی مرتکب چنین شرارت بزرگی نخواهد شد.

۹ در اینجا، پولس رسول از اشعیاء ۴: ۶۴ نقل قول می‌کند. چه چیزی را خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است؟ چه چیزی است که «چشمی ندید و گوشی نشنید و به خاطر انسانی خطور نکرد»؟ جواب، نجات،

صرفاً بمنظور خوشی خود به موعظه انجیل گوش فرا می‌دهند، چیزی از اصل پیام درک نمی‌کنند. ایشان نمی‌فهمند که منظور اصلی از وعظ به انجیل، صرفاً ایجاد احساس خوب و دلپذیر در شنوندگان نبوده، بلکه انجیل... قوت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی (رومیان ۱: ۱۶؛ اول قرن‌تیان ۲: ۴).

لذا، باشد که وعظ و تعلیم ما با توسل به کلام حکمت نبوده، برعکس با برهان روح و قوت خدا همراه باشد (آیه ۴)، تا اینکه ایمان شنوندگان ما نه بر پایه حکمت بشری بلکه بر پایه قوت خدا بنا گردد. زیرا که فقط بوسیله قوت روح القدس است که بشریت، اعم از مرد و زن، قادر به پذیرفتن و ایمان آوردن به عیسی مسیح خواهند بود. اگر موضوع وعظ ما فقط عیسی مسیح مصلوب شده باشد (اول قرن‌تیان ۱: ۲۳)، آنگاه می‌توان مطمئن بود که ایمان شنوندگان ما متکی بر روح القدس خواهد بود.

حکمت روح (۲: ۶-۱۶)

۶ برای افرادی که از لحاظ روحانی بالغ هستند (کاملین)، پیام پولس رسول مملو از حکمت روح خواهد بود. پولس رسول با استفاده از حکمتی که از این عالم نیست و نه از رؤسای این عالم که زایل می‌گردند به انجیل بشارت می‌دهد. منظور از رؤسای این عالم نه تنها، صاحبان مناصب و افراد بانفوذ این جهان می‌باشد، بلکه در عین حال، مقصود از روسای این عالم، اشاره به ریاستها و قدرتها و جهان‌داران این ظلمت و فوجهای روحانی شرارت در جایهای آسمانی (افسیسیان ۶: ۱۲)، است.

۷ به یک معنا، حکمت خدا، سرّی مخفی است که مانند رازی سر به مهر، از دیدگان انسانها نهان می‌باشد. انسان گناهکار و جسمانی، قادر به درک حکمت خدا نیست. فقط با کمک روح القدس است که به حکمت خدا (انجیل) پی

نمی‌کنیم؛ بلکه از چیزهایی سخن می‌رانیم که **روح القدس می‌آموزد**. لذا، سخنان ما روحانی است. و زمانی که از موضوعات روحانی سخن می‌گوییم، دربارهٔ حقایق روحانی گفتگو خواهیم کرد. زیرا که حقایق روحانی را فقط با کلمات روحانی می‌توان بیان نمود. اگر سخنان ما فی الواقع روحانی و آموخته شدهٔ روح القدس باشد، آنگاه کلام ما مملو از حقایق روحانی خواهد بود. شخصی که بوسیلهٔ روح القدس تعلیم نیافته باشد، هرگز قادر به بیان حقایق روحانی نخواهد بود، زیرا که وی هرگز نخواهد توانست که آن حقایق را درک نماید.

۱۴ انسان نفسانی (غیر روحانی)، روح القدس را نداشته و قادر به درک حقایق روحانی نبوده و **امور روح خدا را نمی‌پذیرد**. زیرا که فقط بوسیلهٔ کمک روح القدس است که قادر به درک امور روحانی و افکار خدا خواهیم بود (به انجیل یوحنا ۸: ۴۷؛ ۱۶: ۱۷-۱۷؛ رومیان ۸: ۵، ۹ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

۱۵ مسیحی واقعی **شخص روحانی** است. زیرا که یک چنین فردی، روح القدس را دریافت نموده است. فرد روحانی قادر است که هم مسائل دنیوی و هم امور روحانی را درک کرده و بطور صحیح در بارهٔ مسائل دنیوی و روحانی قضاوت نماید.

ولی انسان نفسانی، انسانی که روح خدا را نداشته باشد (آیهٔ ۱۴)، قادر به تفهیم فرد روحانی نبوده و قدرت قضاوت در مورد وی را نخواهد داشت. شخص روحانی، از خصایص اخلاقی روح القدس علی‌الخصوص ثمرات روح القدس از قبیل محبت، خوشی و سلامتی و غیره (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳) برخوردار است. فرد نفسانی قادر به درک این خصایص نبوده و قدرت تفهیم منشأ آنها یعنی روح القدس را ندارد. فرد نفسانی، قادر نیست دلایل و اولویتهای شخص روحانی را درک نماید. برای

جلال و حیات جاودانی است، این همان چیزی است که خدا پیش از بنیاد عالم برای دوستداران خود مهیا نموده است. آنچه که خدا برای دوستداران خود فراهم کرده است، بمراتب بهتر و بزرگتر از آن است که در قوت خیال و تصور ما بگنجند (به رومیان ۱۱: ۳۳؛ افسسیان ۳: ۲۰-۲۱ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

۱۰ اما خدا حکمت خود را **بر روح خود** (روح القدس) **بر ما کشف نموده است**. زیرا که روح القدس، روح خدا است و بنابراین همه چیز **حتی عمقهای خدا را نیز تفحص می‌کند**. هیچ چیز از چشمان نافذ روح القدس پنهان نمی‌باشد.

۱۱ ما انسانها هرگز قادر نیستیم که از افکار شخص دیگری آگاهی پیدا کنیم. فقط آن شخص و **روح** او، دارای این قدرت است که فکرهای وی را دانسته و از آنچه در ذهن و قلب او می‌گذرد با خبر شود. ولی اگر آن شخص، افکار خود را بما مکشوف و آشکار سازد، آن موقع به درون وی پی خواهیم برد.

به همین ترتیب، ما قادر به درک اراده و خواست خدا نمی‌باشیم و فقط روح او (روح القدس) از افکار و ارادهٔ خدا مطلع است. ولی همانطور که اگر شخصی افکار خود را با ما در میان بگذارد، از آنچه در درون وی می‌گذرد با اطلاع خواهیم شد، همچنین روح القدس ما را از افکار و ارادهٔ خدا مطلع خواهد ساخت. ایمانداران، از طریق **روح القدس**، از ارادهٔ خدا و **امور خدا** آگاهی خواهند یافت.

۱۲ ما آن روح که از خداست یعنی روح القدس را یافته‌ایم؛ و بوسیلهٔ روح القدس است که آنچه خدا به ما عطا فرموده است می‌دانیم. خدا، پسر یگانهٔ خود و به همراه او، نجات و بخشایش گناهان و عدالت و حیات جاودانی را بما عطا فرموده است.

۱۳ پولس رسول در اینجا همان مطالب آیات ۴، ۵-۵ را تکرار می‌کند. ما ایمانداران، به **سخنان آموخته شده از حکمت انسان** تکلم

«نفسانی»، و «جسمانی»، همگی بیانگر وضعیت یک همچو فردی می‌باشند.

در این آیه، یک تعلیم مهم به چشم می‌خورد و آن اینست که در اغلب موارد، پولس رسول ایمانداران مخاطب خود را با عنوان «روحانی» قلمداد می‌کند و بی‌ایمانان را با لقب «جسمانی»، و یا «دنیوی» مشخص می‌نماید (به رومیان ۱۴:۷ مراجعه شود). ولی در این آیه، پولس رسول ایمانداران قرن‌تس را با لفظ «جسمانی» خطاب کرده است. دلیل این امر اینست که ایمانداران تازه‌ایمان و نابالغ، هنوز از بسیاری جهات رشد نکرده و کماکان نیمی روحانی و نیمی جسمانی می‌باشند. زمانی که انسان به عیسی مسیح ایمان می‌آورد، بوسیله نیروی روح‌القدس، حیاتی نو و زندگی روحانی تازه‌ای پیدا می‌کند. ولی از نقطه نظر روحانی، شخص تازه ایمان، مانند طفل شیرخواره است و بایستی رشد کند. هر چند که او ایماندار و مسیحی است، ولی هنوز قسمتی از وجود و دیدگاه‌های وی جسمانی و دنیوی باقی مانده است. وی هنوز در قید و بند عادات و تمایلات دنیوی خود اسیر بوده و هنوز به سوی مسائل دنیا و جسم میل می‌کند. در قلب و مغز او، مبارزه‌ای مابین کهنه و نو وجود دارد (به رومیان ۱۹:۷-۲۱؛ غلاطیان ۵:۱۶-۱۷ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید). با گذشت زمان و با کمک روح‌القدس و بخرج دادن جدیت و نشان دادن انضباط روحانی، کم‌کم بر عادات و طریقه‌های گذشته و طبیعت کهنه خود غلبه پیدا کرده و بلوغ روحانی حاصل می‌گردد. و نهایتاً از شکل اطفال «جسمانی» و «دنیوی» خارج شده و مبدل به افراد بالغ روحانی خواهیم شد (به دوم قرن‌تبیان ۳:۱۸؛ افسسیان ۴:۱۳-۱۵ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

۲ در ابتدای کار، پولس به ایمانداران قرن‌تس **شیر** داد. یعنی ایشان را با پیام ساده و دلچسب و راحت‌الهضم انجیل تعلیم داد.

همین است که **شخص روحانی در همه چیز حکم می‌کند و کسی را در او حکم نیست.**

۱۶ در اینجا، پولس رسول از اشعیا ۴۰:۱۳ نقل قول می‌کند (به رومیان ۱۱:۳۴ مراجعه شود). به همانگونه که انسان نفسانی قادر به پی بردن به امور خدا نیست، وی از درک افکار ما ایمانداران نیز عاجز می‌باشد. زیرا ایمانداران حقیقی فکر خدا را دارند یعنی **ما فکر مسیح را داریم**. چه حقیقت باور نکردنی! و حال که ما اینک دارای فکر مسیح هستیم، بیایید از این موهبت شگفت‌آور، حداکثر استفاده را بنماییم!

باب ۳

پیرامون تفرقه در کلیسا (۳:۱-۹)

۱ در ابتدای امر، زمانی که پولس رسول به تعلیم و بشارت ایمانداران قرن‌تس پرداخت، ایشان را مانند اطفال روحانی، تعلیم داد. وی نمی‌توانست که با آنها مانند مسیحیان بالغ و جاافتاده رفتار کند، زیرا که آنها هنوز در ایمان جوان و طفل بودند. گویانکه، آنها مسیح و روح‌القدس را دریافت کرده بودند، ولی هنوز کماکان طفل و **جسمانی** بودند.

جهت درک این آیه، لازم است که نخست معنی عبارت **جسمانی** روشن شود. انسان «جسمانی» کسی است که در راه‌های دنیا و طریق جسم گام برمی‌دارد. وی چیزهای دنیا را بیشتر از خدا دوست می‌دارد. انسان جسمانی و دنیوی **به حسب جسم رفتار می‌کند** (رومیان ۸:۴)، یعنی اینکه وی هنوز تحت کنترل امیال نفسانی و هوسهای طبیعت کهنه گناهکار خود قرار دارد. هنوز این طبیعت گناه‌آلود وی است که عنان زندگی او را در دست دارد. انسان نفسانی، هنوز از قیود جسم و گناه آزاد نشده است (به رومیان ۶:۱۱-۱۲ مراجعه شود). بعبارت دیگر، «شخص جسمانی» را می‌توان «فردی دنیوی و نفسانی» و انسانی فاقد روح خدا دانست (اول قرن‌تبیان ۲:۱۴). لذا عباراتی نظیر «دنیوی»،

گذشته است و اوضاع و احوال روحانی ایمانداران کلیسای قرن‌تس بایستی تغییر کرده باشد. ولی متأسفانه، ایشان هنوز در حالت طفولیت بسر می‌برند، ایشان هنوز آمادگی هضم غذای سنگین روحانی را ندارند. آنها هنوز برای شنیدن تعالیم عمیق‌تر روحانی انجیل آماده نمی‌باشند! چرا؟ زیرا که ایشان هنوز رشد نکرده‌اند. آنها از روح مولود گردیده‌اند ولی در روح زیست نمی‌کنند (غلاطیان ۵:۱۶).

۳ چه عاملی باعث شده بود که پولس رسول را متوجه عدم بلوغ و طفولیت ایمانداران قرن‌تس بسازد؟ چگونه پولس به این نتیجه‌گیری رسیده بود که مسیحیان کلیسای قرن‌تس «دنیوی» می‌باشند؟ چرا وی به ایشان می‌گوید: «تا به حال جسمانی هستید»؟ جواب پولس رسول بسیار ساده است، **چون در میان شما حسد و نزاع و جدایی‌ها است.** در بین مسیحیان روحانی و بالغ، جدایی و حسد و نزاع، امری رایج نیست. اعضای کلیسای قرن‌تس «جسمانی» بوده و به **طریق انسان** یعنی انسان جسمانی و گناهکار رفتار می‌کردند. رفتار ایشان به گونه‌ای بود که گویی هرگز به مسیح ایمان نیاورده بودند!

۴ در اینجا می‌بینیم که جدایی و جدل و نزاع در باره چه بوده است. ایمانداران کلیسای قرن‌تس در دام گروه‌بازی و دسته‌بندی افتاده بودند (اول قرن‌تیان ۱:۱۲). این بهترین دلیل جهت اثبات ادعای پولس مبنی بر جسمانیت و رفتار کودکانه ایشان بود.

بیاید خود را تفتیش کنیم، رفتار ما چقدر شبیه قرن‌تیان هست؟ باید از خود پرسیم که «آیا من مسیحی جسمانی هستم و یا اینکه روحانی؟»

نکته دیگری که از این چهار آیه اول باب سوم می‌توان فراگرفت اینست که هرچند ممکن است که مسیحیانی باشند که در همه امور زندگی براساس هدایت روح‌القدس رفتار نکنند، ولی هرگز نبایستی از این حقیقت مهم غافل شد

پیامهایی از قبیل: خدا ما را دوست دارد و مایل است که ما را ببخشد (انجیل یوحنا ۳:۱۶)، مسیح بخاطر گناهان ما جان سپرده است (رومیان ۵:۸)؛ مسیح ما را آرامی می‌بخشد (متی ۱۱:۲۸) و مانند اینها. این پیامها، مانند شیر روحانی بوده و برای اطفال روحانی غذایی مناسب و مقوی است (به عبرانیان ۵:۱۱-۱۴؛ اول پطرس ۲:۲ مراجعه شود).

ولی از سوی دیگر، غذای «گوشتی»، عبارت است از تعالیم کمی غامضتر و ثقل‌الهمضم‌تر کتاب‌مقدس. اینها عبارتند از کلمات عیسی مسیح مانند موعظه سرکوه (انجیل متی ۵-۷ و انجیل یوحنا ۱۳-۱۶)، و یا تعالیم پولس رسول. قسمتهایی از کتاب‌مقدس که شامل هشدارها و نصیحت‌های مهم می‌باشند از جمله تعالیم سخت و ثقیل کتاب‌مقدس محسوب می‌گردند، قسمتهایی نظیر انجیل مرقس ۸:۳۴-۳۵؛ رومیان ۸:۱۳؛ دوم تیموتائوس ۳:۱۲؛ و یا عبرانیان ۱۰:۲۶-۳۱ و بسیاری آیات دیگر.

بنابراین، وظیفه یک شبان حکیم اینست که پیش از هر کاری، به وضعیت روحانی افراد کلیسای خود پی برد و بنا به مقتضای سن روحانی آنها، تعالیم مناسب و قابل هضم را برای گله خود فراهم کند. یک شبان حکیم، خواهد دانست که آیا افراد کلیسایش محتاج به شیر هستند و یا غذای گوشتی. بعضی باید شیر بخورند و بعضی دیگر غذای گوشتی، اگر به یک طفل شیرخواره گوشت بدهیم، وی هرگز قادر به جویدن و بلع آن نبوده و حتی ممکن است خوراکی در حلقومش گیر کرده او را خفه کرده باعث مرگش بشود!

زمانی که پولس به قرن‌تس رفت، ایمانداران کلیسا، هنوز طفل بودند و قدرت هضم غذای گوشتی را نداشتند و وی مجبور بود که به آنها خوراک شیری بدهد (آیه ۱). ولی از آن ایام تا زمان نگارش رساله حاضر سه تا چهار سال

و صرفاً وسیله انجام کار خدائیم که بذر کلام را کاشته و آن را آبیاری می‌کنیم (انجیل مرقس ۴:۳، ۱۴). ولی کسی که کار اصلی را انجام می‌دهد و باعث رویدن بذر و به ثمر رسیدنش می‌شود، خدا است. این خود خداست که باعث بشمر آمدن کلامش شده و ایمانداران را به کلیسایش اضافه می‌کند. تنها خداوند است که قلوب را عوض می‌کند و بخاطر خداست که مردم به عیسی مسیح ایمان می‌آورند. کار و تلاش ما بدون قوت و برکت خدا به هیچ جایی نخواهد رسید. پس همانطور که پولس رسول پیشتر اشاره نمود: **هر که فخر کند در خداوند فخر نماید** (اول قرن‌تیان ۱:۳۱).

پولس و اپلس، هر دو خادمین یک ارباب یعنی عیسی مسیح هستند. اگر هر دوی آنها یک آقا و خداوند را خدمت می‌کنند، دیگر چه لزومی دارد که هر یک از آنها در کلیسای قرن‌تس دسته و گروه طرفداران خود را داشته باشند؟ اگر کلیسا یک ارباب دارد، پس در درون کلیسا نیز بایستی یک دستگی وجود داشته باشد.

۱ پولس و اپلس، یک ارباب و خداوند دارند و آن آقا به هر یک از ایشان کار و وظیفه خاصی محول نموده است. به همین ترتیب، ارباب و آقایمان عیسی مسیح به هر کدام از ما وظیفه خاصی سپرده است (به اول قرن‌تیان ۱۲:۴-۶ مراجعه نمایید). **و هر یک (از ما) اجرت خود را بحسب مشقت خود خواهد یافت**، یعنی اینکه در نهایت کار، هر کدام از ما بنابه میزان تلاش و کارکرد خود، پاداش کار خود را خواهیم گرفت. بخاطر داشته باشیم که پاداش و اجرت ما به بازدهی و موفقیت و سود حاصله بستگی نداشته بلکه معیار اجرت، میزان مشقتی است که بخاطر انجام وظیفه متحمل می‌گردیم. در مثل قنطارها، عیسی مسیح بما تعلیم می‌دهد که غلامی که پنج قنطار سود کرد، مزدی معادل آن غلامی که دو قنطار سود حاصل نموده بود دریافت نمود (انجیل متی ۲۵:۲۰-۲۳). در

که علی‌رغم رفتار کودکانه بعضی ایمانداران، ایشان کماکان مسیحی و فرزندان عزیز خدا بوده و باید رفتارمان در رابطه با آنها توأم با پذیرش و محبت باشد. اغلب پیش می‌آید که برادری را که رفتار و زندگی‌اش جسمانی و دنیوی است مشاهده کرده و ممکن است که در دام این وسوسه بیافسیم که «این فرد غیرممکن است که مسیحی حقیقی باشد و حتماً فردی دنیوی است». ولی باید در نظر داشت که فقط خداست که قادر به چنین قضاوتی است. تنها خداست که می‌داند چه کسی مسیحی واقعی است. بلی، ما می‌توانیم که با مشاهده رفتار برادرمان قضاوت کرده بگوییم که این طرز رفتار مسیح‌گونه و مسیحایی نمی‌باشد، ولی هرگز حق و اجازه اظهار اینکه این فرد به مسیح تعلق دارد یا نه، را نداریم. بلی ممکن است که فرد مورد نظر مسیحی واقعی و راستین نبوده و فقط با زبان خود به مسیح اعتراف کرده و قلبش از عیسی خداوند دور باشد. ولی در عین حال این امکان نیز وجود دارد که قلب آن شخص در حقیقت متعلق به عیسی مسیح بوده ولی رفتار و حرکاتش کودکانه و نابالغ است. لذا اگر برادری مسیح خداوند را اعتراف کند، هر چند که رفتار دنیوی و جسمانی باشد، او را بایستی بعنوان برادر روحانی پذیرفت و محبت کرد. ما اجازه حکم کردن و قضاوت کردن را نداریم، زیرا حکم کردن و قضاوت در باره اینکه چه کسی به خدا تعلق دارد، در حیطة قلمرو خداوند است، نه ما (به انجیل متی ۷:۱؛ رومیان ۲:۱ و ۱۴:۱ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

۵-۷ چرا قرن‌تیان از پولس و اپلس دنباله‌روی می‌کردند؟ (اول قرن‌تیان ۱:۱۲). پولس و پولس، انسانهای فانی بیش نبودند. آنها صرفاً خادمین آقای خود مسیح بودند. پولس بذر کلام را کاشت (اعمال ۱۸:۴)، و اپلس آن را آبیاری نمود (اعمال ۱۸:۲۷). ولی این فقط عمل باغبان است. ما مسیحیان «باغبانان» خدا هستیم

توجه داشت که عیسی مسیح، بنیاد کلیسا است (آیه ۱۱). از این جهت است که پولس خود را معمار دانا قلمداد می‌کند، زیرا که او دانست که بهترین بنیاد را برای بنای کلیسا انتخاب کند.

پولس اولین مبشر مسیحی بود که به شهر قرن‌تس پا نهاد، لذا مسئولیت او این بود که کلیسا را در آن شهر پایه‌گذاری نماید. اینک این قرن‌تیان بودند که کلیسای خود را بنا کرده و بر آن پایه‌ای که پولس بنیاد نهاده بود، مشغول بنا کردن شدند. پولس رسول، در این آیه ایشان را تشویق می‌کند که «با خبر» باشند که بنای کلیسایشان مطابق با شالوده آن یعنی عیسی مسیح باشد. پولس از ایشان می‌خواهد که بنایی در خور شالوده عیسی مسیح بنا نمایند. نباشد که بر پایه قصری، کلبه خرابه‌ای ساخته شود. **لکن هر کس با خبر باشد که چگونه عمارت می‌کند.** زیرا حقیقت امر این بود که اعضای کلیسای قرن‌تس، بر پایه‌ای که پولس بنیاد نهاده بود، کلبه خرابه‌ای بنا کرده بودند!

۱۱ بنیاد همه اعمال ما باید عیسی مسیح باشد (به افسسیان ۲: ۱۹-۲۲ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید). اگر کلیسایی بر پایه عیسی مسیح بنا شده باشد، تفرقه و جدایی در آن جایی پیدا نخواهد کرد.

۱۲-۱۳ ما می‌توانیم که با استفاده از مصالح مختلف ساختمانی، کلیسای خدا را بنا کنیم، زیرا که خدا به ما هدایا و قابلیت‌های مختلف عطا فرموده است. البته بهتر اینست که از مصالح مرغوب و از بهترین هدایا و قابلیت‌های خود جهت بنای کلیسا استفاده نماییم و از بکار بردن چیزهایی که به آتش خواهد سوخت امتناع ورزیم. در هر صورت بایستی مواظب بود که در راه بنای کلیسا حداکثر تلاش و کوشش بخرج برود.

مقصود پولس از **آن روز**، روز داوری نهایی است که در انقضای عالم بوقوع خواهد پیوست. در آن روز، خدا اعمال ما را مورد امتحان قرار

نهایت کار، ایمان‌داری که دارای عطایای قلیل و قابل ملاحظه‌ای نیست، همان پاداشی را می‌یابد که ایمان‌داری که عطایای مختلف و قابل توجهی دارد، زیرا معیار خدا برای ما موفقیت و بازدهی نبوده بلکه کار و تلاش و مشقت بردن است. در انجیل لوقا ۱۹: ۱۶-۱۹، مثل عیسی مسیح کمی با مثلی که در انجیل متی می‌خوانیم تفاوت داشته ولی اساساً معنی آن یکی است. در انجیل لوقا می‌خوانیم که خادمان هر کدام یک قنطار دریافت داشتند. ولی پاداش ایشان متفاوت بود، یعنی یک غلام ده شهر و دیگری فقط پنج شهر دریافت نمود. پاداش این غلامان با یکدیگر فرق داشت چون میزان تلاش و مشقتشان یکی نبود. لذا هر کس بنا به میزان تلاش و **مشقت** خود، اجرت خویش را دریافت خواهد نمود.

۹ پولس در اینجا خود و اپلس را بعنوان **همکاران خدا**، یا عبارتی کارگران مزرعه خدا معرفی کرده و کلیسای قرن‌تس را **زراعت خدا** قلمداد می‌کند. هر یک از ایمانداران کلیسای قرن‌تس، بذری است که در آن مزرعه کاشته شده است.

کلیسا (جماعت ایمانداران)، را نیز می‌توان بعنوان **عمارت خدا**، مکانی که خدا آن را ساخته است، شناخت (به افسسیان ۲: ۲۲؛ اول پطرس ۲: ۵ و تفسیر آن مراجعه نمایید).

عمارت خدا (۳: ۱۰-۲۳)

۱۰ پولس در اینجا اظهار می‌دارد که **بحسب فیض خدا که به من عطا شد، چون معماری دانا بنیاد نهادم.** آیا پولس در اینجا به کار خود فخر می‌کند؟ خیر، زیرا که وی اذعان می‌دارد که همه این کارها را بخاطر **فیض خدا که به من عطا شد** انجام داده‌ام (به رومیان ۱: ۵؛ اول قرن‌تیان ۱۵: ۱۰؛ افسسیان ۳: ۷ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید). خدا به پولس رسول، دانایی و مهارت و **فیض** بخشید تا مانند معماری دانا برای او کار کند. پولس بنیاد را نهاد، ولی در عین حال باید

خواهد داد. در آن روز، خدا اعمال ما را با آتش آزمایش خواهد کرد (آیه ۱۳). در بسیاری از مواقع، خدا اجازه خواهد داد که آتش (جفا و سختی) کلیسای ما را تحت آزمایش قرار دهد تا اینکه بوسیله آن آتش، میزان خلوص ایمان و وفاداری ما سنجیده‌گردد (ایوب ۲۳:۱۰).

۱۴-۱۵ اگر آنچه که انجام داده باشیم، بنوعی مطابق میل و اراده خدا نبوده باشد، آنگاه عمل ما سوخته خواهد شد و پاداش ما در بهشت کمتر خواهد بود. یعنی به اجرت ما زبان خواهد رسید (آیه ۱۵). ولی ما نجات خود را از دست نخواهیم داد.^۵

برای مثال اگر معماری، به هنگام ساختن خانه، بی توجهی نشان داده و خانه را چندان مرغوب بنا نکند؛ پس از مدت کوتاهی خانه خراب خواهد شد و یا دیوارهایش فرو خواهد ریخت و آن معمار مجبور است که ضرر و زیان صاحب‌خانه را پرداخت کرده و غرامت لازم را بپردازد، ولی خرابی خانه، ضرر جسمانی به خود آن معمار وارد نخواهد ساخت. تنها ضرری که به آن معمار خواهد رسید، تهی شدن جیبش است. به همین صورت، ما نیز بدون دریافت پادشاهی بهشتی خود وارد بهشت خواهیم شد. از چگونگی پادشاهی که خداوند در بهشت برای کارگران خود تهیه دیده است، اطلاعی در دست نیست. ولی اگر کارمان را بخوبی انجام دهیم، قطعاً خداوند نیز بصورتی نیکو پاداشی مناسب به ما خواهد بخشید (به انجیل متی ۲۴:۷-۲۷؛ اول قرن‌تیان ۴:۵؛ دوم یوحنا ۸

مراجعه نمایید).

۱۸ مسیحیان قرن‌تس خود را حکیم می‌پنداشتند. شاید ایشان از لحاظ حکمت دنیوی، «حکیم» بودند؛ ولی پیش خدا، حکمت دنیا جهالت است (آیه ۱۹). احمق و جاهل بودن در نظر جهان، بمراتب بهتر است از جاهل شمرده شدن در نزد خدا! (به اول قرن‌تیان ۱:۲۷؛ مراجعه شود).

۱۹-۲۰ در اینجا پولس رسول از ایوب ۵:۱۳ و مزور ۹۴:۱۱ نقل قول می‌کند (به اول

۵- در بهشت، پاداشی مطابق کار و زحمت و تلاش ما بما عطا خواهد گردید؛ ولی نجات فقط بوسیله ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌گردد (متی ۱۶:۲۷؛ افسسیان ۲:۸-۹؛ دوم قرن‌تیان ۵:۱۰ و تفسیر آن آیات و همچنین مقاله عمومی: «طریق نجات» مشاهده شود).

۶- کلیسای جهانی مسیح هرگز نبود نخواهد شد، ولی کلیسای محلی ممکن است بخاطر گناه اعضای آن، نابود شده و یا رو به زوال رود.

۱۶ هر کدام از ما مسیحیان در عمارت هیکل (معبد) خدا که همان کلیسا باشد، ساخته و بنا نهاده شده‌ایم. ما ایمانداران، سنگهای کلیسای خداوند هستیم (اول پطرس ۲:۵). **روح خدا** یا روح‌القدس در ما، در درون هیکل خدا، ساکن است (به اول قرن‌تیان ۶:۱۹؛ افسسیان ۲:۲۲ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

قرن‌تیاں ۱۹:۱-۲۰، ۲۵ (مراجعه نمایید).
۲۱ از همه این سخنان، پولس اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند: **پس هیچ‌کس در انسان فخر نکند**. به انسانهایی نظیر پولس و اپلس، فخر نکنید! بجای آنکه کلیسای قرن‌تس از پولس و اپلس پیروی کند، بایستی که به دنبال عیسی مسیح حرکت نماید (به اول قرن‌تیاں ۴:۶ مراجعه نمایید). اگر می‌خواهند فخر کنند، به عیسی مسیح فخر نمایند (اول قرن‌تیاں ۱:۲۹، ۳۱). بوسیله عیسی مسیح، خدا **همه چیز** را به ایشان بخشیده است (به رومیان ۸:۳۲؛ اول قرن‌تیاں ۱:۳۰؛ افسسیان ۳:۱ مراجعه نمایید). آنها همه چیز را دارند، زیرا که در عیسی مسیح هستند پس جای فخر آنها در چیست؟ بجای فخر و غرور، باشد که خدا را بخاطر عطای غیرقابل توصیفش حمد و سپاس بگویند.

چون ما در مسیح هستیم و مسیح در ماست، همه چیز از آن ما خواهد بود (انجیل یوحنا ۴:۱۵-۵). اگر از بودن در مسیح دست بکشیم، هر آنچه را که دریافت کرده‌ایم یعنی همه چیز را، از دست خواهیم داد (انجیل یوحنا ۱۵:۶).

مسیح از خدا می‌باشد. همانطور که مسیح در ماست، خدا نیز در مسیح بود (به انجیل یوحنا ۱۷:۲۲-۲۳ مراجعه نمایید). ولی مسیح نه تنها **از خداست**، او خود، خدا می‌باشد. «**من و پدر یک هستیم**» (انجیل یوحنا ۱۰:۳۰).

باب ۴

رسولان مسیح (۴:۱-۱۳)

۱ پولس رسول می‌نویسد که **هرکس ما را** (پولس، اپلس، و دیگر رسولان را) **چون خدام مسیح و وکلای اسرار خدا بشمارد**» نکته‌ای که پولس رسول سعی در تفهیم آن دارد اینست که، رسولان و رهبران کلیسا، خادمین مسیح هستند و نبایستی به ایشان به چشم رهبر گروه‌های مختلف و دسته‌های سیاسی درون کلیسا نگریست. ایشان یک ارباب دارند و او عیسی مسیح است.

همه کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اند، در حقیقت خادمین مسیح می‌باشند. و اگر همه مانند خادمان و نوکران مسیح رفتار کنند دیگر تفرقه و خصومت ایجاد نخواهد شد (به انجیل متی ۲۳:۸، ۱۰ مراجعه شود).

رسولان **وکلائی اسرار خدا** هستند. این «اسرار خدا»، همانا طریق نجات و مژده نجات بوسیله عیسی مسیح است. این «اسرار» زمانی از دیدگان عموم مخفی بود ولی اینک به معرض دید همگان نهاده شده و رسولان عیسی مسیح آن

۲۲ خدا به کلیسای قرن‌تس، رسولانی نظیر پولس و اپلس و کیفا (پطرس) عطا فرمود. ولی قرن‌تیاں یکی را پذیرفته و دیگری را رد نمودند! در حالی که هر سه ایشان رسولان خدا و عطای خداوند به کلیسای قرن‌تس بودند. چرا ایشان هدیه خدا را قبول نمودند؟ علت این بود که هرچند که ایشان خود را حکیم می‌پنداشتند، ولی در واقع احمق و جاهل بودند.

همه از آن شما است. تمامی جهان به ما تعلق دارد! کسی که به عیسی تعلق نداشته باشد، از آن جهان است، ولی جهان از آن کسی است که متعلق به مسیح باشد! زیرا که تمامی قوت و قدرت به مسیح سپرده شده است و مسیح قوت و قدرت و برتری خود را بما داده است (به انجیل متی ۱۸:۲۸ مراجعه نمایید). ولی ما ایمانداران نه تنها وارثان این جهان خواهیم شد؛ بلکه وارثین ملکوت آسمان نیز هستیم (انجیل متی ۵:۳، ۵، ۱۰).

۲۳ **همه چیز از آن ما است**. به استثنای یک چیز، و آن خویشتن ماست! همه چیز به ما تعلق دارد ولی ما به خود متعلق نمی‌باشیم! ما به

اسرار را برای کلیسا بازگو نموده‌اند (رومیان ۱: ۱۷؛ اول قرن‌تیان ۲: ۷). این «اسرار» به رسولان سپرده شده بود، و لذا رسولان وکلای «اسرار خدا» شمرده می‌شوند.

۲ وکیل کسی است که چیزی به او سپرده شده باشد. و اگر شخصی طرف اعتماد قرار گرفته و چیزی به او سپرده شده باشد، باید که امین بوده، و وظیفه خود را بنحو احسن انجام دهد. از آنجا که خدا پولس رسول را مورد اعتماد خود قرار داده و «اسرار» الهی را بدو مکشوف نموده است، پولس نیز با کمال وفاداری و جدیت، در جهت بنای بدن مسیح، **هیکیل** روح‌القدس (اول قرن‌تیان ۳: ۱۶) یعنی کلیسای مسیح کوشش کرده، با موعظه کلام قرن‌تیان را بنا می‌کرد.

۳ پولس رسول، وظیفه رسالت خود را بنحو احسن انجام داده و سعی در بنای حزب و گروه خود نمی‌نمود. بلکه هدف او این بود که کارش مورد تأیید خدا قرار بگیرد (انجیل یوحنا ۵: ۴۴، ۴۱؛ غلاطیان ۱: ۱۰). به همین گونه، ما نیز نبایستی در پی کسب نام نیک و شهرت برای خود باشیم. البته بایستی از بد نامی پرهیز نمود! و بایستی تا حد امکان سعی کنیم که نام خود را از هر لکه و عیبی دور نگاه داریم زیرا که بدنامی ما باعث لکه‌دار شدن نام عیسی خواهد شد. ولی اگر همیشه در پی انجام اراده خدا کوشا باشیم، عنقریب است که از سوی جهان گناهکار مورد ملامت و حکم قرار بگیریم. در اینجا پولس رسول می‌گوید: **اما بجهت من کمتر چیزی است که از شما یا از یوم بشر (دادگاه انسانی) حکم کرده شوم.** بیایید نگران حرف مردم نبوده، با جدیت در راه انجام اراده خدا کوشا باشیم. از آنجا که انسان هیچگاه از کلیه حقایق برخوردار نمی‌تواند بود، لذا بشر هیچگاه نمی‌تواند قاضی خوبی باشد. از قضاوت کسانی که قدرت داوری صحیح را ندارند نباید ترسید. لکن از سوی دیگر، خدا قاضی عادل و داور مطلق ماست، ما

۴ پولس در اینجا می‌گوید که پس از تفتیش خود، **در خود عیبی نمی‌بینم** این گفته حاکی از غرور پولس نیست، بلکه منظور اینست که وی در کمال صداقت، معتقد است که کار خلافی انجام نداده است و وجدانش او را ملامت نمی‌کند. او جهت خدمت مسیح و بشارت انجیل، وکیل امینی بوده و در راه انجام وظیفه از هیچ جان‌بازی دریغ نداشته است (دوم قرن‌تیان ۱: ۱۲). ولی هرچند، وجدانش او را ملامت نمی‌کند، پولس خود را هرگز بی‌گناه و خالی از اشکال محسوب نمی‌نماید. زیرا که در اغلب مواقع، ما یا گناه خود را نمی‌بینیم و یا آن را بزودی بدست فراموشی می‌سپاریم. ولی خدا همه چیز را می‌بیند؛ او از مخفی‌ترین گناهان ما نیز با اطلاع است. ما هرگز نخواهیم توانست در مقابل خدا، خود را بی‌گناه و یا عادل قلمداد کنیم، تنها خداست که می‌تواند ما را عادل محسوب نماید (به رومیان ۴: ۱۴ مراجعه نمایید).

بلکه حکم کننده من خداست. خدا، به مسیح قوت داده است که بر تمامی زندگان و مردگان داوری نماید (به انجیل یوحنا ۵: ۲۲-۲۳

مراجعه شود).

۵ قضاوت کردن خود و یا دیگران وظیفه ما نبوده و ما حق انجام این عمل را نداریم. **تا خداوند بیاید**، یعنی روزی که عیسی مسیح به جهت داوری جهان بیاید، در آن زمان، خداوند همه کس را با کمال عدل داوری خواهد نمود (انجیل متی ۱۳: ۲۴-۳۰، ۳۷-۴۳). تنها عیسی مسیح است که **خفا‌بای ظلمت** (گناهان مخفی) را **روشن خواهد کرد و نیتهای دلها** (مقاصد و مطامع و انگیزه‌های ما انسانها) را **به ظهور خواهد آورد**. پس بنابراین، تنها کسی که قادر به قضاوت دیگران می‌باشد، عیسی مسیح است و بس (به رومیان ۱۶: ۲ مراجعه نمایید).

ما خیلی در قضاوت کردن عجول هستیم، حتی این امر برای بعضی‌ها تبدیل به یک عادت ناپسند گردیده است. ولی آیا نبایستی از قضاوت و حکم کردن دیگران بترسیم؟ زیرا که عیسی مسیح فرموده است اگر حکم کنیم، بر ما نیز حکم خواهد شد (به انجیل متی ۷: ۱-۲ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

آنگاه هر کس را مدح از خدا خواهد بود. در اینجا پولس رسول در باره ایمانداران سخن می‌راند. در آن روز داوری، بی‌ایمانان بخاطر گناهانشان، محکوم خواهند شد ولی ایمانداران از خدا **مدح** خواهند یافت. خداوند در آن روز ایمانداران را بر اساس کارهای نیکشان و مشقتی که بخاطر انجیل تحمل کرده‌اند، پاداش نیکو خواهد داد (به اول قرن‌تیان ۳: ۸، ۱۳-۱۴ مراجعه نمایید). در مقام مقایسه با **مدح** خدا، مدح انسان چه ارزشی دارد؟ (به دوم قرن‌تیان ۱۰: ۱۸ مراجعه نمایید).

۶ پولس رسول در این آیه، از یک ضرب‌المثل یهودی استفاده کرده می‌گوید: **از آنچه مکتوب است تجاوز نکنید**، یعنی اینکه چیزی زیاده بر تعلیم کتاب مقدس، تعلیم ندهید (در زمان نگارش این رساله، فقط کتب عهدعتیق وجود داشت و عهدجدید هنوز بصورت کامل

و امروزی آن تدوین نگردیده بود). آنچه که در کتاب مقدس موجود است، حکمت و حقایق خدا می‌باشد. اگر از مفاد کتاب مقدس پا فراتر گذاریم، آنگاه تعالیم و مبانی زندگی خود را بر پایه حکمت بشری و حکمت دنیا بنا خواهیم نمود، و گفتیم که حکمت جهان، نزد خدا جهالت است (اول قرن‌تیان ۳: ۱۹).

تمامی برکات و عطایای بشر از سوی خدا هدیه گردیده است. اگر این سخن حقیقت داشته باشد، پس چرا یکی از شما **تکبر کند برای یکی بر دیگری؟** چرا یکی بر پیروی از پولس تأکید کرده و دیگری خود را دنباله‌رو اپلس قلمداد نماید؟ (به اول قرن‌تیان ۳: ۴-۲۱، ۵ مراجعه نمایید). تکبر کردن به یکی و خوار شمردن دیگری، به تفرقه و جدایی خواهد انجامید. و این تفرقه و جدایی، همانند زخمی بر پیکر مسیح (کلیسا) است.

۷ هر آنچه که داریم از سوی خداست. ما هیچ عطیه و برکتی که از خود ما صادر شده باشد، نداریم (البته بجز گناهانمان!). حال که همه چیز را از خدا یافته‌ایم، نبایستی که به این شخص و آن فرد فخر کرده و تکبر بورزیم.

۸ در این آیه، پولس رسول با لحنی آمیخته با تمسخر و طعن، طرز فکر قرن‌تیان را نسبت به خود و جهالت ایشان را مورد نکوهش قرار می‌دهد. خدا ایمانداران قرن‌تس را به برخی عطایای روحانی مبارک ساخته بود، ولی اینک رفتار ایشان به گونه‌ای بود که گویی از هر لحاظ کامل و از هر چیز بی‌نیاز شده بودند. ایشان به خود می‌گفتند: «ما همه چیز داریم و به هیچ چیز و هیچ کس محتاج نیستیم». ایشان خود را پادشاه و سلطان می‌دانستند! ولی حقیقت این بود که آنها در فقر کامل روحانی بسر برده، از لحاظ روحانی اطفال ضعیفی بیش نبودند! (به اول قرن‌تیان ۳: ۱-۲؛ مکاشفه ۳: ۱۷ مراجعه نمایید). آنها فقط در غرور و تکبر ثروتمند بودند!

نمایند» (انجیل مرقس ۸: ۳۴). پولس رسول به قرن‌تبیان می‌نویسد که وی و رسولان دیگر، نه تنها سلطنت نمی‌کنند، بلکه با ایشان مانند جنایتکاران و محکومین به اعدام رفتار شده و مورد لعنت و تمسخر دیگران قرار داشته‌اند و **مردم را تماشاگاه** شده‌اند (رومیان ۸: ۳۶).

۱۰ پولس رسول به لحن طعن‌آمیز خود ادامه داده، ادعاهای مسیحیان قرن‌تس را برای خودشان تکرار می‌کند. قرن‌تبیان طوری رفتار می‌کردند که گویی از رسولان بهتر و داناتر هستند. ایشان خود را **دانا، توانا و عزیز** می‌دانستند، در حالی که رسولان گرانقدر مسیح **جاهل، ضعیف و ذلیل** بودند.

پولس رسول در باره وضعیت واقعی رسولان (جاهل، ضعیف و ذلیل) صحبت می‌کند. ایشان بخاطر مسیح جاهل و ضعیف و ذلیل گردیده بودند. رسولان مسیح بخاطر بشارت انجیل و محبت عیسی مسیح، **بی‌فهم** گردیده بودند (دوم قرن‌تبیان ۱۲: ۱۱)، ایشان فی‌الواقع **ضعیف و ذلیل** بودند (اول قرن‌تبیان ۲: ۳؛ دوم قرن‌تبیان ۱۳: ۹).

۱۱-۱۳ در این آیات، پولس به شرح چگونگی زندگی یک رسول عیسی مسیح ادامه می‌دهد. باید توجه داشت که این طریقه زندگی منحصر به رسولان اولیه مسیح نبوده، هر مسیحی واقعی نیز ممکن است اینگونه بخاطر مسیح زجر کشد (به دوم قرن‌تبیان ۶: ۴-۱۰؛ ۱۱: ۲۳-۲۹ مراجعه نمایید). خداوند ما عیسی مسیح خود بیش از رسولانش متحمل زجر و شکنجه و مشقت گردید.

زمانی که ما همچون پولس رسول **دشنام شنیده، مظلوم** شده (مورد ظلم قرار گرفته)، و **چون افسترا می‌زنند**، (آیه ۱۲ و ۱۳)، چگونه عکس‌العملی نشان خواهیم داد؟ آیا مانند پولس رسول **برکت می‌طلبیم، صبر می‌کنیم**، و **نصیحت می‌کنیم**؟ زیرا که این رفتاری است که خدا از هر ایماندارش توقع دارد (به انجیل متی ۵: ۴۴؛

چقدر در اشتباه بسر می‌بردند! در جایی که پولس و اپلس و دیگر رهبران، خود را عملی انجیل و کارگران و خادمین و غلامان محسوب می‌کردند، مسیحیان قرن‌تس خود را پادشاه و سلطان قلمداد می‌نمودند! پولس با طعن به ایشان می‌نویسد که «کاشکه سلطنت می‌کردید تا ما نیز با شما سلطنت می‌کردیم». ولی پولس رسول هیچ تمایلی به سلطنت کردن نداشت، و با گفتن این حرف، وی صرفاً منتهای غرور و ندانم‌کاری قرن‌تبیان را بیادشان می‌آورد.

۹ در اینجا، پولس رسول، از تجربیات خود و رسولان دیگر عیسی مسیح سخن بمیان می‌آورد. بخاطر رسالت و پیام انجیل، ایشان (پولس و دیگر رسولان) نه تنها از بی‌ایمانان، بلکه از سوی ایمانداران نیز متحمل هر گونه سختی و مخالفت و خطر و تهدید جانی گردیده بودند. بجای آنکه خود را سلطان دانسته و سلطنت کنند، ایشان را مانند مجرمین و محکومین محسوب کرده، حکم قتل و شکنجه آنها صادر گردیده بود.

رسم رومیان این بود که فرد جنایتکار و محکوم به اعدام را از میان مردم و تماشاچیان عبور می‌دادند تا هر کس که ایشان را می‌دید، بر آنها لعنت و آب دهان انداخته، ایشان را مورد تحقیر قرار می‌داد. به عبارت دیگر، شخص جنایتکار **عرضه** می‌شد تا اینکه **تماشاگاه** جهان و مردم بشود. محکومین به اعدام، صلیب خود را که قرار بود بر آن آویخته گردند بر دوش گرفته، از میان تمسخر و آب دهان و لعنت و نفرین جمعیت تماشاچیان می‌گذشتند. عیسی مسیح هم به همین گونه صلیب خود را بر دوش گرفته، در کوچه‌های اورشلیم و از میان جماعت تمسخر کننده گذر نمود (انجیل یوحنا ۱۹: ۱۷-۱۸). پیش از مرگ خود، عیسی مسیح از همین مطلب استفاده کرده، به شاگردان خود فرمود: «**هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، سرا مستابعت**

محسوب می‌گشت. به همین خاطر است که وقتی پولس رسول به قرن‌تیان نامه می‌نویسد، ایشان را **فرزندان محبوب** خود خطاب می‌کند (آیه ۱۴).

۱۶ اطفال بایستی از پدر خود تقلید کرده، چیز یاد بگیرند. پولس به مسیح اقتدا می‌کرد و از قرن‌تیان می‌خواهد که ایشان نیز در پیروی از مسیح به او اقتدا نمایند (اول قرن‌تیان ۱:۱۱). ولی در خلال این کار، ایشان نبایستی پیروان و شاگردان پولس رسول گردند، بلکه پولس می‌خواهد که آنها شاگرد مسیح بشوند. زیرا پولس آنقدر بطور کامل از مسیح اقتدا می‌کرد که نتیجه اقتدا به پولس، شاگردی و پیروی از عیسی مسیح خواهد بود. آیا ما نیز می‌توانیم مانند پولس رسول اینقدر در باره پیروی از مسیح مطمئن باشیم؟

پولس در باره بهای پیروی از مسیح در آیات ۱۱-۱۳ سخن گفته است.

۱۷ پولس قصد دارد که شاگرد محبوبش، **تیموتائوس** را به قرن‌تس اعزام کند. تیموتائوس فرزند روحانی پولس بود (اعمال ۱۶:۱-۵؛ اول قرن‌تیان ۱۰:۱۱-۱۱).

پولس می‌گوید که **راههای من در مسیح**، مطابق با آن چیزی است که **در هر جا و هر کلیسا تعلیم می‌دهم**. به بیانی دیگر، زندگی خصوصی و شخصی پولس مطابق با کلام و تعلیمی است که به دیگران می‌دهد و تیموتائوس بر حقیقت این مطلب صحه خواهد گذاشت. ممکن است که بعضی اعضای کلیسای قرن‌تس به پولس تهمت ریاکاری زده بودند و می‌گفتند که پولس رسول، خود به آنچه که وعظ و نصیحت می‌کند، عمل نمی‌نماید. ولی چون تیموتائوس به آنجا برود، وی جانب حقیقت را گرفته به آن تهمتهای ناروا و شایعه‌های کاذبانه، پایان خواهد داد.

پولس رسول در اینجا به یک نکته دیگر نیز اشاره می‌کند و آن اینست که او به هر کلیسایی

انجیل لوقا ۶:۲۷؛ اول پطرس ۲:۲۱-۲۳؛ ۳:۹ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

پولس در آیه ۱۲ می‌گوید: **به دستهای خود کار کرده** است. علاوه بر موعظه انجیل و تعلیم ایمانداران، پولس به شغل خیمه‌دوزی مشغول بوده و از آن طریق امرار معاش می‌کرد (اعمال ۱:۱۸-۳). پولس رسول به هر جا که می‌رفت، از طریق خیمه‌دوزی، کسب نان کرده، سربار دیگران نمی‌شد (به اول تسالونیکیان ۲:۹؛ مراجعه نمایید).

آیا پولس در این آیات، زبان به شکوه و شکایت گشوده است؟ خیر، او از کسی شکایت و گله نمی‌کند. برعکس، پولس خوشحال است که برای جلال مسیح و خدمت ملکوت او، **مثل قادورات** (نجاستهای) **این دنیا و فضلات همه چیز شده** است (به انجیل متی ۵:۱۰-۱۲؛ ۲۰:۱۶؛ ۲۳:۱۱-۱۲؛ انجیل مرقس ۹:۳۵؛ فیلیپیان ۳:۷-۸ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

تذکر و نصیحت (۴:۱۴-۲۱)

۱۴-۱۵ در آیه ۱۵، پولس رسول می‌نویسد که ایمانداران قرن‌تس **هزاران استاد در مسیح** داشته‌اند. در زمان پولس رسول، افراد ثروتمند، جهت اطفال خود **استاد** یا معلم سرخانه، استخدام می‌کردند. شغل استادی یکی از بهترین و باارزشترین مشاغل آن زمان محسوب می‌گردید. این استادان با دریافت دستمزد بالایی مسئولیت تعلیم و تربیت اطفال را بعهده می‌گرفتند. پس در اینجا، پولس می‌گوید که مسیحیان قرن‌تس معلمان روحانی زیادی (هزاران استاد) داشته‌اند که ایشان را در مورد مسائل ایمان تعلیم و تربیت نمایند. ولی این استادان هرگز نمی‌توانند جای پدر را بگیرند. قرن‌تیان پدرهای روحانی متعددی نداشتند. آنها ایمان خود را مرهون زحمات پولس رسول بودند و در واقع از آنجا که پولس رسول، ایشان را به انجیل تولید نموده بود، «پدر» ایشان

قدرتی در چپته دارند و یا فقط حرف می‌زنند (دوم قرن‌تیان ۱۱:۱۲).

۲۰ رسولان واقعی، مانند پولس، قدرت خدا را بنمایش می‌گذارند. بوسیله آیات، معجزات، علامات، و قوای است که شخص قادر به شناسایی رسولان واقعی مسیح خواهد بود (دوم قرن‌تیان ۱۲:۱۲).

زیرا ملکوت خدا به زبان نیست بلکه در قوت است. ما می‌توانیم به صدها موعظه گوش کنیم، و ساعت‌های متمادی در باره ملکوت خدا و زندگی مقدس و غیره صحبت و گفتگو نماییم. ولی تنها بوسیله قوت روح‌القدس است که می‌توان زندگی روحانی و مقدسی داشت.

۲۱ بسته به رفتار آینده مسیحیان قرن‌تس، پولس یا با **چوب** تأدیپ، و یا با کلمات **محبت‌آمیز و روح‌حلم** بنزد ایشان خواهد آمد. حال انتخاب با کلیسای قرن‌تیان است! اگر رویه غلط ایشان و روح تکبر در میانشان ادامه پیدا کند، پولس با **چوب** بنزد ایشان خواهد آمد.

همانند هر پدری، پولس رسول امیدوار است که قرن‌تیان توبه کرده، از کارهای بد خود دست بکشند. او نمی‌خواهد که بی‌جا از چوب استفاده کند. بلکه بسیار مایل است که با «محبت و روح‌حلم» بنزد آنها مراجعت نماید.

ولی حتی اگر پولس، مجبور شد که با «چوب» بنزد ایشان برود، او «چوب تأدیپ» را با **محبت** بکار خواهد گرفت. اگر پدری واقعاً نسبت به طفل خود محبت داشته باشد، هرگز تنبیه را از وی دریغ نخواهد داشت (به دوم سموئیل ۱۴:۷؛ عبرانیان ۶:۱۲ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

باب ۵

پیدا شدن زنا در کلیسا (۵:۱-۱۳)

۱ در قرن اول میلادی، شهر قرن‌تس بخاطر بی‌بندوباری جنسی و وجود فحشاء، دارای شهرت خاصی بود. ولی اینک، زنا و روابط

که برود، همان تعالیم را خواهد داد. روش کار پولس به این طور نبود که تعالیم انجیل را بنا به مصلحت وقت و مکان تغییر داده و برای خوش ساختن دل اعضای کلیسا، تعالیم انجیل را عوض کند. پولس رسول به هر جا که می‌رفت به یک نحو و به یک حقیقت سخن می‌راند.

بیاید ما نیز از این شیوه کار پولس تقلید کرده، به او اقتدا نماییم! بیاید بوسیله زندگی خود شهادت خوبی برای عیسی مسیح و سرمشق نیکویی برای ایمانداران ضعیفتر باشیم. بیاید مطابق سخنان و کلامان زندگی کرده و همانطور که شعار می‌دهیم، به همان گونه نیز زندگی کنیم. و باشد که همیشه و در هر جا خواه مردم سخنان ما را قبول کنند و خواه بنای مخالفت را بگذارند، حقایق انجیل مسیح را با وفاداری کامل اعلام کنیم.

۱۸ بعضی از اعضای کلیسای قرن‌تس، **تکبر** بخرج داده، می‌گفتند که پولس جرأت آمدن به قرن‌تس را ندارد و گستاخ شده می‌پرسیدند: «چرا پولس به قرن‌تس نمی‌آید؟» و «چرا در عوض تیموتائوس را بجای خود به قرن‌تس اعزام می‌دارد؟» احتمالاً کسانی که این سخنان را بزبان می‌آوردند متعلق به دسته دیگری بودند که رهبریت و رسالت پولس رسول را برسمیت نشناخته و نسبت به احکام وی تمرد می‌ورزیدند (اول قرن‌تیان ۱:۱۲). هدف اصلی این افراد، کسب قدرت و ریاست بود.

۱۹ ولی پولس از دشمنانش در قرن‌تس نمی‌هراسید و قصد داشت که در آینده به آنجا سفر کند. در اینجا، وی به کلیسای قرن‌تیان می‌نویسد **اگر خداوند بخواهد**، در آینده به قرن‌تس سفر خواهد کرد. تمامی نقشه‌های پولس بر اراده خداوند متکی بود و وی هیچگاه از خود عملی انجام نمی‌داد.

و زمانی که پولس رسول به قرن‌تس برود، به این قصد می‌رود که در آنجا با متکبرین روبرو گردد. در آن وقت در خواهد یافت که آیا ایشان

دستور مسیح عمل می‌کند؟ حتی خود پولس در جایی می‌نویسد که مسیحیان نبایستی به یکدیگر حکم کنند (رومیان ۱۴:۴، ۱۳). آیا او بر خلاف گفته خود نیز عمل می‌کند؟

خیر، پولس رسول مغایر حکم عیسی مسیح و گفته خود عمل نمی‌کند. نکته مهم در اینجا است که دو نوع حکم و قضاوت کردن وجود دارد. یکی قضاوت کردن بر اعمال آشکار و گناهان هویدای یک نفر است و دیگر قضاوت کردن بر نیات درونی و افکار قلبی یک انسان می‌باشد. وقتی که عیسی مسیح می‌فرماید: «**حکم مکنید**»، منظور اینست که ما قدرت قضاوت بر نیات درونی و افکار قلبی افراد را نداریم.

قضاوت بر افکار و نیات افراد غیرممکن است و از حدود وظایف و اختیارات ما خارج است؛ ولی لازم و واجب است که رفتار و عمل کردهای خود و یکدیگر را مورد بررسی و قضاوت قرار دهیم. زمانی که پولس رسول می‌گوید که **حکم کردم در حق کسی که این چنین کرده است**، منظورش اینست که بر شناعة عمل آن شخص قضاوت نموده و آن اعمال را گناه‌آلود یافته است.^۷

۷- برخی افراد معتقدند که چون پولس، رسول عیسی مسیح بود و قدرت و مکاشفه مخصوصی از خدا دریافت کرده بود می‌توانست در این باره این چنین قضاوت نماید. این افراد همچنین معتقدند که ایمانداران عادی از چنین قدرت و اختیاری بی‌بهره‌اند و لذا اجازه قضاوت کردن را ندارند. در حالی که بسیاری از مفسرین کلام برای این اعتقادند که در هیچ جای عهدجدید نشانی از این تعلیم دیده نمی‌شود که رسولان مسیح از انجام قوانین خدا مستثنی شده و اجازه سرپیچی از فرامین عیسی مسیح را دارا باشند. صحیح است که رسولان مسیح از قدرت و اختیارات خاصی برخوردار هستند (انجیل متی ۱۹:۱۶؛ انجیل یوحنا ۲۰:۲۳)، ولی این اختیارات به معنی آن نیست که ایشان

جنسی گناه‌آلود به درون کلیسا رخنه کرده بود. احتمالاً، اعضای جدیدالایمان کلیسای قرن‌تس بر این تصور بودند که پس از ایمان به عیسی مسیح و دریافت نجات، اجازه و آزادی انجام هر عملی را پیدا کرده‌اند. و اگر چنین است، لذا رجعت به طرز فکر و طرز زندگی شناخت‌بار گذشته، امری بدیهی و طبیعی بود.

ولی روابط ناهنجار جنسی که در کلیسای قرن‌تس دیده می‌شد، آنقدر بد و کثیف بود که حتی بی‌ایمانان گناهکار خارج از کلیسا نیز از انجام آن امتناع می‌ورزیدند! یکی از اعضای کلیسای قرن‌تس که خود را مسیحی هم می‌نامید، با نامادری خود (زن پدر خود)، رابطه نامشروع داشت! (سفر تثنیه ۲۲:۳۰؛ ۲۷:۲۰). ولی نکته‌ای که بدتر از عمل آن شخص بود، این بود که کلیسای قرن‌تس گناه آن فرد را تحمل کرده و درباره آن عمل زشت هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌داد. علی‌الظاهر دانستن اینکه همچو گناهی در میان اعضای کلیسا دیده می‌شود، کلیسا را ناراحت نکرده بود!

۲ در باب چهارم، پولس رسول در باره تکبر قرن‌تبیان تذکر داده بود. متأسفانه تکبر ایشان بحدی فرا رفته بود که اینک ایشان از اعمال شنیع و گناهکاری خود نیز فخر می‌نمودند! در حالی که بجای افتخار به این عمل، بایستی «مانم» می‌گرفتند! هر کسی که بطور آشکار و دایم در گناه زندگی کند، بایستی فوراً و بصورت علنی از کلیسا بیرون رانده شود.

۳ هر چند پولس «غایب» بود ولی **در روح** حضور داشت (کولسیان ۵:۲). حتی اگر بطور جسمانی از حضور همدیگر غایب باشیم، همه مسیحیان در روح با یکدیگر مشارکت دارند.

پولس رسول در اینجا می‌نویسد که بخاطر حضور روحانی‌اش در کلیسای قرن‌تس، بر آن شخص **حکم کرده است**. منظور وی از این گفته چیست؟ عیسی مسیح فرموده است که «**حکم مکنید**» (انجیل متی ۱:۷). آیا پولس بر خلاف

می‌شود؛ و اگر از گناهان خود شرمنده و نادم و پشیمان شده، به عیسی مسیح ایمان آورد و توبه کند، نجات خواهد یافت (امثال سلیمان ۱۳:۲۳-۱۴).

بنابراین مشاهده می‌کنیم که دو دلیل جهت اخراج فرد گناهکار از میان جماعت ایمانداران قرن‌تس وجود دارد: نخست به هجت پاکسازی کلیسا که هیکل روح‌القدس نامیده شده است (اول قرن‌تبیان ۱۶:۳-۱۷)؛ دوم اینکه آن فرد را به توبه و نجات نهایی به منظور نجات جاننش سوق دهند.

توجه داشته باشید که تا آنجا که به گناه آن شخص مربوط می‌شود، دو شرط اساسی جهت اخراج یک فرد از کلیسا وجود دارد.^۸ اول اینکه، گناه آن فرد بایستی گناهی جدی و غیرقابل اغماض بوده و جای هیچ شک و گفتگو در مورد قباحت آن گناه وجود نداشته باشد. ثانیاً، فرد مورد سؤال، بایستی در گناه مصرّ بوده و هیچ نشانه‌ای دال بر تصمیم به تغییر رویه و توبه از خود بروز نداده و بر عکس در انجام آن عمل زشت خود پافشاری نماید. لذا، آن کسانی که حاضر و مایل به توبه از کارهای خود هستند، نایستی از کلیسا اخراج گردند.

نیز بخاطر داشته باشیم که پولس رسول از

قدرت و اختیار سرپیچی از احکام عیسی مسیح را دارند.

۸- در این قسمت، فقط به موضوع گناه آن شخص می‌پردازیم. ولی تا آنجایی که به اخراج یک فرد از کلیسا مربوط می‌شود، دو شرط اصلی نیز جهت کلیسا موجود است. در باره این دو شرط در آیه ۴ بتفصیل سخن گفته شده است. اولاً، کلیسا بایستی در نام عیسی مسیح جمع شوند، یعنی اینکه کلیسا با فکر مسیح و به قصد انجام اراده مسیح تصمیم‌گیری نمایند؛ و ثانیاً، قوت روح مسیح در آنجا حاضر باشد. اگر این دو شرط برقرار نباشد، کلیسا حق صادر کردن چنان رائی را نخواهد داشت.

۴-۵ گذشته از این، حکم پولس در مورد آن شخص، قضاوت در مورد وضعیت نهایی روح آن فرد و حکم بر آنکه آن فرد به جهنم خواهد رفت و یا به بهشت، نمی‌باشد. بلکه «حکم» بر این بود که از نظر پولس رسول، عمل آن فرد (زنا با نامادری خود)، بد و گناه محسوب می‌گردد. لذا «حکم» و یا قضاوت پولس در این مورد این بود که آن فرد از کلیسا و از میان جماعت ایمانداران خارج گردد. ولی بایستی توجه داشت که پولس رسول جهت این کار شرطی معین نموده است، و آن شرط اینست که اخراج آن فرد، باید زمانی صورت گیرد که ایشان **به نام خداوند ما عیسی مسیح، هنگامی که ... با قوت خداوند ما عیسی مسیح جمع شده باشند (آیه ۴).** ایمانداران قرن‌تس بایستی آن برادر گناهکار را به **شیطان** بسپارند (آیه ۵). در این جهان فقط دو ملکوت وجود دارد، ملکوت خدا و ملکوت شیطان. هیچ کس قادر نیست که در آن واحد، تابع هر دو ملکوت باشد. لذا اگر کسی از یک ملکوت رانده شود، مآلاً به دیگری خواهد پیوست. هر فردی که دانسته و عامداً و بطور مرتب مرتکب گناه گردد، به ملکوت خدا تعلق نداشته و بر عکس جزئی از ملکوت ظلمت و شیطان است (اول یوحنا ۳: ۸-۹). لذا پولس رسول در این آیه خاطر نشان می‌کند که چنین کسی بایستی به ملکوت شیطان، جایی که به آن متعلق است پس فرستاده شود.

پولس رسول امیدوار است که با این عمل، آن شخص به قبح گناه خود پی برده، در روز داوری نهایی **در روز خداوند عیسی** نجات یابد (به اول تیموتائوس ۱: ۲۰ مراجعه نمایید).

آن فرد، بایستی به **شیطان سپرده شود بجهت هلاکت جسم** (هلاکت طبیعت جسمانی و گناه‌آلود). طبیعت جسمانی و گناه‌آلود انسان فقط به هنگام مرگ است که کاملاً از بین خواهد رفت. اما تا وقتی که شخص زنده است، توسط مرض و سختی و رنجها به سوی توبه کشیده

روحانی تازه شده‌اند. ایشان و ما خمیر تازه شده، بدون خمیرمایه گناه هستیم. لذا، بایستی از خمیرمایه کهنه گناه و شرارت دور بمانیم. ما مسیحیان «خلقتی نو» هستیم (دوم قرنیتیان ۱۷:۵). ما هیکل روح القدس می‌باشیم (اول قرنیتیان ۱۶:۳-۱۷). بنابراین، دیگر نباید جایی جهت خمیرمایه کهنه باقی بماند!

زیرا که فصیح ما مسیح در راه ما ذبح شده است

(آیه ۷). معنی کلمه فصیح، «رهایی» و «آزادی» یا نجات می‌باشد. در زمان موسی، یهودیان در سرزمین مصر و در اسارت مصریان بسر می‌بردند. خدا به منظور آنکه مصریان به آزادی قوم بنی اسرائیل تن در دهند، بلایا و معجزات متعددی به ظهور رساند. آخرین بلایی که بر سر مصریان نازل گردید، کشته شدن تمامی نخست‌زادگان مصر اعم از انسان و حیوان بود. ولی، خدا از قوم بنی اسرائیل خواست که بره‌ای را ذبح کرده، خونس را بر چهارچوب منازل خود بمانند تا جهت فرشته مرگ نشانه‌ای باشد که ایشان قوم خدایند و بخاطر خون آن بره، جان نخست‌زادگانشان محفوظ بماند (خروج ۱۲:۶-۸). پس چون خدا فرشته خود را برای هلاکت مصریان فرستاد، هر خانه‌ای که بر چهارچوبش نشانی از خون بره قربانی دیده می‌شد، از مرگ و بلا محفوظ مانده، از بلا «رهایی» و یا «فصیح» یافت (خروج ۱۲:۱۳). بامداد روز بعد، فرعون، حاکم ظالم مصر، مملو از ترس خدا، اجازه داد که قوم بنی اسرائیل از سرزمین مصر خارج گردند. بدین ترتیب، قوم بنی اسرائیل از اسارت «رهایی» پیدا کردند و از آن روز به بعد تا به امروز، یهودیان هر ساله فصیح را جشن می‌گیرند.

در شبی که آن بلا بر سر مصریان نازل شد، و قوم بنی اسرائیل از اسارت مصر آزاد شد، یهودیان گوشت بره ذبحی را کباب کرده، آن را با نان فطیر (بدون خمیرمایه) صرف کردند (خروج ۱۲:۸). خدا به یهودیان چنین امر کرد که

آن فرد تنفیری بدل نداشته و تنها از گناه و عمل آن شخص متنفر است. زمانی که مجبور به اخراج فردی از کلیسا می‌شویم، نباید هدف خارج ساختن آن فرد از میان خود باشد، بلکه انگیزه اصلی ما بایستی دور نمودن گناه از کلیسا باشد. زمانی که آن شخص توبه کرده، از گناه خود دست کشید، درهای کلیسا باید بروی او باز باشد و آن فرد را با آغوش باز پذیرا شد. در حقیقت این دقیقاً همان اتفاقی است که در مورد فرد مورد بحث رخ داد (به دوم قرنیتیان ۲:۵-۱۱ و تفسیر آن مراجعه نمایید).

پولس رسول در این آیه، گناه را به **خمیرمایه** تشبیه می‌کند. مخمرها، در واقع موجوداتی میکروسکوپی و نوعی قارچ هستند که پس از مخلوط شدن با آرد، سرعت از آرد و نشاسته موجود در آرد تغذیه کرده و تمام آرد را فرا گرفته و باعث «ور آمدن» خمیر می‌شوند. کافی است که کمی مخمر به آرد اضافه شود تا باعث تغییر ماهیت آن گردد. در کتاب مقدس، از لفظ **خمیرمایه** جهت اشاره به ماهیت مخرب گناه استفاده گردیده است (به انجیل مرقس ۸:۱۵ مراجعه شود).

پیشتر، پولس رسول به دو گناه خاص یعنی غرور و گناه جنسی، در کلیسای قرنتس اشاره کرده بود. همانطوری که **اندک خمیرمایه، تمام خمیر را مخمر می‌سازد**، به همان شکل، گناه نیز سرعت تمام جماعت ایمانداران را تحت تأثیر فساد خود قرار خواهد داد (به غلاطیان ۵:۹ مراجعه شود).

۷-۱ پس خود را از خمیرمایه کهنه پاک سازی، پولس رسول به قرنیتیان سفارش می‌کند: «گناه را از میان خود دور کنید». نه تنها این فرد گناهکار را از میان جماعت ایمانداران دور کنید، بلکه گناه را از قلوب خود دور نمایید!

خود را از خمیرمایه کهنه پاک سازید، **تا فطیر تازه باشید، چنانکه بی خمیرمایه هستید**. مسیحیان قرنتس، و همه مسیحیان ایماندار، از نظر

شود. بنابراین، اگر قرار بر این است که عید فصح را در تمامی ایام سال نگاه داریم، بهتر است که در تمامی ایام سال نیز «خمیرمایه کهنه و بدی و شرارت» را از درون قلب و کلیسای خود دور نماییم.

۹-۱۰ پولس رسول در این قسمت به رساله‌ای اشاره می‌کند که مفقود گردیده است. این رساله، با نامه مفقوده دوم قرن‌تبیان ۲: ۳-۴ فرق می‌کند.

در آن رساله، پولس رسول به کلیسای قرن‌تس سفارش کرده بود که از معاشرت با افراد زناکار و کسانی که در گناه جنسی زندگی می‌کنند پرهیز نمایند. منظور پولس این بود که ایشان بایستی خود را از معاشرت با افرادی که خود را ایماندار و مسیحی نامیده ولی در عین حال در گناه زنا بسر می‌برند، دور نگاه دارند. ولی معاشرت با بی‌ایمانانی که مرتکب زنا و گناه جنسی می‌گردند، مطلبی متفاوت است. معاشرت و تماس با بی‌ایمانان و گناهکاران امری لازم و ضروری است، زیرا که در غیر این صورت ما هرگز قادر نخواهیم بود که مژده انجیل را با ایشان در میان بگذاریم. عیسی مسیح خود، با گناهکاران و زانیان معاشرت می‌کرد (انجیل مرقس ۲: ۱۵-۱۷). اگر خود را بطور کامل از دوستی و معاشرت با گناهکاران دور نماییم، در حقیقت خود را از جهان بیرون کرده‌ایم (به یوحنا ۱۷: ۱۵ مراجعه نمایید).

۱۱ در این آیه، پولس رسول به تفسیر مقصود خود از رساله پیشینش می‌پردازد. مسیحیان قرن‌تس بایستی که خود را از معاشرت با افرادی که به برادر (مسیحی) نامیده می‌شود ولی دائماً مرتکب گناهایی که در آیه ۱۱ ذکر

از آن پس به یادگاری آن شب، هرساله عید فصح^۹ را جشن گرفته و خاطره آزادی خود از اسارت را جشن می‌گیرند (خروج ۱۲: ۱۴). در ایام عید، یهودیان موظفند که هرگونه خمیرمایه را از خانه‌های خود دور سازند (خروج ۱۲: ۱۵). دلیل این امر اینست که خمیرمایه، نشانه گناه مصر و علامت گناهی که در سرزمین مصر ایشان را به اسارت در آورده بود، می‌باشد. به همین شکل، پولس از عبارت خمیرمایه، برای اشاره به گناه در کلیسای قرن‌تبیان استفاده می‌کند.

پولس رسول در اینجا از عیسی مسیح بعنوان **فصح ما** یاد می‌کند (انجیل یوحنا ۱: ۳۶). بوسیله عیسی مسیح و ریخته شدن خون او، خدا ما را از اسارت گناه آزاد ساخت، همچنانکه خون بره قربانی بر چهارچوب درها، باعث نجات یهودیان گردید (اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹)، به همین منوال نیز خون عیسی مسیح باعث نجات ما خواهد گردید. و به همان شکلی که یهودیان می‌بایست گوشت بره ذبحی را با نان **فطیر** تناول کنند، ما نیز بایستی **عید را نگاه داریم** یعنی با داشتن زندگی پاک و مقدس در پیروزی مسیح شراکت حاصل کنیم. چگونه؟ بنا به گفته پولس رسول: **نه به خمیرمایه کهنه و نه به خمیرمایه بدی و شرارت، بلکه به فطیر ساده‌دلی و راستی** (آیه ۸) یعنی بدون خمیرمایه گناه.

بجای عید فصح یهودیان، ما مسیحیان موت و رستاخیز عیسی مسیح را جشن می‌گیریم. عیسی مسیح، بره قربانی ما، در ایام عید فصح برای نجات و آزادی ما مصلوب شد. عیسی مسیح خود، فصح ما شده و با قربانی ساختن خود، باعث نجات ما گردید.

ولی ما مسیحیان، فقط یک روز و یا یک هفته در سال عید را نگاه نمی‌داریم. بلکه عید فصح خداوند را هرروزه سال نگاه داشته، آن را جشن می‌گیریم. در واقع، کلمه یونانی که پولس رسول در اینجا بکار برده است بهتر است به صورت «همیشه و دائماً نگاه داریم»، ترجمه

۹- عید فصح و یا پسخ، بخاطر آنکه یهودیان در آن ایام نان فطیر میل می‌کنند، به نام «عید فطیر» نیز مشهور گردیده است. نان فطیر، نانی است که بدون استفاده از خمیرمایه طبخ گردیده باشد.

تصمیم‌گیری در مورد اعمال ظاهری و رفتارهای خارجی افراد است و نه باطن و درون ایشان. فقط خداوند است که قادر به چنین قضاوتی می‌باشد.

باب ۶

مرافعه بین برادران (۱:۶-۱۱)

۱ در این قسمت رساله، پولس رسول در بارهٔ موردی که در کلیسای قرنتس پیش آمده بود و خبرش را بوسیلهٔ نامه دریافت کرده بود، تعلیم می‌دهد. موضوع از این قرار بود که بعضی از اعضای کلیسا اختلافات و مسائل خود با دیگر اعضای کلیسا را به دادگاههای خارج از کلیسا کشانده و برادر با برادر به محاکمه می‌رود و آن هم نزد بی‌ایمانان! (آیهٔ ۶).

احتمال بروز اختلاف و ایجاد مسئله بین اعضای هر کلیسایی ممکن است. گو اینکه همهٔ ما می‌دانیم که بایستی در حد امکان از بروز اختلافات جلوگیری نمود، ولی همهٔ ما نیز از این نکته آگاهیم که در بعضی مواقع، بروز اختلاف و دعوا امری اجتناب‌ناپذیر است. عیسی مسیح نیز از وجود این امکان بخوبی مطلع بود و در این رابطه تعلیم داده است. تعلیم خداوند این است که اختلافات و مسائل اعضای کلیسا در درون کلیسا حل و فصل گردد (متی ۱۸:۱۵-۱۷ و تفسیر آن مشاهده شود). ولی اعضای کلیسای قرنتس، بجای حل اختلافات خود در محیط کلیسا و بجای آنکه از مشایخ کلیسا جهت پادرمیانی و میانجیگری کمک بخواهند، مسائل خود را مستقیماً به دادگاههای قضایی برده و از افراد بی‌دین و ظالم جهت محکوم کردن برادران خود کمک می‌طلبیدند.

چرا پولس رسول بی‌ایمانان را **ظالمان** قلمداد می‌کند؟ زیرا تمامی افراد بشر تا زمانی که به عیسی مسیح ایمان نیاورده باشند، ظالم و گناهکار و بی‌دین هستند (رومیان ۳:۱۰). تنها

شده است می‌گردد باز دارند (به دوم تسالونیکیان ۳:۶ مراجعه نمایید). **با چنین شخص معاشرت مکنید بلکه غذا هم نخورید**، یعنی رابطهٔ خود را بصورت کامل با چنین شخصی قطع نمایید. یک چنین فردی بایستی از میان جماعت مؤمنین و کلیساراننده شود (آیهٔ ۱۳). گناهی که از خارج وارد کلیسا گردد، خطری جدی می‌باشد، ولی اگر گناهی از درون، کلیسارا مورد تهاجم قرار دهد، خطر بمراتب جدیتر و مهلکتر خواهد بود. گناه مانند خمیرمایه‌ای است که اگر وارد کلیسا شود، بزودی در تمام جماعت منتشر شده و همه کس را آلوده خواهد ساخت.

۱۲-۱۳ قضاوت و حکم کردن بر کسانی که در خارج از جماعت ایمانداران و کلیسا قرار دارند، وظیفهٔ ما نمی‌باشد. **آنانی را که خارج اند** خدا داوری خواهد کرد. ولی وظیفهٔ ایمانداران است که بر آنچه در درون کلیسا می‌گذرد قضاوت کرده، تصمیم‌گیری نمایند. باید بیاد داشت که این وظیفهٔ قضاوت و تصمیم‌گیری، فقط مربوط به اعمال و رفتار و ظاهر افراد کلیسا می‌باشد و ما هرگز نباید در مورد نیت و قلوب و افکار اعضای کلیسا حکم و قضاوت نماییم (به آیهٔ ۳ و تفسیر آن مراجعه شود).

این قضاوت و حکم کردن، بایستی توسط کسانی انجام شود که اجازه و مسئولیت توییح و تنبیه کردن را دارند. در بعضی از کلیساهای، این امر وظیفهٔ مشایخ و رهبران کلیسا می‌باشد و در برخی کلیساهای، تمامی جماعت جمع شده و بعنوان یک بدن در مورد توییح فرد خاطی تصمیم می‌گیرند (آیهٔ ۴). اگر عضوی از کلیسا در گناه زندگی کرده و مایل به توبه از گناه خود نباشد، اعضای کلیسا موظفند که آن شخص را از میان خود بیرون کرده، کلیسا را پاک و خالی از هرگونه آلودگی نگاه دارند.

ولی تذکر مجدد این نکته الزامی است که منظور پولس رسول از قضاوت و حکم، صرفاً

آسمانی، از جمله شیطان و فرشتگانش، نسبت به خدا تمرد ورزیدند و افتادند (به مکاشفه ۹:۱۲ مراجعه شود). در روز داوری نهایی، این فرشتگان شریر (ارواح شریر) مورد داوری قرار گرفته و محکوم خواهند شد. منظور پولس رسول از این گفته اینست که: اگر مسیحیان قرنتس قرار است که روزی موجودات سماوی را مورد قضاوت و داوری قرار دهند، مطمئناً قادر خواهند بود که در مورد مسائل زمینی و مناقشات بین برادران نظر داده و حل اختلاف نمایند!

۴ در اینجا پولس رسول خاطر نشان می‌کند که از آنجا که مسیحیان قرار است که جهان و فرشتگان و مسائل مهم را تحت قضاوت و داوری قرار دهند، پس حتی کوچکترین عضو از اعضای کلیسا قادر به حل و فصل مسائل بین برادران خواهد بود. از سوی دیگر، بهتر است که مسائل و اختلافات خود را

۱۰- این جمله پولس رسول ممکن است در نظر اول نقیضه جمله پیشین وی در باب پنجم بنظر رسد. در اول قرن‌تیان ۱۲۵-۱۳ پولس رسول می‌گوید: «زیرا مرا چه کار است که بر آنانی که خارج‌اند داوری کنم، ... لکن آنانی را که خارج‌اند خدا داوری خواهد کرد». ولی در باب پنجم پولس در باره قضاوت نهایی در روز داوری سخن نمی‌گوید، بلکه منظور پولس در باب پنجم، قضاوت در مورد چگونگی اعمال افراد در این زندگی حاضر و بر روی زمین می‌باشد. در حالی که اینک در باب ششم، پولس رسول در مورد قضاوت نهایی و روز جزا سخن می‌گوید.

البته در روز داوری، قاضی‌القضات و داور مطلق، خدا خواهد بود. ولی کتاب مقدس بما می‌گوید که خدا امر داوری را به مسیح سپرده است (یوحنا ۲۲:۵)؛ و عیسی مسیح نیز بنوبه خود، به گونه‌ای که اینک بر ما روشن نیست، ما ایمانداران را در امر داوری جهان سهیم خواهد ساخت. و بدین ترتیب است که پولس رسول می‌گوید: «مقدس‌ان دنیا را داوری خواهند کرد».

بوسیله ایمان به عیسی مسیح است که انسانها «عادل» و «دیندار» خوانده خواهند شد (رومیان ۱:۵؛ غلاطیان ۲:۱۵-۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود).

پولس می‌پرسد: «چگونه امکان دارد که **ظالمان** بر مقدسین حکم رانده، بر اعمال ایشان قضاوت نمایند؟» زیرا ایمانداران تنها بوسیله موازین و معیارهای الهی و ایمانی قضاوت خواهند گردید، زیرا **شخص روحانی در همه چیز حکم می‌کند و کسی را در او حکم نیست** (اول قرن‌تیان ۲:۱۵).

منظور پولس رسول این نیست که ایمانداران اجازه سربچی از قوانین اجتماعی و عرفی و حکم دادگاههای مدنی را دارند، برعکس ما بایستی به مراجع قانونی و قضایی احترام گذاشته، از آنها اطاعت نماییم (به رومیان ۱:۱۳-۷ مراجعه شود). بلکه منظور پولس رسول اینست که اختلافات مابین مسیحیان بایستی در میان خود ایمانداران و بوسیله مشایخ کلیسا حل و فصل گردد.

۲ **مقدس‌ان دنیا را داوری خواهند کرد**^{۱۰}. از آنجا که ایمانداران قرار است که در آینده جهان را داوری نمایند، ایشان بایستی قادر باشند که از عهده قضاوت در مواردی این چنین کم‌اهمیت از قبیل حل اختلاف مابین برادران برآیند!

چه موقع ایمانداران جهان را **داوری خواهند کرد**؟ ایمانداران، زمانی که مسیح جهت داوری بر جهان بازگردد، به همراه مسیح به داوری خواهند پرداخت (به متی ۱۹:۲۸؛ مکاشفه ۲۱:۳ و تفسیر آن مراجعه نمایید).

۳ ایمانداران، همچنین فرشتگان را داوری خواهند نمود (به دوم پطرس ۲:۴؛ رساله یهودا آیه ۶ مراجعه شود). این فرشتگان که ایمانداران آنها را مورد قضاوت قرار خواهند داد، کیستند؟ شماری از فرشتگان، به خدا وفادار ماندند و علیه او تمرد نورزیدند، و اینک به خدمت او مشغولند. ولی دسته دیگری از این موجودات

نزد آنانی که در کلیسا حقیر شمرده می‌شوند^{۱۱} بربند تا اینکه پیش قاضی بی‌ایمان و ظالم. این افراد حقیر شمرده شده در کلیسا چه کسانی هستند؟ ایشان مسیحیان معمولی، و اعضای عادی کلیسا می‌باشند. منظور پولس رسول در اینجا مسیحیانی است که از تحصیلات عالی برخوردار نبوده و ایمانی ساده دارند. حتی این افراد حقیر کلیسا صلاحیتی بیش از قاضیان تحصیل کرده خارج دارند.

۵ مسیحیان قرن‌تس به «حکمت» و «فهم» خود مغرور بودند. ایشان گمان می‌کردند که از رسولان حکیم‌ترند (اول قرن‌تیان ۴: ۲۰). لذا در این جا پولس رسول با لحنی آمیخته با طعن از ایشان سؤال می‌کند که «آیا در میان شما یک نفر دانا نیست که بتواند در میان برادران خود حکم کند؟»

۶ کشاندن برادر دینی خود به دادگاه، عملی بسیار زشت است. زیرا با این کار، از برادر خود یک دشمن خواهی ساخت. اگر این کار را انجام دهی چگونه می‌توانی مدعی محبت نسبت به برادر خود باشی؟ بجای آنکه مناقشه را با برادر خود ادامه دهی، بهتر است که بگذاری برادرت دعوی را برده و حاضر به ضرر باش (آیه ۷). زیرا که راه و رسم مسیحیت این چنین است. عیسی مسیح به ما تعلیم داده است که نباید حتی با بی‌ایمانان به مقاومت پرداخت چه رسد به برادران دینی خود (متی ۵: ۳۹-۴۱ مشاهده شود). لذا چقدر زشت و ناپسند است که برادر دینی خود را به دادگاه برده، نزد بی‌ایمانان، او را محکوم و مجازات نماییم.

۷ در اینجا، پولس رسول بر قلب و مرکز اصلی گناه قرن‌تیان انگشت می‌گذارد. گناه ایشان اینست که با یکدیگر جنگ و مرافعه دارند. اگر مرافعه و اختلاف نباشد، دادگاه و مجازات و پس گرفتن غرامت نیز در کار نخواهد بود. صرف وجود این اختلافات و این مسائل دلیل و گواه این حقیقت است که در کلیسای قرن‌تیان بالکلیه

قصور است. این مرافعات، خود بهترین دلیل بر عدم وجود بلوغ روحانی در میان قرن‌تیان می‌باشد. مسیحیان قرن‌تس، هنوز دنیوی و نابالغ هستند، زیرا با مشاجره با برادر خود، فی‌الواقع نسبت به او گناه می‌کنند. شاید در دادگاه، موفق به مغلوب ساختن برادر خود بشوند، ولی در قلب خود، به گناه فرصت‌پیریزی داده‌اند و این بزرگترین شکست است!

بهرتر است که در جهان متقبل کمی ضرر و ظلم شویم؛ تا اینکه در جهان آتی و روز داوری شکستی بسیار عظیم‌تر تجربه کنیم.

۸ هر چند برادرمان بما خطا ورزیده و یا تقلب کرده و یا در معامله‌ای، ما را مغبون ساخته باشد، اگر از دست او شکایت کرده و او را به دادگاه و محکمه بکشانیم، ما نیز در مقابل نسبت به او خیانت کرده و وی را مغبون ساخته‌ایم! زیرا در آن صورت، او را مانند برادر خود محبت نکرده و حق او، که محبت و گذشت و بخشش باشد، را بطور کامل ادا ننموده‌ایم. و اگر نسبت به برادر خود محبت و گذشت و بخشش نداشته باشیم، در حقیقت نسبت به او مرتکب گناه گردیده‌ایم.

۹-۱۰ این ظالمان (آیه ۹)، چه کسانی هستند؟ اینها همان ظالمانی هستند که در آیه ۱ بدانها اشاره گردید. ایشان افراد بی‌ایمانی هستند که در آیات ۹-۱۰ معرفی می‌شوند، ایشان در گناه خود بسر برده و حاضر به توبه کردن نیستند. این افراد وارث ملکوت خدا نخواهند شد (به غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱ مراجعه نمایید). میراث ما در ملکوت خدا چه خواهد بود؟ نجات و حیات

۱۱- ترجمه دقیق و درک معنی یونانی این آیه بسیار غامض و سخت است. مفسرین کتاب مقدس، بر این آیه و اینکه منظور پولس رسول در این آیه چیست، دو تفسیر ممکن و مجاز را پیشنهاد می‌کنند. لذا بسته به ترجمه‌ای که در دست دارید، معنی این آیه ممکن است دچار تغییر گردیده باشد.

DO NOT COUNT THIS PAGE

است، این گفته‌ای رایج و باوری مرسوم در میان مسیحیان قرن‌تس بود. حال آنکه، هرچند بعضی از کارها ممکن است جایز بوده و گناه و برخلاف قانون نباشد، ولی گناه و خلاف نبودن عملی، دلیل آن نمی‌شود که انجام آن عمل به صلاح ما و دیگران خواهد بود. برخی رفتارها و اعمال ما، ممکن است به ضرر خود و یا اطرافیان ما بیانجامد (به رومیان ۲۱:۱۴؛ اول قرن‌تبیان ۸:۹؛ اول پطرس ۲:۱۶ و تفسیر آن مراجعه نمایید).

پولس رسول می‌گوید: **لیکن نمی‌گذارم که چیزی بر من تسلط یابد**. پولس رسول، به هیچ میل و تمنای جسمانی خود فرصت غلبه یافتن بر اراده او را نمی‌دهد. این امر کاملاً ممکن و میسر است که با سوءاستفاده از آزادی که در عیسی مسیح نصیبمان گردیده است، خود را بدام گناه و هوسهای جسم اسیر ساخته و آزادی خود را از کف بدهیم. آزادی که در مسیح داریم، فرصت گناه کردن نبوده و مسیح به ما اجازه و حق گناه کردن را نداده است. بلکه در مسیح آزاد گردیده‌ایم تا اینکه آزادانه خدا را خدمت کنیم! (به رومیان ۶:۱۸، ۲۲؛ غلاطیان ۵:۱۳ و تفسیر آن مراجعه نمایید). بنابراین، اجازه ندهیم که گناه از آزادی ما فرصت جسته ما را بنده خود سازد (به یوحنا ۸:۳۴ مراجعه نمایید).

۱۳ در میان قرن‌تبیان مثلی رواج پیدا کرده بود که **خوراک برای شکم است و شکم برای خوراک**. این گفته صحت دارد، در این عالم فانی، شکم و خوراک برای یکدیگر ساخته شده‌اند. ولی در عالم آینده (ملکوت آسمان یا بهشت)، جایی و نیازی به جهت هیچکدام از آنها وجود نخواهد داشت، **خدا این و آن را فانی خواهد ساخت**.

ولی قرن‌تبیان مثل دیگری نیز داشتند که می‌گفت: «همانطور که خوراک برای شکم و شکم برای خوراک است، بدن نیز برای لذت جنسی ساخته شده است»، ولی این امر حقیقت ندارد. خدا شکمهای ما را فانی خواهد ساخت ولی بدنهای ما را قیام داده، خواهد برخیزانید

جاویدان.

۱۱ مسیحیان قرن‌تس، زمانی بی‌ایمان و «ظالم» و ناعادل بودند؛ ایشان زمانی اسیر گناه بوده و مرتکب گناهایی که در آیات ۹-۱۰ به آنها اشاره شد، می‌شدند. ولی اکنون ایشان عادل کرده شده‌اند. اکنون بوسیله ایمان به عیسی مسیح و قدرت روح القدس، زندگیشان دگرگون شده است.

این تغییر و دگرگونی چگونه انجام گرفته است؟ نخست، ایشان **غسل یافته** (شسته و پاک گردیده‌اند). آنها از گناهان خود توبه کرده و به نام **عیسی خداوند و به روح خدای ما** تعمید گرفته‌اند (به مرقس ۱:۴، ۷-۸ و تفسیر آن مراجعه نمایید).

سپس، متعاقب **غسل** و شسته شدن، ایشان مقدس گردیده‌اند. ایشان در عیسی مسیح، به مخلوقی نو متبدل گردیده‌اند (به دوم قرن‌تبیان ۵:۱۷ و تفسیر آن مراجعه نمایید).

پس از مقدس شدن، ایشان در نظر خدا بیگناه شمرده شده و یا **عادل کرده** شده‌اند (به تیتس ۳:۳-۷ مراجعه نمایید).

تمامی این مراحل در نجات ما رخ می‌دهد. ما بخاطر فیض خدا و بوسیله ایمان به عیسی مسیح، نجات پیدا می‌کنیم (به افسسیان ۲:۸ و تفسیر آن؛ و همچنین مقاله عمومی: «طریق نجات» مراجعه نمایید).

لذا، اگر ایمانداران قرن‌تس، و همچنین ما، حقیقتاً **غسل** یافته و طاهر گردیده و عادل و مقدس شده باشیم، چگونه خواهیم توانست مانند روزهای گذشته و همانند افراد بی‌ایمان زندگی و رفتار نماییم؟ اگر واقعاً مخلوقی نو گردیده‌ایم، پس بایستی مانند مخلوقات نو زیست نماییم (به رومیان ۶:۱۷-۱۸؛ افسسیان ۴:۱ و تفسیر آن مراجعه نمایید).

زنا (۶:۱۲-۲۰)

۱۲ **هه چیز** (البته بجز گناه) **برای من جایز**

(آیه ۱۴).

خدا بدنهای ما را برای لذت جنسی و یا هر نوع لذت دیگر نساخته است، منظور اصلی از خلقت بدنهای ما، خدمت به خدا و استفاده از بدنهای خود به جهت جلال دادن خدا می‌باشد. بدنهای ما هیكل (معبد) روح‌القدس است و جسم ما بایستی منزلگاه روح خدا باشد (آیه ۱۹). لذا ما نبایستی مطیع بدنهای خود و هوسهای جسم خود باشیم بلکه بایستی بدنهای خود و تمایلات جسمانی خود را تحت انقیاد خود در آوریم. زیرا سرسپاری به تمایلات و خواهشهای جسم، منجر به اسارت شده، نهایتاً ما را به اسارت گناه خواهد کشانید.

همانطور که شکم برای خوراک است، به همانگونه باید که بدنهای ما برای خداوند باشد. زیرا که خداوند، غذای روحانی بدنهای ماست (به انجیل یوحنا ۶:۵۴ مراجعه نمایید).

۱۴ همچنانکه خدا، خداوند ما عیسی مسیح را برخیزانید، ما را نیز برخواهد خیزاند. او نه تنها ارواح ما را بلکه بدنهای ما را نیز قیام خواهد داد (به رومیان ۸:۵؛ ۸:۱۱؛ افسسیان ۲:۶؛ فیلیپیان ۳:۲۰-۲۱ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

۱۵ بدنهای ما **اعضای مسیح است** (اول قرن‌تبیان ۱۲:۲۷). اگر با فاحشه‌ای رابطه جنسی برقرار کنیم، دیگر متعلق به مسیح نبوده و به آن فاحشه تعلق خواهیم داشت.

در شهر قرنتس، فواحش زیادی بودند که در معبد الهه عشق، یکی از خدایان یونانی به کار خودفروشی مشغول بودند. در آن صورت، هر وقت که مردی با یکی از این فاحشه‌های معبد مرتکب زنا می‌شد، در واقع با بت یونانی (الهه عشق) یکتا می‌گردید و به یک معنا به پرستش آن بت می‌پرداخت. در کتاب مقدس، بارها، پرستش بتها بعنوان زنا روحانی معرفی شده است. زمانی که انسان به پرستش بتی سر خم می‌کند، او خدای حقیقی را طرد کرده، خود را به

خدای کذب و یا ارواح شیطانی ملحق می‌نماید (حزقیال نبی ۲۳:۳۷؛ هوشع نبی ۴:۵).

۱۶ همانطور که زن و شوهر در پیمان زناشویی و رابطه جنسی، یکتا خواهند بود، به همانگونه اگر شخصی با فاحشه‌ای زنا کند، با او یکتا خواهد بود. پولس رسول در اینجا از تعلیم کتاب پیدایش ۲:۲۴ در رابطه با امر ازدواج، نقل قول می‌کند. البته منظور پولس این نیست که اگر مردی با فاحشه‌ای همبستر شود، با او ازدواج کرده است، خیر. زیرا در پیمان مقدس زناشویی، مرد و زن نه تنها جسماً بلکه از نظر روحانی و عاطفی و معنوی نیز یکی و متحد می‌شوند.

نکته‌ای که پولس رسول در اینجا سعی بر تأکیدش دارد اینست که چطور ممکنست که شخصی که از نظر روحانی با مسیح متحد گردیده است، خود را از نظر جسمانی با گناهکاران متحد گرداند؟ این گناهی شنیع و تخلفی کریه بر علیه عیسی مسیح خواهد بود، زیرا که با این عمل نه تنها فرد مرتکب گناهی جسمی و جنسی می‌گردد، بلکه از نظر روحانی نیز خود را به زنا روحانی آلوده می‌سازد.

۱۷ همانگونه که مرد و زن از نظر جسمی یکتا خواهند شد، به همان ترتیب، ایمانداران و عیسی مسیح از لحاظ روحانی یکی و متحد خواهند گردید (به انجیل یوحنا ۱۷:۲۰-۲۳ مراجعه شود).

۱۸ به استثنای گناه جنسی زنا، همه تمایلات جسمانی و گناهان و هوسهای نفسانی، با چیزهایی که بیرون از بدن هستند اطفاء خواهند شد. مثلاً، هوس مستی، با نوشیدن مشروبات الکلی اطفاء خواهد گردید. میل به داشتن ثروت، با بدست آوردن پول ارضاء خواهد گردید. ولی هوس جنسی فقط بوسیله تحریک جسمانی و جنسی ارضاء خواهد گردید. بنابراین، گناه جنسی از این لحاظ با بقیه گناهان تفاوتی اصلی و اساسی داشته و **زانی بر بدن خود گناه می‌ورزد**. زیرا در حین

ما را خریده است (به اول قرنیتیان ۷:۲۳ مراجعه شود). به چه قیمتی؟ بهایی که خدا برای خریداری ما پرداخت، بسیار عظیم بود، او ما را به قیمت خون پسرش خریداری نموده است (به مرقس ۱۰:۴۵؛ اعمال ۲۰:۲۸؛ اول پطرس ۱:۱۸-۱۹ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید). خدا ما را خریده است! لذا وظیفه ما این است که بدنها، زندگی، و روان و تمامی هستی خود را به خدا تقدیم نماییم (به رومیان ۱:۱۲ و تفسیر آن مراجعه نمایید). بدنها و جانهای ما متعلق به خداست. تمامی و تک تک اعضای بدن ما به خدا تعلق دارد. بنابراین بایستی اعضای بدن خود را نه طبق میل و اراده خود بلکه طبق اراده خدا بکار ببریم. در این عالم فانی، تنها و مهمترین وظیفه ما این است که خدا را با جسم و روح و تمامی هستی خود، «تمجید» نموده و جلال دهیم.

باب ۷ تعلیم در رابطه مسائل زناشویی (۷:۱-۲۴)

۱ ایمانداران قرنیتس نامه‌ای به پولس رسول نوشته بودند و در آن نامه سؤالاتی در مورد مسائل زناشویی و ازدواج مطرح کرده بودند. لذا در این باب، پولس به جواب سؤالات ایشان می‌پردازد.

پولس رسول، تعلیم خود در رابطه با ازدواج و مسائل زناشویی را با این جمله آغاز می‌کند که **مرد را نیکو آنست که زن را لمس نکند**^{۱۲}. چرا پولس این چنین دستوری صادر کرده است؟ شاید دلیل پولس رسول از این گفته این است که مرد مجرد، فرصت بیشتری جهت خدمت خدا خواهد داشت.

ولی برای آنکه فرد مجرد بماند، وی محتاج

۱۲- بجای «لمس نکند»، در برخی از ترجمه‌ها «بهتر است مرد مجرد بماند» آمده است.

عمل زنا، شخص، بدن خود را به گناه و فاحشه سپرده و تقدیم نموده است. و به همین جهت است که پولس رسول می‌گوید: «هر گناهی که آدمی می‌کند بیرون از بدن است، لکن زانی بر بدن خود گناه می‌کند».

به همین خاطر است که پولس رسول تأکید می‌کند که **از زنا بگریزید**. نه تنها بایستی در مقابل گناه جنسی مقاومت بخرج داد، بلکه بایستی از آن فرار کرد!

۱۹ به هنگام زنا، نه تنها بدن خود را آلوده گناه جنسی می‌سازیم بلکه هیکل (معبد) خدا را نیز تخریب می‌کنیم. زیرا که بدن یک ایماندار، هیکل (معبد) خدا می‌باشد. بوسیله گناه خود هیکل خدا را آلوده و نجس خواهیم ساخت. اگر هیکل خدا را خراب کنیم، خدا ما را هلاک خواهد ساخت (اول قرنیتیان ۳:۱۶-۱۷).

از آنجا که بدن هر ایماندار هیکل روح القدس است؛ با ارتکاب به عمل زنا، نه تنها هیکل خدا را تخریب می‌کنیم، بلکه هیکل روح القدس را آلوده و تخریب خواهیم ساخت. ما نبایستی مکان زیست روح القدس (بدنهای خود) را آلوده سازیم. زیرا که در آن صورت، روح القدس ما را ترک خواهد نمود، چون روح القدس فقط در مکان و بدن پاک و مقدس زندگی خواهد کرد. بدنهای ما هیکل و معبد و خانه خدا و روح القدس است، لذا بدنهای ما متعلق به ما نمی‌باشد و به خدا تعلق دارد. پولس رسول می‌گوید که: **شما از آن خود نیستید**. اعضای کلیسای قرنیتس فکر می‌کردند که بدنهایشان متعلق به خودشان بوده و می‌توانند که با بدنهای خود هرکاری که خواستند انجام دهند. آنها فکر می‌کردند که بدنهای جسمانی برای خدا اهمیت نداشته و خدا فقط به روح و نفس ایشان اهمیت می‌دهد. آه که آنها چقدر در اشتباه بودند!

۲۰ حال ممکن است پرسیده شود که خدا تا به چه اندازه برای بدنها ما اهمیت قائل می‌شود؟ بدنهای ما برای خدا آنقدر اهمیت داشت که او

شوهرش تعلق دارد و مرد نیز صاحب اختیار بدن خود نیست و بدنش متعلق به همسرش می‌باشد. پس از ازدواج، زن و مرد بطور مساوی متعلق به یکدیگر خواهند بود.

در بسیاری از فرهنگهای ملل مختلف، این عقیده غلط رایج است که زن، مایملک مرد بوده و در این گونه جوامع، مرد صاحب اختیار کل بوده و زن هیچگونه اختیار و حقی ندارد. زن فقط بایستی از شوهر خود اطاعت کرده و در پی برآورده ساختن امیال و اراده و اسباب راحتی شوهرش باشد و بس. در این جوامع، از زن بعنوان یک برده استفاده می‌شود و با زنان مانند برده رفتار می‌گردد. این طرز رفتار، کاملاً با نقشه خدا جهت ازدواج و خانواده مغایر می‌باشد. خانواده مسیحی و زندگی زناشویی که مورد نظر خدا و مورد قبول و برکت او باشد، خانواده‌ای است که اساسش بر پایه محبت و مساوات بنا نهاده شده باشد (جهت اطلاع بیشتر به مقاله عمومی: «ازدواج مسیحی» مراجعه نمایید).

۵ در خلال ازدواج، اگر هر یک از زوجین، طالب رابطه جنسی باشد، طرف مقابل بایستی خواسته همسر را برآورده سازد (مگر اینکه بنا به دلایل موجهی از قبیل بیماری و یا آبستنی و غیره، رابطه جنسی میسر نباشد). اگر در زندگی زناشویی، زن و شوهر حق یکدیگر را ادا نکرده و نیازهای جنسی یکدیگر را برآورده نسازند، همسر خود را از حقش محروم کرده‌اند و این عملی اشتباه و ناپسندیده خواهد بود. بنابراین، زن و شوهر، بایستی همیشه آماده و راغب به برآورده ساختن نیازهای جنسی همسر خود باشند.

برای همین است که زن و شوهر بایستی از همدیگر جدا زندگی کنند، مگر اینکه دلیل موجه و ضرورتی جدی حکم کند که مرد و زن مدتی بطور موقت از یکدیگر دوری گزینند. پولس رسول، فقط یک دلیل موجه جهت دوری گزیدن موقت از اعمال جنسی و رابطه زناشویی

به **نعمت خاص** پرهیزکاری و کنترل نفس، از سوی خداوند خواهد بود (آیه ۷). بعبارت دیگر، اگر کسی قصد دارد که بخاطر خدمت خداوند، مجرد بماند، بایستی نعمت و خوانده‌شدگی خاصی جهت این امر داشته باشد. ولی بسیاری از مردان و زنان، همچو عطیه‌ای را دارا نمی‌باشند، و لذا بهتر است که ایشان ازدواج نمایند.

۲ یکی از دلایلی که خداوند به ازدواج امر فرموده است، اینست که مفری جهت پرهیز از گناه جنسی فراهم نموده باشد. هر مرد و زنی دارای نیازها و کششهای جنسی است ولی اگر هر کس از همسر خود تمتع ورزیده و به رابطه جنسی با همسر خود اکتفا کند، دیگر کسی مرتکب گناه جنسی و زنا نخواهد گردید.

در این آیه، پولس رسول نمی‌گوید که همه موظف به ازدواج کردن می‌باشند؛ پولس، خود مجرد بود! بلکه پولس رسول صرفاً تأکید می‌کند که: اگر کسی ازدواج کرد، باید به همسر خود اکتفا نموده و به همسرش خیانت نورزیده و مرتکب زنا نگردد. پس هر مردی باید فقط با زن خود و هر زنی باید تنها با شوهر خود رابطه جنسی برقرار نماید.

۳-۴ منظور از ادا نمودن **حق**، رضایت به داشتن رابطه جنسی با همسر است. بدون داشتن رابطه جنسی، ازدواج کامل نیست. یکی از عوامل تحکیم رابطه زناشویی این است که مرد و زن با ایجاد و برقراری رابطه جنسی، «یکتن» شده و با یکدیگر پیوند جسمی و عاطفی برقرار نمایند (افسیان ۵: ۳۱).

برای همین است که پولس در اینجا خاطر نشان می‌کند که زن و شوهر بایستی «حق» یکدیگر را ادا نموده، همسر خود را از رابطه جنسی محروم ننماید. ایشان بایستی در رابطه زناشویی تسلیم یکدیگر باشند. پس از ازدواج، بدنهای ما از آن خودمان نیست و به همسرمان تعلق دارد. بدن زن متعلق به خود او نیست و به

رسول به ازدواج همه مسیحیان، حکم نمی‌کند. در عوض، وی می‌گوید که اکثریت افراد بشر، جهت پرهیز از گناه جنسی، بهتر است که ازدواج کرده و با همسر خود رابطه جنسی برقرار نمایند. پولس رسول در آیه ۱ می‌نویسد **مرد را نیکو آنست که زن را لمس نکند**؛ ولی در آیه ۶ یادآوری می‌نماید که این حکم نبوده و برای بسیاری افراد، ازدواج امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است.

۷ پولس در این آیه می‌نویسد: **اما**

۱۳- بسیاری معتقدند که بر اساس تعلیم عهدعتیق (لاویان ۱۹:۱۵، ۲۴؛ ۱۹:۱۸)، روابط جنسی در حین ایام عادت ماهانه زن، مجاز نمی‌باشد. ولی این قانون عهدعتیق به این معنا نیست که در ایام عادت زنانه، شوهر بایستی از زن خود جدایی‌گرفته و به او توجهی نشان ندهد. وانگهی، قوانین نجاست و طهارت عهدعتیق در رابطه با نهی از جماع در ایام حیض زن، مربوط به عهدجدید و مسیحیان نمی‌باشد. عیسی مسیح، احکام نجاست و طهارت شریعت عهدعتیق را باطل نموده و مسیحیان موظف به نگاه داشتن آنها نمی‌باشند.

۱۴- در مورد خدمت سربازی، البته شوهر مجبور و موظف به اطاعت از قانون و ترک خانواده خواهد بود. ولی در مواردی دیده می‌شود که مرد بدون آنکه مجبور و موظف باشد، و بخاطر دلایل مادی و نبودن شغل مناسب وارد ارتش می‌شود. در این صورت، مرد مسیحی جوان، بایستی مطمئن باشد که از طرف خدا هدایت مشخص و روشنی در این رابطه دریافت نموده است. خدمت در ارتش، ممکن است که از نظر اقتصادی خوب باشد ولی خدا هرگز نمی‌خواهد که مرد بخاطر رفع نیازهای مالی خانواده، زنش را از وجود خود محروم نماید. این مطلب نیز در مورد کسانی که همسر خود را ترک کرده و جهت کسب درآمد بیشتری به شهر دیگری مسافرت می‌کنند، نیز صحت دارد. یک شوهر مسیحی، بایستی در مورد چنین تصمیم‌گیری‌هایی بسیار با دقت و با تأمل رفتار نماید. زیرا جدایی از همسر، ممکن است که طرفین را به گناه بکشاند.

پیشنهاد می‌کند، به عقیده پولس، زن و شوهر می‌توانند مدتی آنهم به **رضای طرفین** از رابطه جنسی پرهیز کنند «تا برای روزه و عبادت فارغ باشید»^{۱۳}. اگر زن و شوهر، بخاطر دلایل فوق از هم جدایی‌گزینند، این امر بایستی با رضایت طرفین و آنهم موقتی، بوده باشد. زیرا در غیر آن صورت، ممکن است که نیازها و تمایلات جنسی ارضاء نشده، بر ایشان غلبه پیدا نموده و فرد را به زنا و گناه جنسی بکشاند.

در برخی از ممالک، شوهرها ممکن است که همسر و فرزندان خود را برای مدتی طولانی ترک کرده و به شهر و مملکت دیگری جهت کار و یا تحصیل سفر کنند. بر اساس تعلیم کتاب مقدس، این رسم خوبی نیست! و اگر زوجی تصمیم به گرفتن چنین کاری کنند، ایشان بایستی بطور جدی با دعا و روزه، اراده خدا را در رابطه با این جدایی، جستجو نمایند. بعبارت دیگر، اگر قرار است که مرد خانواده برای مدت طولانی مسافرت کند، زن و شوهر بایستی مطمئن باشند که خداوند به ایشان اجازه چنین کاری را داده است.^{۱۴} اگر شوهر حتماً بایستی به شهر دیگری سفر کند، باید سعی شود که در صورت امکان، زنش نیز او را همراهی نماید.

برخی معتقدند که تنها دلیل موجه جهت داشتن رابطه جنسی در چهارچوب رابطه زناشویی، تولید مثل است. ولی پولس رسول دو دلیل جهت داشتن رابطه جنسی بین زن و شوهر ارائه می‌دهد: اولاً، کاهش احتمال وسوسه جنسی، ثانیاً، ایجاد محیطی مملو از عشق و علاقه مابین زن و شوهر جهت بقای رابطه زناشویی و تحکیم خانواده با ایجاد و تداوم رابطه جنسی بین زن و شوهر.

۶ پولس رسول می‌گوید: **لکن این را می‌گوییم به طریق اجازه نه به طریق حکم**. منظور از «این»، سخنی است که پولس در آیه ۲ بدان اشاره نموده بود که زنان و مردان، در جهت حفظ پاکدامنی خود به ازدواج مبادرت ورزند. پولس

«مجرد»، حالت اول می‌باشد، زیرا که در همان آیه وی از حالت دوم **بیوه زنان**، بطور مجزا یاد نموده است.

۹ پولس رسول به افراد مجرد و بیوه‌زنانی که قدرت کنترل هوسهای جنسی خود را ندارند، نصیحت و توصیه می‌کند که ازدواج کنند. **زیوا که نکاح از آتش هوس (سوختن) بهتر است**. بعبارت دیگر، کسانی که عطیه و نعمت پرهیز و کنترل نفس خویش را ندارند، بهتر است ازدواج کنند. پولس رسول، هم زنان جوان و هم مردها را به امر ازدواج و دوری از گناه جنسی ترغیب و تشویق می‌نماید.

از آتش هوس (سوختن)، امری طبیعی بوده و وجود تمایلات جنسی، بخودی خود، گناه محسوب نمی‌شود. ولی اگر این تمایلات و هوسها، ارضا نشده باقی بماند، ممکن است که انسان را به وسوسه و مآلاً به گناه بکشاند. لذا بایستی سعی کرد که در صورت امکان، با ازدواج آتش هوسهای جنسی را خاموش کرد.

۱۰-۱۱ نکته دیگری که بایستی در نظر داشت این است که ازدواج مسیحی باید دائمی باشد؛ این فرمان مسیح است (مرقس ۱۰:۶-۹). **زن از شوهر خود جدا نشود (آیه ۱۰)**. و **مرد نیز زن خود را جدا ن سازد (آیه ۱۱)**. ولی اگر یکی از طرفین، دیگری را طلاق داده (و یا جدا شده و

می‌خواهم که همه مردم مثل خودم باشند، یعنی مجرد باقی مانده، خدا را تمام وقت خدمت کنند. آرزوی پولس رسول این است که همه جوانان مجرد، چه مرد و چه زن، خود را وقف خدمت تمام وقت عیسی مسیح نمایند. **لکن هر کس نعمتی خاص از خدا دارد**. پولس رسول نعمت کنترل نفس و پرهیزکاری داشت و ازدواج برای وی امری ضروری نبود. دیگران ممکن است عطایا و نعمتهای گوناگون و متفاوتی داشته باشند. برای مثال، آنانی که ازدواج می‌کنند، ممکن است نعمت تربیت اطفال و یا مهمان‌نوازی داشته باشند.

۸ پولس در اینجا همان مطلب آیه ۱ را مبنی بر اینکه بهتر است که مجردین برای خدمت خدا مجرد باقی بمانند، تکرار می‌کند. پولس بار دیگر تأکید می‌کند که افراد مجردی که نعمت پرهیزکاری را دارند، «مثل من» یا مانند خود پولس، مجرد مانده، مسیح را بطور کامل و تمام وقت خدمت نمایند. معلوم نیست که پولس رسول پیشتر ازدواج کرده بود و یا هرگز زن اختیار نکرده بوده است. تقریباً همه مردان یهودی ازدواج می‌کردند و از آنجا که پولس، فردی مذهبی و یهودی متدین بود، احتمالاً همسر داشته است. احتمال دارد که پس از ازدواج، همسر پولس فوت کرده و پولس دیگر به ازدواج مجدد اقدام نکرده باشد. ولی تنها حقیقتی که بطور قطع می‌دانیم اینست که در زمان نگارش این رساله، پولس مجرد بوده است.

لفظ **مجرد** در اینجا ممکن است سه معنی داشته باشد. یکی اینکه، شخص هرگز ازدواج نکرده باشد. دوم اینکه، ممکن است که شخصی قبلاً ازدواج کرده و در نتیجه وفات همسرش بیوه شده باشد. حالت سوم این است که بنا به دلایلی، همسرش وی را طلاق داده و از او جدا شده باشد و در نتیجه مجرد گردیده باشد. ۱۵ ولی به احتمال زیاد منظور پولس رسول از لفظ

۱۵- از آنجا که لفظ «مجرد» ممکن است به معنی طلاق گرفته باشد، برخی از مفسرین کتاب مقدس از این نکته نتیجه می‌گیرند که پولس در آیه ۹ چنین تعلیم می‌دهد که در بعضی شرایط خاص، شخص طلاق گرفته می‌تواند دوباره ازدواج کند. ولی این نتیجه‌گیری با متن آیه ۱۱ مغایرت دارد که در آن پولس رسول به زنان مطلقه می‌گوید که ایشان نباید از شوهر خود جدا شوند و اگر تحت شرایط خاصی مجبور به طلاق گرفتن شدند بهتر است مجرد باقی مانده و یا با شوهر سابق خود آشتی کنند (به متی ۳۲:۵؛ مرقس ۱۰:۶-۱۲ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

بعنوان رسول تعلیم می‌دهد. لازم به تأکید است که تعلیم پولس نه تنها با اقتدار یک رسول مسیح بوده، بلکه او بوسیله قدرت و الهام روح‌القدس صحبت می‌کرد (آیه ۴۰). زیرا که پولس رسول تحت قوت و بوسیله الهام مستقیم روح‌القدس، رسالات خود را برشته تحریر درآورده است.

پیش از آنکه به تعلیم پولس رسول در مورد ازدواج یک شخص مسیحی با فرد غیرمسیحی بپردازیم، لازم است که تعلیم دیگر پولس رسول را در این راستا خاطر نشان کرده، بر آن تأکید کنیم. پولس رسول در دوم قرن‌تبیان ۱۴:۶ تأکید می‌کند که یک مسیحی باید از ازدواج با غیرمسیحی احراز نماید.

ولی تکلیف شخصی که پس از ازدواجش به مسیح ایمان آورده است چه خواهد بود؟ جواب پولس رسول به این سؤال اینست که اگر کسی پس از ازدواج به مسیح ایمان آورد، و همسر مسیحی وی حاضر به ادامه زندگی با وی باشد، فرد مسیحی بایستی به زندگی با همسر بی‌ایمانش ادامه دهد، زیرا آن ازدواج کماکان در نظر خدا محترم و مقدس خواهد بود.

۱۴ زیرا که شوهر بی‌ایمان از زن خود مقدس

۱۶- برخی مسیحیان معتقدند که شرایط مجاز دیگری نیز جهت طلاق مسیحی و ازدواج مجدد، موجود می‌باشد. به یکی از این شرایط مجاز، در آیه ۱۵ اشاره شده است. ولی در کتاب مقدس از شرایط دیگری جهت طلاق مجاز، سخنی به میان نیامده است. باید مواظب باشیم که آیات کتاب مقدس را به جهت بیان مطلب مورد علاقه و به منظور اثبات نکات شخصی خود، به دلخواه خود تبدیل نکرده و تغییر ندهیم. باید اذعان داشت که موضوع مورد بحث، مطلبی پیچیده و غامض است و نظریات مختلفی از جانب متفکرین مسیحی در این رابطه ابراز گردیده است. جهت اطلاع بیشتر به مقاله عمومی: «ازدواج مسیحی» مراجعه نمایید.

بخواهد جداگانه زندگی کند)، ایشان بایستی کمال سعی را جهت مصالحه و تجدید حیات ازدواج بخرج دهند. اگر تلاش‌های طرفین جهت مصالحه و تجدید رابطه زناشویی بلا نتیجه ماند، لازم است که ایشان در حالت تجرد باقی مانده، مجدداً با شخص دیگری ازدواج نکنند. در کتاب مقدس فقط دو مورد جهت طلاق و ازدواج مجدد افراد مطلقه مجاز شناخته شده است. اول اینکه یکی از طرفین نسبت به همسرش خیانت ورزیده، مرتکب زنا گردیده باشد، در این صورت طلاق و ازدواج مجدد مجاز خواهد بود (متی ۵:۳۲). ثانیاً، پس از مرگ زوج، طرف دیگر جهت ازدواج آزاد خواهد بود (رومیان ۷:۳؛ اول قرن‌تبیان ۷:۳۹). در صورت فقدان یکی از این دو شرط، ازدواج مجدد پس از طلاق مجاز نمی‌باشد و اگر بدون وجود این شرایط کسی پس از طلاق مجدداً ازدواج کند، مرتکب زنا گردیده است.^{۱۶}

۱۲-۱۳ در اینجا، پولس رسول به موضوع دیگری می‌پردازد: اگر در خانواده‌ای یکی از زوجین ایماندار باشد و همسر بی‌ایمان داشته باشد، چه باید کرد.

در آیه ۱۲، پولس در باره دیگران تعلیم می‌دهد. مقصود از «دیگران»، مسیحیانی هستند که همسر غیرمسیحی دارند. از آنجا که عیسی مسیح بیش از سه سال تعلیم نداد، لذا دستور و تعلیم مکتوبی از عیسی مسیح در این رابطه در دست نیست. ممکن است که مسئله ازدواج ایماندار با فرد غیرمسیحی، در مدت سه سالی که عیسی مسیح جسماً در این دنیا بود، پیش نیامده و بروز نکرده بود. به همین خاطر است که عیسی مسیح در این رابطه تعلیم و رهنمود خاصی بمانده است. به همین دلیل است که در اینجا پولس رسول می‌گوید: **دیگران را من می‌گویم نه خداوند**. منظور اینست که با توجه به فقدان تعلیم مشخص و روشنی در این رابطه، از جانب خداوند؛ پولس با تکیه به اقتدار خود

زیست نمایند، و ایمان فرد مسیحی نبایستی که عامل جنگ و جدال در خانواده گردد. اگر شخص مسیحی دائم مشغول مباحثه و جنگ و جدال با همسر بی‌ایمان خود باشد، بهتر است که آن رابطه خاتمه یابد! خداوند نمی‌خواهد که محیط خانواده به میدان جنگ مبدل گردد و از مشاجره دایم مابین زن و شوهر، اصلاً راضی نیست.

اگر همسر بی‌ایمان، جدایی گزیند **برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست**. بسیاری از مفسرین معتقدند که این گفته پولس رسول را می‌توان بعنوان مجوز ازدواج مجدد تلقی کرد، **زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست** و می‌تواند که اینبار با فردی ایماندار پیمان زناشویی ببندد.

۱۶ زن و یا شوهر ایماندار، بایستی که دائماً برای نجات همسر غیرمسیحی خود دعا کرده، با پیش گرفتن رفتاری مملو از محبت و گذشت و فداکاری، باعث تشویق او به پذیرش ایمان مسیحی گردد (به اول پطرس ۳:۱-۲ مراجعه نمایید). ولی اگر مصالحه امکان‌ناپذیر باشد، فرد مسیحی نباید که بر نگاه داشتن همسر بی‌ایمان خود اصرار ورزد.

۱۷ پولس رسول در اینجا یک اصل کلی جهت زندگی همگی مسیحیان ارائه می‌دهد: **به هر طور که خداوند به هر کس قسمت فرموده و به همان حالت که خدا هر کس را خوانده باشد، بدین‌طور رفتار بکند**. هر چند که پس از ایمان به مسیح، از لحاظ روحانی متبدل شده‌ایم، ولی اوضاع و شرایط جسمانی و فیزیکی و مادی و اجتماعی ما ممکن است دستخوش تغییر نشود^{۱۷}. بعنوان مثال، اگر شخصی به هنگام

می‌شود وزن بی‌ایمان از برادر مقدس می‌گردد. این سخن بدان معنی نیست که شخص بی‌ایمان، بوسیله ایمان همسر ایماندارش نجات خواهد یافت. بلکه معنی این کلام آنست که پاکی و تقدس فرد ایماندار، خواه ناخواه، همسر و فرزندان بی‌ایمان را تحت‌تأثیر خود قرار خواهد داد و ایشان را تا اندازه‌ای متبدل خواهد نمود؛ و برکات روحانی و مادی و معنوی که خدا نصیب ایماندار خواهد ساخت، بی‌شک مابقی افراد خانواده وی را نیز تحت‌تأثیر خود قرار داده، ایشان را بنوعی مبارک خواهد ساخت (به پیدایش ۷:۷؛ ۴:۳۹-۵ مراجعه شود).

اگر نه اولاد شما ناپاک می‌بودند، لکن الحال مقدسند. این سخن بدین معنی نیست که اطفال و اولاد خود به خود بوسیله ایمان والدین خویش نجات یافته، مقدس خواهند شد. زیرا می‌دانیم که جهت نجات، هر کس باید بطور شخصی و انفرادی به عیسی مسیح ایمان آورده، از روح‌القدس تولد تازه یابد (یوحنا ۳:۳). پس معنی این آیه به قرار زیر است: فرزندان که از والدین مسیحی متولد شده‌اند (حتی اگر یکی از والدین ایماندار نباشد)، به یک معنا در خانواده خدا بدنیا آمده‌اند. ولی با این وجود، ایشان بایستی بمرجود آنکه به سن رشد و تشخیص رسیدند، خود شخصاً به عیسی مسیح ایمان آورده و ایمان خود را بر مسیح و صلیب قرار داده، تولد تازه را از روح‌القدس دریافت نمایند. هیچ کس بطور طبیعی و ارثی مسیحی بدنیا نمی‌آید؛ و کسی بخاطر ایمان پدر و یا مادرش نجات نخواهد یافت، بلکه شخص بایستی خود به عیسی مسیح بعنوان خداوند و نجات‌دهنده خویش ایمان آورده، زندگی‌اش را به عیسی مسیح تقدیم نماید.

۱۵ اگر همسر غیرمسیحی تصمیم به جدا شدن بگیرد، آنگاه، فرد مسیحی بایستی به جدایی رضایت بدهد. چرا؟ چونکه اراده خدا این است که زن و شوهر در صلح و **سلامتی**

۱۷- اغلب مواقع، وضعیت مادی و اجتماعی ما پس از ایمان به مسیح بهبود خواهد یافت، ولی این امر در همه موارد و شرایط صادق نبوده، چه بسا پس از ایمان به مسیح، سختی‌ها و تلخیهای بی‌شماری را

می‌گوید: «از شما استدعا دارم که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده‌اید، رفتار کنید» (افسیان ۴:۱).

۲۲ در نظر خدا، شرایط خارجی و برونی ما هر چه باشد، خواه مجرد، خواه متأهل، خواه یهودی، خواه برده، خواه آزاد، اهمیتی ندارد. تنها چیزی که در نظر خدا مهم است، این است که ما به عیسی مسیح تعلق داریم یا نه. هیچ چیزی مهم‌تر از این نیست. برده‌ای که به عیسی مسیح ایمان داشته باشد، در خداوند آزاد است و از آزادی حقیقی برخوردار می‌باشد (به یوحنا ۸:۳۱-۳۲ و ۳۶ راجعه نمایید). یا فرد آزادی که به عیسی مسیح ایمان آورده باشد، در واقع عنان و اختیار زندگانی خود را به مسیح سپرده و **غلام مسیح** گردیده است. پس از لحاظ ظاهری چه آزاد باشیم چه غلام، نکته مهم اینست که آیا درون ما به مسیح تعلق دارد یا نه؟

۲۳ زمانی که بوسیله خون عیسی مسیح خریداری گشتیم، غلام مسیح شده‌ایم. هرچند که در ظاهر آزاد یا غلام و خدمتکار شخص دیگری باشیم، درون ما و قلب ما متعلق به مسیح خداوند است و بایستی که او را عبادت و خدمت کنیم. زیرا او تنها ارباب و صاحب اختیار حقیقی ماست.

همانطور که در زمانی که پولس رسول این رساله را می‌نوشت، بردگان مانند اجناس، در بازارها خرید و فروش می‌شدند، مسیح ما را خریده است. مسیح چه قیمتی جهت ما پرداخته است؟ عیسی مسیح ما را به قیمت بی‌بهای خون مقدس و جان عزیزش خریداری نموده است (به اول قرن‌تبیان ۶:۲۰؛ اول پطرس ۱:۱۸-۱۹ راجعه نمایید).

۲۴ در این آیه، پولس آنچه را که در آیه ۲۰

تجربه کنیم. ممکن است که خداوند عمداً ما را از برکات مادی محروم سازد تا اینکه برکات روحانی بی‌شماری را نصیبمان گرداند.

ایمان به مسیح، یعنی زمانی که خدا او را خواند (آیه ۱۸)، متأهل بود، بهتر است در صورت امکان متأهل باقی بماند. **اگر کسی در مختونی خوانده شود**، یعنی اگر کسی به هنگام ایمان به مسیح یهودی باشد، لازم نیست که رسوم آباء و اجدادی یهودی خود را کنار گذاشته، مانند امتهای زندگی کند (آیه ۱۸). و یا اگر کسی در زمان غلامی خوانده شد، غلام باقی بماند (آیه ۲۱).

۱۸-۱۹ نکته اصلی اینست که ما بایستی صرف نظر از شرایط خوب و بدی که در آن قرار داریم، به خدا و اوامر خدا وفادار و مومن و متعهد بوده، مطیع فرامین خداوند باشیم. پولس رسول می‌گوید: **ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ، بلکه نگاه داشتن امرهای خدا** (آیه ۱۹). اینکه فرد متأهل باشد یا مجرد، غلام باشد یا آزاد، مختون باشد یا نامختون مهم نیست (به غلاطیان ۳:۲۸؛ ۵:۶؛ ۶:۱۵ راجعه نمایید). مهمترین چیز اینست که ما برای نگاه داشتن اوامر خدا و محبت و اطاعت نمودن از احکام پسر یگانه او عیسی مسیح خوانده شده‌ایم (یوحنا ۱۴:۲۱).

۲۰-۲۱ خدا همیشه قادر به تغییر دادن و مبدل ساختن شرایط زندگی ما می‌باشد. اگر در زمان تجرد به مسیح ایمان آورده، خواهان ازدواج باشیم، خدا قدرت فراهم آوردن همسری مناسب برایمان را دارد. اگر غلام هستیم، خدا قدرت بخشیدن آزادی بما را دارا است. ولی ما نبایستی که به بخودی خود و با توسل به زور و قدرت خود، در پی تغییر وضعیت خود، تلاش بی‌جا بخرج دهیم. در عوض، باید در انتظار هدایت و راهنمایی خدا و منتظر دیدن کارهای شگفت‌آور خدا باقی بمانیم (آیات ۲۰ و ۲۴). خدا مصلحت ما را بهتر از خود ما می‌داند، و نیز بهتر می‌داند که ما در چه وضعیتی او را بهتر و بیشتر جلال خواهیم داد. پولس رسول، در رساله دیگری مسیحیان را به اطاعت از تنها وظیفه پیروان عیسی مسیح دعوت کرده،

نوشته بود، تکرار می‌کند.

سؤال در مورد دوشیزگان (۲۵:۷-۴۰)

۲۵ در زبان یونانی^{۱۸} عبارت «باکره»، به مرد و زنی که هرگز ازدواج نکرده است، اتلاق می‌شود. لذا در آیات ۲۵-۲۸، پولس رسول در مورد هم زنان و هم مردان «باکره» گفتگو می‌کند

۲۶ مقصود پولس رسول از عبارت **تسگی** **این زمان**، بلایا و سختی‌هایی بود که کلیسای مسیح در آن زمان از جانب امپراطوری روم متحمل می‌شد.

پولس رسول می‌گوید که در چنین شرایط سخت بهتر است که از ازدواج صرف‌نظر کرد. اگر انسان مجرد بوده، نگران همسر و فرزندان خود نباشد، شرایط سخت و طاقت‌فرسا و فشارهای اجتماعی و اقتصادی را بمراتب راحت‌تر تحمل خواهد کرد.

۲۷ تا حد امکان، آنطوری که هستی باقی بمان! شرایط و موقعیتی را که خداوند ترا در آن قرار داده است، همانطوری که هست، بپذیر (به آیه ۱۷ و تفسیر آن مراجعه نمایید).

۲۸ اگر شخصی نیاز به ازدواج دارد، ازدواج کند، نکاح کردن گناه نیست. ولی افراد متأهل، نگرانی و سختی و مشقت بیشتری را تجربه خواهند نمود؛ نگرانی‌هایی از قبیل امرار معاش و فراهم آوردن غذا و پوشاک و نگهداری و مسئولیت خانواده و غیره. علاوه بر این، زنان نیز مشقت و سختی حمل و زایمان و نگهداری از اطفال و شب‌زنده‌داری‌ها و غیره را نیز متحمل خواهند گردید. پولس رسول به ایمانداران، توصیه می‌کند که در مورد مسئله ازدواج، خوب فکر کرده و سپس اقدام نمایند.

۲۹-۳۱ در آیات فوق خواندیم که پولس مکرراً مسیحیان را به ماندن در همان حالتی که هستند تشویق می‌کند. یکی از مهمترین دلایلی که پولس رسول جهت این امر ارائه می‌دهد

اینست که **وقت تنگ است**. این جمله را به دو شکل می‌شود تفسیر و تعبیر نمود. معنی اول اینست که در این عالم فانی، عمر ما بسیار کوتاه و زودگذر است، معنی دوم اینست که جهان فعلی بزودی تمام شده و روز قیامت و داوری نزدیک می‌باشد (به رومیان ۱۱:۱۳-۱۲ مراجعه نمایید). صرف‌نظر از اینکه کدام معنی را ترجیح می‌دهیم، آنچه که مشخص است این نکته می‌باشد که دیر یا زود سالهای عمر ما به پایان رسیده، با رفتن از این دنیا، عملاً این جهان برای ما خاتمه یافته و بی‌ارزش خواهد گردید. پس از مرگ، این جهان دیگر برای ما واقعیت و جذابیت خود را از دست داده، چشمان ما بار دیگر برای روز داوری و قیامت عالم گشوده خواهد گردید.

لذا، این روزها برای همگی ما کوتاه و زودگذر است. چندی نخواهد گذشت که ما که در عیسی مسیح زیست می‌کنیم، دار فانی را وداع گفته و برای همیشه به مسیح خواهیم پیوست. لذا، چه دلیلی دارد که ایام کوتاه عمر خود را با نگرانی و دغدغه خاطر سپری کنیم؟ (به متی ۳۱:۶-۳۳؛ مرقس ۴:۱۹؛ کولسیان ۳:۲ مراجعه نمایید). برای مثال، در بهشت کسی نکاح نکرده و منکوحه نخواهد شد (انجیل متی ۲۲:۳۰). لذا بنابراین، **آنانی که زن** (و یا شوهر) **دارند مثل بی‌زن باشند**. یعنی اینکه، تمامی فکر و نیروی ما نباید صرف مسائل زندگی و ازدواج و همسر و فرزندان گردد. برعکس، بر صدر اولویتهای ما، بایستی ملکوت خدا و اطاعت از احکام وی قرار گیرد (آیه ۱۹).

به همین ترتیب در این جهان خاکی، خواه **گریان** باشیم و خواه **خوشحال**، اهمیت چندانی ندارد. بزودی این جهان فانی را بسوی عالم باقی ترک خواهیم کرد و در آن جهان کسانی که به

۱۸- تمامی رسالات پولس رسول، به زبان یونانی نگارش گردیده است.

تمامی نیروی فکری و جسمی خود را به خدمت خدا اختصاص دهند.

۳۵ پولس رسول، خاطر نشان می‌سازد که هدف وی از گفتن این سخنان، نهادن **دامی** بر ایمانداران قرن‌تس نیست. ایشان در تصمیم‌گیری جهت ازدواج کردن و یا مجرد ماندن، کاملاً مختار و آزادند. ولی هر تصمیمی که می‌گیرند، باید به **شایستگی و ملازمت خداوند** و «بی‌تشویش» باشد. از یک سو اگر شخصی در خود نیازی به نکاح احساس نکند، بهتر است که به جهت خدمت خداوند، مجرد باقی بماند. زیرا که در آن صورت، ازدواج ممکن است مانعی جهت خدمت وی به خداوند گردد. از سوی دیگر، اگر شخصی نیازمند به نکاح است، بهتر است که ازدواج کند، زیرا سوختن در «آتش هوس» (آیه ۹)، بنوبه خود مانع خدمت و عبادت خدا خواهد گردید. اگر مرد و یا زن مجردی داریم در فکر ازدواج کردن باشد، چگونه خواهد توانست خدا را خدمت نماید؟ اینگونه افراد بهتر است ازدواج کنند، زیرا در آن صورت خواهند توانست که فارغ از سوختن در آتش هوس، خدا را پرستش و خدمت کند. خلاصه کلام این که ما بایستی طبق نعمات، قابلیت‌ها، و عطایایی که خداوند بمانا عطا نموده است، زیست کنیم (آیات ۷ و ۱۷).

بنابراین، خواه مجرد باشیم و خواه متأهل، مهم نیست که در چه موقعیتی قرار گرفته‌ایم، بگذارید که تا سرحد امکان در پی خدمت و پرستش خدا باشیم.

۳۶-۳۸ ترجمه این آیات بسیار مشکل است و از متن یونانی رساله مشخص نیست که آیا پولس رسول در باره مرد و نامزد باکره‌اش صحبت می‌کند و یا اینکه روی سخنش با پدری است که دختری جوان در خانه دارد.^{۱۹}

۱۹- در ترجمه تفسیری کتاب مقدس فارسی این آیات چنین است: «اگر کسی می‌بیند که نسبت به دختری

عیسی مسیح تعلق دارند **خوشحال** و آنکسانی که او را طرد کرده‌اند، **گریان** خواهند شد. بنابراین، باشد که کسانی که بر روی این کره خاکی شادی و یا ماتم می‌کنند بدانند که این گریه و خوشحالی ایشان موقتی بوده و بزودی در خواهد گذشت (آیه ۳۰).

به همین شیوه، کسانی که ملکی را خریداری می‌کنند، در نظر داشته باشند که همه چیز را واگذاشته و دست خالی به دیار باقی خواهند شتافت. پس بیایید گنجهای فاسد نشدنی برای خود در بهشت بیندوزیم (به متی ۶: ۱۹-۲۱؛ لوقا ۱۲: ۱۶-۲۱ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایند). برهنه به این عالم آمده‌ایم و برهنه نیز از جهان خواهیم رفت (ایوب ۱: ۲۱).

و به طریق اولی، **استعمال کنندگان این جهان مثل استعمال کنندگان نباشند**. منظور این است که از نعمات این جهان بطور حکیمانه و عاقلانه استفاده کرده، از آن بهره‌مند شویم ولی در عین حال اجازه ندهیم که جهان و نعماتش ما را در بند خود کشیده، صاحب اختیار ما شوند. خداوند اختیار این جهان را بدست ما سپرده است، ولی نباید گذاشت که این جهان صاحب قلبمان گردد (به یوحنا ۲: ۱۵-۱۷ مراجعه شود). **زیرا که صورت این جهان در گذر است.**

۳۲-۳۴ در این آیات، پولس رسول به محسنات افراد مجرد اشاره کرده، به خوانندگان رساله توصیه می‌کند که **بی‌اندیشه** باشند. مرد یا زن مجرد فقط نسبت به عیسی مسیح مسئول بوده، می‌تواند که بدون تشویش و دغدغه خطر خداوند را خدمت کند. ولی مرد یا زنی که ازدواج کرده باشد، مدام در فکر رفع نیازمندیهای همسر و فرزندان خود خواهد بود و نخواهد توانست که صد در صد نیروی خود را به خدمت خدا اختصاص دهد. توجه به همسر و نگهداری از فرزندان، گناه نیست و بلکه بسیار پسندیده و نیکو می‌باشد. ولی به عقیده پولس رسول، بهتر است که افراد مجرد از ازدواج صرف‌نظر کرده،

احتمال دارد که مخالفان پولس در کلیسای قرن‌تس، رسالات پولس را به باد تمسخر گرفته و می‌گفتند که وی فقط به اظهار عقاید شخصی خود پرداخته و رسالات و تعالیم پولس خالی از قوت روح‌القدس است و لذا اطاعت و توجه به رسالات و سخنان پولس امری بی‌فایده است. برای همین است که پولس رسول به ایمانداران قرن‌تس یادآوری می‌کند که وی نیز روح‌القدس را دریافت کرده و لذا، اینک با قوت روح‌القدس تعلیم می‌دهد.

که نامزدش است پرهیز ندارد و نمی‌تواند بر امیال خود مسلط باشد و نامزدش نیز بحد بلوغ رسیده و او می‌خواهد با این دختر ازدواج کند، گناهی مرتکب نشده است. اشکالی ندارد؛ بگذارید ازدواج کند. اما اگر کسی با اراده‌ای محکم تصمیم گرفته است که ازدواج نکند، و می‌بیند که نه تمایلی به این کار دارد و نه نیازی به آن، تصمیم عقاقلانه‌ای گرفته است. پس کسی که ازدواج می‌کند، کار خوبی می‌کند، و کسی که ازدواج ننماید، کار بهتری می‌کند.»

در زمان نگارش این رساله، در بسیاری از ممالک اجازه ازدواج دختر به عهده پدرش بود و بدون اجازه پدر، دختران ازدواج نمی‌کردند. اگر در مراسم ازدواج دختری، پدر از بجا آوردن مراسم و تشریفات مناسب امتناع می‌ورزید، و یا در شوهر دادن دخترش تعلل می‌کرد، باعث خجالت و سرشکستگی دخترش می‌شد، و بدین ترتیب پدر با دختر خود «ناشایستگی» می‌کرد. در چنین شرایطی است که پولس رسول می‌گوید: بهتر است که پدر، دختر خود را شوهر دهد و «گناهی نیست، بگذار که نکاح کنند» (آیه ۳۶).

ولی اگر پدری معتقد است که دخترش بایستی مجرد مانده، خدا را خدمت کند، آن پدر مرتکب خطا و کار بدی نمی‌شود (آیه ۳۷). در هر صورت، چه دخترش را شوهر دهد و یا جهت خدمت خدا مجرد نگاه دارد، پدر کار بدی انجام نداده است. ولی پولس رسول می‌گوید که نهایتاً بهتر است که دخترش را شوهر نداده و او را به خداوند وقف کند.

براساس یک ترجمه، اگر مردی به دختری نامزد شده باشد، وی آزاد است که یا با آن دختر ازدواج کند یا نکاح را به تعویق اندازد و یا کلاً از ازدواج صرف‌نظر نماید. هیچ کس نباید وی را جهت ازدواج کردن و یا صرف‌نظر نمودن از ازدواج، تحت فشار قرار دهد. مرد مجردی که در باره ازدواج اندیشه می‌کند بایستی در تصمیم‌گیری‌اش آزاد گذاشته شود، وی باید عطایا و قابلیت‌ها و نعمات خود را سنجیده، بررسی کند و ببیند که چه دعوتی از جانب خداوند دارد و بر طبق آن عمل کند. اگر وی در **دل خود پایدار است** و از خدا عطای پرهیز را دریافت نموده باشد، بهتر است که ازدواج نکرده، وقت و نیروی خود را صرف پرستش و خدمت خدا نماید. در این صورت وی آزاد است که از ازدواج با نامزد خود سرباز زند.

در هر صورت، چه ازدواج کند و چه مجرد باقی بماند، کار **نیکویی** انجام داده است. ولی طبق معمول، پولس رسول معتقد است که تجرد بهتر است (آیات ۱ و ۸).

۳۹ زنی که شوهرش مرده باشد، بیوه نامیده شده و چنین زنی آزاد است که دوباره نکاح کند (به رومیان ۲:۷ مراجعه نمایید). ولی اگر بیوه‌زنی برای دومین بار ازدواج کند، شوهرش باید **در خداوند** باشد، یعنی بایستی که وی همسر مردی مسیحی باشد.

این تعلیم نیز در مورد مردی نیز که همسرش را از دست داده و خواهان ازدواج مجدد باشد، صادق است. مردان بیوه نیز باید با زنان ایماندار نکاح کنند.

۴۰ بنا به عقیده پولس، فرد بیوه (چه زن و چه مرد)، بهتر است که همانطور که هست بماند (مجرد مانده و دیگر ازدواج نکند). پولس رسول معتقد است که در آن حال، زن بیوه **خوشحال‌تر** خواهد بود. ولی پولس رسول در رساله اول به تیموتائوس می‌نویسد که اگر بیوه‌ای جوان است، بهتر است که دوباره ازدواج کند.

محدودیت آگاهی و دانش خود با اطلاع بوده و فروتنی و تواضع خود را حفظ می‌کند (به اول قرن‌تیان ۱۸:۳-۲۰ مراجعه نمایید).

۳ اگر در پی کسب علم الهی هستیم، بایستی ابتدا خدا را محبت کنیم. این اولین و مهمترین حکم و قدم در راه شناخت خدا است. اگر خدا را محبت نکرده و دوست نداشته باشیم، بدان معناست که او را نمی‌شناسیم (اول یوحنا ۸:۴). و شناخت خدا، کسب بزرگترین دانش ممکن است. از سوی دیگر قدم اول در راه شناخت خداوند، خداترسی است. **توس خدا! ابتدای حکمت است** (مزمور ۱۱۱:۱۰؛ امثال ۷:۱).

بنابراین، دانش ما از خدا و علوم الهی از دو منشأ سرچشمه می‌گیرد. ابتدا، بوسیله محبت کردن و عشق ورزیدن به خدا او را خواهیم شناخت. ثانیاً، با شناختن پسر یگانه او عیسی مسیح، خدا را خواهیم شناخت. زیرا اگر پسر را بشناسیم، پدر را نیز خواهیم شناخت (به یوحنا ۱۴:۷-۹ و تفسیر مربوط به آن مراجعه نمایید). ولی پولس رسول در این آیه، صرفاً در مورد شناخت خدا سخن نمی‌گوید، بلکه وی بیشتر در باره «معروف» بودن ما ایمانداران نزد خدا سخن می‌راند. شخصی که خدا را دوست می‌دارد **نزد او (خدا) معروف می‌باشد**. این سخن به چه معناست؟ «معروف بودن نزد خدا» یعنی فرزند او بودن، یعنی اینکه خدا خاصان خود را می‌شناسد و از ایشان نگهداری و مراقبت می‌نماید (به یوحنا ۱۰:۱۴ و ۲۷ مراجعه نمایید). اگر خدا ما را نشناسد و نزد وی معروف نباشیم، آینده بسیار هراسناکی خواهیم داشت (به متی ۲۲:۷-۲۳ مراجعه نمایید).

پس بیایید بجای علمی که باعث تکبر می‌شود، محبت خدا را پیشه کنیم. زیرا اگر محبت داشته باشیم و با خداترسی در پی کسب علم برویم، علم و دانش واقعی را نیز بدست خواهیم آورد.

باب ۱

قربانی بتها (۱:۸-۱۳)

۱ ایمانداران کلیسای قرن‌تس با نوشتن نامه‌ای به پولس رسول، از او در باره خوردن و یا پرهیز از گوشت قربانی تقدیم شده به بتها سؤال کرده بودند. پولس قبل از جواب دادن به آن، به مطرح کردن نکته دیگری می‌پردازد و آن اینست که **علم باعث تکبر است**. دلیل پولس از نوشتن این مطلب چیست؟ مسیحیان قرن‌تس، مدت‌ها بر سر این مطلب به جر و بحث پرداخته بودند و طوری رفتار می‌کردند که گویی در این رابطه، همه چیز را دانسته و علم کامل دارند. عبارت دیگر، ایشان چون تصور می‌کردند که دارای «علم» هستند، در دام «تکبر» افتاده بودند. عده‌ای از مسیحیان قرن‌تس معتقد بودند که خوردن گوشتی که برای بتها ذبح شده است، بلامانع می‌باشد؛ در حالی که عده دیگری از ایشان معتقد بودند که هرگونه تماس با گوشتی که برای بتها ذبح شده باشد، حرام است. هر دو گروه فکر می‌کردند که در مورد مسئله مذکور علم کامل دارند. این طرز تفکر باعث شده بود که ایشان به دانش خود غرّه شده و در این حین محبت به یکدیگر به دست فراموشی سپرده شده بود. پولس رسول تأکید می‌کند که بدون وجود محبت، **علم باعث تکبر خواهد شد لکن محبت بنا می‌نماید** (به اول قرن‌تیان ۸، ۲:۱۳ مراجعه نمایید).

۲ همگی ما، سابقه آشنایی افرادی را داشته‌ایم که فکر می‌کنند که همه چیز را دانسته و حاضر به یادگیری از هیچکس نمی‌باشند. این چنین فردی در دام «تکبر» افتاده و **هنوز هیچ نمی‌داند، بطوری که باید دانست**.

راه دانستن و کسب علم چیست؟ کسب علم و آگاهی، باید با تواضع و محبت همراه باشد. بایستی که همواره بیاد داشته باشیم که ما انسانیم و علم و آگاهی ما همیشه محدود باقی خواهد ماند. مرد حکیم، همواره از حقیقت

۴ در شهر قرن‌تس، رسم بر این بود که پس از آنکه حیوانی در معبد بتها ذبح می‌شد، کاهنان بتخانه، قسمتی از گوشت را برای خود نگاه می‌داشتند و مابقی گوشت حیوانات قربانی شده برای بتها را در قصابی‌های شهر بفروش می‌رساندند. لذا، تقریباً محال بود که بتوان گوشتی را که برای بتها قربانی نشده باشد در شهر قرن‌تس آن زمان پیدا کرد. سؤال ایمانداران قرن‌تس این بود، که آیا خریداری کردن و خوردن آن گوشت مجاز و حلال است یا خیر.

جواب پولس رسول به این قرار است: **می‌دانیم که بت در جهان چیزی نیست و اینسکه خدایی دیگر جز یکی نیست.** اگر بت چیزی نبوده و اهمیتی نداشته باشد، لذا فرق چندانی بین گوشت حیوانی که در راه بت سربریده شده و گوشتی حیوانی که صرفاً جهت خوراکی ذبح شده باشد وجود نخواهد داشت. پس خوردن و یا نخوردن آن گوشت، مشکل خاصی را در راه دینداری افراد ایجاد نخواهد نمود. پس پولس رسول در جواب به سؤال ایمانداران قرن‌تس می‌گوید خوردن آن گوشتها بلامانع خواهد بود (به اول قرن‌تیان ۱۰:۲۵-۳۰ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

توجه به یک نکته مهم در اینجا الزامی است و آن نکته اینست که خوردن گوشتی که برای بتها قربانی شده است با بت‌پرستی و پرستش ارواح شریر و شیطانی فرق دارد. خوردن گوشتی که برای بتها قربانی شده باشد، امری بی‌اهمیت و مجاز می‌باشد، زیرا که «بت در جهان چیزی نیست». ولی اگر، در حین خوردن گوشت آن حیوان، در پرستش و اعمال پرستشی پیروان آن بت شرکت کنیم، آنگاه مرتکب گناه بزرگی گردیده‌ایم (خروج ۲۰:۳-۶؛ رومیان ۱:۲۵). اگر کسی فکر می‌کند که آن بت، الهه و یا روح شریری است، پس بهتر است از گوشتی که برای آن روح شریر ذبح شده است نخورد. زیرا در آن صورت آن شخص، با خوردن از گوشت قربانی

بت، در فکر خود، در پرستش آن بت سهیم گردیده و این عمل اشتباه و گناه می‌باشد. از سوی دیگر، اگر کسی فکر می‌کند که بت چیزی جز یک تکه سنگ و یا چوب بیجان نیست، و معنای خارجی ندارد، همچو شخصی آزاد است که از گوشت قربانی شده به بتها بخورد، زیرا که با خوردن گوشت، در پرستش آن بت شراکت ننموده و وجدانش را دچار زحمت و عذاب نخواهد نمود. ولی، در عین حال چنین شخصی بایستی مواظب باشد که آن گوشت را در مقابل برادر و یا خواهری که با خوردن گوشت تقدیم شده به بتها مخالفت می‌ورزد، نخورد. زیرا که در آن صورت باعث ناراحتی، رنجش و یا لغزش برادر و یا خواهر خود خواهد گردید. ما همیشه بایستی مواظب باشیم که نه تنها اعمالی را که صحیح است انجام دهیم، بلکه مراقبت کنیم مبادا انجام اعمالی که در آن آزادیم، باعث ناراحتی و لغزش برادر و یا خواهر ضعیف‌ترمان گردد. لذا، اگر می‌توانی گوشت قربانی بتها را با خاطر و وجدانی آسوده و بی‌ملامت میل کنی، این کار را در خانه خود و بدون همه‌مهمه انجام بده تا مبادا خواهر و یا برادر خود را دچار لغزش نموده، برنجانی (به اعمال ۱۵:۲۰ و ۲۹؛ اول قرن‌تیان ۱۰:۱۸-۲۲ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

۵ بشری که از خدای واقعی و حقیقی دوری می‌کند، برای خود به ساختن بت خواهد پرداخت و برای همین است که پولس رسول می‌گوید که فی‌الواقع خدایان و بت‌های زیادی وجود دارد. برخی از آنها «خداوند» نامیده می‌شوند و بعضی دیگر **خدایان خواننده می‌شوند.** برای عده‌ای بت (خدای) ایشان در آسمان است، و عده دیگری بت‌های خود را بر روی «زمین» داشته و پرستش می‌کنند. ولی هیچ کدام از این بتها، خدای حقیقی و یگانه نبوده، و هیچ کدام از آن خدایان، وجود خارجی ندارند. ولی هرچند که بتها، خالی از حقیقت و پوچ

قلمداد خواهد شد و بهتر است از خوردن آن صرف‌نظر نماید (به رومیان ۱۴:۱۴ و تفسیر آن مراجعه نمایید).

خوراک بخودی خود باعث نجس شدن یک فرد مسیحی نمی‌گردد (مرقس ۷:۱۸-۱۹). آنچه موجب نجس شدن فرد می‌شود، انجام عملی است که وجدان انسان به گناه بودنش گواهی می‌دهد (به رومیان ۱۴:۲۳ و تفسیر آن آیه مراجعه نمایید).

۸ اینکه ما چه غذایی بخوریم و یا از خوردن چه طعامی امتناع ورزیم، هیچ تأثیری در رابطه ما با خدا نخواهد گذاشت.^{۲۰} غذا، بخودی خود ما را به خدا نزدیکتر نمی‌کند و یا باعث دوری ما از خدا نمی‌شود. آنچه که می‌خوریم، در عمق رابطه ما با خدا هیچ گونه تأثیر مثبت و یا منفی نخواهد گذاشت (به رومیان ۱۴:۱۷ مراجعه نمایید).

برخی مسیحیان قرن‌تس، جهت نمایش استقامت و برتری ایمانشان و نشان دادن اینکه بتها چیزی نیستند و بنمایش گذاردن آزادی خود در مسیح، گوشت تقدیمی به بتها را در میان معابد و بتخانه‌ها می‌خوردند. ولی این کار ایشان باعث سوءتفاهم و ناراحتی برادران دیگر گردیده بود. همچنین کار آنها از این جهت اشتباه بود که گمان می‌بردند که خوردن یا نخوردن گوشت به قدرت ایمانشان را نشان می‌دهد. غذا برای بدن انسان مفیداست، ولی خوراکی هیچ تأثیری بر روح و قلب و ایمان افراد باقی نخواهد

می‌باشند، ولی دیوها و ارواح شریر بسیار حقیقی و واقعی بوده و خطر و قدرت و شرارت ایشان را نباید ناچیز انگاشت (اول قرن‌تبیان ۱۰:۲۰). این ارواح شریر و افرادی که در دام آنها افتاده‌اند، مردم را به پرستش و پیروی از بتها و خدایان دروغین ترغیب کرده و بدینوسیله سعی در منحرف ساختن افراد از پرستش خدای یگانه دارند. زمانی که شخصی برای بتی قربانی می‌کند، وی در واقع برای روحی ناپاک و دیوی شریر قربانی می‌گذرانند. ولی نیت بد قربانی کننده، گوشت را ناپاک نخواهد ساخت، آنچه از بیرون وارد انسان شود قدرت نجس ساختن ما را ندارد (به متی ۱۵:۱-۲۰ مراجعه نمایید).

۶ ما یک خدا داریم یعنی پدر آسمانی؛ و یک خداوند یعنی عیسی مسیح پسر یگانه پدر. در اینجا، پولس رسول تعلیم می‌دهد که همه چیز از عیسی مسیح است. عیسی مسیح با پدر یکی (یک ذات) است و کارهای ایشان نیز یکی است (به یوحنا ۱۰:۳۰ و تفسیر آن آیه مراجعه نمایید). خدا، همه چیز را بواسطه پسر یگانه‌اش عیسی مسیح انجام داده است. پدر آسمانی، بواسطه پسرش عیسی مسیح، جهان را آفرید (به یوحنا ۱:۳؛ کولسیان ۱:۱۶ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید). پدر، همچنین بواسطه عیسی مسیح، جهان را نجات داد (به یوحنا ۳:۱۷ و تفسیر آن آیه مراجعه نمایید). و بالاخره، بواسطه عیسی مسیح، پدر جهان را داوری خواهد نمود (یوحنا ۵:۲۲).

۷ ولی همه را این معرفت نیست. یعنی اینکه، همه به این حقیقت که بت در این جهان چیزی نیست (آیه ۴) واقف نمی‌باشند. «بعضی تا به حال به اعتقاد اینکه بت هست، آن را چون قربانی بت می‌خورند»، نتیجتاً، خوردن گوشت قربانی شده برای بتها، باعث ناراحتی وجدان در چنان اشخاصی خواهد گردید. هر چند که آن غذا پاک باشد، اگر وجدان شخصی وی را مورد نکوهش قرار دهد، آن خوراکی برای وی ناپاک

۲۰- ولی باید در نظر داشت که این دلیل نمی‌شود

که ما خوراک و مشروبی که برای بدنهای ما مضر است بخوریم و بنوشیم. ما بایستی از مستی شراب پرهیز کنیم (افسسیان ۵:۱۸). همچنین بهتر است از استعمال دخانیات که برای قلب و ریه ضرر دارد خودداری نماییم. بدنهای ما هیكل روح‌القدس است، و ما باید از هر آنچه که هیكل خدا را به خرابی و اضمحلال می‌کشد دوری نماییم (اول قرن‌تبیان ۳:۱۶-۱۷).

گذاشت.

۹ در این آیه منظور از **ضعفا**، کسانی است که خوردن گوشت قربانی شده به بتها وجدانشان را دچار ناراحتی می‌سازد؛ ایشان نمی‌دانند که بتها چیزی نیستند (آیه ۷). کسانی که می‌دانند که بتها هیچ هستند، آزادند که از گوشتی که برای بتها ذبح شده است بخورند. ولی باید مواظب بود که آزادی ایشان باعث لغزش «ضعفا» نگردد (به رومیان ۱۴:۱۳ و ۱۵ و ۲۰-۲۱ و تفسیر آن آیات مراجعه شود). بهره‌مندی از آزادی در مسیح، مهمترین چیز نیست؛ بلکه مهمترین وظیفه ما محبت به برادران و همسایه خویش می‌باشد.

۱۰ در قرن اول میلادی و به هنگام نگارش این رساله، در بین مردم قرن‌تس رسم بر این بود که به مناسبت‌های مختلف، برای بتها جشن و سرور و مجالس شادمانی و ضیافت بر پا کرده، بسیاری را به این مجالس دعوت می‌نمودند. بعضی از مسیحیان قرن‌تس نیز نه به جهت پرستش بتها، بلکه بخاطر دیدار از دوستان و خویشان خود، به این مجالس رفته و اکل و شرب می‌نمودند. ولی دیده شدن آن مسیحیان در مجالس بتها، باعث ناراحتی شماری دیگری از برادران شده بود.

ولی پولس رسول در اینجا هشدار می‌دهد که رفتن به این مجالس ممکن است باعث لغزش دیگران شود. ممکن است برادر ضعیفتری با دیدن چنان مثال و نمونه غلطی، به رفتن در مجالس بت‌پرستان تشویق شود و این امر باعث هلاکت وی گردد. و یا اینکه، پس از شرکت در مجالس بت‌پرستان، برادر ضعیفتر ممکن است دچار ناراحتی وجدان شده، وجدانش او را مورد ملامت و عذاب قرار دهد. لذا، آنانی که **صاحب علم هستند**، یعنی کسانی که می‌دانند که خوردن غذای تقدیم شده به بتها بلامانع است، ممکن است که با علم خود برادر ضعیفتر خود را به گناه سوق دهند (آیه ۱۱).

بگذارید که همچو اتفاقی هرگز رخ ندهد! لذا، پولس رسول اینچنین نتیجه‌گیری می‌کند که گوا اینکه رفتن به بتخانه، بخودی خود گناه نیست، ولی بخاطر «ضعفا» بهتر آن است رفتن را بر خود حرام نماییم.

۱۱-۱۲ علم ما ما را برای خوردن گوشت قربانی به بتها آزاد ساخته است. ولی همین آزادی و علم، ممکن است باعث نابودی و هلاکت برادر ضعیفمان گردد. و زمانی که این چنین به برادر خود گناه می‌ورزیم، در واقع به عیسی مسیح که نه تنها برای آزادی ما از گناه بلکه برای برادر ضعیفترمان نیز، بر صلیب جان داده است، مرتکب گناه شده‌ایم. اگر مسیح چنان عمل عظیمی برای ما انجام داده است، ما نیز باید بتوانیم کار کوچکی برای برادر خود انجام داده، از رفتن به مجالس بت‌پرستان اجتناب ورزیم (به مرقس ۹:۴۲؛ رومیان ۱۴:۱۵ مراجعه نمایید).

پس بیایید همیشه بیاد داشته باشیم که علم و آزادی ما قادر به هلاکت دیگران خواهد بود و از نعمت دانش و آزادی خود با ترس و احتیاط استفاده کنیم تا محبت ما باعث **بنای** دیگران گردد (آیه ۱).

۱۳ در این آیه، از خوردن گوشت، فقط بعنوان مثال از عملی که ممکن است باعث بنا و یا تخریب برادران ضعیفتر گردد، استفاده گردیده است. البته، موارد بسیار دیگری نیز از این قبیل ممکن است پیش بیاید. بطور کلی باید این اصل را در نظر داشت که هر چند ممکن است انجام عملی بخودی خود گناه نباشد؛ ولی امکان دارد برادران و خواهران ضعیفتر را به هلاکت بکشاند. پس جهت محبت به برادران و بنای ایشان، بهتر است از برخی آزادیهای خود چشم‌پوشی نماییم.

باب ۹

حق و حقوق یک رسول (۹:۱-۱۸)
۱ بعضی از ایمانداران کلیسای قرن‌تس به

که پدر روحانی آنها محسوب می‌شد، مورد داوری و قضاوت بی‌جا قرار داده بودند.

۴ بعنوان یک رسول، پولس حق داشت که از کلیسای قرنتس کمک مالی، محل خواب و استراحت و غذا و پذیرایی و غیره طلب نماید (آیه ۱۴). همانطور که کلیساهای دیگر از رسولان مراقبت کرده، احتیاجات مادی رسولان مسیح را برآورده می‌ساختند. ولی پولس هرگز چیزی از قرن‌تیان طلب ننموده بود و در عوض در اوقات فراغت خود، از راه خیمه‌دوزی، کسب معاش کرده، به خدمت خدا در میان ایشان پرداخته بود.

۵ اگر پولس همسری می‌داشت، آیا در آن صورت اختیار نداشت که او را به همراه خود به قرنتس آورده و از کلیسای قرنتس توقع پذیرایی و مهمان‌نوازی و مراقبت از خود و همسرش را داشته باشد؟

عیسی مسیح، فرزند ارشد مریم بود. عیسی مسیح پدری جسمانی و زمینی نداشت و از روح‌القدس متولد شده بود (انجیل متی ۱: ۱۸). بسیاری از مفسرین معتقدند که پس از تولد او، مریم و یوسف دارای فرزندان دیگری شدند. در اینجا منظور از **برادران خداوند**، پسران کوچکتر مریم و برادران جوانتر عیسی مسیح است. از میان برادران عیسی مسیح، «یعقوب» به یکی از رهبران مهم کلیسای اولیه در اورشلیم شد و بنا به عقیده بسیاری از مفسرین، هم او نویسنده رساله یعقوب می‌باشد.

کیفا یا پطرس، سرگروه حواریون مسیح بود. هر زمان که پطرس یا برادران خداوند برای موعظه و یا سرکشی به کلیسایی سفر می‌کردند، معمولاً همسران خود را همراه خود می‌بردند و کلیسا اسباب پذیرایی از ایشان را فراهم می‌نمود.

۶ از میان رسولان، فقط پولس و برنابا بودند که جهت امرار معاش خود کار کرده، از حاصل دسترنج خود می‌زیستند. هرچند که

مخالفت با پولس رسول برخاسته بودند. این عده بطور اخص، رسالت پولس رسول را زیر سؤال برده و اصالت دعوت و خوانده‌شدگی او را بباد انتقاد گرفته، می‌گفتند که پولس، رسول مسیح نیست. لذا، در این باب، پولس رسول درباره زندگی و خدمت خود سخن می‌گوید و به دفاع از خود می‌پردازد. او سعی دارد کلیسای قرنتس را قانع کند و ایشان را متوجه حقایق رسالت خود نماید.

آیا رسول نیستیم؟ بلی پولس، رسول است، زیرا که او عیسی مسیح قیام کرده را با چشم خود دیده بود (به اعمال ۹: ۳-۱۷، ۶: ۲۲-۹).

آیا آزاد نیستیم؟ بلی، پولس آزاد است؛ ولی وی هرگز نخواهد گذاشت که آزادیش باعث لغزش برادر یا خواهر ضعیفتر خود گردد (اول قرن‌تیان ۸: ۱۳).

گواه و شاهد و مهر تأیید رسالت پولس چه بود؟ مهر تأیید رسالت پولس، ثمره کار وی و خدمت بی‌شائبه وی به خداوند بود. یک نمونه کوچک کار و خدمت رسالت پولس رسول، همین کلیسای قرنتس بود! پولس، کار مهم و بزرگی در قرنتس انجام داده بود و کلیسای قرنتس بایستی بهتر از هر جای دیگر، از حقایق رسالت پولس اطلاع می‌داشت (دوم قرن‌تیان ۱۲: ۱۲). از آنجا که عمل پولس همیشه در **خداوند** بود، لذا همواره عملش مثمر ثمر بود.

۲ مسیحیان قرنتس، خود مهر و نشان و دلیل حقایق رسالت پولس بودند. همانطور که ثمره یک درخت، حکایت از باروری آن درخت می‌کند، به همان شکل کلیسای قرنتس، مدرک زنده رسالت پولس بشمار می‌رفت. کلیسای قرن‌تیان بایستی رسالت پولس را برسمیت بشناسد زیرا که بواسطه موعظه پولس رسول بود که ایشان خدا را شناخته، پیروی از مسیح را آغاز کردند.

۳ مسیحیان قرنتس بسیار مغرور بودند (اول قرن‌تیان ۴: ۱۸-۱۹). ایشان پولس رسول را

بخشایش گناهان در کلیسای قرن‌تس بوجود آمده بود. اگر پولس چنان خدمت بزرگ روحانی به کلیسای قرن‌تس کرده بود، آیا استحقاق بهره‌برداری از ثمرات جسمانی (حقوق و معاش) را نداشت؟ (به رومیان ۲۷:۱۵ مراجعه نمایید).

۱۲ کلیسای قرن‌تس به دیگر رسولان کمک مالی کرده بود. ولی آیا پولس، پدر روحانی آنها حق بزرگتر و بیشتری برگردن ایشان نداشت؟ ولی او هرگز از قرن‌تیان تقاضای کمک مالی نکرده بود.

چرا پولس از کلیسای قرن‌تیان در خواست کمک ننموده بود؟ زیرا نمی‌خواست ایمانداران قرن‌تس زبان به شکایت گشوده، فکر کنند که پولس باری بر دوش آنها می‌گذارد. ممکن بود که قرن‌تیان، به پولس تهمت بزنند که او فقط جهت کسب پول و امرار معاش موعظه می‌کند. و چنان تهمت و شکایتهایی به آینده انجیل و بشارت پولس زیان جبران‌ناپذیری وارد می‌ساخت (دوم قرن‌تیان ۳:۶؛ ۹:۱۱).

۱۳ بر اساس قوانین یهود، گوشت قربانی‌هایی که مردم تقدیم می‌کردند، به کاهنان تعلق داشت (اعداد ۸:۱۸-۹؛ ۱۲:۱۸-۱۴؛ تثنیه ۱۸:۱-۵). کاهنانی که در هیکل اورشلیم خدمت می‌کردند، از طریق هدایای مردم و گوشت قربانی شده، زندگی خود و خانواده خود را تأمین می‌نمودند.

۱۴ همچنین، بر اساس تعالیم مسیح، وظیفه شنوندگان کلام رسولان بود که مایحتاج مادی و مالی ایشان را تأمین کنند (انجیل متی ۱۰:۹-۱۰؛ انجیل لوقا ۷:۱۰).

۱۵ در اینجا پولس رسول خاطر نشان می‌کند که وی به جهت دریافت جیره و مواجب، از طرف قرن‌تیان، این سخنان را اظهار نکرده است، هرچند که درخواست کمک مادی برای مصارف شخصی خود، حق مُسَلَّم اوست. در عوض پولس رسول خواهان آنست که چون

ایشان مجبور نبودند که جهت گذران زندگی کار کنند، ولی این کار را داوطلبانه انجام می‌دادند مبادا باری بر کسی بنهند.

برنابا اولین همکار پولس رسول در امر بشارت به امتها بود و در اولین سفر بشارتی پولس وی را همراهی می‌کرد (به اعمال ۴:۳۶-۳۷؛ ۱۱:۲۲-۲۶؛ ۱۳:۲-۳ مراجعه نمایید).

۷ هر کارگری در مقابل کاری که انجام می‌دهد، مزدی دریافت می‌کند. خواه این دستمزد بصورت پول نقد باشد یا اینکه درصدی از محصول زمین یا خوراکی یا غیره. پولس رسول، حق‌الزحمت خود را بعنوان یک رسول از ایمانداران قرن‌تس مطالبه نمی‌نمود.

۸-۹ تنها پولس رسول نبود که معتقد بود که کارگر بایستی از ثمره دسترنج خود بهره‌ای دریافت کند؛ بلکه موسی در تورات نیز چنین تعلیم داده بود. بر طبق شریعت موسی (عهدعتیق) حتی یک گاو نیز بایستی دستمزد کار خود را دریافت کند! برای همین است که به هنگام خرد کردن خرمن نبایست دهان گاو را بست. دستمزد گاو، همان خوردن وی از کاه و گندم خرمن می‌باشد (سفر تثنیه ۲۵:۴).

۱۰ اگر خدا به گاو اهمیت می‌دهد که در شریعتش جایی برای آن حیوان در نظر گرفته است؛ چقدر بیشتر به فکر رسولش پولس نیز می‌باشد! اگر گاو مستحق دریافت دستمزد است؛ چه اندازه بیشتر رسولان و خادمین مسیح مستحق دریافت ثمره دسترنج خود خواهند بود (اول تیموتائوس ۵:۱۷-۱۸).

رسولان و واعظین مانند شخم‌کنندگان و خردکنندگان خرمن می‌باشند. بعضی زمین را شخم زده دانه‌پاشی می‌کنند؛ و عده‌ای دیگر، محصول را درو کرده، خرمن را جمع می‌نمایند.

۱۱ پولس رسول، بذر روحانی کلام خدا را در میان قرن‌تیان پاشیده بود و اینک توسط روح خدا، آن بذر ثمر آورده و ثمره حیات جاودانی و

گردند، آن موقع خدا، خون آن مردم را از دست آن شخص مسیحی طلب خواهد نمود (حزقیال ۷:۳۳-۹). یعنی اینکه فرد ایماندار، تا حدی مسئول است از هلاکت افراد بی‌ایمان جلوگیری کند.

۱۷ اگر بطور داوطلبانه به موعظه و بشارت کلام بپردازیم، اجری خواهیم داشت. ولی کسانی که بطور مخصوص به خدمت موعظه و یا بشارت کلام عیسی مسیح خوانده شده‌اند، «بطور داوطلبانه» خدمت نکرده بلکه بلحاظ خوانده‌شدگی خود و قدرت دعوت خدا، مجبور و موظف به اطاعت می‌باشند. خداوند به این افراد «وکالتی» سپرده است و آنها موظف به انجام مفاد آن وکالت خواهند بود. لذا، افرادی که بطور مخصوص خوانده شده‌اند، نبایستی که در انتظار پاداش هنگامی در این جهان باشند.

۱۸ در این صورت، پاداش پولس رسول چه خواهد بود؟ **اجرت** پولس این است که وی بدون دریافت اجرتی، به انجیل عیسی مسیح موعظه نموده است. به عبارت دیگر، پولس هیچ دستمزد دنیوی جهت خدمت رسالتش دریافت نکرده است. پولس رسول گنجهای بسیاری برای خود در آسمان ذخیره نموده و صرف گفتن اینکه من در این جهان اجرتی دریافت ننموده‌ام، خود برای پولس بزرگترین پاداش می‌باشد.

زحمات پولس جهت هدایت مردم بسوی مسیح (۹:۱۹-۲۷)

۱۹ پولس، آزاد بود. از نقطه نظر روحانی، پس از بخشایش گناهانش، مسیح او را آزاد ساخته بود. همچنین از نقطه نظر مادی نیز آزاد بود، چرا که به کمکهای مالی قرن‌تبیان وابسته نبود. وی به کسی بدهکار نبوده، از حاصل دسترنج خویش امرار معاش می‌کرد. به عبارت دیگر، وی بنده و محتاج کسی نبود. ولی پولس رسول، ابتدا بطور داوطلبانه و با

بدون دریافت کمک مادی از ایشان، آنهمه خدمت انجام داده است، در خداوند «فخر» نماید (آیه ۱۸).

۱۶ پولس به موعظه‌های خود فخر نمی‌کند، زیرا که او بوسیله عیسی مسیح مأمور شده بود تا انجیل را به امتهای وعظ نماید؛ او چاره‌ای جز اطاعت و انجام وظیفه و موعظه کلام نداشت! پولس می‌گوید: **مرا ضرورت افتاده است**. بعبارت دیگر، پولس رسول از کاری که بدان مأمور شده است فخر نمی‌کند. انسان به چیزی که ضرورت انجامش را دارد افتخار نمی‌کند، فخر واقعی زمانی است که شخص کاری را با رضای خاطر و بطور داوطلبانه انجام دهد.

پولس در اینجا می‌نویسد: **وای بر من اگر بشارت ندهم**. همه مسیحیان به خدمت موعظه و تعلیم خوانده نشده‌اند. ولی همه مسیحیان خوانده شده‌اند تا برای مسیح شاهدان امین باشند. وای بر ایماندارانی که برای مسیح شهادت ندهند!

در جایی دیگر می‌خوانیم که پولس رسول ابتدا در میان یهودیان قرن‌تس به موعظه و بشارت انجیل اقدام کرده بود. ولی یهودیان و اهالی کنیسه به سخنان وی توجهی نشان ندادند. پس پولس **دامن خود را بر ایشان افشاند، گفت: خون شما بر سر شما است. من بوی هستم. بعد از این به نزد امتهای روم (اعمال ۱۸:۶)**. اگر پولس رسول، انجیل را به ایشان موعظه نکرده بود، آنگاه خود مسئول عاقبت شوم ایشان بود. کسانی که انجیل را بشنوند و به مسیح آورده، توبه کنند، نجات خواهند یافت. ولی اکنون که ایشان انجیل را شنیده و پیام آن را قبول ننموده بودند، پولس از خون آنها بری گردیده بود. کسانی که به مسیح ایمان نیاورده از آن اطاعت نکنند، مجازات خواهند شد، ولی اگر شخصی از انجام وظیفه روحانی خود سر باز زده، بشارت ندهد، و مردم در گناهان خود هلاک

ایجاد نماید. پولس به امتهای و یهودیان همان انجیل، یعنی انجیل ایمان و نجات بوسیله عیسی مسیح را موعظه می‌کرد. ولی شیوه و طریق ارائه پیام انجیل بنا به موقعیت شنوندگان، متفاوت بود.

هرچند پولس از قیود مراسم شریعت آزاد شده بوده و تحت کنترل شریعت قرار نداشت، ولی او کماکان خود را به قوانین خدا یا **شریعت مسیح**، مقید می‌داند. قانون خدا یا **شریعت مسیح** عبارت است از دو حکم اعظم: نخست، محبت کردن خداوند خدای خود به تمامی جان و دل و نیروی خویش؛ و دوم، محبت کردن همسایه همچون نفس خویش^{۲۲} (به تشبیه ۵:۶؛ لاویان ۱۹:۱۸؛ انجیل متی ۲۲:۳۵-۴۰؛ انجیل مرقس ۱۲:۲۹-۳۱ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید)

۲۲ ضعفا، در اینجا افرادی هستند که در ایمان ضعیف می‌باشند (به رومیان ۱۴:۲؛ ۱۵:۱؛ اول قرن‌تبیان ۹:۸-۱۳ مراجعه نمایید). اگر ایشان از خوردن گوشتی که به آنها تقدیم شده است، هراس دارند، پولس رسول نیز از خوردن آن

کمال میل، آزادی خود را به عیسی مسیح تقدیم نموده و غلامی مسیح را پذیرفته بود (اول قرن‌تبیان ۷:۲۲). سپس او بنده همه ایمانداران گشته بود. او غلامی دیگران را با رضایت خاطر پذیرفته بود، تا اینکه همه را بسوی ایمان به مسیح و نجات هدایت کند.

۲۰ پولس همیشه می‌کوشید که تا حد امکان، خود را مشابه شنوندگانش ساخته، بدین وسیله ایشان را جهت شنیدن پیام انجیل عیسی مسیح آماده گرداند. هرچند که وی از آداب و رسوم و قیود اجتماعی و سنن مذهبی آزاد بود، ولی در رفتار خود مراقب بود که مبدا با زیر پا نهادن برخی رسوم امتهای، باعث سوء تفاهم شده، مانعی بر سر راه پذیرش انجیل ایجاد نماید^{۲۱}. مثلاً، زمانی که پولس رسول به کنیسه یهودیان وارد می‌شد، به رسوم مذهبی ایشان احترام گذارده، سعی می‌کرد که آن رسوم را رعایت کند تا بی‌جهت باعث رنجش کسی نشود.

منظور از **اهل شریعت**، یهودیان و علی‌الخصوص افرادی است که از خارج از قوم بنی‌اسرائیل به آئین یهود ایمان آورده و یهودی شده بودند. در اینجا منظور از «شریعت»، قوانین مذهبی نجاست و طهارت و مراسم مذهبی یهود می‌باشد. هرچند پولس خود یهودی بود، اما از قیود و بندهای شریعت آزاد گردیده، دیگر مجبور به اطاعت از قوانین شریعت نبود. بواسطه ایمان به عیسی مسیح، پولس رسول، دیگر تحت کنترل شریعت نبود و از انجام مراسم و مناسک شریعت یهود آزاد گردیده بود (به افسسیان ۲:۱۵؛ کولسیان ۲:۱۴ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

۲۱ مقصود پولس رسول از **بی‌شریعتان**، امتهای غیریهودی است. زمانی که پولس رسول در میان امتهای غیریهودی بود، سعی می‌کرد که تا سرحد امکان مطابق رسوم و تشریفات فرهنگی ایشان زندگی و رفتار کند، مبدا باعث رنجش آنها شده، بر سر راه بشارت انجیل سدی

۲۱- البته لازم به یادآوری است که پولس رسول از رسوم و عاداتی که باعث ننگ نام مسیح و گناه بر ضد خدا باشد، پیروی نمی‌کرد.

۲۲- هرچند که ما مسیحیان از اجرای قوانین و رسوم مذهبی و آداب نجاست و طهارت یهود آزاد گردیده‌ایم، ولی قوانین اخلاقی عهدعتیق که عبارتند از دو حکم محبت خدا و محبت همسایه و نیز ده فرمان (خروج ۳:۲۰-۱۷)، هرگز باطل نشده‌اند و ما موظف به حفظ و اجرای آنها هستیم. دو حکم اعظم محبت خدا و محبت همسایه، در واقع خلاصه ده فرمان موسی می‌باشد. زیرا ده فرمان را می‌توان به دو بخش مشخص دسته‌بندی نمود؛ بخش اول شامل چگونگی روابط ما با خدا است و بخش دوم چگونگی روابط ما با دیگر انسانها را مشخص و معین می‌کند (به انجیل متی ۵:۱۷-۱۹؛ رومیان ۱۳:۹؛ غلاطیان ۵:۱۴ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

غذا امتناع خواهد ورزید، مبادا باعث لغزش ایشان شود.

پولس رسول هرگز سعی در رنجاندن و توهین کردن به مقدسات افراد نداشت، مبادا که آن رنجش باعث آن شود که ایشان پیام انجیل را رد کرده، از حصول نجات بی بهره شوند. پولس رسول، شخص دو رو و متظاهری نبود، بلکه او حقیقت را با شهامت و خردمندی بیان می‌کرد. همین حکمت و خردمندی او باعث شده بود که انجیل را به افراد متفاوت و از پیشینه‌های مختلف بشارت داده، آنها را بسوی عیسی مسیح و ایمان و نجات رهنمود گردد. در این رابطه است که پولس رسول می‌گوید: **همه کس را همه چیز گردیدم تا به هر نوعی بعضی را برهانم.** بیاید ما نیز از پولس رسول سرمشق گرفته، به هر وسیله ممکن، عامل نجات گم‌شدگان گردیم (به اول قرن‌تبیان ۱۰:۳۳ مراجعه شود).

۲۳ پولس رسول، خود را مشابه دیگران ساخت تا اینکه پیام انجیل را بنحو مؤثرتری به آنها اعلام کند. با این کار، پولس قادر شد که بسیاری را به ایمان بسوی عیسی مسیح هدایت کرده، در برکات روحانی آنها شریک گردد.

۲۴ زندگی مسیحی، همچون مسابقه ورزشی می‌باشد. زمانی به خط پایانی مسابقه می‌رسیم که **همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پُری مسیح برسیم** (افسیسیان ۴:۱۳). به عبارت دیگر، زمانی که **به صورت پسرش** (پسر خدا یعنی عیسی مسیح) **متشکل** شدیم (رومیان ۸:۲۹)، به خط پایانی مسابقه ایمان خود رسیده‌ایم. هدف نهایی مادر زندگی ایمانیمان، این است که شبیه عیسی مسیح گردیم. هر مسیحی واقعی، به کمک ایمان و نیروی روح‌القدس خط پایان مسابقه ایمانی را پشت سر خواهد گذاشت؛ یعنی همه ایمانداران به بهشت و ملکوت آسمان وارد خواهند شد و به شباهت عیسی مسیح در خواهند آمد (به اول یوحنا ۳:۲ و

تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

ولی در اینجا پولس رسول اضافه می‌کند که باید دویدن در میدان مسابقه روحانی را جدی گرفت و تلاش کرد که جایزه پایانی مسابقه را برد. بیاید در طی این مسابقه روحانی که پیش ماست، تنبلی نکنیم بلکه با کمال جدیت سعی نماییم هر چه بیشتر شبیه عیسی مسیح شویم. بیاید با سرعت و تلاش هرچه تمامتر در میدان مسابقه روحانی بدویم، مانند کسی که شایسته مقام اول مسابقه است! (به عبرانیان ۱۲:۱ مراجعه نمایید).

۲۵ مسیحیان مانند ورزشکارانی هستند که خود را جهت مسابقه ورزشی مهمی آماده می‌سازند. همانطور که یک ورزشکار، تمامی نیرو و حواس خود را مصروف تمرین و آماده ساختن خود جهت روز مسابقه می‌کند؛ به همین ترتیب، ما ایمانداران نیز بایستی کمال سعی خود را بخرج داده، بخاطر رسیدن به شباهت عیسی مسیح، از بعضی لذتها و راحتی‌های این زندگی چشم‌پوشی کنیم. برای این کار بعضی «ریاضت»‌کشی‌ها ضروری خواهد بود، همانطور که یک ورزشکار، بخاطر دستیابی به جایزه اصلی مسابقه، ساعت‌های متمادی به انجام تمرینات جدی و طاقت فرسای ورزشی می‌پردازد؛ ما ایمانداران نیز، بایستی که بوسیله تمرینات روحانی (خواندن کلام، شرکت در کارها و مجالس مقدس، دعا، پرهیز از گناه، و غیره) بدن‌ها و امیال و هوسهای خود را تحت کنترل روح‌القدس در آورده، خویشتن را جهت میدان مسابقه روحانی آماده سازیم. بیاد داشته باشیم که جایزه مسابقه روحانی ما، «فانی» نبوده، بلکه در پایان، خداوند **تاج غیرفانی** را نصیب ما خواهد ساخت. در قرن اول میلادی، پادشاه یا حاکم به برنده مسابقه تاجی از برگ زیتون اهدا می‌کرد و قهرمان مسابقه مورد تشویق و تحسین تماشاچیان قرار گرفته، افتخاری بزرگ نصیبش

پرهیزکاری را از روح‌القدس یافته است (غلاطیان ۵:۲۳). او خود را انکار کرده است (انجیل مرقس ۸:۳۴). او نمی‌خواهد که تاج غیرفانی را که دستمزد وی بخاطر کارهای نیکویش است، از کف بدهد (به اول قرن‌تبیان ۱۳:۳-۱۵ مراجعه نمایید).

پولس رسول نمی‌خواهد از دریافت جایزه خود **محروم** شود. برخی از مفسران کتاب مقدس معتقدند که اگر ایماندار، بخوبی در میدان مسابقه ندود، از دریافت جایزه نهایی محروم خواهد شد؛ یعنی به بیان دیگر، نجات خود را از کف خواهد داد. ولی شماری دیگر از مفسران کتاب مقدس می‌گویند که مقصود پولس از جایزه و محروم شدن از جایزه، نجات نبوده، بلکه منظور محرومیت از افتخار و جلال خاصی است که مسیح شامل ایماندارانی که او را با وفاداری و جدیت خاصی خدمت کرده‌اند، خواهد نمود.

چگونه ممکن است که واعظ و مبشری چنان برجسته از جایزه خود محروم شود؟ چنین چیزی امکان‌پذیر است. مهم نیست که واعظ و یا شبان و معلم چقدر موفق و بزرگ باشد، همیشه خطر افتادن در دام تنبلی روحانی و محرومیت از جایزه وجود دارد. حتی کسانی که باعث هدایت بسیاری به مسیح بوده‌اند، ممکن است خود راهشان را گم کنند! چرا؟ زیرا که ما همه انسانیم و پراز خطا و غرور و مملو از انواع ضعفها می‌باشیم. حتی بزرگترین غولهای ایمان ممکن است که در دام تنبلی و تمرد و نافرمانی افتاده، تاج خود را از دست بدهند. بنابراین بیاد داشته باشیم که اگر رسولی بزرگ چون پولس، چنان با ترس و لرز در میدان مسابقه می‌دود و تلاش می‌کند، مطمئناً ما که افرادی عادی هستیم، نبایستی از تلاش و کوشش دست بکشیم، بلکه همواره در پی یافتن تاج جلال کوشش نمائیم.

می‌شد. ولی «تاجی» که ما مسیحیان دریافت خواهیم نمود از طرف خداوند خواهد بود و از سوی خدا مورد تشویق و قدردانی قرار خواهیم گرفت (انجیل متی ۲۵:۲۱، ۲۳؛ ۲۵:۳۱-۴۰). عیسی مسیح «تاجی غیرفانی» بما خواهد بخشید، تاجی که تا ابد باقی خواهد ماند (به دوم تیموتائوس ۲:۴-۵؛ ۴:۷-۸؛ و یعقوب ۱:۱۲ مراجعه نمایید).

۲۶ پولس رسول در اینجا می‌گوید که وی بدون هدف و بیهوده نمی‌دود؛ بلکه او به قصد بُردن تاج غیرفانی، در میدانی که در پیش او معین شده است تلاش می‌کند. پولس نمی‌خواهد که آخرین فردی باشد که از خط پایانی مسابقه می‌گذرد.

یکی از مسابقات ورزشی رایج در قرن اول میلادی، مسابقهٔ مشت‌زنی بود. در اینجا پولس رسول از مثال مسابقات مشت‌زنی استفاده کرده، می‌گوید: **مشت می‌زنم نه آنکه هوا را بزَنم.** یک قهرمان موفق مشت‌زنی هرگز ضربات مشت خود را برای زدن هوا هدر نخواهد داد، بلکه سعی می‌کند که حریف را هدف ضربات مشت خود سازد. با مشت در هوا زدن هیچ کس به پیروزی دست نخواهد یافت.

۲۷ در اینجا پولس رسول می‌گوید: **تن خود را زیبون می‌سازم و آن را در بندگی می‌دارم.** در مسابقهٔ روحانی که پیش رو داریم، بایستی خود را از هر جهت آماده سازیم. پولس دائماً در فعالیت و کوشش است. او خیمه می‌دوخت، تعلیم می‌داد، موعظه می‌کرد، رساله می‌نوشت، و از شهری به شهر دیگر سفر کرده، به عیسی مسیح بشارت می‌داد. او دائماً برای پیشرفت انجیل و بشارت کلام، کار و تلاش می‌کرد (اول تسالونیکیان ۹:۲).

پولس بدن خود را در **بندگی** نگاه می‌داشت، یعنی او بدن و جسمانیت و خواهشهای بدن خود را تحت کنترل نگاه می‌دارد. پولس ثمرهٔ

باب ۱۰ هدشار و درسی از تاریخ اسرائیل (۱:۱۰-۱۳)

۱ در این آیه، مقصود پولس از **پدران ما**، اجداد قوم بنی اسرائیل می‌باشد. ابراهیم، جد بزرگ یهودیان می‌باشد. حدود سیصد سال پس از ابراهیم، نوادگان وی به مصر رفته و در آنجا به اسارت فرعون درآمدند. سالها بعد، خدا موسی را مأمور رهایی قوم بنی اسرائیل نمود. موسی قوم بنی اسرائیل را از سرزمین مصر به فلسطین کنونی مهاجرت داده، ایشان را در زمین فلسطینیان و کنعانیان ساکن گردانید. از آنجا که ایمانداران اتباع جدید اسرائیل روحانی هستند، لذا از لحاظ روحانی قوم بنی اسرائیل اجداد همه ایمانداران، منجمله ایمانداران قرن‌س محسوب می‌شدند. عبارت دیگر، ابراهیم، پدر همه ایمانداران بوده و ایمانداران به عیسی مسیح، خواه یهودی و خواه غیریهودی، در تمامی برکات روحانی که خدا به ابراهیم وعده داده بود، شریک خواهند بود (به رومیان ۴:۱۱، ۱۶:۱؛ غلاطیان ۳:۲۹، ۷:۳ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید). از این روست که وقتی که پولس به قرنیتان که عمدتاً غیریهودی بودند نامه می‌نویسد، ایشان را بعنوان اسرائیلیان جدید برسمیت شناخته، در خطاب به ایشان از عبارت **پدران ما** استفاده می‌کند.

موسی قوم بنی اسرائیل یعنی اجداد پولس رسول را به خارج از مصر هدایت کرد. در تمامی طول سفرشان، قوم بنی اسرائیل در **زیو** سایه **اُبر** حضور خدا سفر می‌کردند (خروج ۱۳:۲۱؛ مزمو ۱۰۵:۳۹).

قوم بنی اسرائیل به هنگام خروج از مصر با دریای سرخ روبرو شدند و خدا آبهای دریا را منشق ساخته، قوم خود را از میان **دریا عبور** داد و بدین ترتیب ایشان را از چنگ فرعون رهانید (خروج ۱۴:۲۱-۳۱).

۲ **موسی** بزرگترین رهبر مذهبی و ملی قوم

بنی اسرائیل محسوب می‌شود، پس از آنکه وی ایشان را از سرزمین مصر خارج ساخت، به مدت چهل سالی که قوم بنی اسرائیل در بیابانهای سینا (واقع در میان مصر و اسرائیل) آواره بودند، هدایت و رهبری ایشان را بعهده داشت.

در اینجا پولس رسول می‌گوید که پدران قوم بنی اسرائیل **به موسی تعمیم یافتند**. البته مقصود پولس، غسل تعمید مسیحی نیست، بلکه او از تجربه قوم بنی اسرائیل جهت روشن ساختن معنی تعمید مسیحی استفاده می‌کند. «قرار داشتن زیر ابر» و «عبور از دریا» نشانه حضور خدا و مراقبت و محافظت وی از قوم خود می‌باشد (آیه ۱). برکت و محافظت و مراقبتی که هر ایماندار با دریافت غسل تعمید، از آن بهره‌مند خواهد شد. همانطور که قوم بنی اسرائیل تحت تسلط و رهبری موسی قرار داشت، ایمانداران نیز تحت تسلط و رهبری عیسی مسیح هستند. به همین جهت است که پولس رسول در رابطه با قوم بنی اسرائیل می‌گوید: **همه به موسی تعمیم یافتند**.

۳ زمانی که قوم بنی اسرائیل در صحرای سینا بودند، خداوند به ایشان «نان سماوی» (من) را داد که پولس رسول از آن به عنوان **خوراک روحانی** یاد می‌کند^{۳۳} (خروج ۱۶:۴، ۱۴-۱۵، ۳۱، ۳۵؛ انجیل یوحنا ۶:۳۱).

۴ در زمان آوارگی قوم بنی اسرائیل، خدا همچنین برای قوم بنی اسرائیل آب فراهم نمود که پولس از آن بعنوان **شرب روحانی** یاد می‌کند. آب آشامیدنی قوم بنی اسرائیل بطور معجزه‌آسایی از صخره‌ای بیرون آمده، تمامی قوم و حیوانات ایشان را سیراب ساخت (خروج ۱۷:۶). آن صخره، نشانه‌ای بود از **صخره روحانی**

۳۳- من یا منّا، صرفاً خوارکی روحانی نبود، بلکه نوعی نان بود که خدا بطور معجزه‌آسا برای اطعام بنی اسرائیل تهیه نمود تا در بیابان گرسنه نمانند.

- که همیشه همراه بنی اسرائیل بوده و هرگز ایشان را ترک نمی‌کرد. اینک پولس رسول نتیجه می‌گیرد که آن صخره روحانی عیسی مسیح بود. منشأ و سرچشمه تمامی آن برکات روحانی فوق (ابر، عبور از دریا، نان روحانی، و صخره)، تماماً از عیسی مسیح بوده است. عیسی مسیح، آن نان حقیقی است که از آسمان نازل شد (انجیل یوحنا ۶: ۳۰-۳۵). عیسی مسیح، همچنین سرچشمه شُرب روحانی ما یا روح القدس می‌باشد (انجیل یوحنا ۷: ۳۷-۳۹). همچنین حتی قرن‌ها پیش از آمدن عیسی مسیح به این جهان، پسر جاودانی خدا همراه یهودیان بوده، ایشان را به برکات روحانی و مادی می‌پروراند. عیسی مسیح، از ازل بوده و هست و خواهد بود. او منشأ هر برکت روحانی است (افسیان ۳: ۱). اگر کسی در مسیح باشد، از تمامی برکات روحانی او بهره‌مند خواهد شد (به رومیان ۸: ۳۲ مراجعه نمایید).
- ۵ ولی عاقبت یهودیان چه خواهد شد؟ خدا نعمات بسیاری به ایشان بخشیده بود؛ او یهودیان را از زمین مصر بیرون آورد و آزاد کرد. همچنین بوسیله عیسی مسیح، آنها را به هر برکت روحانی مبارک ساخت. ولی بنی اسرائیل بجای شکرگزاری و اطاعت از خدا، زبان به شکایت گشودند و خشم الهی را برانگیختند (اعداد ۱: ۱۱). بنابراین، خدا آنها را تنبیه کرد و تمامی اسرائیلیانی را که از مصر خارج شده بودند در صحرای سینا هلاک ساخت.
- ۶ پس مواظب باشیم تا علیه خدا زبان به شکایت نگشاییم! ما ایمانداران به مسیح، برکتی بمراتب بزرگتر از یهودیان دریافت نموده‌ایم، ولی چه بسیار پیش می‌آید که مسیحیان زبان خود را ناشکرانه گشوده، از خدا شکوه و گله و شکایت می‌کنند! خدا از این کار راضی نیست. بیایید از شکایت دست برداشته، همیشه شکرگزار باقی بمانیم. فراموش نکنیم که خدا چگونه اسرائیل را بخاطر ناشکری ایشان تنبیه نمود.
- ۷ بعضی اسرائیلیان بت پرست شدند (خروج ۳۲: ۱-۶). در اینجا پولس رسول از خروج ۳۲: ۶ نقل قول می‌کند.
- ۸ بعضی دیگر، مرتکب زنا شده و باعث برانگیخته شدن خشم و غیرت خدا گردیدند و تنبیه و مجازات گناه خود را دریافت نمودند (اعداد ۱: ۲۵-۹). در سفر اعداد ۹: ۲۵ می‌خوانیم که بیست و چهار هزار نفر از بنی اسرائیل هلاک شدند. در این آیه پولس رسول می‌نویسد که **بیست و سه هزار نفر هلاک شدند** و روز بعد هزار نفر دیگر طعم مرگ را چشیدند.
- ۹ ما نباید مسیح را تجربه کنیم. تجربه کردن خدا، یعنی برخلاف میل و اراده خدا عمل کردن و یا حرف زدن. نمونه این گناه و تجربه کردن خدا را می‌توان در اعداد ۴: ۲۱-۵ مشاهده نمود. نتیجه این عمل یهودیان را در اعداد ۶: ۲۱ می‌بینیم.
- ۱۰ خدا بنی اسرائیل را از اسارت مصر آزاد کرد، ایشان را تا سرحد زمین کنعان (اسرائیل کنونی)، زمینی که به ابراهیم پدر قوم بنی اسرائیل وعده داده بود، هدایت کرد. در طی آن سفر چهل ساله، خدا محبت و رحمت بیکران خود را به بنی اسرائیل نشان داد، ایشان را از دشمنان و بلایای متعددی محافظت نمود. علاوه بر این، خداوند آیات و معجزات بسیاری را در میان قوم بنی اسرائیل ظاهر کرد. ولی علی‌رغم همه اینها، قوم بنی اسرائیل به خدا ایمان نیاورده و برعکس، لب به شکایت گشوده، خشم خدا را برافروختند. لذا، خدا بسیاری از ایشان را در صحرا بدست هلاکت سپرده، اجازه نداد که ارض موعود را ببینند (اعداد ۱: ۱۴-۳۳؛ ۱۶: ۴۹، ۴۱).

بنی‌اسرائیل مرتکب گناه شده و در صحرا هلاک گشتند.

مسیحیان قرن‌تس نیز مغرور شده بودند. آنها نیز گمان می‌برند که **قایم** هستند و دچار لغزش نشده و نخواهند افتاد. ایشان به غلط فکر می‌کردند که «ما آزادیم که هر کاری که خواستیم انجام دهیم». آنها پیش خود گمان می‌کردند که «گناه در ایمانشان تأثیری بجا نخواهد گذاشت». بیایید که ما مرتکب چنین اشتباهاتی نشده و در دام این چنین غرور روحانی نیافتیم. زیرا که به مجرد آنکه پیش خود گمان بردیم که «من قایم ایستاده‌ام»؛ همان لحظه افتادن ما شروع خواهد شد. زیرا فقط بوسیله فیض خداوند است که ما قادر به ایستادن خواهیم بود، فیضی که هر روزه شامل حالمان می‌شود. باید بیاد داشته باشیم که حتی مسیحیان روحانی و بالغ نیز وسوسه شده و ممکن است بدام گناه سقوط نمایند (غلاطیان ۱:۶).

با خبر باشید که نیفتید. بعضی مفسرین معتقدند که پولس رسول درباره افتادن و قطع شدن کامل رابطه شخص ایماندار با خدا و از کف دادن نجات، صحبت می‌کند. حال آنکه برخی دیگر از مفسرین معتقدند که منظور پولس رسول، افتادن ایماندار به دام گناه می‌باشد.

اگر عیسی مسیح را محبت کرده از وی پیروی نموده و از دستوراتش اطاعت نماییم، او ما را از افتادن محافظت خواهد نمود. ولی اگر از پیروی خداوند دست برداریم، لغزش خورده خواهیم افتاد. عیسی مسیح، کسانی را که بدنالش حرکت نکنند، محافظت نخواهد فرمود (به انجیل یوحنا ۱۰:۲۷-۲۸ مراجعه شود).

۱۳ همه کس، دچار تجربه و وسوسه می‌شود. اگر تجربه و وسوسه خاصی باعث اذیت و آزارمان می‌شود، بیایید که فکر نکنیم که فقط این ما هستیم که در زحمت و مبارزه روحانی قرار داریم. بلکه، مطمئن باشیم که

بخاطر شکایت و همهمه ایشان، خدا یهودیان را بتوسط فرشته غضب خدا (هلاک کننده)، که جهت تنبیه ایشان فرستاده شده بود، هلاک کرد (خروج ۱۲:۲۳).

۱۱ پولس رسول در این آیه، جهت هشدار و مراقب ساختن کلیسای قرن‌تس و ایمانداران آن، به تشریح گناه یهودیان و مجازات گناهان ایشان می‌پردازد. باشد که ما نیز از وقایع گذشته درس عبرت فرا گرفته، اشتباه بنی‌اسرائیلیان را مرتکب نشویم. گناهان اعضای کلیسای قرن‌تیاں هیچ فرقی با گناهان بنی‌اسرائیل نداشت؛ ایشان همانند یهودیان، خود را به گناه جنسی، بت‌پرستی، و شکایت و تجربه کردن خدا آلوده ساخته بودند و همانگونه که یهودیان بر علیه موسی دست به طغیان و شکایت برداشته بودند، قرن‌تیاں نیز از پولس رسول شکایت کرده و نسبت به فرامین و سخنان او طغیان کرده بودند. لذا، پولس رسول به ایشان هشدار می‌دهد که از مجازات و تنبیه گناه و تخلفات خود آگاه باشند.

تنبیهی که به بنی‌اسرائیل رسید **بطور مثل بدیشان واقع شد و برای تنبیه** (هوشیار ساختن) **ما مکتوب گردید که اواخر عالم به ما رسیده است.** آمدن عیسی مسیح به جهان، شروع دوره جدیدی از تاریخ جهان است، از زمان صلیب عیسی، اواخر جهان بسرعت در حال نزدیک شدن است (غلاطیان ۴:۴؛ عبرانیان ۱:۱-۲).

۱۲ یهودیان از این که فرزندان ابراهیم بوده و قوم برگزیده خدا محسوب می‌گشتند، افتخار می‌کردند. آنها مطمئن بودند که خدا، همیشه آنها را بخشیده و برکت خواهد داد. آنها گمان می‌بردند که همیشه **قائم** خواهند ماند. بنی‌اسرائیل گمان می‌برند که هرگز از الطاف الهی دور نشده و نخواهند افتاد. خلاصه اینکه، ایشان مغرور شده بودند و در دام غرور خود گرفتار بودند. بالاخره، ایشان نتیجه گناه و غرور خود را دریافت کردند، عده بسیاری از

شوند تا اینکه ایمان ایشان سخت و مقاوم گشته، به بلوغ روحانی برسند (به یعقوب ۱: ۲-۴، ۱۲-۱۵؛ اول پطرس ۱: ۶-۷ و تفسیر آن آیات مراجعه نمایید).

مجالس بت پرستان و شام خداوند (۱۰: ۱۴-۲۲)

۱۴-۱۵ نخستین فرمان از ده فرمان را بخاطر بیاوریم: **تو را خدا یان دیگر غیر از من نباشد** (خروج ۲۰: ۳-۵؛ اول یوحنا ۵: ۲۱). نیز بخاطر داشته باشیم که **بت پرستی**، امری فراتر از خم و راست شدن در مقابل بت‌های سنگی و چوبی می‌باشد. بت پرستی، یعنی چیزی را بجای خدا گذاشتن و نیرو و توجه کامل خود را صرف چیزی کردن؛ یعنی چیزی یا کسی را بیش از خدا دوست داشتن و چیزی را در جای اول زندگی خود قرار دادن. بسیاری چیزهای خوب می‌توانند مبدل به بت شوند، مانند شغل، پول، همسر و فرزندان، موقعیت اجتماعی و هزاران چیز دیگر. اینها ممکن است توجه ما را طوری بخود جلب کنند که خدا را از یاد ببریم. اگر چیزی را بیشتر از خدا دوست دارید، آن چیز برای شما تبدیل به بت گردیده است.

۱۶ منظور از **پیاله برکت**، سومین پیاله شراب از چهار پیاله شرابی است که یهودیان در طی مراسم عید فصح می‌نوشیدند. اکثر مفسرین بر این اعتقادند که این همان پیاله‌ای بود که عیسی مسیح در شبی که او را تسلیم کردند، برداشت و گفت: **«این است خون عهد جدید که برای بسیاری ریخته می‌شود»** (مرقس

بسیاری دیگر نیز با همین وسوسه خاص دست و پنجه نرم کرده و پیروز گردیده‌اند.

وسوسه و آزمایش بر دو نوع می‌باشد. اول، آن آزمایشی که از بیرون از نفس و وجود خودمان بر ما وارد می‌شود، مانند زمانی که بخاطر ایمان به عیسی مسیح تحت جفا، آزار و اذیت، شکنجه و تحقیر و توهین قرار می‌گیریم. و یا ابتلاء به بعضی از بیماریها ممکن است نوعی آزمایش روحانی باشد. نوع دوم آزمایشهای روحانی، آن دسته وسوسه‌هایی است که از درون انسان سرچشمه می‌گیرد، مانند: افکار و احساسات ناپاک، فتنه و شرارت، بی‌ایمانی و عدم اعتماد به خدا. در این آیه، پولس رسول در باره هر دو جنبه آزمایش سخن می‌گوید.

خدا هرگز اجازه نخواهد داد که مافوق قدرتمان آزمایش شویم. این وعده بسیار مهم و دلگرم کننده‌ای است. بنابراین، هرگز نگوییم که دیگر مقاومت خود را در مقابل این وسوسه و یا آن آزمایش از دست داده‌ایم. اگر گوئیم که این یا آن وسوسه فوق از طاقت ماست، خدا را دروغگو شمرده‌ایم؛ زیرا خداوند قول داده است که ما را به هنگام سختیها یاری داده، در مقابل وسوسه‌ها محافظت نماید. لذا، اگر اراده نماییم، خواهیم توانست که با کمک خداوند در مقابل وسوسه‌ها ایستادگی کنیم^{۲۴}. به هنگام مقابله با وسوسه، یا خدا قدرت و قوت ایستادن و گناه نکردن را بما خواهد داد و یا **مفری** (راه فراری)، برای ما فراهم خواهد ساخت. یعنی اینکه او یا ما را در مقابل نیروی وسوسه یاری می‌دهد و یا اینکه راه‌گزینی برایمان مهیا می‌سازد تا اینکه از آزمایش سربلند بیرون آییم. ولی باید دایم دعا کنیم که هر زمان که وسوسه‌ای بر سر راهمان قرار گرفت، فیض خدا نیز یاری کننده ما باشد.

چرا خدا اجازه می‌دهد که فرزندانش وسوسه شوند؟ جواب این سؤال به قرار زیر است: خدا اجازه می‌دهد که فرزندانش وسوسه

۲۴- در بعضی مواقع، روش و شیوه ایستادگی و مقاومت در مقابل وسوسه‌ای، فرار کردن از آن است (به اول قرنیتیان ۱۰: ۱۴؛ اول تیموتائوس ۱۱۶ مراجعه نمایید). بعبارت دیگر، ما بایستی بطور فعالانه خود را از مسیر گناه دور سازیم و در موقعیت ارتکاب گناه قرار ندهیم.

۱۴:۲۳-۲۴).

پولس در اینجا پیرامون عشای مقدس ربانی (یا شام خداوند) می‌گوید که پیاله و نان، **شراکت** در بدن و خون مسیح است. برخی مسیحیان بر این اعتقادند که پیاله (و یا در حقیقت شراب درون پیاله) و نان، جسم و خون واقعی مسیح است (مرقس ۱۴:۲۲)؛ حال آنکه گروهی دیگر از ایمانداران معتقدند که پیاله و نان، بیشتر حالت سمبولیک داشته، نشانه‌ای از جسم و خون مسیح می‌باشند. علاوه بر این دو گروه، دسته‌سومی از مسیحیان نیز وجود دارند که پیاله و نان، برایشان صرفاً یادآورنده مرگ و فداکاری عیسی مسیح است (اول قرن‌تیاں ۱۱:۲۳-۲۶ و مقاله عمومی: «شام خداوند» مشاهده شود).

معهدنا، یک نکته مُسلم است و همه مسیحیان در این امر متفق‌القولند که عیسی مسیح بدن و خون خود را جهت پرداختن بهای گناهان ما و بمنظور نجات و بخشایش ما انسانها بخشید. زمانی که در مراسم عشای ربانی، از جام شراب می‌نوشیم و نان را می‌خوریم، در هدیه عظیم عیسی مسیح (که همانا نجات و کفاره گناهان باشد)، سهمیم و شریک می‌گردیم. در حین دریافت هدایای نان و شراب، به طریقی اسرارآمیز، در مرگ و رستاخیز مسیح شراکت پیدا کرده، بوسیله مرگ و صلیب او، زندگی تازه روحانی و حیات جاودانی را دریافت می‌نماییم (یوحنا ۶:۳۳-۳۵؛ ۶:۴۸-۵۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید). بوسیله نان و شراب شام خداوند، در بدن و خون مسیح، خداوند زنده‌مان سهمیم و شریک گردیده‌ایم. از اینجهت است که پولس رسول با لحنی آمیخته با تعجب می‌پرسد: «آیا مگر ممکن است که بار دیگر به پرستش بتها بازگشت نمود؟».

۱۷ در طی مراسم شام خداوند، نان را به تکه‌های کوچک و متعدد تقسیم می‌کنند تا

اینکه همه شرکت‌کنندگان از آن نان سهمی دریافت کنند. همانطور که همه آن قطعات کوچک، از یک قرص نان اصلی جدا می‌شوند، به همین صورت، ایمانداران بسیاری وجود دارند ولی همه مادر بدن مسیح شریک و سهمیم هستیم (رومیان ۴:۱۲-۵؛ اول قرن‌تیاں ۱۲:۲۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

پولس می‌گوید: **از یک نان قسمت می‌بایم**. یعنی اینکه بواسطه شام خداوند، ما همگی در بدن مسیح شراکت حاصل می‌کنیم. همانطور که با خوردن از یک قرص نان، جزئی از آن نان وارد بدنهای ما می‌شود، به همان صورت نیز بواسطه عشای ربانی (شام خداوند)، روح قدوس مسیح وارد هر یک از ما گردیده، ما را تبدیل به یک بدن خواهد ساخت؛ بدنی که سر آن عیسی مسیح است (اول قرن‌تیاں ۱۲:۱۲-۱۳؛ کولسیان ۱:۱۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۸ در اینجا پولس رسول بار دیگر **بنی اسرائیل** (یهودیان) را مثال می‌زند. زمانی که یهودیان قربانی می‌گذرانند، کاهنان و جماعت پرستندگان، از گوشت حیوان قربانی شده گرفته، تَنَاول می‌کردند (لاویان ۷:۱۵-۱۶؛ ۱۰:۱۲-۱۴). با خوردن از گوشت حیوان قربانی، ایشان در **قربانگاه** و قربانی ذبح شده بر آن شریک می‌گردیدند.

به همین شکل نیز، زمانی که مسیحیان قرن‌تس از گوشت حیواناتی که در معابد بت‌پرستان ذبح شده بود می‌خوردند، در قربانی و پرستش بتها سهمیم گردیده، با بت‌پرستان و **دیوها** (آیه ۲۰) شراکت حاصل می‌نمودند. پولس می‌گوید: «نمی‌خواهم شما شریک دیوها باشید» (آیه ۲۰). ما نمی‌توانیم در آن واحد هم با مسیح و هم با بتها (دیوها) شراکت حاصل نماییم (اول قرن‌تیاں ۸:۴-۵؛ ۱۰:۲۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۹ پولس در اینجا نمی‌گوید که قربانی‌هایی که یهودیان جهت خدای زنده و حقیقی

می‌گذرانیدند با قربانی‌های امتهای بت‌پرست یکی است. برعکس، بت چیزی نیست «بت حیات و حقیقت ندارد» (اول قرن‌تینان ۴:۸).

۲۱-۲۲ بتها هیچ نیستند ولی دیوها (ارواح ناپاک و شریر) وجود خارجی دارند. زمانی که شخصی به پرستش بت مبادرت ورزد، فی الواقع ارواح ناپاک و شریر (دیو) را پرستش می‌کند (تثنیه ۱۷:۳۲). ما نبایستی که با دیوها شراکت داشته باشیم.

۲۲ اگر با دیوها شراکت حاصل نماییم، مرتکب زناى روحانی خواهیم شد. خداوند ما خدایی غیور است (خروج ۵:۲۰) و اگر با پرستش بتها به او خیانت ورزیم، وی از ما بخشم خواهد آمد. پولس می‌پرسد: **آیا از او (خدا) توانا تر می‌باشیم؟** البته که نه! البته که بخشم آوردن خدایی که بمراتب از ما بزرگتر و توانا تر است، عملی حماقت‌آمیز می‌باشد.

آزادی ایماندار (۱۰:۲۳-۳۳)

۲۳-۲۴ رومیان ۱۹:۱۴-۲۰؛ ۱:۱۵-۲؛

اول قرن‌تینان ۱۲:۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید. در قرن اول میلادی، (زمانی که پولس رسول این رساله را نگارش می‌کرد)، تقریباً کلیهٔ دکانهای قصابی شهر قرنتس گوشت قربانی شده به بتها را بفروش می‌رساندند. به این ترتیب که پس از آنکه حیوانات در معابد بتها ذبح و قربانی می‌شدند، گوشت آنها در مغازه‌های قصابی شهر بفروش می‌رسید. ولی از آنجا که بت چیزی نیست (اول قرن‌تینان ۴:۸)، آن گوشتها نیز نجس بشمار نیامده و ایمانداران جهت خوردن آن آزاد بودند.

۲۶ پولس رسول در اینجا از مزمو ۱:۲۴ نقل‌قول کرده می‌گوید که هرآنچه خداوند آفریده، پاک است و فرد ایماندار آزاد است که با رغبت و شکرگزاری از آنها بخورد و لذت برد (مرقس ۱۹:۷؛ اعمال ۱۰:۱۳-۱۵؛ رومیان ۱۴:۱۴؛ اول تیموتائوس ۴:۴ و تفسیر آن را

مشاهده کنید).

۲۷ مسیحیان به رفتن به معابد بت‌پرستان به منظور شرکت جستن در مراسم عبادتی ایشان مجاز نیستند، ولی رفتن به خانهٔ همسایگان و دوستان بی‌ایمان و صرف غذا با آنها بلا مانع می‌باشد. در آن صورت، اجازه داریم که هر غذایی را که میزبان پیش روی ما قرار دهد صرف کنیم (لوقا ۱۰:۸).

۲۸-۲۹ اما اگر کسی بشما گوید: این قربانی بت است، مخورید (آیهٔ ۲۸). در اینجا منظور پولس از کسی، ایماندار ضعیف‌الایمان و یا فردی است که ضمیر و وجدانش او را به اجتناب از برخی خوراکی‌ها ملزم می‌سازد (اول قرن‌تینان ۹:۷، ۱۳-۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اگر برادر ضعیفی، متوجه شد که غذایی که پیش روی ما گذاشته شده است، در اصل قربانی بتها است، بخاطر رعایت آن برادر ضعیفتر و جهت آنکه مبادا وی را دچار ناراحتی و عذاب وجدان و یا لغزش کنیم، بایستی از خوردن آن خوراکی اجتناب ورزیم.

پولس رسول می‌گوید که وی به جهت ضمیر آن (شخص) دیگر (آیهٔ ۲۹)، یعنی آن برادر یا خواهر ضعیفتر مسیحی، از خوردن گوشتی که به بتها تقدیم شده است خودداری خواهد کرد. پولس هرگز مرتکب عملی که به لغزش و یا رنجش برادر ضعیفترش بیانجامد دست نخواهد زد. گویانکه وجدان پولس وی را در خوردن گوشت قربانی بتها آزاد گذاشته است، ولی او جهت راحتی وجدان برادر ایماندار خود، از خوردن آن غذاها اجتناب خواهد ورزید. هر کسی بر حسب حکم وجدان خودش قضاوت خواهد گردید. این وجدان پولس است و نه وجدان برادر ضعیفتر، که در صورت تقصیر، بر وی حکم خواهد نمود. وجدان ضعیف و ایمان ضعیف آن برادر ایماندار، حق و اجازهٔ محدودسازی آزادی پولس را ندارد (رومیان ۳:۲-۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). زیرا آنچه

که برای آن برادرِ ضعیفتر گناه محسوب می‌گردد (مانند خوردن گوشت قربانی به بتها)، ممکن است برای پولس آزاد باشد.

معهدنا، پولس رسول علی‌رغم اینکه از آزادی کامل برخوردار است، بخاطر محبتش نسبت به برادران خود، از بسیاری از آزادیهای خود، از جمله خوردن گوشت، چشم‌پوشی می‌کند تا مگر باعث لغزش و گناه برادر خود نگردد (اول قرن‌تیاں ۱۳:۸).

۳۰ هر آنچه که با شکرگزاری از دست خداوند دریافت می‌کنیم پاک و خوردنش خالی از اشکال است^{۲۵} (اول تیموتائوس ۴:۴). پس نیاستی برادرانمان را بخاطر خوردن آنها مورد ملامت و سرزنش قرار دهیم.

۳۱ پولس رسول، در این آیه منظور اصلی خود را از نگارش این آیات روشن کرده می‌گوید که ما بعنوان ایمانداران به مسیح بایستی قبل از خوردن و یا نوشیدن و یا انجام هر کار دیگری، از خود سؤال کنیم که «چرا این کار را می‌کنم؟» «این کار را برای خشنودی خاطر چه کسی انجام می‌دهم؟» «آیا این عمل من باعث جلال نام خدا خواهد شد؟» و جواب ما به سؤالات فوق همیشه بایستی این باشد که من این عمل را جهت جلال و خشنودی خدا انجام خواهم داد. اگر جوابمان غیر از این باشد، بهتر است که از انجام آن کار خودداری نماییم.

هر آنچه که ما انجام می‌دهیم بایستی نهایتاً به جلال یافتن نام خداوندمان بیانجامد (متی ۱۶:۵ و رومیان ۷:۱۴-۸ را مشاهده کنید). زیرا هر کاری که باعث جلال خدا نگردد، مورد قبول او نیز واقع نخواهد شد^{۲۶}.

۳۲ رومیان ۱۳:۱۴، ۲۰-۲۱؛ اول قرن‌تیاں ۸:۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

۳۳ پولس رسول در پی خوشنود ساختن دیگران به منظور کسب نفع شخصی نیست. در عوض، او در صدد آنست با خوش ساختن دیگران، ایشان را از نظر روحانی منفعت برساند

(رومیان ۲:۱۵؛ اول قرن‌تیاں ۹:۲۲؛ ۱۰:۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

باب ۱۱ پوشانیدن سر به هنگام پرستش (۱۱:۱-۱۶)

۱ پولس می‌گوید: **به من اقتدا نمایید.** آیا ما نیز می‌توانیم چنین ادعایی کنیم؟ آیا قادریم به دیگران بگوییم: «به من اقتدا نمایید؟» آیا برای دیگران سرمشق و نمونه خوبی هستیم؟ چرا پولس به دیگران می‌گوید که به او اقتدا کنند؟ برای اینکه پولس، خود به مسیح اقتدا کرده، در اثر قدمهای او گام بر می‌داشت. زمانی که مادر پیروی از مسیح جدی و متعهد باشیم، آنگاه خواهیم توانست به دیگران بگوییم: «به من اقتدا نمایید». زیرا که ایشان بایستی نهایتاً به مسیح اقتدا نمایند نه به ما!

زمانی که دیگران پیغام شیرین انجیل را از ما می‌شنوند، ممکن است که به ما توجه نشان دهند. ولی فقط زمانی از راه ما پیروی خواهند کرد که زندگی پاک و سالمی در ما مشاهده کنند. شهادت لفظی کار خوب و بجایی است، ولی زندگی سالم و خالی از گناه و ریا و شهادت دادن بوسیله زندگی و اعمالمان، بمراتب مؤثرتر خواهد بود. بعبارت دیگر، ترکیب کلمات و

۲۵- البته اینها شامل آن چیزهایی که برای بدن ما مضر بوده و یا ما را به وسوسه و گناه خواهد کشانید، نمی‌شود. خوردن و یا استعمال چنین چیزهایی مورد تائید خدا نیست.

۲۶- خوردن، استراحت کردن، تفریح و بازی و لذت بردن از مصاحبت دیگران و مشارکت، و امثالهم، اعمال صالح و مناسب یک ایماندار است و از آنجا که اینگونه کارها باعث نشاط و سلامت جسمی و روحی و روحانی ما می‌گردد، نهایتاً به جلال یافتن خداوند خواهد شد. زمانی که در پی سلامت جسمی و روحی خود هستیم، خدا را جلال می‌دهیم.

بمراتب بیشتر می‌باشد واضح و مُدَلِّک است. خدای پدر از عیسی مسیح (بعنوان یک انسان) بزرگتر است لذا به این دلیل است که عیسی مسیح فرمود: **پدر از من بزرگتر است** (یوحنا ۱۴:۲۸). در حالی که در تثلیث اقدس، پدر و پسر و روح‌القدس یک ذات دارند و در الوهیت با یکدیگر برابراند.

همانطور که خدا سر مسیح است، به همان ترتیب نیز **سر هر مرد مسیح است** (افسیان ۱:۲۲؛ کولسیان ۱:۱۸ را مشاهده کنید). و همانگونه که تمامی اعضای بدن تحت امر و فرمان سر قرار دارد، ما نیز بمثابة اعضای بدن مسیح بایستی تحت امر و کنترل او باشیم.

و نیز **سر زن مرد** است. باید توجه داشت که در اینجا روی سخن پولس، زنان متأهل می‌باشد؛ زنان مجرد تحت تسلط و قیمومیت مردان نمی‌باشند (افسیان ۵:۲۲-۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

خداوند جهان خلقت را به اینگونه آفریده است. خدای پدرِ قادر مطلق سر همه چیز است و سپس عیسی مسیح پسر یگانه او بالاترین رتبه در این عالم را دارا است. از میان مخلوقات، خداوند انسان را برگزید تا بر این جهان تسلط و رهبری داشته باشد. در میان خانواده‌ها، اراده خداوند بر این قرار دارد که مرد رهبریت و نظام امور خانواده را در دست داشته باشد و زن تحت قیمومیت و رهبری شوهر خود قرار داشته باشد.

ولی شوهران بهتر است که همیشه بیاد داشته باشند که وظیفه ایشان اینست که به همان اندازه‌ای که مسیح کلیسا را محبت نمود، زنان خود را همان گونه مورد محبت قرار دهند

۲۷- این رسولان، همان دوازده حواری (شاگرد)

عیسی مسیح (به استثنای یهودای اسخریوطی که مسیح را تسلیم کرد) بودند که پس از آنکه روح‌القدس بر آنها قرار گرفته و ایشان را به نشر پیام انجیل مأمور نمود، با عنوان رسولان مسیح معروف گردیدند.

زندگی صالح، بهترین راه بشارت مژده انجیل است.

۲ تعالیمی که پولس رسول به کلیسای قرن‌تیاں داده بود، مطابق با سخنان دیگر رسولان مسیح است^{۲۷}، پولس دانش خود را از رسولان آموخته بود (دوم تسالونیکیان ۲:۱۵ مشاهده کنید)، و تعلیمی بغیر از تعالیم رسولان مسیح نداشت. پولس رسول یا تمامی تعالیم خود را از دوازده شاگرد (**رسول**) مسیح آموخته بود و یا آنها را بوسیله مکاشفه مستقیم از روح‌القدس دریافت کرده بود (غلاطیان ۱:۱۲). تنها در یک مورد خاص، پولس عقیده و نظر شخصی خود را ابراز کرده است (اول قرن‌تیاں ۷:۱۲، ۲۵، ۴۰).

دیدیم که پولس رسول بارها ایمانداران قرن‌تس را بخاطر رفتارهای غلطشان مورد ملامت و نکوهش قرار داده، آنها را توبیخ کرده است. ولی در این آیه، وی ایمانداران کلیسای قرن‌تس را به جهت پیروی ایشان از تعالیم رسولان، **تحسین** می‌کند. عادت پولس رسول این بود که هرگاه لازم می‌شد که کسی را مورد توبیخ و نکوهش قرار دهد، بلافاصله نکته مثبتی در باره آن شخص و یا جماعت بزبان می‌آورد. باشد که همه کسانی که در مصدر قدرت و رهبری قرار دارند به نمونه پولس رسول اقتدا کرده، پیش از آنکه دهان به توبیخ و ملامت کسی باز نمایند، نکات مثبت آن شخص را نیز در ذهن داشته باشند.

۳... سر مسیح خداست. خدای پسر عیسی

مسیح در ذات و الوهیت با خدای پدر برابر و یک است (یوحنا ۱۰:۳۰؛ فیلیپیان ۲:۶-۷ را مشاهده کنید). ولی زمانی که مسیح بر روی زمین و در میان ما آدمیان می‌زیست، وی از هر جهت و کاملاً انسان بود، وی از لحاظ جسمانی پدری نداشت و به این جهت است که او را بعنوان پسر خدا و خدا را پدر عیسی مسیح می‌شناسیم (اول قرن‌تیاں ۳:۲۳ را مشاهده کنید). این حقیقت که رتبه و مقام و منزلت خدا از بشر

(افسیان ۵:۲۵). بر زنان است که شوهران خود را اطاعت کرده، مقام و مسئولیت رهبری آنها را برسمیت بشناسند، ولی در عین حال مردها بایستی مواظب باشند که از قدرت خود سوءاستفاده ننمایند. زن برده و کنیز مرد نیست، بلکه در کتاب مقدس از زن بعنوان شریک، معاون، و دوست شوهر یاد گردیده است.^{۲۸}

همچنین بخاطر داشته باشیم که در مسیح، زن و مرد از لحاظ روحانی مساوی بوده، از ارزش یکسانی برخوردارند (غلاطیان ۳:۲۸؛ اول پطرس ۳:۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). بعضی براین اعتقادند که زن در مورد تعمید گرفتن بایستی از شوهر خود کسب اجازه و کسب تکلیف نماید و بایستی که بدون اجازه شوهرش به این امر مبادرت ورزد. ولی این تعلیم صحیحی نیست، زیرا خداوند وعده نجات توسط ایمان به عیسی مسیح را بصورت مساوی و فردی و آزادانه به زن و شوهر عطا فرموده است. و بنابراین هر کس موظف است که مسئولیت خود را در قبال فرمان و دعوت خداوند بطور شایسته و کامل بجا آورد.

۴ در بین یونانیان همعصر پولس این رسم رایج بود که افراد زیر دست و کسانی که تحت فرمان و تسلط مافوق قرار داشتند (مثلاً برده‌ها)، بعنوان علامت سرسپردگی خود، کلاه و یا چیزی مشابه آن بر سر می‌گذاشتند. و زنان نیز موقعی که از خانه خارج می‌شدند سر خود را می‌پوشاندند. ولی مردان آزاد که متعلق به طبقه بردگان نبودند، هرگز در مجامع عمومی سر خود را نمی‌پوشانیدند.

بنابراین براساس این تعلیم پولس رسول، اگر مردی در کلیسا با سر پوشیده دعا یا نبوت می‌کرد، مانند این بود که وی تحت امر کسی دیگر بجز خدا بود. حال آنکه همه مسیحیان، در وهله اول تحت رهبری و قدرت عیسی مسیح می‌باشند و اطاعت مسیحیان از مصادر قدرت ناشی از سرسپردگی ایمانداران نسبت به خدا

است. لذا تعلیم پولس به مردان اینست که ایشان بایستی قدرت دیگری را بعنوان قدرت مافوق خدا برسمیت بشناسند. پس اگر ایماندارى سر خود را بپوشاند (کنایه از سر سپردگی به قدرتی غیر از مسیح) **سر خود** (عیسی مسیح) **را رسوا می‌کند**. زمانی که کسی که خود را مسیحی معرفی می‌کند، بطور علنی به قدرتی غیر از مسیح اعلام سرسپردگی نماید؛ چنین شخصی مسیح را در انظار مردم دنیا بی‌حرمت خواهد ساخت.

۵ در آن ایام رسم بر این بود که زنان در مجامع عمومی با سر پوشیده ظاهر گردند. زیرا در غیر آن صورت، حضور ایشان با سر برهنه نشانه این تلقی می‌شد که آنها اقتدار و ریاست شوهران خود را زیر سؤال برده، خود را رئیس قلمداد می‌کنند. در این صورت **هر زنی که سر برهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می‌نماید**. یعنی اینکه وی با آن عمل، شوهر خود را در کلیسا مورد تحقیر و توهین قرار داده است.

از سوی دیگر، علامت مشخصه زنان معلوم‌الحال و فواحش، همانا سر برهنه ایشان بود؛ در حالی که علامت متمایز کننده زنان نجیب و آبرومند سر پوشیده ایشان. پولس رسول در اینجا به زنان مسیحی سفارش می‌کند که مراقب باشند که از نظر سر و وضع ظاهری، خود را از تهمت فحشاء به دور نگاه داشته، با پوشاندن سر خود، خویشتن و شوهران خود را از بدنامی و **رسوایی** محفوظ نگاه دارند.

در رابطه با تفسیر این آیه، هم اکنون دو نظر متفاوت در میان مسیحیان وجود دارد. از یک طرف بسیاری از مفسرین معتقدند که این حکم و تعلیم پولس، مربوط به قرن اول میلادی است و امروزه مردها کاملاً آزادند که سر خود را بپوشانند و یا زنها با سر برهنه در کلیسا حضور

۲۸- جهت مطالعه بیشتر در این مورد، مقاله

عمومی «ازدواج مسیحی» مشاهده شود.

برقرار ساخته است احترام گذاشته، از آن اطاعت کنیم.

این گروه دوم، به استناد این آیه بر این اعتقادند که زنها بایستی به هنگام پرستش و دعا سر خود را بیوشانند. و به همین ترتیب مردها بایستی در موقع دعا و ورود به کلیسا، کلاه خود را از سر بردارند.

از سوی دیگر، برخی از مسیحیان معتقدند که موی بلند زنها، بمثابة سرپوش مناسبی عمل خواهد کرد (آیه ۱۵ را مشاهده کنید) و لذا مادامی که زنی دارای موی بلند باشد لازم نیست که سر خود را بیوشانند.

بیاید به یاد داشته باشیم که پولس رسول در اینجا در باره وقت دعا و یا نبوت صحبت می‌کند وگرنه در دیگر مواقع، مردها آزادند که کلاه بسر داشته باشند و همچنین زنها نیز آزادند که کلاه و روسری خود را از سر بردارند.

ع در زمان پولس رسول رسم بر این بود که بعنوان مجازات، موی زنهاى بدکار و فاحشه را در ملاءعام کوتاه می‌کردند یا می‌تراشیدند. بنابراین پولس رسول در اینجا می‌گوید که زنی که با سر برهنه در کلیسا دعا و یا نبوت نماید، مانند زن بدکاره‌ای است که موهایش را تراشیده باشند و واضحاً این امر باعث خجالت شوهرش خواهد گردید!

۷ در زمان پولس رسول، فقط بردگان کلاه بسر می‌گذاشتند و مردان آزاد هرگز با سر پوشیده در مجامع عمومی ظاهر نمی‌شدند. پولس می‌گوید که انسان آزاد خلق شده است و نیز مرد **صورت و جلال خداست**. لذا، لزومی ندارد که مردها کلاه بسر گذارند.

بر اساس پیدایش ۲۷:۱ مرد وزن هر دو به **شبهت خدا** خلق گردیده‌اند. چون اول مرد خلق شد، لذا مرد **جلال خداست** و پولس همچنین می‌گوید از آنجا که زن از مرد خلق شده است لذا **زن جلال مرد است** (پیدایش ۱۸:۲، ۲۱-۲۳).

۹-۱ زیرا مرد از زن نیست بلکه زن از مرد

بهم رسانیده، دعا کنند. از سوی دیگر، برخی کلیساها چنین تعلیم می‌دهند که زنان بایستی در موقع دعا سر خود را بیوشانند و مردان بایستی کلاه را از سر بردارند.

قَدْرِ مُسَلَّمِ اینست که همه مسیحیان بر این حقیقت توافق عقیده دارند که کلیسا و اعضای خانواده ایمان در هر نسل و عصری خواه ناخواه از آداب و سنن اجتماعی حاضر و رایج پیروی خواهند کرد (البته مادامی که آن سنن و آداب با اصول و قوانین اخلاقی الهی مغایرت و تضاد نداشته باشند). در واقع اگر مسیحیان بدون فطانت و حکمت با آداب و سنن اجتماعی به مبارزه برخیزند، عمل ایشان باعث رنجش بیهوده همسایگان و اطرافیان شده، در امر انتشار انجیل اثر معکوس بجا خواهد نهاد و چه بسا به بی‌حرمتی نام مسیح منجر خواهد گردید.

از آنجا که اراده و قانون خدا تغییرناپذیر است، لذا در هر امری، قبل از هر چیز بایستی از خود بپرسیم که «اراده خدا و قانون خدا چیست؟» روش برخورد و شیوه تفسیر گروه اول مفسرین به این دلیل خطرناک است که ممکن است باعث شود هرگاه به نکته غامض و تعلیمی که با طرز فکر و مزاج ما سازگار نباشد برخورد کنیم، آن تعالیم را به غلط کهنه و منسوخ شده و یا غیرقابل تعمیم تلقی نماییم. لذا این شیوه نگرش به تعالیم کتاب مقدس، بایستی با احتیاط و تفکر و مطالعه و دعای بسیار بکار گرفته شود.

گروه دیگری از مفسرین معتقدند که در این آیه، پولس رسول به بیان یک قانون تغییرناپذیر الهی پرداخته است. ایشان می‌گویند که تعلیم پولس صرفاً برای همعصران خودش نیست و باید آن را به کلیه قرون و ادوار تعمیم داد. لذا ایشان از این آیه استنباط می‌کنند که مقصود اصلی پولس اینست که سر همه خلقت مسیح است و مرد سرزن می‌باشد و ما انسانها بایستی به سلسله مراتب قدرتی که خدا در عالم هستی

DO NOT COUNT THIS PAGE

است. اولین زن (حوّا) از یکی از دنده‌های اولین مرد (آدم) وجود یافت (پیدایش ۲: ۲۱-۲۲).

خدا زن را برای مرد خلقت فرمود تا اینکه زن برای مرد **معاونی موافق باشد** (پیدایش ۱۸: ۲).

۱۰ پس از آنکه حوادر باغ عدن مرتکب گناه گردید، خداوند وی را تحت امر و ریاست آدم قرار داد (پیدایش ۳: ۱۶). به این دلیل است که زن بایستی با پوشانیدن سر خود در هنگام دعا و نبوت، نشان دهد که مطیع شوهرش می‌باشد. در غیر این صورت، وی مراتب تمرد و عدم سرسپاری خود را نشان خواهد داد که بنوبه خود موجب سرافکنندگی و خجالت خود و شوهرش خواهد گردید.

پولس رسول در اینجا می‌گوید که زنان بایستی **بسبب فرشتگان** سر خود را بپوشانند. بسیاری معتقدند که منظور پولس اینست که به هنگام عبادت کلیسایی، فرشتگان خدا نیز حضور دارند و زن بایستی با پوشانیدن سر خود که نشانه سرسپردگی وی به شوهر خویش است، باعث رنجش فرشتگان خدا نگردد.

۱۱ خدا مرد و زن را خلق کرد تا اینکه ایشان با یکدیگر و با تکیه به همدیگر زندگی کنند. قصد خدا از خلقت زن و مرد این بود که ایشان در پیمان زناشویی **یکتن گردند** (پیدایش ۲: ۲۳-۲۴). زیرا تنها بوسیله یکتن شدن است که آنها قادر به ایجاد یک محیط سالم خانوادگی خواهند بود. حال اگر قرار بر این است که زن و شوهر یکتن گردند، چگونه ممکن است که هر کدام مدعی استقلال رأی شده، بخواهند مستقل از دیگری زندگی کنند؟

۱۲ مرد بایستی مغرور باشد، به همسر خود بی‌احترامی کرده، او را خوار و کوچک نماید. باشد که مردان بیاد داشته باشند که خود از زنی تولد یافته‌اند و حیاتشان به وجود زنان بستگی دارد!

ولی هرچند که از لحاظ طبیعی، وظیفه

بارداری و حمل به زنان سپرده شده است ولی باید بخاطر داشت که زندگی بخش کل و هستی‌دهنده عالم خداست، **همه از خدا** است.

۱۳ زنان ایماندار کلیسای قرن‌تس باید می‌دانستند که بهتر است زنان با سر پوشیده در جماعت کلیسا حضور بهم رسانند؛ زیرا حتی زنان بت‌پرست یونانی نیز از این نکته آگاهی داشتند.

ولی لازم به یادآوری مجدد است که تعلیم پولس در رابطه با پوشش سر زنان فقط مربوط به هنگام دعا و نبوت می‌شود و در موارد دیگر صدق نمی‌کند (آیات ۴-۵).

۱۴ در تمامی قلمرو روم، رسم مردان هم عصر پولس این بود که مردان موی سر خود را کوتاه‌تر از زنان نگاه می‌داشتند. مردی که موهای بلندتر از زنان داشت، مورد تمسخر و استهزای عموم قرار می‌گرفت.

آیا منظور پولس اینست که مردان، هرگز و صرف‌نظر از اینکه در چه دوره تاریخ و در چه عصر و فرهنگی زیست می‌کنند، بایستی موی سر خود را بلند نگاه دارند؟ در رابطه با این مطلب نیز مفسرین کلام، دو موضع متفاوت از یکدیگر اتخاذ کرده‌اند. گروهی از مفسرین معتقدند که روی سخن پولس به مردان هم زمان خود بوده و این تعلیم را نباید به همه اعصار و ادوار تعمیم داد. در حالی که گروه دیگری از مفسرین کلام معتقدند که تعلیم پولس در رابطه با بلندی و یا کوتاهی موی سر، تعلیمی عمومی بوده و موی سر مرد بایستی همیشه کوتاه‌تر از گیسوان زنها باشد.

البته مسیحیان ایماندار، مجاز هستند که از سخنان پولس رسول استنباطات مختلفی داشته باشند. هر شخص ایماندار بایستی که با دعا و تکیه بر راهنمایی و روشننگری روح‌القدس، آیات کتاب مقدس را خوانده و در پیرامون آنها تفکر و تعمق کند و خداوند ایشان را به حقیقت کلام خود رهنمون خواهد ساخت. در عین حال

عامل دیگر گروه‌بندی‌ها و شقاقهایی که در کلیسای قرن‌تس وجود داشت، مربوط به مسائل طبقاتی بین فقیر و غنی، افراد والا مقام و منصب از یک سو و ضعفا و افراد طبقه پائین جامعه از سوی دیگر، می‌گردید. اگر قرار است که اینگونه اختلافات در کلیسا ادامه پیدا کند، بهتر است که آن جماعت منحل شود! در این راستا است که پولس می‌گوید: **زیرا که شما نه از برای بهتری بلکه برای بدتری جمع می‌شوید.**

۱۹ وجود اختلاف عقیده و اختلاف سلیقه در مورد مسائل کوچک و جزئی میان هر گروه و جماعت ایماندار، اجتناب‌ناپذیر و تا حدی طبیعی و حتی لازم است. زیرا که هیچ بدی و ضرری از ابراز فروتنانه نظرات و پیشنهادات و بیان اختلاف سلیقه‌ها و امثالهم، حاصل نخواهد گردید. ولی بایستی روحیه محبت و فروتنی در میان باشد و هر زمان که در میان ایمانداران اختلاف عقیده و سلیقه پیدا شود، بگذارید که این اختلافات در سایه محبت متقابل و با فروتنی حل شود. **هیچ چیز را از راه تعصب و عجب مکنید بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید** (فیلیپان ۲:۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید). زیرا فقط کسانی که در موقع بروز اختلافات روحیه فروتنی و محبت از خود نشان داده باشند بعنوان **مقبولان** خدا خوانده خواهند شد و آنهایی که بخاطر غرور و روحیه عدم محبت خود باعث تفرقه و جدایی در کلیسا گردیده‌اند، **مقبولان** خدا نخواهند بود.

۲۰ شام آخر عیسی مسیح در واقع شام پَسَح بود که مسیح با شاگردان خود صرف نمود. یهودیان شام پَسَح را در کنار شام عادی و با اعضای خانواده خود صرف می‌کنند. در کلیسای قرن‌تس نیز رسم این بود که مراسم **شام خداوند** یا **عشای ربانی** هم زمان با شام عادی کلیسایی برگزار می‌گردید. پس زمانی که ایمانداران قرن‌تس جهت صرف شام خداوند گرد هم جمع می‌شدند، تنها در خوردن نان و شراب (بدن و

ما بایستی مواظب باشیم که مبدا برادر ایمانی خود را بخاطر داشتن طرز فکر و عقیده‌ای که مغایر با نظرات ما است، مورد ملامت و حکم قرار داده و یا به او با چشم خواری بنگریم. وجود اختلاف عقیده در موارد کوچک و کم اهمیت اجتناب‌ناپذیر و مجاز است حال آنکه حکم کردن و قضاوت در باره برادران قابل چشم‌پوشی نخواهد بود. خلاصه، بخاطر طول موی اشخاص کلیسا را دچار شقاق و تفرقه نسازید!

۱۵ در طول تاریخ، معمولاً زنان موی سر خود را بلند نگاه می‌داشته‌اند. پولس رسول در آیه ۱۴ می‌گوید که این امری است که از **خود طبیعت** می‌آموزیم. طبیعت موی دراز زن را بعنوان پرده و حجابی به ایشان داده است. حتی برخی معتقدند که موی بلند جهت پوشش سر زنان تکافو کرده و اگر زنی موی بلند داشته باشد دیگر لازم نیست که اضافه بر آن از پوشش دیگری استفاده کند (آیه ۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۶ نصیحت نهایی پولس به قرن‌تیاں اینست که در این راستا **ستیزه‌گر** نباشند و بجای بحث و جدل بهتر است که سخن پولس را قبول کرده، از ستیزه‌جویی پرهیز نمایند. تعلیم پولس در این آیات، سخن تازه و پیچیده‌ای نبوده و کلیساهای دیگر آن را براحتی پذیرفته‌اند.

شام خداوند (۱۷:۱۱-۳۴)

۱۷-۱۸ در آیه ۲، پولس از قرن‌تیاں تحسین بعمل آورد، اینک نوبت آن رسیده است که در مورد بعضی عادات اشتباه ایشان گفتگو کرده، آنها را تصحیح نماید.

در کلیسای قرن‌تس، جدایی و شقاقهای بسیاری وجود داشت. قسمتی از این جدایی و اختلاف، مربوط به این بود که هر کس می‌خواست که از این و یا آن رسول و رهبر مسیحی پیروی نماید (اول قرن‌تیاں ۱:۱۱-۱۲).

بنام «شام محبت» مشهور گردیده بود، پولس رسول می‌پرسد: کجاست آن محبتی که از آن سخن می‌رانید؟

۲۳ در این رابطه، پولس رسول تعلیمی دارد که از خداوند یافته است. واضحاً رسولان اولیه مسیح (حواریون) پولس رسول را درباره شام آخر و چگونگی آن مطلع ساخته بودند. ولی در عین حال درباره چگونگی برگزاری مراسم عشاء ربانی، بوسیله مکاشفه مستقیم از خداوند تعلیم یافته بود (غلاطیان ۱: ۱۱-۱۲).

اولین بار که عشاء ربانی برگزار شد در شبی بود که او (عیسی مسیح) را تسلیم کردند. با ملاحظه فداکاری عظیم عیسی مسیح برای ایشان، چگونه می‌توان اینقدر خودخواه و بی‌محبت بود؟

۲۴ خداوند ما عیسی مسیح نان را گرفت و شکر نموده پاره کرد و گفت بگیرید بخورید، این است بدن من (متی ۲۶: ۲۶؛ مرقس ۱۴: ۲۲؛ لوقا ۲۲: ۱۹؛ اول قرن‌تیاں ۱۰: ۱۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

خداوند عیسی جسم خود را برای ما قربانی کرد تا اینکه ما حیات جاودانی حاصل کنیم. ما مسیحیان هرگز نباید این حقیقت عظیم را نادیده بگیریم و یا فراموش کنیم. برعکس، یکی از دلایلی که ما مسیحیان مراسم شام خداوند را بطور مرتب جشن می‌گیریم اینست که دائماً عمل عظیم خداوندمان را یادآور شویم.

عیسی مسیح فرمود: این را (خوردن نان) را **بیادگاری من بجا آورید**. زیرا همچنانکه خوردن نان جهت ادامه حیات لازم است، به همین صورت نیز نان روحانی (یادآوری فدیة مسیح به جهت بخشایش گناهان ما) نیز به منظور ادامه حیات روحانی ما ضرورت دارد (یوحنا ۶: ۵۱، ۵۳-۵۴ را مشاهده کنید).

۲۵ عیسی همچنین فرمود: این پیاله **عهد جدید است در خون من**. در انجیل مرقس ۱۴: ۲۴ می‌خوانیم: این است خون من از

خون مسیح) شراکت نمی‌جستند، بلکه اعضای کلیسادر شام کلیسایی شراکت حاصل می‌کردند. ولی متأسفانه قرن‌تیاں مقصود و منظور اصلی گردهم‌آیی شام خداوند را فراموش کرده و بیشتر جهت میهمانی و صرف شام و خوردن و نوشیدن جمع می‌شدند. در نتیجه، عده‌ای در خوردن و نوشیدن افراط کرده و مست می‌شدند (آیه ۲۱). واضحاً در چنین شرایطی پرستش و عبادت که جزء اصلی مراسم شام خداوند است بدست فراموشی سپرده می‌شد.

۲۱ رسم دیگر کلیسای قرن‌تس این بود که هر کس شام خود را از منزل خود به‌مراه می‌آورد. نتیجه این می‌شد که مقدار غذا و شرابی که ثروتمندان می‌آوردند طبیعتاً بیش از آن بود که فقیرترها می‌آوردند. ولی متأسفانه، آنهایی که بیشتر داشتند، غذای خود را با برادران و خواهران فقیرتر خود سهیم نمی‌شدند و در نتیجه، اعضای فقیر کلیسا اغلب گرسنه می‌ماندند. دیگر اینکه بنا به مقتضیات کاری خود، معمولاً آن عده از اعضای کلیسا که کارگر و یا برده و مستخدم بودند، دیرتر از افراد ثروتمندتر به کلیسا می‌آمدند زیرا که آنها مجبور بودند که پس از اتمام کار خود به کلیسا بروند. ولی متأسفانه اعضای ثروتمند کلیسا منتظر آمدن ایشان نشده و شام خود را بدون آنها صرف می‌کردند.

۲۲ پولس رسول می‌گوید: اگر قرار است که اعضای غنی‌تر کلیسا این کار را ادامه دهند، بهتر است که ایشان اول شام خود را در منزل خویش بخورند و سپس جهت برگزاری مراسم عشاء ربانی به کلیسا بیایند. زیرا که رفتار حاضر، باعث بی‌حرمتی به مسیح و رنجش خداوند می‌گردید، پولس می‌گوید که با این کارتان، شما **کلیسای خدا را تحقیر می‌نمایید**. احترامتان به کلیسا (بدن عیسی مسیح) کجا رفته؟ چه به سر محبتتان نسبت به برادران فقیرتان آمده است؟ در میان اعضای کلیسای قرن‌تس، عشاء ربانی

عهد جدید که در راه بسیاری ریخته می‌شود. معنی هر دو این عبارات یکی است (متی ۲۸:۲۶؛ مرقس ۱۴:۲۳-۲۴؛ لوقا ۲۰:۲۲؛ اول قرن‌تیاں ۱۰:۱۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

منظور پولس رسول از **پیاله**، محتویات پیاله (شراب یا خون مسیح) می‌باشد. در شام آخر، عیسی پیاله شراب را برداشته، به شاگردانش داد. ولی در اینجا مقصود پولس این نیست که بایستی حتماً در عشاء ربانی از شراب استفاده کرد. بسیاری از مسیحیان، بجای شراب از آب انگور (بدون الکل) استفاده می‌کنند.

منظور از **عهد جدید**، پیمانی است که خدای پدر با مردان و زنانی که به پسر یگانه‌اش عیسی مسیح ایمان آورند می‌بندد که گناهان ما را بخشیده و بما حیات جاویدان عطا فرماید. در **عهد گذشته** (عهد عتیق)، خدا شریعت خود را به قوم بنی‌اسرائیل بخشید ولی در عهد جدید، ضامن نجات ما پسر یگانه او عیسی مسیح است. اینک بوسیله ایمان به عیسی مسیح و بوسیله افاضه روح القدس، شریعت خدا نه بر لوحه‌های سنگی، بلکه بر دل‌های مؤمنین نوشته شده است (ارمیای نبی ۳۱:۳۱-۳۴؛ دوم قرن‌تیاں ۳:۶؛ عبرانیان ۸:۸-۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

لذا، **خون عیسی مسیح**، نشانه و علامت این **عهد جدید** است. زیرا که بوسیله خون عیسی مسیح (فدیه و جانفشانی او بر روی صلیب) است که نجات و بخشایش از گناهان و حیات جاودانی ميسر خواهد گردید.

پس از آنکه عیسی نان را به شاگردان خود داد، **همچنین پیاله را نیز بعد از شام** (گرفته و به ایشان داده) **و گفت این پیاله عهد جدید است در خون من، هرگاه این را بنوشید، بیادگاری من بکنید.**^{۲۹}

۲۶ پولس ادامه می‌دهد: که هرگاه که بر سر سفره شام خداوند می‌نشینید یا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، **موت خداوند را**

ظاهر می‌نماید. یعنی اینکه هرباری که عشاء ربانی برگزار می‌شود، کلیسا به جهانیان اعلام می‌کند که عیسی مسیح در راه ما و بخاطر نجات ما انسانها جان سپرد. اهل جهان باید بدانند که مسیح ایشان را تا چه حد محبت کرده است، و این کلیساست که بایستی به این امر شهادت دهد.

کلیسا و ایماندارانش کار شهادت و اعلام و ظاهر ساختن **موت خداوند را تا هنگامیکه** (مسیح) **باز آید**، ادامه خواهد داد. یعنی اینکه مادامی که خداوند رجعت نفرموده است، بایستی در عشاء ربانی شرکت کرده، به موت و رستخیز مسیح شهادت داد. زمانی که مسیح بازگردد، دیگر لزومی به اجرای مراسم عشاء ربانی نخواهد بود، زیرا که ما در ملکوتش با او شام خواهیم خورد (متی ۲۹:۲۶؛ مرقس ۱۴:۲۵) را مشاهده کنید).

۲۷ حقیقت این بود که قرن‌تیاں به **طور ناشایسته نان را** می‌خوردند و بطور ناشایسته **پیاله خداوند را می‌نوشیدند** (آیات ۲۰-۲۲). خوردن شام خداوند بطور ناشایسته اینست که شخص بدون آنکه به گناهان خود اعتراف کرده باشد و یا آنکه بدون روحیه فروتنی و داشتن محبت به برادران خود به سفره خداوند نزدیک شود. اگر کسی چنین رویه و روحیه ناشایسته‌ای داشته باشد **مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود.** داشتن یک چنین رویه و روحیه ناشایسته‌ای، مانند این خواهد بود که ما عیسی مسیح را مجدداً مصلوب کرده، بار دیگر خون مقدس او را بی‌حرمت می‌سازیم.

۲۸ لذا پیش از آنکه بر سر سفره عشاء ربانی حضور پیدا کنیم، بایستی قلب و وجدان خود را کاملاً تفتیش کنیم و اگر گناه مخفی در

۲۹- جهت کسب اطلاع بیشتر در زمینه عشاء ربانی، در قسمت مقالات عمومی، مقاله «شام خداوند» (عشاء ربانی) را مشاهده کنید.

بودند (یعنی مُرده بودند) (اول قرن‌تیاں ۵:۵ مشاهده کنید). الحق که این تنبیه مهلکی بود! اینک باید پرسید آیا ما به بدن و خون مسیح احترام می‌گذاریم؟ ما سزاوار کدام نوع تنبیه هستیم؟

۳۱ اما اگر بر خود حکم می‌کردیم حکم بر ما نمی‌شد. در اینجا معنی حکم کردن بر خود یعنی تفتیش کردن قلب و وجدان خود به منظور حضور شایسته در سفرهٔ خداوند است. اگر پیش از آنکه بطرز ناشایسته در عشای ربانی حاضر شویم خود را تفتیش کنیم، تنبیه و تأدیب خدا نصیبمان نخواهد گردید. اگر با خضوع و خشوع و اعتراف به گناهان بر سر سفرهٔ خدا حاضر شویم، بدن و خون عیسی مسیح باعث شفا و غذای روحانی ما خواهد بود، بر عکس اگر بدون تفتیش خود و با روحیهٔ غرور و بدون محبت، نان و شراب را دریافت کنیم، خدا ما را بخاطر آن عمل مجرم شناخته، تأدیب خواهد کرد. در موقع تعمق و تفتیش، گوش دل‌مان را متوجه ندای وجدان و از آن مهمتر به الزام و صدای روح القدس باز خواهیم کرد و متوجه گناهان خود گردیده، به کمک و قدرت و فیض روح القدس، خواهیم توانست با فروتنی از آن گناهان توبه کرده، بسوی خدای مهربانی که پسر یگانه‌اش را برای ما بخشیده است بازگشت کنیم. اگر واقعاً از گناهان خود توبه کنیم، بر ما حکم نخواهد شد و از تنبیه خدا در امان خواهیم ماند زیرا بمجرد اعتراف به گناهان و توبه از آنها و تقاضای بخشش، خداوند ما را آمرزیده با خود آشتی خواهد داد (اول یوحنا ۱:۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). آنگاه پس از دریافت بخشش از خدا، با شکر و شادی از سفرهٔ شام خداوند بهره‌مند خواهیم شد.

۳۲ لکن هنگامی که بر ما حکم می‌شود از خداوند تأدیب می‌شویم. منظور پولس از حکم، داوری روز قضا بر بی‌ایمانان نبوده، بلکه مقصود وی در اینجا تأدیب است. خدا ما را از

قلب خود داشته باشیم آن را به خدا اعتراف کرده، طلب بخشش و مغفرت نماییم (اول یوحنا ۱:۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). فقط در سایهٔ بخشش خداوند است که شایستگی نشستن بر سر خوان مقدس شام خداوند و خوردن نان و نوشیدن از پیالهٔ خداوند را پیدا خواهیم نمود.

۲۹ زیرا خوردن و نوشیدن از خوان مقدس بدون تمیز کردن (دادن) بدن خداوند، مترادف است با بی‌حرمتی به عیسی مسیح و ناچیز شماری صلیب و مرگ و رنج او بر صلیب. رویهٔ ایمانداران کلیسای قرن‌تس، به گونه‌ای بود که برای ایشان، شام خداوند مبدل به مجلس میهمانی و شام معمولی گردیده بود. آنها شام را جشن می‌گرفتند ولی خدا را فراموش کرده بودند!

اگر کسی بدون تمیز کردن (دادن) بدن خداوند (بی‌آنکه به گناهان خود اعتراف کرده و طلب بخشش نموده باشد) بر سر خوان مقدس حاضر گردد، مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود. یعنی اینکه خدا وی را مجرم شناخته، بخاطر بی‌حرمتی به رنج و صلیب پسر یگانه‌اش عیسی مسیح او را مورد مجازات قرار خواهد داد (آیهٔ ۲۷). لازم به تذکر است که کلمهٔ مجرم در این آیه به معنی آن نیست که خدا مسیحیانی را که نسبت به بدن و خون مسیح مرتکب جرم شده‌اند در روز قیامت مورد داوری قرار خواهد داد. بلکه اگر ایمانداری نسبت به بدن و خون مسیح مرتکب جرم و بی‌احترامی گردد، همانطور که پدر مهربانی فرزندانش را تنبیه خواهد کرد، خدا نیز آن شخص را مورد تنبیه و تأدیب قرار خواهد داد (آیهٔ ۳۲).

۳۰ در زمانی که پولس رسول این رساله را نگارش می‌کرد، خدا عده‌ای از اعضای کلیسای قرنس را بخاطر بی‌حرمتی به بدن و خون مسیح مورد تأدیب و تنبیه قرار داده بود. خدا بسیاری را ضعیف و مریض ساخته بود و بسیاری خوابیده

این جهت تأدیب می‌کند **مبادا با اهل دنیا** (بی‌ایمانان) **بر ما حکم شود**. اگر ما ایمانداران مرتکب گناه شده، در گناه زیست کنیم، خدا ناگزیر به تأدیب ما خواهد شد (عبرانیان ۷:۵-۱۲، ۱۰-۱۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). بدون وجود تأدیب خدا، ممکن است از خدا دور شده، از مسیح جدا گردیم. این تأدیب خداوند است که ما ایمانداران را از لغزش و جدایی از مسیح و داوری نهایی، محافظت خواهد کرد.

۳۳-۳۴ پولس رسول پس از آنکه ایمانداران قرن‌تس را مورد توبیخ و ملامت قرار داد (آیات ۲۰-۲۲)، اکنون ایمانداران قرن‌تس را به برگذاری شام خداوند ترغیب می‌کند. نکته آخری که پولس به آن اشاره می‌کند این است که **اگر کسی گرسنه باشد در خانه بخورد**، شام خداوند غذای روحانی ماست، لذا کسی نباید عشای ربانی را به جهت پر ساختن شکم خود صرف کند.

باب ۱۲

عطایای روحانی (۱:۱۲-۱۱)

۱ برکات یا بخششهای روح‌القدس بر دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند. ابتدا، روح‌القدس ثمرات خود را **محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری** (غلاطیان ۵:۲۲-۲۳) را در ما رویانیده، به ثمر می‌رساند. این ثمر بایستی در زندگی روزمره ایمانداران حاضر و ظاهر باشد.

دسته دوم برکات روحانی که روح‌القدس بما ایمانداران می‌دهد، عبارت است از **عطایای روحانی**. در این قسمت، پولس رسول در مورد این **عطایای روحانی** سخن گفته، تعلیم می‌دهد. در زمانهای معین و بنا به نیاز کلیسا و صلاح‌دید خدا، عطایای گوناگون به اعضای مختلف و معین کلیسا بخشیده می‌شود تا اینکه کلیسا را از نظر روحانی قوت بخشیده، آن را در انجام

وظیفه‌اش یاری دهد.^{۳۰}

۲ مسیحیان قرن‌تس پیش از ایمان آوردنشان، یعنی زمانی که **امتها** بودند، تحت نفوذ تعالیم غلط و انبیای کذب بوده، (افسیان ۲:۱-۲؛ ۴:۱۷-۱۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید) به گفته پولس: **بسوی پنهان‌گنگ برده می‌شدند**. همانطور که پیشتر آموختیم، بت چیزی نیست، ولی زمانی که قرن‌تیاں بتها را پرستش می‌کردند، فی‌الواقع ارواح شیطانی و خبیث را مورد ستایش و عبادت قرار می‌دادند (اول قرن‌تیاں ۱۰:۱۹-۲۰).

۳ تعلیم کتاب‌مقدس اینست که فقط یک روح راستی وجود دارد و آن روح‌القدس است. و تنها پس از دریافت روح‌القدس است که شخص قادر خواهد بود که به عیسی مسیح بعنوان خداوند و پسر خدای تعالی ایمان بیاورد. اگر کسی بتواند از صمیم قلب اعتراف کند که **عیسی خداوند** است^{۳۱}، آنگاه معلوم و مشخص خواهد شد که روح‌القدس در آن شخص وجود دارد.

ما ایمانداران باید بتوانیم ارواح مختلف را از یکدیگر تمیز و تشخیص بدهیم. روح کذب و پلید می‌گوید: **عیسی را انا تیما** (لغت) **باد**؛ حال آنکه روح‌القدس همیشه عیسی مسیح را جلال داده، محترم می‌دارد (یوحنا ۱۶:۱۳-۱۴؛ اول یوحنا ۴:۱-۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۴ هر ایمان‌داری باید کلیه ثمرات روح‌القدس را داشته باشد و در زندگی خود آنها

^{۳۰} جهت اطلاع بیشتر در این مورد در قسمت

مقالات عمومی مقاله "روح‌القدس" را مشاهده کنید.

^{۳۱} عبارت **عیسی خداوند** است به این معنی

است که: "تنها و تنها عیسی مسیح خداوند و صاحب زندگی و مال و جان و آینده شخص می‌باشد" همانطور که فقط یک خدا وجود دارد، همچنین فقط یک خداوند نیز بیشتر وجود ندارد که آن خداوند عیسی مسیح می‌باشد.

مسیحی از یک یا چند عطای روحانی برخوردار است، و یا منظور از هرکس اینست که هر ایماندارانی که عطای روح‌القدس را داشته باشد، آن عطا را به منظور منفعت دریافت کرده است. **۸** اما این عطایای روح‌القدس کدامند؟ در آیات ۸-۱۰ پولس رسول به شرح‌نہ مورد از این عطایا می‌پردازد. در رومیان ۱۲:۳-۸؛ اول قرن‌تیاں ۱۲:۲۸؛ و افسسیان ۱۱:۴، پولس مثالهای مختلف دیگری از عطایای روح‌القدس را بازگو می‌کند.^{۳۲}

نخستین عطیه‌ای که پولس معرفی می‌کند **کلام حکمت** است. «کلام حکمت» با داشتن حکمت معمولی که از تجربه و تعلیم بدست آمده و حکمتی که اگر کسی از خدا تقاضا کند بوی داده می‌شود (یعقوب ۱:۵)، متفاوت است. «کلام حکمت»، عبارت است از حکمت خاصی که بواسطه روح‌القدس به جهت حل مسائل روحانی کلیسا بخشیده می‌شود.

عطای دوم **کلام علم** است که عبارت است از علم و آگاهی خاصی و مافوق‌الطبیعه‌ای در مورد مسئله و یا مشکل خاصی به جهت حل آن. مثلاً اگر کسی بیماری و یا گرفتاری روحانی داشته باشد، روح‌القدس ممکن است به یکی از برادران و یا خواهران «کلام علم» عطا کند تا کلیسا به عمق مسئله پی برده، برای حل آن اقدام کند. و یا اینکه ممکن است کسی در گناه مخفی زیست می‌کند و گناهان او باعث بیماری بدن کلیسا گردیده باشد. در این صورت، روح‌القدس ممکن است به یک یا چند نفر از اعضای کلیسا «کلام علم» هدیه کند تا اینکه بتوانند با مسئله

را به ظهور برساند، ولی روح‌القدس به بعضی ایمانداران عطایا و برکات خاصی می‌بخشد. عطایای روح‌القدس به افراد مختلف متفاوت می‌باشد، لذا روح‌القدس به یک نفر یک عطیه و به شخص دیگری عطای متفاوتی می‌بخشد. با وجود این، بایستی بیاد داشت که تمامی عطایا توسط یک روح اهدا می‌گردد.

۵ روح‌القدس به هر ایماندارانی عطایای خاص می‌بخشد و **خدمت‌های مخصوصی** (مسئولیتها و خدمات خاصی) محول می‌کند. ولی همگی این **خدمت‌ها** توسط یک روح و یک خداوند است.

۶ عملها انواع است، در اینجا منظور از **عملها**، اعمال و کارهای خداوند از قبیل خواندن انسانها بسوی خود، شفای بیماران، بنای روحانی کلیساها، و غیره است. خدا به طریقه‌های مختلف و عجیبی عمل می‌کند ولی باید دانست که همه این عملها از سوی یک خداوند است.

در آیات ۴-۶، پولس رسول از سه شخص تثلیث بعنوان منبع عطایا و بخششهای روحانی یاد می‌کند: **روح** (آیه ۴)، **خداوند** (آیه ۵)، و **خدا** (آیه ۶). هر سه شخص، در تثلیث یکی هستند و یک کار را انجام می‌دهند.

۷ هرکس را ظهور روح بجهة منفعت عطا می‌شود، یعنی روح‌القدس به هر ایماندارانی یک و یا چند عطیه روحانی هدیه می‌کند. چرا روح‌القدس این برکات را به ایمانداران می‌بخشد؟ دلیل این امر **منفعت** همه کلیسا است.

منظور پولس از گفتن اینکه **هرکس را ظهور روح بجهة منفعت عطا می‌شود**، چیست؟ آیا منظور اینست که همه مسیحیان یک یا چند عطای روحانی خواهند داشت؟ جواب برخی از مفسرین به این سؤال مثبت است در حالی که پاسخ عده دیگری از مفسرین به این سؤال منفی می‌باشد. با توجه به نظرات بالا، این آیه را به دو گونه می‌توان تفسیر کرد، اول اینکه هر ایماندار

۳۲- در آیات ۸-۱۰، مثالی از چند مورد از عطایای روحانی آورده شده است. ولی در اول قرن‌تیاں ۲:۲۸ و افسسیان ۱۱:۴؛ عطایای روحانی بطور اخص معرفی نشده‌اند، بلکه کارهای روح‌القدس در میان اعضای کلیسا و کسانی که به وسیله آن هدایای روحانی مجز گردیده‌اند معرفی شده‌اند.

مذکور روبرو شده، آن را حل کنند (اعمال ۱:۵-۱۱ را مشاهده کنید).

۹ عطاى سوم، هدیه ايمان، است. لازم به تذكر است كه عطاى ايمان، با هدیه ايمان آوردن به عيسى مسيح متفاوت مى باشد. خدا هدیه ايمان به عيسى مسيح را به همه برگزیدگان خود عطا مى فرماید تا بتوانند به خداوند عيسى مسيح ايمان آورده، نجات يابند. در اینجا منظور از عطاى ايمان، هدیه اى است كه خدا به بعضى از ايمانداران خود به منظور انجام اعمال و كارهايى كه نیازمند ايمان خاصى است عطا مى فرماید. بعنوان مثال، اگر ايماندارى محتاج به چيزى مثلاً پول، شفا، كار، مسكن، و يا غيره باشد؛ روح القدس ممكن است يك يا چند نفر از ايمانداران را با «عطاى ايمان» مجهز كند تا اينكه ايشان به كمك «عطاى ايمان» بتوانند براى آن برادر يا خواهر دعا كنند و يا ايشان را تقويت و تشويق نمايند. معمولاً اين عطاى ايمان، بيشتر نه به خاطر نفع شخصى، بلكه به جهت منفعت ديگر اعضاى كليسا بخشیده مى شود (مرقس ۱۱:۲۲-۲۳ و تفسير آن را مشاهده كنيد).

چهارمين مورد از عطايای روحانی **نعمتهای شفا دادن** مى باشد. اين عطاى روحانى جهت شفا دادن افرادى كه بيمارند و يا صدمه دیده اند داده مى شود. زمانى كه اين عطايى روحانى بكار برده شود، فرد بيمار بطور معجزه آسا و بدون نیاز به پزشك و دارو و غيره شفا مى يابد و روح القدس تنها عامل شفای آن فرد بيمار خواهد بود. در بعضى مواقع، جهت شفای فرد محتاج، ممكن است دو عطيه «ايمان» كه خدا آن بيمارى را شفا خواهد داد و عطيه «نعمتهای شفا دادن»؛ با هم دركار باشند.

۱۰ پنجمين عطيه، عطاى **قوت معجزات** است. اين عطا با نعمت شفا دادن امراض متفاوت مى باشد. در عهد جديد، «قوت معجزات» بيشتر در مواقع بسيار خاص و به جهت تنبيه و متالم ساختن و يا حتى صدمه

رساندن به فردى داده شده است. مثلاً، ممكن است «قوت معجزات» جهت كور ساختن، لال ساختن و يا حتى كشتن خائنين و مزاحمين بكار گرفته شود (اعمال ۵:۵؛ ۱۳:۶-۱۲). بايد توجه داشت كه حتى در اين موارد، «قوت معجزات» به جهت بناى كليسا و بخشيدن نعمات و بركات داده مى شود. مثلاً زمانى كه عيسى مسيح بر روى زمين و بصورت يكى از ما انسانها در ميان ما زندگى مى كرد، از قوت معجزات جهت تبديل آب به شراب و خوراك دادن به هزاران نفر استفاده نمود (مرقس ۶:۳۰-۴۴؛ يوحنا ۱:۲-۱۱).

مثال ديگر از عطايای روح القدس عطاى **نبوت** است. اين زمانى است كه شخصى كلام خاصى از سوى خدا دريافت مى كند و ياد باره وقايع آینده پيشگويى و پيش بينى مى نمايد. عطيه ديگر، عطاى **تميز ارواح** است. عطاى «تميز ارواح» جهت شناختن و تشخيص ارواح ناپاك و آزاد ساختن كسانى كه در بند و مورد آزار اين ارواح قرار دارند، مورد استفاده قرار مى گيرد. همچنين، اين عطيه ممكن است به منظور تشخيص و مقابله با كارهاى شيطان^{۳۳} مورد استفاده قرار گيرد (متى ۲۴:۲۴؛ دوم قرنيتيان ۱۱:۱۳-۱۵ و تفسير آن را مشاهده كنيد).

عطيه بعدى در ليست پولس، عبارت از **اقسام زبانها**، يعنى تكلم به زبانهاى ديگر است (اول قرنيتيان ۲:۱۴). اين عطيه داراى دو جنبه و دو شكل مى باشد. يكى قدرت تكلم به زبانهاى مردم كشورها و زبانهاى ديگر است (اعمال ۲:۴-۱۲ را مشاهده كنيد). جنبه ديگر اين قوت، تكلم به زبانهاى غريب و ناشناخته است، و

۳۳- اين عطيه در جهت شناختن و تشخيص بين انبيای راستين و انبيای كذبه مورد استفاده قرار مى گيرد. گو اينكه در بسيارى از موارد تميز بين انبيای كذبه و راستين، بدون كمك روح القدس، نيز ممكن و ميسر خواهد بود (اول يوحنا ۴:۱-۳ را مشاهده كنيد).

بوسیلهٔ دانش طبیعی قابل درک نمی‌باشند (اعمال ۱۹:۶؛ اول قرن‌تیاں ۲:۱۴، ۹، ۱۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). در هر صورت، کسانی که عطای زبانها را دریافت کرده‌اند، بوسیلهٔ قوت روح‌القدس قادر به تکلم به زبانهایی که نیاموخته‌اند خواهند بود.

این روح‌القدس است که از زبان و بوسیلهٔ دهان گوینده‌ای که عطای زبانها را دارد، تکلم می‌کند. ولی متکلم به زبانها، بر دهان و زبان خود کنترل داشته و قادر است که در مواقع مناسب و لازم، به زبانها تکلم کند. زمانی که فردی به زبانها تکلم می‌کند، افراد حاضر و شنوندگان، از حضور روح‌القدس بهره‌مند شده، از حقیقت حضور روح خدا در میانشان برکت خواهند گرفت. تکلم به زبانها، جیغ کشیدن و یا تکرار عبارات «من در آوردی» نیست، بلکه گویش به زبانهای غریبی است که روح‌القدس به گوینده عطا می‌فرماید.

ترجمهٔ زبانها، نهمین و آخرین عطیه‌ای است که پولس رسول در این قسمت بما معرفی می‌کند. زمانی که کسی در کلیسا و یا جماعت ایمانداران به زبانها تکلم کند، بایستی کسی آن کلمات غیرقابل تفهیم را برای استفاده و بنای ایمانداران ترجمه کند تا اینکه پیام روح‌القدس در اختیار شنوندگان قرار گیرد. اگر ترجمه در کار نباشد، کلیسا و ایمانداران قادر به دریافت و درک پیام روح‌القدس نخواهند بود (اول قرن‌تیاں ۵:۱۴-۶، ۱۳). در بعضی موارد، روح‌القدس به یک نفر هر دو عطیهٔ زبانها و ترجمهٔ آنها را می‌بخشد. تکلم به زبانها و ترجمهٔ توأمان آن کلمات هم‌ردیف کلام نبوت می‌باشد (اول قرن‌تیاں ۴:۱۴-۶، ۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۱ تمامی این عطایا توسط روح‌القدس اهدا گردیده است و آن عطایا بنا به صلاح‌دید روح‌القدس **بحسب ارادهٔ خود** (روح‌القدس) **تقسیم می‌کند**. بنابراین، نباید بخاطر داشتن این و

یا آن عطیه، بین ایمانداران فرق و تبعیض قائل شد. تمامی هدایا و برکات روح‌القدس، بخاطر بنا و تحکیم کلیسا و ایمانداران و شهادت به جهان و پیشبرد ملکوت خدا عطا شده و عطا می‌شود. اگر کسی از عطای روح‌القدس به جهت منافع شخصی، بلند کردن مقام خود، تحقیر دیگران و ایجاد تفرقه و شکاف در کلیسا استفاده کند، در آن صورت، همچو شخصی است که عطای روح‌القدس را مورد سوءاستفاده قرار داده است. او باعث رنجش خدا و تضعیف کلیسای وی خواهد شد. برعکس، عطایای روح‌القدس بایستی همیشه با محبت و روحیهٔ یگانگی و اتحاد با دیگر ایمانداران مورد استفاده قرار گیرد.

ولی یک خطر بزرگ در رابطه با عطایای روحانی وجود دارد و آن اینست که ابلیس و قوای شیطانی قدرت تقلید و کپی کردن عطایای روح‌القدس را دارا بوده، از این قدرت جهت فریب و گمراهی برخی ایمانداران ساده دل استفاده می‌کنند. در این راستا، ما ایمانداران بایستی مراقب و هوشیار بوده، از عطای تمیز ارواح امداد و استفاده بجویم. بعضی اوقات ممکن است عوامل شیطان از عطایایی، مانند نبوت، زبانها، و حتی شفا جهت گمراهی ایمانداران استفاده کنند. شیطان قدرت دارد که ایماندارانی را که فقط چشم به ظاهر دارند فریب دهد، چه آنکه قوای شیطان می‌توانند ظاهری کاملاً مشابه با عطایای روح‌القدس داشته باشند (مرقس ۱۳:۲۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ولی در نهایت، قوای شیطانی همیشه به انهدام و خرابی خواهد انجامید زیرا که تنها سرمنشأ برکات روحانی خدا است و بس.

معمولاً ایمانداران یک یا دو عطیهٔ خاصی از روح‌القدس دریافت می‌کنند، حال آنکه رسولان جهت اثبات رسالت خود به بیش از یک یا دو برکت و عطیه مجهز بودند (دوم قرن‌تیاں ۱۲:۱۲). به کمک این عطایای روح‌القدس بود که رسولان مسیح توانستند

تجربهٔ ثانوی «تعمید روح» یا «برکت ثانوی»، همان «پُری روح القدس» است که در کتاب اعمال رسولان از آن یاد شده است (اعمال ۲:۴؛ ۹:۱۷)، نام دیگری که این افراد به تجربهٔ مذکور می‌دهند «دریافت روح» می‌باشد (اعمال ۸:۱۵، ۱۹؛ ۱۰:۴۷).

«تعمید روح القدس» چه پس از ایمان آوردن و چه بمجرد ایمان آوردن به مسیح رخ دهد، مهم این است که روح القدس در زندگی ایمانداران حاضر باشد^{۳۵}. زیرا یک نکته محرز است و آن اینکه اگر روح القدس (روح مسیح) در زندگی ما نباشد، ما به مسیح تعلق نداریم (رومیان ۸:۹ را مشاهده کنید). فقط زمانی که روح القدس در ما زیست کند ما عضوی از بدن مسیح محسوب خواهیم شد. این روح القدس است که ما ایمانداران را به بدن مسیح متصل می‌سازد. روح القدس مانند خون در تمامی اعضای بدن گردش می‌کند. بدون وجود جریان خون، بدن خواهد مُرد. به همین شکل بدون وجود روح القدس، ما نیز جان و حیات روحانی خویش را از کف خواهیم داد (یوحنا ۶:۵۳ را

کلیسای مسیح را در ظرف مدت کمی در تمامی امپراطوری روم بنا کنند.

اعضای بسیار در یک بدن واحد (۱۲:۱۲-۳۱)

۱۲ زیرا چنانکه بدن یکیست و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یکتن می‌باشد، همچنین مسیح نیز می‌باشد. در بدن مسیح، همهٔ اعضای بدن یا همگی ایمانداران (آیهٔ ۲۷) از اهمیت و ارزش مخصوصی برخوردارند. بدن مسیح اعضای متعددی دارد، ولی تمامی این اعضا در یک بدن (عیسی مسیح) بایکدیگر یکتن هستند (رومیان ۱۲:۴-۵) و سر این بدن، کسی بجز عیسی مسیح نیست (افسیسیان ۱:۲۲-۲۳؛ ۵:۲۳).

۱۳ چگونه می‌توان عضوی از اعضای بدن مسیح گردید؟ پاسخ پولس به سؤال این است: **جميع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم**، یعنی اینکه ما بوسیلهٔ یک روح (روح القدس) در بدن مسیح تعمید گرفته و جزیی از بدن او گشته‌ایم (غلاطیان ۳:۲۶-۲۷ را مشاهده کنید). در اینجا منظور از کلمهٔ **تعمید** تنها تعمید آب نبوده، بلکه معنی اول و اصلی کلمهٔ «تعمید» در این آیه **تعمید به یک روح** می‌باشد. زمانی که به مسیح ایمان می‌آوریم، روح القدس وارد زندگی ما خواهد شد و می‌توان گفت که در آن موقع، عیسی مسیح ما را در روح القدس «تعمید» می‌دهد (متی ۳:۱۱ و مرقس ۱:۸ را مشاهده کنید).

بنابراین، برخی از مسیحیان بر این اعتقادند که بمجرد آنکه شخص به مسیح ایمان آورد، تعمید روح را دریافت خواهد کرد. حال آنکه گروه دیگری از ایمانداران می‌گویند که «تعمید روح القدس»، تجربه‌ای ثانوی بوده و ممکن است که مدتها پس از ایمان آوردن به مسیح رخ دهد (مقالهٔ «تعمید روح القدس» را مشاهده کنید). این دسته از ایمانداران، می‌گویند که

۳۴- کلمهٔ یونانی که در اینجا **به** ترجمه شده است، ممکن است به صورت **با** و یا **در** نیز ترجمه گردد. بسته به اینکه کدام یک از این معانی مورد استفاده قرار گیرد، معنی آیهٔ فوق دچار مختصر تغییراتی خواهد شد. جهت اطلاع بیشتر بخش مقالات عمومی، مقالهٔ «تعمید روح القدس» را مشاهده کنید.

۳۵- مادامی که شخصی کمک و راهنمایی و قوت روح القدس را در زندگی روحانی خود داشته باشد، دیگر اینکه روح القدس چه وقت و چگونه وارد زندگی ایماندار گشته چندان اهمیتی پیدا نخواهد کرد. در زندگی یک ایماندار، روح القدس خود را به طُرُق متفاوتی به ظهور می‌رساند. و به همین جهت است که در عهدجدید، عبارات و اصطلاحات متفاوتی جهت بیان تجربه‌های روحانی مختلفی که در اثر ملاقات با روح خدا روی می‌دهد، وجود دارد.

مشاهده کنید).

همچنین می‌توان روح‌القدس را آب زنده‌ای که عیسی مسیح ما را به نوشیدن از آن دعوت کرده است (یوحنا ۴:۱۰، ۱۳-۱۴ را مشاهده کنید)، تشبیه نمود. پولس رسول می‌گوید: **۵۵ه از یک روح نوشانیده شدیم** (یوحنا ۷:۳۷-۳۹ را مشاهده کنید). زمانی که از روح‌القدس بنوشیم، عطش روحانی ما سیراب شده، قوت خواهیم یافت که مسیح را خدمت کنیم و ثمرات روح‌القدس را بیار آوریم (غلاطیان ۵:۲۲-۲۳). پولس رسول در رابطه با ایمانداران می‌گوید: **جميع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه بیهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد،** بوسیله روح‌القدس همگی ما در مسیح یکتا هستیم (غلاطیان ۳:۲۸؛ کولسیان ۳:۱۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۴ رومیان ۴:۱۲-۵؛ اول قرن‌تیاں ۱۲:۱۲، ۱۷-۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

۱۵ هر ایماندار، عضوی خاص از بدن مسیح محسوب می‌شود. همانگونه که پا کار و وظیفه مشخص خود را دارد و دست وظیفه مشخص خود را داراست، همچنین نیز در بدن مسیح (کلیسا)، روح‌القدس به هر کس وظیفه مشخصی محول می‌کند. خداوند به هر یک از ما وظیفه و عطیه مشخصی سپرده و ما را به خدمت خاصی فراخوانده است. بنابراین نباید در پی انجام کار و وظیفه شخص دیگری باشیم. مثلاً فرض کنید روزی پا بگوید: «من از پا بودن و راه رفتن خسته شده‌ام و یا کار دست به مراتب مهمتر و آسانتر از وظیفه من است! از امروز می‌خواهم که دست باشم و کار دست را انجام دهم، و اگر موافق میل من انجام نشود، دیگر کار پا بودن خود را انجام نخواهم داد!» متأسفانه، برخی اوقات شکایات ما مسیحیان اینقدر مضحک و بچگانه است. آیا بعضی از مواقع شنیده نمی‌شود که «اگر به من وظیفه موعظه محول نشود و یا اگر بعنوان عضوی از شورای

کلیسا برگزیده نشوم، از این کلیسا می‌روم؟» و یا ممکن است که بگویید: «من یک عضو کوچک کلیسا هستم و عطای خاص و مهمی ندارم و برای همین است که در خدمات کلیسا فعالیت مستقیم نخواهم داشت!» بیایید این فکرها را از سر بیرون کنیم. بیایید با شکر و شادی هر وظیفه‌ای که روح‌القدس بما محول کرده است بدون شکوه و شکایت و به نحو احسن به جهت بنای کلیسا (بدن خداوندان عیسی مسیح) انجام دهیم.

۱۶ پولس رسول در اینجا مطالب آیه ۱۵ را تکرار می‌کند.

۱۷-۲۰ در این آیات، پولس مفاهیم آیه ۱۴ را تفسیر می‌کند.

۲۱ هر عضو بدن به دیگر اعضاء متکی و محتاج است. بعضی از ایمانداران فکر می‌کنند که قادرند بتنهایی کارهای همه اعضاء کلیسا را انجام دهند و یا اینکه احتیاجی به هیچ کس ندارند. چه اشتباه بزرگی! آیا چشم قادر است کار دست را انجام دهد و یا سر، کار پا را؟

۲۲ چشم یکی از ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین اعضاء بدن می‌باشد، ولی در عین حال از بسیاری اعضاء دیگر بدن **لازمتر** است.

۲۳ مقصود از **پست‌تر اجزای بدن و اجزای قبیح‌تر عورت** و اعضاء تناسلی می‌باشد. پولس رسول می‌گوید که با پوشانیدن آن اعضاء و ستر عورت، به یک معنا اعضاء قبیح‌ترمان را بطور خاصی **عزیزتر می‌داریم**.^{۳۶}

به همین ترتیب ما نایستی اعضاء فقیر، کم‌سواد، و یا محقر کلیسا را خوار و بی‌اهمیت بشماریم. برعکس بایستی احترام و عزت خاصی برای آن عزیزان قائل شویم. زیرا که

۳۶- برخی مفسرین معتقدند که مقصود از اجزای

پست‌تر، ارگان‌های داخلی از قبیل قلب و ریه و کبد و غیره می‌باشد.

می‌باشند (افسیان ۱۹:۲-۲۰ را مشاهده کنید). بعضی از مسیحیان معتقدند که از زمان کلیسای اولیه به بعد، دیگر «رسول» و یا «نبی» وجود نداشته است. این گروه از مفسرین می‌گویند که شالوده کلیسا بر پایه تعالیم رسولان و انبیا بنا نهاده شده است و در کلیسای معاصر دیگر نیازی به رسولان و انبیای تازه نداریم و جهت نیاز کلیسا، معلمین و شبانان و مبشرین، تکافو می‌کنند.

ولی عده دیگری از مفسرین با این نظرگاه مخالفت ورزیده، معتقدند که روح‌القدس دائماً مردان و زنان ایماندار را جهت خدمت نبوت و رسالت بر می‌گزیند؛ و تنها تفاوت ایشان با رسولان و انبیای عهدجدید اینست که انبیای معاصر قدرت و اختیار حذف و یا اضافه نمودن بر نوشته‌های رسولان اولیه (متن عهدجدید) را ندارند. وظیفه این رسولان و انبیاء بنا نهادن شالوه‌ای جدید نیست بلکه ایشان موظفند که بر پایه رسولان اولیه مسیح بنا نهاده، کار ایشان را دنبال کنند. کتاب مقدس تعلیم واضحی در این رابطه بمانده و هیچ کدام از این نظریات را بطور کامل تأیید و یا تکذیب نمی‌کند.

پولس پس از معرفی دو منصب بسیار مهم در کلیسا، به معرفی سومین منصب مهم یعنی **معلمان** می‌پردازد. پس از معرفی سومین منصب، پولس پنج گروه از افراد را که جهت حیات کلیسا بسیار لازم می‌باشند معرفی می‌کند. به احتمال زیاد ترتیب ذکر این افراد نشانگر درجه اهمیت آنها نیست بلکه هر کدام از این پنج عطا به یک اندازه اهمیت دارد.

روح‌القدس عطایای لازم جهت بقای کلیسا و تداوم کار آن را به ایمانداران کلیسا اهدا می‌کند. قابل توجه است که روح‌القدس به بعضی از اعضای کلیسا عطایای مافوق طبیعه از قبیل **قوات یا نعمتهای شفا دادن** (آیات ۱۰-۱۲) عطا می‌کند. حال آنکه به بعضی دیگر از اعضای کلیسا نعمتهای طبیعی نظیر **تدابیر** (قدرت

ایشان اعضای مخصوص و برگزیده بدن مسیح هستند و کلیسا به وجود آنها محتاج است (رومان ۱۶:۱۲ را مشاهده کنید).

۲۴-۲۵ همانند اعضای بدن، اعضای کلیسا نیز باید به برابری در فکر یکدیگر باشند (آیه ۲۵). خدا تمامی اعضای بدن مسیح را حرمت و عزت عطا فرموده است، به طریق اولی نیز ما بایستی همه اعضای کلیسا را محترم بشماریم. بیایید هیچ کدام از اعضای کلیسا را به چشم حقارت ننگریم.

۲۶ اگر پای ما آسیب ببیند، تمامی بدن ما ناراحت خواهد بود. اگر یکی از اعضای کلیسا دچار مشکل و مسئله شود، تمامی کلیسا ناراحت خواهد شد.

همچنین اگر دست و یا دهان کار نیکویی انجام دهد، تمامی وجود انسان عزیز شمرده خواهد شد. همین اصل در کلیسا نیز صادق است، اگر فردی از اعضای کلیسا عمل شریف، مهم و خداپسندانه‌ای انجام دهد، تمامی کلیسا در آن افتخار شریک خواهد بود. اگر کسی خوش باشد، تمامی اعضای کلیسا بایستی با او خوشی کنند و اگر کسی ماتم داشته باشد، تمام بدن (کلیسا) با او ماتم بگیرند (رومان ۱۵:۱۲).

۲۷ کلیسای محلی حکم بدن مسیح در آن منطقه را دارد؛ و هر یک از اعضای کلیسای محلی، اعضای بدن مسیح محسوب می‌شوند. بیایید خود را تفتیش کنیم، آیا رفتار ما شایسته یک عضو بدن عیسی مسیح است؟ آیا از سر (عیسی مسیح) اطاعت می‌کنیم؟ آیا کلیسای ما ملکوت مسیح را به پیش می‌برد و کار مسیح را انجام می‌دهد؟ آیا رفتار و کارهای کلیسای ما به گونه‌ای است که در اذهان ناظرین، عیسی مسیح را تداعی کند؟ اگر بی‌ایمانان کلیسای ما را ببینند، آیا صورت مسیح را خواهند دید؟

۲۸ در این آیه، پولس رسول به معرفی بعضی از اعضای بدن مسیح می‌پردازد. مهمترین اعضای بدن مسیح **انبیاء و رسولان**

اشتیاق به داشتن نعمات روحانی بسیار پسندیده است و باید ایمانداران در طلب دریافت نعمات روحانی دائماً دعا کرده، در آرزوی پُر شدن و قوت یافتن از روح‌القدس جهت خدمت و پیشبرد ملکوت خدا باشند.

نعمات بهتر کدامند؟ مفسرین کلام در این باره نظرات متفاوتی دارند. برخی معتقدند که منظور از **نعمات بهتر** عطای رسالت و یا نبوت است. گروه دیگری از مفسرین اظهار می‌دارند که **نعمات بهتر** در این قسمت ذکر نشده است و پولس به ثمرات روح‌القدس یعنی محبت، خوشی، سلامتی، حلم، مهربانی، نیکویی، ایمان، تواضع، و پرهیزکاری اشاره می‌کند. باز گروه دیگری از مفسرین بر این اعتقادند که هر دو نظر ممکن است صحت داشته باشد و از آنجا که پولس رسول در باره **نعمات بهتر** توضیحی نداده است، لذا نمی‌توان بطور قطع در باره این مطلب نظر داد.

عده دیگر از مفسرین در باره **نعمات بهتر** این چنین نظر می‌دهند که ایمانداران کلیسای قرن‌تس، بیش از هر عطیه دیگری در پی عطای تکلم به زبانها بودند. ولی از آنجا که در صورت فقدان ترجمه، کسی قادر به درک پیام زبانها نخواهد بود، این عطیه (با اینکه بسیار مهم و با ارزش است)، به خودی خود و به تنهایی قادر به بنای کلیسا نمی‌باشد. لذا پولس رسول ایشان را به طلب عطای ترجمه زبانها ترغیب می‌کند (اول قرن‌تیان ۱۲:۱۴-۱۳ را مشاهده کنید).

تا به اینجا پولس رسول در مورد یک عطای روحانی که از تمامی عطایای روحانی مهمتر می‌باشد، ذکری بمیان نیاورده است. بدون این عطای **افضلتر**، بدون قرار داشتن در این **طریق افضلتر**، محال است که بتوان بدن مسیح را بنا کرد. مهمترین عطای روحانی چیزی بجز محبت نیست.^{۳۷} محبت آن **طریق افضلتر** است که

۳۷- محبت با تمامی عطایای دیگری که در این

تصمیم‌گیری و رسیدگی به مسائل روزمره کلیسا) و یا **اعانات** (کمک به هم‌نوع و یا بخشندگی توأم با سخاوت) خواهد بخشید. اکثر اعضای کلیسا ممکن است دارای ترکیبی از عطایای مافوق‌الطبیعه و طبیعی باشند. ولی صرف‌نظر از اینکه چه نوع عطیه‌ای به افراد داده شده باشد، بایستی بیاد داشت که سرمنشأ تمامی آن عطایای روح‌القدس است. و صرف‌نظر از اینکه چه نوع وظیفه‌ای بما محول شود، بدون اعانت روح‌القدس از عهده انجام آن بر نخواهیم آمد (آیه ۱۱).

در ابتدای این آیه پولس خاطر نشان می‌سازد که افراد و عطایای مختلف در کلیسا را **خدا قرار داده** است. خداست که عطایای مختلف را به اعضای کلیسا بخشیده و وظایف مشخصی را به آنها محول می‌کند، اگر خدا کاری بما محول کند، خودش قدرت انجام آن را نیز بما خواهد داد. خدا هرگز به دست نمی‌گوید: «بین!» و یا به چشم نخواهد گفت: «بنویس!».

تمامی عطایا و وظایف محوله به اعضای کلیسا به جهت بنای جسد مسیح داده شده است (اول قرن‌تیان ۱۲:۷؛ افسسیان ۴:۱۲). عطایای روحانی فقط به منظور نفع شخصی و یا تشویق عده و یا گروهی در درون کلیسا داده نمی‌شود. جهت اطلاع بیشتر در مورد عطایای روحانی و انواع خدمات، دو مقاله **روح‌القدس** و **تعمیر روح‌القدس** و نیز رومیان ۱۲:۶-۸؛ اول قرن‌تیان ۱۲:۱۰-۱۲؛ افسسیان ۴:۲۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

۲۹-۳۰ اگر همه اعضای کلیسا فقط کار شبانی و یا تعلیم یا رسالت را انجام دهند، کلیسا فلج خواهد شد و کار ملکوت خدا به پیش نخواهد رفت. اگر همه تعلیم دهند، چه کسی بیماران را شفا خواهد داد؟ اگر تمامی بدن چشم باشد و پایی وجود نداشته باشد، آن بدن هرگز از جای خود تکان نخواهد خورد!

۳۱ لکن نعمتهای بهتر را بغیرت بطلبید.

پولس در باب سیزدهم به شرحش خواهد پرداخت.

باب ۱۳

طریق افضلتر (۱:۱۳-۱۳)

۱ مقصود پولس از **زبانهای مردم** عبارتست از قدرت بیان و کلام شیوا و قاطع و قانع کننده و داشتن فصاحت و بلاغت. در حالی که منظور پولس رسول از **زبانهای فرشتگان**، عطای تکلم به زبانهای ناشناخته می باشد (اول قرنیتیان ۱۲:۱۰؛ ۱۴:۱۸).

بدون وجود محبت، چه عطیه زبانها و چه قدرت بیان و فصاحت و بلاغت، چیزی بیش از سر و صدای مزاحم و پوچ نخواهد بود.

۲ در این آیه، پولس به سه عطیه مهم روح القدس یعنی عطایای **نبوت، کلام علم و ایمان** اشاره می کند (اول قرنیتیان ۸:۱۲-۱۰). پولس می گوید: اگر این عطایای مهم را تا به حد کامل آنها دریافت کرده باشم، یعنی میزان عطای علم من بحدی باشد که **جميع اسرار را بدانم**، و عطای ایمانم آنقدر عظیم باشد **بحدی که کوهها را نقل کنم** (مرقس ۱۱:۲۲-۲۳)، ولی اگر محبت نداشته باشم، هیچ هستم!

۳ بدون وجود محبت، از انجام اعمال صالحه و عام المنفعه خود هیچ سود روحانی نخواهیم برد. می دانیم که پیروان ادیان دیگر سعی می کنند که با انجام اعمال دینی و کارهای خیریه، خود را مقبول خدا سازند. آنها به فقرا کمک کرده از مال و دارایی خود انفاق و بخشش می کنند. چه بسا که حاضر باشند که بخاطر دین خود تحت جفا و شکنجه قرار گرفته و حتی مرگ را بپذیرا شوند. ولی چرا؟ برای چه؟ تمامی این اعمال حسنه برای این است که در نهایت، ایشان در نظر خدا مقبول افتاده، از عذاب دوزخ در امان بمانند.

پولس رسول می گوید: اگر انگیزه ما از انجام اعمال خیریه نفع شخصی باشد و نه محبت

واقعی، هیچ سودی عایدمان نخواهد شد. درست است که کارهای نیک و عام المنفعه ما ممکن است باعث کمک به فقرا و مردم گردد، ولی اگر انگیزه انجام آن کارها محبت نباشد، کنندگان آن اعمال، از کرده خود هیچ سودی نخواهند برد. حتی مسیحیانی که بخاطر انجیل در کام آتش افتاده، شهید شوند، اگر نیت قلبی شان از محبت خالی باشد، بازنده ای بیش نخواهند بود.

۴ در آیات ۴-۷، منظور پولس رسول از **محبت**، فردی است که قلبش از محبت خدا مملو باشد.

لذا، آیه ۴ را می توان به صورت زیر خواند: شخصی که پُر از محبت است، **حلیم و مهربانست**. در این آیه کلمه **مهربان** صرفاً به معنی این نیست که فرد در قلب خود مهربانی داشته باشد، بلکه مهربانی و خوبی او بایستی جنبه عملی بخود گرفته و در رفتار و برخوردهای روزانه او با دیگران آشکار گردد.

ذکر این نکته شایان توجه است که شخصی که مملو از محبت است، در واقع سه میوه روح القدس را (محبت و حلم و مهربانی) را در خود دارد (غلاطیان ۵:۲۲ را مشاهده کنید).

همچو ایماندارى نسبت به دیگران **حسد نمی برد**. برعکس، زمانی که می بیند که اطرافیان او در کار و زندگی موفق شده و یا خوشحالند، با خوشی آنها شادی خواهد کرد (لوقا ۱۵:۲۵-۳۲)

باب ذکر شده است فرق می کند. محبت مهمترین ثمره روح القدس است (غلاطیان ۵:۲۲). مهم نیست که روح القدس چه عطایی بما داده باشد، و یا چه وظیفه ای بما محول نموده باشد، آنچه که مهم است، اینست که از عطای خود با محبت استفاده کرده، وظیفه محوله خود را با محبت انجام دهیم. بدون محبت، تمامی عطایای دیگر بی ارزش بوده و حتی جهت بدن مسیح و دیگر اعضای کلیسا مضر خواهند بود. در زندگی مسیحی ما، مهمترین چیز اینست که در پی محبت باشیم.

و تفسیر آن را مشاهده کنید).

شخصی که وجودش پُراز محبت باشد **کبر و غرور ندارد**. در عوض همچو فردی فروتن و متواضع^{۳۸} است. فرد مغرور فقط خود را دوست داشته و دیگران را از خود کمتر و کوچکتر می‌بیند.

۵ شخصی که وجودش از محبت لبریز باشد **اطوار ناپسندیده ندارد**. بلکه رفتار چنین فردی همیشه توأم با ادب و ملاحظه است.

کسی که با محبت باشد، **نفع خود را طالب نمی‌باشد** و در پی آنست که دیگران را منفعت رساند. وی مملو از **نیکویی** که یکی دیگر از ثمرات روح‌القدس است (اول قرنیتیان ۱۰:۲۴، ۳:۳۳؛ غلاطیان ۵:۲۲) می‌باشد.

شخص پُراز محبت **خشم نمی‌گیرد**. اگر کسی به او توهین کرده و یا به وی آزار رساند، او آن را با سکوت و محبت تحمل خواهد کرد. کسی که محبت داشته باشد **سوءظن ندارد**، وی کینه بدل نگرفته و حساب بدی‌های دیگران را نگاه نمی‌دارد. اغلب ما بدیهای اطرافیان خود را مدتها در خاطر خود نگاه داشته و مغز و دل خود را با چرک کینه و سوءظن نسبت به دیگران آلوده نگاه می‌داریم. بجای آنکه بدیهای دیگران را بدست فراموشی سپرده و نسبت به برادران و خواهران خود خوشبین باشیم، همیشه ایشان را مورد داوری و حکم قرار می‌دهیم. کسی که محبت داشته باشد، حساب بدی را نگاه نداشته و در پی انتقامجویی نیست.

۶ اگر وجود کسی از محبت لبریز باشد، **از ناراستی خوشوقت نمی‌گردد**، چنین شخصی حتی نمی‌خواهد در باره بدی و ناراستی حرف زند یا چیزی بشنود! حال آنکه بسیاری از ما دوست داریم که در باره نقاط ضعف دیگران صحبت کنیم و از بدیهای آنها مطلع شویم! چرا؟ چون زمانی که دیگران خوار و کوچک شوند، خود احساس بزرگی و اهمیت خواهیم کرد. ولی رویه محبت اینچنین نیست.

برعکس کسی که محبت داشته باشد **با راستی شادی می‌کند**. محبت و راستی همیشه همراه یکدیگر هستند، محبت دروغ نمی‌گوید و از دروغ خوش نمی‌گردد (افسیسیان ۴:۱۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۷ انسانی که مملو از محبت است **هر چیز را متحمل^{۳۹} می‌باشد**، وی سختی‌های دیگران، بدیهای افراد، مشکلات اطرافیان خود را تحمل کرده، دستی به زیر بار مردم می‌گذارد. شخص خودخواه و بی‌محبت حاضر نیست که درباره مسائل و مشکلات دیگران بداند و به کسی کمک کرده، متحمل بار دیگران گردد. در بعضی از ترجمه‌ها بجای **متحمل**، کلمه «محافظت» بکار رفته. شخص با محبت همیشه در پی حفظ منافع دیگران است و نمی‌خواهد به کسی صدمه زند و یا شاهد ضرر دیگران باشد. او عیوب برادر و یا خواهر خود را آشکار نمی‌سازد، برعکس در پی پنهان ساختن نقایص برادر خود است (اول پطرس ۴:۸).

زمانی که کسی را دوست داشته باشیم، تحمل اشتباهات و خطایای وی برایمان بسیار آسان خواهد بود. ولی اگر تحمل شخصی برایمان مشکل است، مطمئناً او را آنطور که باید و شاید دوست نداریم.

محبت **همه را باور می‌نماید**. زمانی که کسی را دوست داشته باشیم، باور کردن او سهل و راحت است و نسبت به گفته‌ها و حرکاتش شک نخواهیم داشت. بلی، ممکن است حتی آن کس از محبت و یا اعتماد ما سوءاستفاده کند و یا به ما خیانت ورزد، ولی وظیفه ما محبت کردن بی‌چون و چراست. ما بایستی به دیگران محبت

۳۸- تواضع و یا فروتنی ثمره دیگر روح‌القدس

است (غلاطیان ۵:۲۳ را مشاهده کنید).

۳۹- بجای عبارت **هر چیز را متحمل می‌باشد**،

در برخی از ترجمه‌ها «همه کس را محافظت می‌کند» آمده است، که معنی تقریباً مشابه‌ای دارد.

داشته باشیم و از سوءظن برکنار بمانیم.^{۴۰}
محبت در همه حال امیدوار می‌باشد. وقتی کسی را دوست داریم، به او و آینده او و موفقیت و خوشبختی او امیدوار خواهیم بود. محبت ما باعث می‌شود که به سلامت و خوشی و موفقیت وی امید داشته باشیم. امید داریم که قلب و روان و صحبت‌هایش خالی از ریا و تقلب باشد. و اگر حتی آن شخص دل ما را شکسته و یا بما خیانت ورزد، باز هم امیدمان را از وی قطع نمی‌کنیم.

محبت در همه چیز صبر می‌کند. محبت مغلوب بدی نمی‌شود (رومیان ۱۲:۲۱). محبت در سخت‌ترین شرایط، صبر و استقامت از خود نشان داده، مغلوب شرایط بد و ناگوار نخواهد شد، زیرا که قدرتی بالاتر از محبت وجود ندارد. در آیات ۴-۷، پولس رسول طرز رفتار و رویه زندگی انسان سرشار از محبت را شرح داد. این بایستی راه و رسم زندگی ما باشد! بایستی هدف ما در زندگی ایمانی ما این باشد که رسم محبت را پیشه کنیم. در این آیات پولس رسول در باره انسانی تخیلی و ایده‌آل سخن نگفته، بلکه رویه زندگی عیسی مسیح را برایمان تصویر کرده است. بنابراین، سرمشق ما در زندگی بایستی عیسی مسیح باشد (رومیان ۲۹:۸).

محبتی که پولس از آن صحبت می‌کند از درون انسان سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه منشأ آن روح‌القدس و خدای محبت است (اول یوحنا ۴:۷). وجود محبت ناشی از عمل روح‌القدس در زندگی ماست (رومیان ۵:۵). بیایید با خلوص نیت دعا کرده، از خدا بخواهیم که محبتش را در وجود ما ریخته و ما و کلیسا را از محبت خود لبریز کند تا بتوانیم بنوبه خود دیگران را مانند عیسی مسیح دوست بداریم. در اینجا لازم است که توجه خوانندگان عزیز را به یک نکته مهم جلب نمایم. در این باب، پولس رسول در باره محبتی که هدیه

روح‌القدس است گفتگو کرده است. باید توجه داشت که بین محبتی که از سوی خدا صادر می‌گردد و محبت طبیعی انسانی فرق فاحشی وجود دارد. تا جایی که به روابط عادی و روزمره مربوط می‌شود، محبت انسانی و طبیعی بسیار خوب و عالی است، ولی این محبت همیشه خالص و خالی از خودخواهی نمی‌باشد. خدا از وجود محبت طبیعی و انسانی بین زن و شوهر، بین والدین و فرزندان، بین دو دوست و غیره، خشنود می‌گردد، ولی همانطور که گفته شد این محبت تقریباً همیشه آمیخته‌ای از غرایض و انگیزه‌های نفسانی و خودخواهانه است. زیرا زمانی که ما همسر و فرزندان، و یا دوست خود را مورد محبت قرار می‌دهیم، در واقع، خود را محبت می‌کنیم^{۴۱} (افسسیان ۲۸:۵-۲۹ را مشاهده کنید). ولی محبتی که از جانب خدا صادر می‌گردد خالی از هرگونه منفعت طلبی و خشنود ساختن خود بوده، کاملاً بی‌غرض و بدون هیچگونه چشمداشتی است.

پس می‌بینیم که بین محبت خدا و محبت ما انسانها فرقی اساسی و عمیق وجود دارد. ما

^{۴۰}- جهان غرق در گناه و یا حتی بعضی از برادران و خواهران مسیحی ما ممکن است که ما مسیحیان را افرادی ساده و زودباور و خوش خیال قلمداد کنند. ولی بیاد داشته باشیم که رفتار و زندگی ما نباید برطبق موازین این جهان بوده و برعکس کسی را که این جهان «ساده و خوش باور» می‌نامد، مملو از محبت مسیح است. بلی درست است که ما باید با حکمت و هوشیاری زندگی و رفتار کنیم، ولی در عین حال باید که مانند کبوتران ساده‌دل باشیم.

^{۴۱}- این نکته در مورد کارهای خیریه و عام‌المنفعه نظیر کمک به فقرا و افراد ضعیف، نیز صدق می‌کند. بخاطر ذات خودخواه ما انسانها، اینگونه اعمال حسنه، تقریباً همیشه همراه با انگیزه‌هایی از قبیل طلب مغفرت، احساس رضایت باطنی، و یا خشنودی خاطر خود همراه است.

انسانها دیگران را نسبت به ارزش و موقعیت آنها محبت می‌کنیم، افراد را به دو گروه دوست داشتنی و غیرقابل تحمل دسته‌بندی کرده و محبت خود را از بعضی‌ها دریغ می‌داریم. پس افراد خانواده و دوستان نزدیکمان را براحتی دوست داشته و محبت بیگانگان، افراد بی‌ارزش، مجرمین، گناهکاران و دشمنانمان را عملی غیرمعقول و محال می‌دانیم. ولی محبت خدا اینچنین نیست، خدا حتی دشمنان خود، بی‌ارزشترین و کثیفترین گناهکاران را بحدی محبت نمود که پسر عزیز خود را در راه همه ما داد (رومیان ۵: ۷-۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید). فقط با کمک و کار روح‌القدس در قلوب ماست که قادر خواهیم بود که مانند عیسی مسیح محبت کنیم. وظیفه مسیحی ماست که همانگونه‌ای که عیسی مسیح جهانیان را محبت کرد، همسایگان خود و حتی دشمنان خویش را مورد محبت قرار دهیم (متی ۵: ۴۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۸ نبوتها، علم، و زبانها (اول قرنیتیان ۸: ۱۰-۱۲) و نهایتاً تمامی عطایای روح‌القدس انتها خواهد پذیرفت. در بهشت و در ملکوت آسمان دیگر نیازی به این عطایا نخواهیم داشت. در بهشت هر آنچه که لازم باشد خواهیم دانست، در ملکوت آسمان به زبان ملکوت صحبت خواهیم کرد، در آنجا دیگر نیازی به نبوت نخواهد بود. ولی **محبت هرگز ساقط نخواهد شد**. چرا محبت تا به ابد باقی خواهد ماند؟ زیرا خدا محبت است (اول یوحنا ۴: ۸، ۱۶).

۹-۱۰ حتی اگر تمامی عطایای روح‌القدس را بطور کامل دریافت کنیم، باز هم نبوت و علم ما جزئی است. **لکن هنگامی که کامل آید؛ یعنی زمانی که مسیح بازگشت کند و حکومت ابدی خدا در جهان برقرار شود، جزئی نیست خواهد گردید.** زیرا چون مسیح را روبرو ببینیم تمامی کارها، توانایی‌ها، و قابلیت‌های ما مانند مسیح کامل خواهد شد (اول یوحنا ۳: ۲ را مشاهده

کنید).

۱۱ جهان کنونی بمثابه دوران کودکی است و در بهشت یا ملکوت آسمان است که به بلوغ روحانی خواهیم رسید. البته در این زندگی زمینی، لازم است که در پی رشد و بلوغ روحانی کوشا بود، و **کارهای طفلانه را ترک کرد**، ولی بلوغ کامل را فقط در جهان آینده تجربه خواهیم نمود.

رفتار و طرز فکر ایمانداران کلیسای قرنیتس، از بسیاری جهات کودکانه بود (اول قرنیتیان ۱: ۳-۳؛ ۱۰: ۲۰-۲۱؛ ۱۴: ۲۰). روح‌القدس عطایای روحانی بسیاری به آنها عطا کرده بود، ولی متأسفانه هنوز رویه ایشان مانند اطفال بود. با مشاهده مسیحیان قرنیتس، درس مهمی می‌توان فراگرفت و آن اینست که عطایای روحانی بخودی خود کسی را روحانی و بالغ نخواهد ساخت. نشانه حیات روحانی و بلوغ روحانی ببار آوردن ثمرات روح‌القدس (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳) است نه داشتن عطایا و نعمات روح‌القدس. فقط زمانی که ثمرات روح‌القدس در زندگی یک مسیحی نمایان باشد می‌توان از بلوغ روحانی آن شخص مطمئن بود. داشتن ثمرات روح‌القدس کاملاً الزامی و ضروری است. لازم است که همه ایمانداران ثمرات روح‌القدس را در زندگی خود بنمایش گذارند. عطایا و ثمرات روح‌القدس هر دو نشانه فعالیت و کار روح‌القدس در زندگی ماست، ولی در طریق پیروی از نمونه مسیح، ما ایمانداران به ثمرات روح نیاز بیشتری داریم.

۱۲ زمانی که در آینه‌ای تار و کدر به انعکاس تصویر خود نگاه کنیم، مشخصاً تصویر خود را **در آینه بطور معما (کدر) می‌بینیم**. به همین ترتیب دانش و فهم ما در این دنیا مانند تصویر آینه تار، محدود و کدر است، بعبارت دیگر، دید فعلی ما دید روشنی نیست. در جهان و در زندگی فعلی، ما **به ایمان رفتار می‌کنیم نه به دیدار** (دوم قرنیتیان ۵: ۷). ولی زمانی که به بهشت

فرمانفرمایی خواهد کرد و دیگر نیازی به ایمان و امید نخواهد بود.

باب ۱۴

عطای نبوت و زبانها (۱:۱۴-۲۵)

۱ محبت طریق افضلتر است (اول قرن‌تیاں ۳۱:۱۲) و از این خاطر است که پولس می‌گوید: **در پی محبت بکوشید.** محبت بزرگترین حکم خداست (مرقس ۱۲: ۳۰-۳۱). ولی در عین حال پولس می‌گوید لازم است که **عطایای روحانی را به غیرت بطلبید** (اول قرن‌تیاں ۱۲: ۸-۱۰، ۳۱ را مشاهده کنید).

از میان عطایای روحانی، پولس عطای **نبوت** را در بالاترین رتبه قرار می‌دهد. بخاطر داشته باشید که ایمانداران قرن‌تس، عطای زبانها را از همه مهمتر می‌دانستند.

نبوت در فرهنگ کتاب مقدس، بیش از صرفاً پیشگویی و پیشبینی حوادث آینده است. نبوت، بیان کلام خدا و بزبان آوردن مکاشفه و تعلیم خاصی خدا در رابطه با مسائل و موقعیتهای مختلف می‌باشد.

۲ زمانی که فردی به زبانها تکلم می‌کند، بوسیله روح القدس به زبان بیگانه‌ای تکلم می‌نماید. لذا، در صورت نبودن **ترجمه**، هیچ کس بجز خدا قادر به درک آنچه که گفته می‌شود نخواهد بود. آن شخص **در روح به اسرار تکلم می‌نماید**^{۴۲} (اول قرن‌تیاں ۱۰: ۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۳ عطای نبوت، همانند عطای زبانها، بوسیله روح القدس داده می‌شود. ولی چونکه کلمات نبوت به زبان و گویش عادی جماعت است شنوندگان نبوت، قادر به درک آن خواهند بود و لذا نبوت، شنوندگان خود را منفعت

برسیم، حقیقت خود و خدا را بروشنی خواهیم دید، در آن هنگام **او را چنانکه هست خواهیم دید** (اول یوحنا ۳: ۲). **لکن آنوقت (خدا را) خواهیم شناخت، چنانکه (اکنون بوسیله خدا) نیز شناخته شده‌ام.**

۱۳ این جهان درگذر است و همه چیز را در این عالم انتهایی خواهد بود مگر سه چیز **ایمان، امید، و محبت** (اول تسالونیکیان ۳: ۱ را مشاهده کنید)؛ **اما بزرگتر از اینها محبت است.** سرمنشأ همه چیز محبت خداوند است، محبت خدا از ازل بوده و تا ابد نیز خواهد بود. پیش از آنکه ما خدا را محبت کنیم او ما را مشمول محبت خود قرار داد (یوحنا ۳: ۱۶؛ رومیان ۵: ۸؛ اول یوحنا ۴: ۱۹، ۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

از مهر و محبت خداست که محبت ما وجود پیدا می‌کند. هر هدیه روحانی و هر محبت روحانی که در زندگی ما دیده شود، از ذات خدا نشئت گرفته است. **زیرا که محبت خدا در دل‌های ما به روح القدس که به ما عطا شد ریخته شده است** (رومیان ۵: ۵). بنابراین، خدایی که اینگونه ما را محبت کرده است از ما نیز توقع دارد که یکدیگر را محبت کنیم (اول یوحنا ۴: ۷، ۱۱).

بوسیله محبت خداست که در دل‌های ما **ایمان** پدیدار می‌شود (اول یوحنا ۴: ۱۶ را مشاهده کنید). بخاطر محبت خداست که ما برگزیده شده، نجات یافتیم. خدا را بخاطر محبت بی‌کرانش شکر باد!

امید ما نیز بخاطر محبت خدا نسبت به ماست (اول یوحنا ۴: ۱۷ را مشاهده کنید). امید ما مسیحیان چیست؟ امید ما اینست که در نهایت نجات یافته، حیات جاودانی داشته باشیم و برای همیشه در بهشت با محبوب جانهای خود عیسی مسیح زندگی کنیم. امید ما اینست که پدر عزیز آسمانی خود را رودرو ملاقات کرده، در منزل وی اقامت گزینیم.

در ملکوت آسمان (بهشت)، **محبت**

۴۲- بجای عبارت «در روح»، در برخی ترجمه‌ها،

از عبارت «به روح» استفاده شده است که اساساً به یک معنی می‌باشد.

دارد و بوسیلهٔ **آواز** آنها است که متوجهٔ تفاوت آلات مختلف موسیقی خواهیم شد (آیهٔ ۷). بعضی سازها **آواز** غمناک دارند حال آنکه برخی دیگر **صدای** شاد و نغمهٔ سروربخش از خود تولید می‌کنند. با شنیدن **آواز** یک ساز خود را **مهیای جنگ** می‌کنیم و با شنیدن دیگری می‌دانیم که زمان جشن و شادمانی است. هر سازی را صدایی خاص است و فرق آنها را از **صدای** آنها تشخیص می‌دهیم.

ولی پولس می‌گوید که تکلم به زبانها، مانند این است که سازی با صدایی یکنواخت، و قابل مفهوم نواخته گردد. کسی نخواهد توانست **آواز** آن را تشخیص داده، پیام مورد نظر را درک کند. **کرنا** (شیپور) را از صدایش خواهیم شناخت. در زمانهای قدیم، کرنا علامت شروع جنگ و یا علامت عقب‌نشینی و آتش‌بس بود (آیهٔ ۸). بسته به صدایی که از کرنا می‌شنیدیم، می‌گردید، سربازان پیام فرمانده را دریافت کرده، مطابق آن دستور عمل می‌کردند. سربازان با صدای شیپور بیدار شده، در صف جمع می‌شدند، با صدای شیپور می‌خوابیدند و **مهیای جنگ** می‌شدند. ولی شیپور زن بایستی که با **کرنا** خود **آواز** مناسب را بنوازد، زیرا که در غیر این صورت سربازان متوجه پیام فرمانده نخواهند شد.

پس پولس چنین نتیجه‌گیری می‌کند که اگر **کرنا** و دیگر **آلات بی‌جان** قادر به تولید صداهای مفهوم هستند، پس به طریق اولی ما انسانها نیز می‌توانیم بزبان خود **سخن مفهوم** بگوییم!

۱۰-۱۲ اگر کسی به زبانی بیگانه با ما سخن گوید، گفتارش برای ما بی‌معنا خواهد بود. به همین گونه، اگر کسی با ما به زبان روحانی و بدون ترجمه سخن گوید، ما گفتهٔ او را درک نخواهیم کرد و فایده‌ای برای ما نخواهد داشت. بیاد داشته باشیم که تمامی عطایای روحانی به جهت بنا و منفعت دیگران و کلیسا داده می‌شود. **هر کس را ظهور روح به جهت**

خواهد رسانید. لذا زمانی که در کلیسا شخصی نبوت کند؛ **مردم را برای بنا و نصیحت و تسلی می‌گوید.**

اگر شخصی به زبانهای بیگانه تکلم کند، روح‌القدس عطای ترجمه را خواهد داد. زبانها بعلاوهٔ ترجمه، مانند نبوت بوده، باعث بنای کلیسا و شنوندگان خواهد گردید (اول قرن‌تیاں ۱۰:۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۴ زمانی که فردی به زبانها تکلم می‌کند، خودش بیشتر از همه تشویق و بنا می‌گردد. چنین برادر و یا خواهری، مملو از شوق و خوشی حضور روح‌القدس شده، هر چند که ممکن است که خود نداند که چه بزبان می‌آورد ولی احساس پُری روح‌القدس جهت بنای روحانی وی کفایت دارد. ولی زبانهای بیگانه جهت شنوندگان نامفهوم بوده، ایشان را به اندازهٔ گویندهٔ زبانها بنا نخواهد کرد. ولی اگر زبانها ترجمه شود، همه (چه گوینده و چه شنونده) از آن منفعت خواهند برد.

۵ در اینجا، پولس رسول واضحاً می‌گوید که عطای نبوت بزرگتر و مهمتر از عطای زبانها می‌باشد. ولی چنانکه پیشتر گفتیم، اگر زبانها ترجمه شوند، آتموقع ارزش نبوت را پیدا خواهند نمود.

پولس مخالف سخن گفتن به زبانها نیست، برعکس وی خواهش می‌کند که همه به زبانها تکلم کنند. ولی متأسفانه، ایمانداران قرن‌تس، از عطای تکلم به زبانها سوءاستفاده کرده، نظم پرستش کلیسایی را برهم می‌زدند. از سوی دیگر، بخاطر داشتن عطای زبانها، دچار غرور شده، دیگران را که از آن نعمت محروم بودند خوار و حقیر می‌داشتند. خلاصه اینکه، قرن‌تیاں از زبانها در جهت کسب جلال خود بهره‌جویی می‌کردند و در پی جلال دادن عیسی مسیح نبودند. برای قرن‌تیاں، عطیةٔ زبانها مبدل به وسیلهٔ فخرفروشی و نمایش گردیده بود.

۶-۹ هر سازی **صدای** خاص خودش را

منفعت عطا می‌شود (اول قرن‌تین ۱۲:۷). هدف خدا از دادن عطایای روحانی **بنای کلیسا** است (آیه ۱۲). پولس به ایمانداران قرن‌تس (و بما) سفارش می‌کند که در پی عطایایی باشیم که باعث بنای کلیسا است.

۱۳ بنابراین، اگر خدا به کسی عطای زبانها را داده باشد، بهتر است که آن شخص به جهت دریافت عطای ترجمه زبانها نیز دعا کند. اگر کسی هر دو عطا را با هم داشته باشد، قادر خواهد بود که پیام روح‌القدس را ترجمه و بازگو کرده، نبوت کند، و عطایای روحانی خدا به او، باعث تقویت و تشویق و **بنای کلیسا** خواهد شد.

۱۴ **زیرا اگر به زبانی دعا کنیم، روح من دعا می‌کند لکن عقل من برخوردار نمی‌شود.** وقتی که به زبانها سخن می‌گوییم یا دعا می‌کنیم، متوجه معنی و مقصود کلامی که از دهان ما خارج می‌گردد، نمی‌شویم. به عبارت دیگر، در آن زمان مغز و عقل ما عاطل و باطل خواهد ماند.

۱۵ بنابراین، پولس رسول، علاوه بر اینکه بروح (زبانی که روح‌القدس عطا کرده است) دعا کرده، سرود می‌خواند، مواظب است که در کلیسا بطور قابل فهم نیز دعا کرده، سرود بخواند تا اینکه شنوندگان را نفع رساند.

برخی از مسیحیان می‌گویند که دعاهای ما همیشه بایستی با **عقل** باشد و حتی در دعای شخصی بهتر است که بجای تکلم به زبانها، با عقل دعا کنیم. ولی عده بسیاری از مسیحیان هستند که عطای زبانها را داشته، معتقدند که این «زبان دعای» ایشان است و با آن وسیله قادر به «دعا کردن در روح» می‌باشند، و روح‌القدس ایشان را در امر دعا کمک می‌کند (رومیان ۲۶:۸).^{۴۳}

۱۶-۱۷ منظور پولس در این آیات به قرار زیر است: اگر زمانی که در کلیسا به زبانها صحبت کرده می‌شود، شخصی **اُمّی**^{۴۴} دعاهای ما را بشنود، قادر به درک مضمون دعاهايمان

نبوده، نمی‌تواند به آن دعاها **اُمّین**^{۴۵} بگوید. لذا، بهتر است در کلیسا به زبانهای قابل درک دعا کنیم تا که همه حاضرین مضمون دعای ما را درک کرده بتوانند به آن اُمّین بگویند. اگر حاضرین دعای ما را درک نکنند، چگونه خواهند توانست در آن دعا با ما متحد شده با خواسته ما موافقت کنند؟ چگونه ممکن است بدون درک منظور و کلام دعای ایشان، با برادران ایماندار در دعا موافق شد؟ زیرا اُمّین گفتن، یعنی موافقت در امر دعا. لذا، پولس رسول می‌گوید که در کلیسا (در جماعت مؤمنین و در جلسات دعا) بهتر است که با عقل خود دعا کنیم تا که دیگران از دعای ما منفعت گرفته بنا شوند.

۱۸-۱۹ پولس بیشتر از همه قرن‌تین به زبانها تکلم می‌کرد. در زمینه عطایای روحانی، دست بالای دست بسیار است. لذا، ایماندارانی که عطیه زبانها را دارد، باید بخاطر داشته باشد که خداوند به بسیاری از فرزندان خود عطیه زبانها را بخشیده است و این حقیقت ما را از افتادن به دام غرور روحانی نگاه خواهد داشت. ولی پولس در اینجا دوباره تأکید می‌کند که

^{۴۳} - باید توجه داشت که دعای شخصی و عطیه روح‌القدس در دعای انفرادی، صرفاً باعث بنای خود آن شخص نمی‌گردد. خدا می‌تواند از آن دعای شخصی جهت بنای کلیسایش استفاده کند. یکی از خدمات مهم در کلیسا، خدمت دعا و شفاعت جهت نیازهای دیگران است، روح‌القدس، بعضی ایمانداران را به خدمت دعا و شفاعت دعوت می‌کند. دیگر اینکه، اگر کسی مرد و یا زن دعا شود، رشد روحانی و بلوغ روحانی وی و دعاهای آن چنان فردی، مطمئناً باعث برکت کلیسا و جماعت مسیحیان خواهد شد.

^{۴۴} - کلمه «اُمّی» در اینجا به معنی کسی است که قدرت درک کلمات را ندارد. وقتی که زبانها ترجمه نشوند، شنوندگان، نسبت به آن زبان «اُمّی» و ناآگاه خواهند بود.

^{۴۵} - «اُمّین» یعنی «بلی همین گونه بشود».

زبانهای بیگانه ندارند و کلیسا محتاج کلام نبوت است. **زبانها نشانی است نه برای ایمانداران بلکه برای بی‌ایمانان، اما نبوت برای بی‌ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است.** پس در کلیسا بجای تکم به زبانها، نبوت کنید.

۲۳ هرچند که زبانها نشانه‌ای جهت بی‌ایمانان است، ولی منظور این نیست که ایمانداران همگی و همزمان در حضور بی‌ایمانان به زبانها تکلم کنند. زیرا که در آن صورت افراد بی‌ایمان، ممکن است دچار سوءتفاهم شده، ما مسیحیان را دیوانه و یا مست پندارند (اعمال ۲: ۱۳، ۴). تکلم همزمان همهٔ اعضای کلیسا در حضور افراد بی‌ایمان، باعث لغزش و سختی قلب ایشان خواهد شد. همچنانکه یهودیان نیز قلب خود را در مقابل **زبانهای بیگانه** (آیهٔ ۲۱) آشوریان سخت کردند. اگر شخصی کلام خدا را به زبان خود شنیده، از آن اطاعت نکند، چگونه ممکن است که کلامی که به زبانها گفته می‌شود را اطاعت کند؟

۲۴-۲۵ گویانکه زبانها نشانه‌ای جهت بی‌ایمانان است (آیهٔ ۲۲)، ولی به نفع ایشان است که بجای زبانها، کلام نبوت را بشنوند. خداوند، ابتدا انبیاء را برای هدایت اسرائیل فرستاد و فقط زمانی که بنی‌اسرائیل کلام انبیای خدا را گوش نگرفتند بیگانگان را بر آنها گسیل داشت.

لذا، هرچند پولس در آیهٔ ۲۲ خاطر نشان ساخت که **زبانها نشانی است... برای بی‌ایمانان** ولی احتمال اینکه یک نفر بی‌ایمان با شنیدن نبوت بسوی خدا بازگشت کند، بمراتب بیشتر است از وقتی که کسی به زبانها تکلم نماید. بسیار دیده شده است که در حین مراسم پرستشی کلیسا، خداوند به یکی از ایمانداران کلام نبوتی عطا می‌کند که بیانگر وضعیت درونی فرد بی‌ایمانی است که مثلاً برای اولین بار به کلیسا آمده است و در اثر شنیدن آن کلام معجزه‌آسا، آن شخص توبه کرده، به عیسی

ترجیح می‌دهد در کلیسا پنج کلمه به عقل خود گویم تا دیگران را نیز تعلیم دهم از آنکه هزاران کلمه بزبان بگویم.

۲۰ رفتار قرن‌تیاں بسیار کودکانه بود. آنها بجای آنکه در پی جلال دادن نام عیسی باشند، در عوض از عطایای روحانی جهت بزرگ و مهم ساختن خود بهره‌گیری می‌کردند. پولس رسول هشدار می‌دهد که **در فهم اطفال مباحثید... در فهم رشید باشید**، یعنی اینکه مانند کودکان فکر نکنید. **بلکه در بدخوبی اطفال باشید.** یکی از صفات خوب اطفال بی‌گناهی ایشان است. پولس رسول از قرن‌تیاں می‌خواهد که در رابطه با بغض و شرارت، مانند کودکان بی‌گناه و معصوم باشند ولی مثل افراد رشید و بالغ فکر و تعقل کنند.

۲۱ در این آیه پولس از تثنیه ۲۸: ۴۹ و اشعیاء ۲۸: ۱۱-۱۲ نقل قول می‌کند. خداوند در این آیات می‌گوید **به زبانهای بیگانه به این قوم سخن خواهیم گفت.** در اینجا منظور از قوم، قوم بنی‌اسرائیل می‌باشد. از آنجایی که قوم بنی‌اسرائیل از فرامین خدا تمرد می‌ورزیدند، خدا نبی خود اشعیاء را به میان آنها فرستاد تا ایشان را هشدار دهد، ولی بنی‌اسرائیل به سخنان انبیای خدا نیز توجه نشان نداد. لذا، خدا جهت تنبیه قوم بنی‌اسرائیل، بیگانگانی را که به **زبانهای بیگانه** تکلم می‌کردند (اهالی بابل و آشور) بسوی قوم گسیل داشت. یهودیان به هشدار بابل و آشوریان نیز توجه نمودند (زیرا که زبان **بیگانه** آنها را نمی‌فهمیدند) و در نتیجه متحمل شکست و خفت و خواری و خسارت گرانی گردیدند. یهودیان بایستی همان ابتدا به سخنان آشنای انبیای یهودی گوش می‌کردند!

۲۲ پولس رسول از این مثال استفاده کرده خاطر نشان می‌سازد که زبانها (**زبانهای بیگانه و لبهای غیر آیهٔ ۲۱**) جهت نشانهٔ داوری و قدرت خدا و هوشیار ساختن **بی‌ایمانان** عطا می‌شود. ولی ایمانداران نیازی به شنیدن پیام خدا به

توجه کنید که عطای زبانها در اختیار ما قرار دارد. با در نظر داشتن این تعلیم پولس رسول و هدایت روح‌القدس، خواهیم توانست که زمان مناسب جهت تکلم به زبانها را دریافته، از این عطیه روح‌القدس بطور مناسب و جهت بنای کلیسا استفاده کنیم.

۲۹ این دستور در مورد عطای نبوت نیز صادق است. اگر کسی پیغامی و یا نبوتی از سوی خداوند دریافت کرده است بایستی نبوت و نظم کلیسا را رعایت کند تا در محیط کلیسا همه‌مهمه و بی‌نظمی ایجاد نشود. از سوی دیگر، هر کلام نبوتی را نباید بدون تفکر و تأمل قبول کرد بلکه پولس می‌گوید که **دیگران** (کلام گفته شده) **تمیز دهند**. چرا تمیز دادن نبوتها مهم است؟ زیرا خطری که همیشه کلیسا را مورد تهدید قرار داده است. خطر انبیای کذب می‌باشد، انبیای کذب ایمانداران را فریب داده، ایشانرا از تعلیم صحیح منحرف می‌سازند (متی ۱۵:۷؛ مرقس ۱۳:۱۳؛ اعمال ۲۹:۲۰-۳۰؛ دوم قرن‌تین ۱۱:۱۳-۱۴). وظیفه ما اینست که

۴۶- گاهی، بین عطایای مستقیم و غیرمستقیم روح‌القدس، مرزبندی مشخصی وجود نداشته و تشخیص آنها از یکدیگر ممکن است مشکل باشد. در اغلب مواقع، روح‌القدس هدایا و قابلیت‌های فردی اشخاص را تقویت کرده، باعث می‌شود که ایماندار بهتر از استعدادهای خدادادی خود استفاده کند. زمانی که ما به عیسی مسیح ایمان آورده، کار خدمت خود به خداوند را آغاز می‌کنیم، روح‌القدس قابلیت‌های فردی و استعدادها و هنرهای ما را گرفته آنها را رشد می‌دهد و پاک می‌سازد و سپس جهت بنای کلیسا آنها را بکار می‌گیرد. آنچه باید بخاطر داشت اینست که تمامی هدایا و قابلیت‌ها (چه آنهایی که طبیعی‌اند و چه آنهایی که بوسیله دخالت مستقیم و خارق‌العاده روح‌القدس عطا می‌گردند)، از سوی خدا و از طرف روح‌القدس ناشی شده و بایستی که در جهت رشد و بنای کلیسا بکار گرفته شوند (آیه ۲۶).

مسیح ایمان می‌آورد. خلاصه اینکه مزیت و فایده عطای نبوت، چه برای ایمانداران و چه برای بی‌ایمانان، بمراتب بیشتر از تکلم به زبانها است.

انتظام در پرستش (۱۴:۲۶-۴۰)

۲۶ پولس ایمانداران قرن‌تس را تشویق می‌کند که در جلسات پرستشی خود (پرستش کلیسا، جلسات خانگی، و یا جلسه مطالعه کتاب‌مقدس) از عطایایی که روح‌القدس به ایشان داده است استفاده کنند. پولس معتقد است که روح‌القدس به **هر یکی** از ایمانداران عطایی روحانی جهت بنای کلیسا عطا فرموده است. دو نمونه آن عطایا یعنی **سرود و تعلیم** می‌تواند قابلیت‌های طبیعی و خدادادی و نتیجه فعالیت غیرمستقیم روح‌القدس باشد (افسیسیان ۱۹:۵؛ کولسیان ۱۶:۳) ولی در اینجا پولس آنها را بعنوان عطایای روحانی قلمداد می‌کند. حال آنکه عطایای **زبان و مکاشفه**، نتیجه کار مستقیم روح‌القدس است (اول قرن‌تین ۱۲:۸-۱۰)^{۴۶}

۲۷-۲۸ در اینجا پولس رسول در مورد استفاده از عطیه زبانها در حین مراسم پرستش کلیسایی تعلیم داده می‌گوید که در یک گروه‌آبی کلیسایی بایستی بیش از سه نفر به زبانها تکلم کنند و نیز آن افراد بایستی که به نبوت و نه همزمان صحبت کنند. در هر کلیسایی که روح‌القدس عطای زبانها را بخشیده باشد، همیشه افرادی نیز هستند که عطای ترجمه را از همان روح‌القدس دریافت نموده‌اند. اگر آن مترجمین حضور نداشته و یا کسی که ترجمه کند وجود نداشته باشد، گوینده زبانها باید خاموش مانده و **با خود و با خدا سخن گوید**. در صورت عدم حضور مترجم، چنین فردی باید در کلیسا ساکت بماند (البته مگر اینکه خود متکلم به زبانها بتواند پیام و کلام روح‌القدس را ترجمه کند).

در ذات خدا بی‌نظمی وجود ندارد، **او خدای تشویش نیست بلکه خدای سلامتی** (آرامش) است و او طالب اینست که در کلیسایش هم بجای تشویش، سلامتی برقرار باشد. آخرین میوه از ثمرات روح‌القدس، **پرهیزکاری** است (غلاطیان ۵:۲۳). اعضای کلیسای قرنیتس، از این ثمره روح‌القدس بی‌بهره بودند و از این سبب، مراسم کلیسایی آنها مغشوش و پُراز همه‌مهمه و **تشویش** بود و در آنجا **سلامتی** برقرار نبود. بار دیگر مشاهده می‌کنیم که ببار آوردن ثمرات روح‌القدس بمراتب مهمتر از داشتن عطایای روحانی است. ممکن است شخصی عطایای روح‌القدس را داشته باشد ولی اگر به روح‌القدس اجازه ببار آوردن ثمره روح را ندهد، عطایای روحانی وی بی‌فایده بوده، رفتار و زندگی او باعث جلال خدا نخواهد شد.

۳۴ و زنان شما در کلیسا خاموش باشند. امروزه در باره معنی این آیه مباحثات زیادی در گرفته است. این آیه بدین معنی نیست که زنان همیشه بایستی ساکت و خاموش باشند. در جای دیگری پولس نوشت که زنان باید هنگام دعا و نبوت در کلیسا سر خود را بپوشانند (اول قرنیتیان ۱۱:۵). پس بنا به تعلیم پولس، زنان اجازه دارند که در کلیسا دعا و نبوت کنند؛ زیرا در غیر آن صورت پولس نمی‌نوشت که ایشان

۴۷- انبیای کذب تحت کنترل روح شریر و شیطانی هستند.

۴۸- دستور پولس جهت ایجاد نظم و جلوگیری از اغتشاش در کلیسا است. اگر قرار است که پیام خدا در کلیسا شنیده شود، بایستی دیگران سکوت کنند و در خلال آن، از صحبت و نجوا با یکدیگر امتناع ورزند. در برخی کلیساها، در حین پرستش زمان خاصی جهت دعای عمومی وجود دارد که در آن همه اعضای کلیسا همزمان و با صدای بلند دعا می‌کنند. از آنجا که هر کس به خدا دعا کرده، کلام خود را برای شنیدن دیگران بزبان نمی‌آورد، لذا این نحوه پرستش بلا مانع می‌باشد.

کلمات و پیام انبیا را شنیده، با کمک عطای تمیز، صحت و سقم آنها را بسنجیم (اول یوحنا ۴:۱). یکی از عطایای روح‌القدس **عطای تمیز ارواح** (اول قرنیتیان ۱۰:۱۲) است که به همین منظور و در جهت محافظت کلیسا از تعالیم خطرناک به کلیسا داده می‌شود^{۴۷}. لذا، آن افرادی که این عطای ارزشمند روح‌القدس را دریافت کرده‌اند، کلیسا را از شر این انبیای کذب حفظ خواهند کرد.

۳۰-۳۱ لازم است که ابتدا شخص پیغام و یا مکاشفه‌ای از خدا دریافت کند و سپس دهان خود را به سخن گفتن باز نماید. اگر فردی این مکاشفه و یا پیغام را در حین پرستش کلیسایی دریافت کند، بایستی در اولین فرصت مناسب، پیغام خدا را با جماعت خدا در میان بنهد. ولی اگر کسی در حال سخن گفتن و یا موعظه و تفسیر کلام باشد، بایستی صبر کرد تا اینکه حرفش تمام شود. بعبارت دیگر، نظم کلیسا بایستی رعایت شده و باید از ایجاد همه‌مهمه و بی‌نظمی در کلیسا احتراز نمود.^{۴۸}

۳۲ همانطور که متکلم به زبانها، قدرت دارد که عطیه خود را تحت کنترل و فرمان خود داشته و در موقع مناسب به زبانها تکلم نماید، به همین شکل کلام و عطیه نبوت نیز تحت کنترل و اراده نبی می‌باشد. نبی بایستی مکاشفه خدا را در زمان مناسب و به نحوه شایسته به کلیسای خدا عرضه نماید.

منظور از **روح انبیاء**، روح انسانی انبیاء می‌باشد. روح‌القدس، روح انسانی انبیاء را تحت تأثیر خود قرار داده، مکاشفه خود را به روح انبیاء نقل می‌کند، ولی انبیاء بایستی از عقل و حکمت خود استفاده کرده، روح خود را تحت کنترل خویش داشته باشند و کلام نبوت را در زمان و مکان مناسب به جماعت خدا بازگو نمایند.

۳۳ چرا پولس اینقدر بر ایجاد و حفظ نظم در کلیسا تأکید می‌کند؟ دلیل این امر اینست که

باید در هنگام دعا و نبوت در کلیسا سر خود را بپوشانند.

پس اینک این سؤال مطرح می‌شود که: منظور پولس از این کلمات چیست؟ منظور پولس اینست که زنان نباید در کلیسا شلوغی و اغتشاش ایجاد نمایند. زمانی که پولس می‌گوید: **ایشان را حرف زدن جایز نیست**، منظورش از پیچ‌پیچ کردن و درگوشی حرف زدن و گفتگو کردن با یکدیگر در حین مراسم کلیسایی و یا زمانی است که موعظه و نبوت و مکاشفه‌ای بیان می‌شود. در زمانی که پولس این رساله را نگارش می‌کرد، کلیسا دو بخش زنانه و مردانه داشت و زنان در قسمت خاص خود و بطور جداگانه از مردان می‌نشستند. اغلب، زنها در بین خود شروع به گفتگو و صحبت و خنده می‌کردند و لاجرم توجه ایشان از آنچه که در کلیسا گفته می‌شد و از پرستش کلیسا منحرف می‌گشت و نه تنها خود از پرستش نفعی نمی‌بردند بلکه باعث اغتشاش و انحراف توجه دیگران نیز می‌گردیدند. همچنین بانوان در کلیسا، کودکان خردسال خود را نیز به همراه داشتند که آنها نیز بنوبه خود سر و صدا ایجاد کرده، باعث برهم زدن جماعت می‌شدند. لذا پولس در اینجا به زنها می‌گوید که در کلیسا سکوت اختیار کرده و باعث برهم زدن نظم کلیسا نشوند.

پولس می‌گوید که شایسته یک بانوی ایماندار نیست که بدون فکر و عقل رفتار کرده، نظم کلیساهای را برهم بزند. **اطاعت کردن** رفتار شایسته یک بانوی ایماندار است (مقاله عمومی: «نقش زنان در کلیسا» را مشاهده کنید) رویه فوق در رابطه با زنها، بصورت جدی‌تری در میان یهودیان همعصر پولس مرسوم بود. طبق رسم یهودیان، زنها به هیچ وجه اجازه سخن گفتن در کنایس را نداشتند. ولی در عیسی مسیح، زن و مرد با یکدیگر برابرند، زنان مسیحی از امتیازات و حق و

حقوق بیشتری بهره‌مند می‌باشند. ولی با این همه، پولس تعلیم می‌دهد که بهتر است زنان در کلیسا خاموش باشند (اول تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۲؛ اول پطرس ۳: ۱-۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۳۵ اگر در حین موعظه و یا مراسم پرستش کلیسا، سؤالی برای زنی پیش آمد، بهتر است که در عوض بلند شدن و مطرح کردن سؤال خود، صبر کند تا پس از اتمام مراسم سؤال خود را در موقع مناسب از شوهرش بپرسد. زیرا حرف زدن زنان در کلیسا **قبیح** است، این کار باعث برهم خوردن نظم کلیسا خواهد شد.

در زمان پولس رسول اکثر زنان، از نعمت خواندن و نوشتن و سواد محروم بودند و لذا قدرت تفهیم بعضی کلمات و موضوعات بغرنج را نداشتند و ممکن بود که متوجه منظور واعظ و یا معلم نشوند، لذا مرتباً از جای خود بلند شده، سؤال می‌کردند، پولس معتقد است که اگر سؤالات خود را از شوهران خود، که عموماً با سواد بودند بپرسند، از همه‌مه و بی‌نظمی در کلیسا جلوگیری خواهد شد. بانوان نباید از مسائل روحانی بی‌اطلاع بمانند، بلکه زن و شوهر بایستی بطور مساوی نسبت به مسائل روحانی آگاهی داشته باشند. اینک بیابید از خود بپرسیم که رفتار ما نسبت خواهران دینی خود چگونه است؟ آیا شوهران مسئولیت جوابگویی به سؤالات روحانی و دینی همسر خود را جدی می‌گیرند؟ باشد که شوهران، وظیفه تعلیم و هدایت روحانی همسران خود را وظیفه‌ای مهم و حیاتی تلقی کرده، در امر هدایت و تعلیم همسران خود کوشا باشند.

۳۶ مسیحیان قرن‌تس در کلیساهای خود از قوانینی که خود ابداع کرده بودند پیروی می‌کردند. ایشان چنان به این کار خود مباهات می‌نمودند که کلیساهای دیگر و رویه پرستش دیگر ایمانداران را خوار شمرده، ایشان را مورد تحقیر و تمسخر قرار می‌دادند. لذا در این آیه،

اگر در عیسی مسیح باقی نمایم، زندگی ما ثمرات روحانی ببار نخواهد آورد. و حیات بی‌ثمر نشانه مرگ ایمان است (یعقوب ۱۴:۲، ۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). و اگر ایمان ما «مُرده» باشد، پس **عبث** ایمان آورده‌ایم (آیه ۲). هیچ کس بوسیله ایمان مُرده نجات نخواهد یافت!

ریشه ایمان واقعی قوی و عمیق بوده و تا ژرفنای وجود انسان نفوذ می‌کند. چه قدر سریع و مصنوعی عبارت «من ایمان دارم» را بدون داشتن ایمان واقعی و عمیق به زبان خود جاری می‌سازیم! بیایید که همیشه بخاطر داشته باشیم که ایمان به مسیح یعنی بودن و باقی ماندن در مسیح. اگر در مسیح باقی نمایم، ایمان ما مُرده است و بدون داشتن یک ایمان زنده، حیات روحانی ما نیز از بین خواهد رفت.

۳ در آیات ۳-۴، پولس رسول انجیلی را که به قرن‌تیاں موعظه کرده و بشارت داده بود (آیه ۱) بازگو می‌کند. انجیلی که بوسیله آن نجات پیدا خواهیم کرد اینست: **مسیح بر حسب کتب^{۴۹} در راه گناهان ما مرد** (اشعیا ۵۳:۱-۱۲). مسیح تنبیه و مجازات گناهان ما را بر خود گرفت و بوسیله قربانی کردن خود بر روی صلیب، جرم و گناهان ما بخشیده گردید (مرقس ۱۰:۴۵؛ اول پطرس ۲:۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۴ ولی مسیح یک انسان معمولی نبود او

پولس رسول به ایشان یادآور می‌شود که کلام خدا از شما صادر نشده و بشما بختی نرسیده است. در عوض، آنها باید مطابق رسوم کلیساهای دیگر نقاط عالم، پرستش و زیست کنند.

۳۷ در میان اعضای کلیسای قرن‌تس، اگر کسی خود را نبی و روحانی پندارد، باید در مورد موضوعات مطروحه با پولس رسول هم‌عقیده باشد. زیرا که پولس رسول این تعالیم را بوسیله مکاشفه مستقیم روح‌القدس دریافت کرده و نگاشته بود.

۳۸ اما اگر کسی جاهل است، جاهل باشد. اگر کسی به دستورات و تعالیم پولس گوش فرا نداده، نخواهد که از کلام خدا آموزش ببیند، آن شخص جاهل است و جاهل خواهد ماند.^{۴۹}

۳۹-۴۰ در خاتمه، پولس علی‌رغم تمامی هشدارهایش، نمی‌خواهد کسی عطایای روحانی خود را سرکوب کرده، از آنها استفاده نکند. برعکس پولس ایشان را با این کلمات به بکار بستن آنها تشویق می‌کند: **پس ای برادران نبوت را بغیرت بطلبید و از تکلم نمودن به زبانها منع نکنید.** ولی نبوت و تکلم به زبانها و استفاده از تمامی هدایای روحانی بایستی **بشایستگی و انتظام باشد.**

باب ۱۵

قیام مسیح (۱:۱۵-۱۱)

۱-۲ الان ای برادران شما را از انجیلی که بشما بشارت دادم اعلام می‌نمایم که آن را هم پذیرفتید و در آن هم قایم می‌باشید و بوسیله آن نیز نجات می‌یابید بشرطی که آن کلامی را که به شما بشارت دادم محکم نگاه دارید و الا عبث ایمان آوردید. ایمان آوردن یعنی محکم نگاه داشتن کلام انجیل. یعنی ماندن در عیسی مسیح (یوحنا ۴:۱۵-۶). ایمان آوردن یعنی ثابت بودن در مهربانی خدا (رومیان ۱۱:۲۲). اگر ایمان ما بغیر از این باشد عبث ایمان آورده‌ایم.

۴۹- معنی دقیق عبارت فوق در زبان یونانی کاملاً روشن نیست و لذا در ترجمه‌های مختلف به صورت زیر ترجمه گردیده است: «اما اگر کسی باز مخالف است، بگذار در نادانی خود باقی بماند.» و نیز «و اگر کسی به این دستور بی‌اعتنایی کند نسبت به او نیز بی‌اعتنایی خواهد شد.»

۵۰- در زمان پولس رسول، عهدجدید هنوز بصورت کامل نگارش نگردیده بود و لذا در اینجا منظور از «کتب»، عهدعتیق است.

برخواهد خاست. عیسی مسیح در سه جای مختلف، موضوع مرگ و رستاخیز خود را با شاگردانش مطرح نموده و ذهن آنها را در این مورد آماده ساخت (مرقس ۳۱:۸؛ ۳۱:۹؛ ۳۲:۱۰-۳۴).

۵ حال چگونه می‌توان از صحت رستاخیز مسیح مطمئن گردید؟ اولین دلیل ما قبر خالی است. اگر قبر خالی دلیل قانع کننده‌ای نیست (زیرا ممکن است کسی بگوید که شاگردان عیسی بدن او را مخفیانه دزدیدند تا که مردم را فریب داده بگویند که عیسی برخاسته است. متی ۲۸:۱۱-۱۵ را مشاهده کنید)؛ بزرگترین دلیل و گواه ما بر قیام مسیح از میان مردگان اینست که وی پس از مرگ خود بر عده زیادی از شاگردان خود ظاهر گردید.

از میان شاگردانی که عیسی مسیح را پس از مرگش دیدند، یکی **کیفا** (پطرس) رسول اعظم عیسی بود (لوقا ۲۴:۳۳-۳۴). سپس عیسی به مابقی رسولان خود ظاهر گشت (متی ۲۸:۱۶؛ یوحنا ۲۰:۱۹). ظهور عیسی مسیح به شاگردان خود در خواب و یا در رؤیا و خیال نبود بلکه عیسی با بدن جلال یافته خود بر ایشان ظاهر شد (لوقا ۲۴:۳۶-۳۹ و یوحنا ۲۰:۲۴-۲۸ را مشاهده کنید).

۶ حتی با وجود این دلایل، نیز ممکن است بعضی شهادت رسولان را باور نکرده و به حقیقت رستاخیز عیسی مسیح شک کرده و آن را راست نپندارند. ممکن است گفته شود که دوازده رسول اولیه عیسی، قصه‌پردازی کرده و یا بخاطر حفظ آبروی استاد خود دروغ گفته و قبر خالی و داستان رستاخیز عیسی، تماماً دسیسه‌ای جهت فریب عوام می‌باشد. ولی عیسی مسیح فقط به آن دوازده ظاهر نشد، بلکه **به زیاده از پانصد برادر** نیز ظاهر شد. ممکن است که دوازده نفر با هم توطئه کرده و متحداً در رابطه

پسر خدا و صاحب قدرت الهی بر موت و گناه بود. به این دلیل جسد عیسی مسیح پس از موت، در قبر باقی نمانده و در روز سوم از مردگان قیام کرد. در روز سوم در مقبره‌ای که جسد عیسی مسیح را در آن نهاده بودند، گشوده شده و قبر خالی، نشانه و گواه تاریخی رستاخیز مسیح است. چون عیسی مسیح از مردگان قیام کرد، می‌دانیم که خدای ما خدای زنده است. و نیز از آنجا که او از میان اموات قیام فرمود، می‌دانیم که ما ایمانداران و شاگردان خود را نیز از مردگان قیام داده و جهت حیات جاودانی برخوردار خواهیم کرد (رومیان ۸:۱۱؛ افسسیان ۲:۴-۷ را مشاهده کنید).

به این خاطر است که قیام مسیح اینقدر مهم بوده و در مرکز ثقل اعتراف ایمان ما مسیحیان قرار دارد. اگر جسد بی‌جان مسیح در قبر باقی ماند بود، ایمان ما **عبث** می‌بود. منجی مُرده کسی را نجات نخواهد داد! (آیه ۱۴). لذا بگذارید تمامی جهان بدانند که عیسی مسیح زنده و قیام کرده است. او بر موت و گناه پیروز گردیده است^{۵۱}. او بر موت و گناه غلبه یافته است و بخاطر پیروزی اوست که ما نیز بر موت و گناه پیروز خواهیم گردید (آیات ۵۴-۵۶).

بر طبق کتاب مقدس، عیسی بایستی از مردگان **برخیزد** (مزمور ۱۰۱:۱۶؛ اشعیا ۵۳:۱۰-۱۲). موضوع برخاستن در روز سوم همچنین در کتاب یونس نبی ذکر گردیده است (یونس ۱:۱۷). یونس نبی سه روز در شکم ماهی مدفون بود و در روز سوم ماهی او را بر روی خشکی قی کرد و یونس از عقوبت الهی نجات یافت. در انجیل متی ۱۲:۳۸-۴۲ می‌خوانیم که عیسی مسیح خود را به یونس تشبیه کرده و در باره مرگ و رستاخیز خود پیش‌گویی می‌کند.

مسیح از همان ابتدای امر می‌دانست که بایستی رنج صلیب را متحمل گردد و نیز می‌دانست که در روز سوم از میان مردگان

۵۱- موت، مجازات گناه است (رومیان ۲۳:۶).

خواهیده‌اند. توجه کنید، وقتی که ایمان‌داری چشم از جهان فرو می‌بندد، به کام نیستی نرفته بلکه «به خواب می‌رود» و پس از آنکه ایشان مدتی را در خواب سپری کردند، در مسیح بیدار خواهند شد (اول تسالونیکیان ۴:۱۳-۱۸ را مشاهده کنید).

۷ عیسی مسیح سپس به برادر ناتنی خود ظاهر شد. یعقوب بعدها یکی از رهبران کلیسای اورشلیم گردید (غلاطیان ۲:۹) و رسالهٔ یعقوب را نگارش کرد. در آغاز کار، یعقوب به عیسی ایمان نیاورد (یوحنا ۷:۵). ولی عیسی مسیح، پس از رستاخیزش به او و برادران جوانترش ظاهر شده و متعاقباً آنها نیز به او ایمان آوردند (اعمال ۱:۱۴).

عیسی نیز به **جمیع رسولان** نیز ظاهر شد. منظور پولس از **رسولان**، تنها آن دوازده حواری اولیهٔ مسیح نبوده بلکه منظور همچنین رهبران کلیسای اورشلیم می‌باشد که بعدها با لقب رسول معروف شدند.

۸ عیسی مسیح، پس از قیام از مردگان به مدت چند روز بر روی زمین باقی ماند. در آن مدت به کسانی که ذکرشان رفت، ظاهر گردید و پس از آن به آسمان صعود نمود. پس از صعودش به آسمان بود که عیسی به پولس ظاهر شد. به همین دلیل است که پولس رسول در اینجا می‌گوید **آخر از همه بر من ... ظاهر گردید** (اعمال ۹:۱-۹؛ ۶:۲۲-۱۱؛ ۲۶:۱۲-۱۸ را مشاهده کنید).

پولس در اینجا می‌گوید که مسیح **آخر از همه بر من مثل طفل سقط شده ظاهر گردید**. پولس آخرین رسولی بود که مسیح به وی ظاهر شد. ولی معنی کلمه‌ای که پولس استفاده کرده طفل سقط شده است (ترجمهٔ بهتر آن طفلی است که نارس و زودتر از موعد معین به دنیا آمده باشد). همانطوری که طفل سقط شده یا نارس، طفل معمولی محسوب نمی‌شود، به همین شکل پولس هم می‌گوید که **من کهنترین**

با موضوعی دروغ بگویند. ولی گفتن اینکه بیش از پانصد نفر متحداً دروغ بگویند، با عقل و منطق سازگار نیست. چگونه ممکن است که بیش از پانصد نفر را جمع کرد که با یکدیگر هم‌داستان شده و افسانه‌ای جعلی ساخته و در مورد موضوعی دروغ بگویند و کسی دچار نقیضه‌گویی نشده و یا اینکه هیچ کس به توطئه و جعلی بودن حکایت پی نبرد؟ استنباط منطقی و مطابق با عقل و برهان اینست که شهادت ایشان را پذیرفته و قبول کنیم که شهادت آن برادران راست بوده و مسیح حقیقتاً از میان مردگان قیام کرده و به آنها ظاهر گردیده است. مسیح به آنها ظاهر شد و بیش از پانصد نفر او را به چشم خود دیدند و بر این حقیقت شهادت داده‌اند. مسیح به **زیاده از پانصد برادر یکبار ظاهر شد**، بیش از پانصد برادر (بدون احتساب زنان و کودکان) به عیسی مسیح قیام کرده شهادت داده‌اند و حدوداً بیست سال پس از آن واقعه، زمانی که پولس رسول این رساله را نگارش می‌کرد، بسیاری از آنها هنوز زنده بودند.

اگر عیسی برآستی از مردگان برنخاسته بود، پولس هرگز این کلمات را نمی‌نوشت، بسیاری از رسولان و شاهدان عینی هنوز زنده بودند و سخنان او را تکذیب می‌کردند! ولی پولس رسول از حقیقت قیام و رستاخیز مسیح آگاه است و اگر کسی به صحت گفته‌های او شک کند، شهود عینی بسیاری هستند که ادعای پولس را تأیید نمایند. کوتاه کلام، حتی اگر کسی قصد داشت که در بارهٔ قیام مسیح داستانی جعلی اخبار کند، با وجود اینکه شاهد هرگز قادر به آن کار نمی‌بود. در تمامی طول تاریخ، خبر و واقعه‌ای مهمتر از رستاخیز مسیح اتفاق نیفتاده است و وجود آن همه شاهد، گواه بر این واقعیت است که مسیح حقیقتاً قیام کرده و خبر رستاخیز او ساخته و پرداختهٔ ذهن پولس نیست.

پولس می‌گوید **بعضی (از آن پانصد برادر)**

رسولان هشتم و لایق نیستیم که به رسول خوانده شوم (آیه ۹). پولس می‌گوید که لایق آن نیستیم که رسول مسیح خوانده شوم **چونکه بر کلیسای خدا جفا می‌رسانیدم** (آیه ۹).

از آیه ۸ می‌توان نشانه و علامت یک رسول مسیح را بدین شکل درک نمود: اغلب رسولان مسیح^{۵۲}، او را پس از قیامش از عالم اموات، با چشمان خود ملاقات کرده بودند. تجربه ملاقات با مسیح زنده و قیام کرده، این افراد معمولی را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار داد که به چهار گوشه عالم رفته و به مسیح قیام کرده بشارت داده و به انجیل عیسی مسیح موعظه نمودند.

تا اینجا، دو گروه از شواهد اصلی در اثبات صحت این ادعای کتاب مقدس که مسیح برخاسته است، را معرفی کردیم. گفتیم که قیام مسیح از مردگان یک حقیقت انکارناپذیر تاریخی است زیرا که: اولاً قبر مسیح خالی بود، و ثانیاً عیسی مسیح پس از قیامش به عده بسیاری ظاهر گردید. دسته سوم دلایل، به زندگی و شهادت رسولان مربوط می‌شود. همینطور که می‌دانید پس از مصلوب شدن مسیح، همه شاگردان گریخته، خود را مخفی ساختند (متی ۵۶:۲۶؛ مرقس ۱۴:۵۰). رسولان مسیح سخت ترسیده بودند. پیشوایشان اعدام شده بود و اینک آنها نگران بودند که سربازان رومی در پی ایشان نیز آمده، آنها را دستگیر کرده، اعدام خواهند نمود. آنها خود را در منزلی مخفی کرده و درها بسته بودند (یوحنا ۱۹:۲۰). ولی چه اتفاقی افتاد که این گروه ترسان چنان شهامت و دلیری پیدا کردند؟ چه اتفاقی افتاده بود که آنها بی که یک روز دلشان پر از ترس و وحشت بود، روز بعد با دلیری تمام به نام عیسی مسیح موعظه می‌کردند؟ و در مورد پولس، چه اتفاقی افتاد که او یک روز کلیسا را مورد جفا قرار می‌داد و روز دیگر در تمامی قلمروی امپراطوری روم به موعظه به مسیح

پرداخت؟ چه شد که زندگی و رویه رسولان به یکباره دستخوش چنین تغییر شگرفی شد؟ یک پاسخ ممکن به این سؤال وجود دارد: ایشان با مسیح رستاخیز کرده ملاقات کردند. و نه تنها مسیح زنده بر ایشان ظاهر گردید، او روح القدس موعود را به ایشان داد تا شاهدان او باشند (اعمال ۱:۸؛ ۲:۱-۴، ۱۴، ۴۱).

و بالاخره دلیل چهارم جهت قیام مسیح از مردگان اینست که از دوهزار سال پیش به این سو، میلیونها میلیون مسیحی، با مسیح زنده و قیام کرده ملاقات داشته و بوسیله روح القدس، حضور زنده عیسی مسیح را در وجود خود تجربه کرده‌اند. جا دارد که از خود بپرسیم: آیا مسیح در وجود من زندگی می‌کند؟ اگر چنین است، وجود مسیح زنده در قلب ما بزرگترین شهادت و گواهی رستاخیز مسیح می‌باشد!

۹ پولس هرگز نمی‌تواند جفایی را که به کلیسای خدا کرده بود، فراموش کند (اعمال ۳:۸، ۱:۹-۲؛ ۴:۲۲-۵؛ ۹:۲۶-۱۱؛ غلاطیان ۱:۱۳). به همین دلیل است که می‌گوید: **لایق نیستیم که به رسول خوانده شوم.**

۱۰ گوا اینکه پولس خود را **کهنترین رسولان** می‌خواند (آیه ۹)، ولی با این وجود او یکی از رسولان مسیح محسوب می‌گردید. او با قدرت و تسلط یک رسول با کلیساهای مسیح سخن رانده و تعلیم می‌داد (اول قرن‌تیاں ۱:۱؛ غلاطیان ۱:۱). ولی پولس همچنین می‌گوید که بواسطه محبت و فیض خدا بود که او رسول مسیح گردید (غلاطیان ۱:۱۵-۱۶ را مشاهده کنید). نه تنها فیض خدا شامل حال پولس گردیده بود، بلکه پولس بیش از دیگر رسولان در جهت پیشبرد کار خدا **مشقت کشید**. با اینهمه، کار و زحمات پولس و مشقتهای او نیز بخاطر فیض

۵۲- بعدها، رسولانی پیدا شدند که مسیح قیام کرده را ملاقات نکرده بودند (اول تسالونیکان ۲:۷ را مشاهده کنید).

ایمان شما باطل است و شما تاکنون در گناہان خود ہستید (آیہ ۱۷). بودن در گناہ یعنی نجات نیافتن و مورد حکم خدا قرار گرفتن (افسیان ۱:۲، ۴-۵). چون مسیح از مردگان برخاست و بر گناہ و مرگ غلبہ یافته است، پس قدرت دارد کہ ما را از گناہان و مرگ نجات دہد. قیامت مسیح، برہان قوت او جهت نجات مردمان می باشد.

۱۸ اگر قیامت از مردگان نمی بود، پس ایماندارانی کہ در مسیح خوابیدہ اند ہلاک شدند. در آن صورت ایشان برای ہمیشہ در قبر باقی خواہند ماند و ایمانشان پوچ بودہ است (اول تسالونیکیان ۴:۱۴ را مشاہدہ کنید).

۱۹ اگر پس از مرگ، رستاخیزی وجود نداشته باشد، پس مسیحیان از ہمہ **بدبختتر** ہستند! زیرا کہ پس از یک عمر سختی و مشقت کشیدن و بخاطر مسیح جفا دیدن در این جہان، ہیچ امید بی دریافت پاداش در جہان آیندہ نخواہند داشت. اگر قیامت از مردگان وجود نداشته باشد، بہتر است انسان اصلاً مسیحی نشود!

ولی در آیہ ۲۰ پولس می گوید: **لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاستہ**. باشد کہ مانند آن قرن‌تیاں بہ این حقیقت شک نکنیم. حقیقت رستاخیز مسیح، اصل امید ماست (اول پطرس ۳:۱).

۲۰ عیسی مسیح اولین کسی بود کہ از مردگان قیام فرمود. از این جہت، پولس او را **نوبر خوابیدگان** می نامد. چون او از میان مردگان قیام کرد، ہمہ مسیحیان کہ در او خوابیدہ اند نیز برخواہند خاست. مسیح نوبر است و بقیہ ایمانداران بہ تبعیت از او قیام خواہند کرد (آیہ ۲۳).

یکی از دستورات دینی عہدعتیق این بود کہ **نوبر** محصولات را بہ عنوان ہدیہ مقدس، بہ خدا تقدیم کنند (لاویان ۹:۲۳-۱۴). با توجہ بہ این رسم مذہبی، مشاہدہ خواہیم کرد کہ عیسی

خداوند است کہ با او بود (غلاطیان ۲:۲۰ را مشاہدہ کنید).

۱۱ بہ عقیدہ پولس یک چیز مهم است و آن اینست کہ مردم بہ مسیح ایمان بیاورند، حال ایمان ایشان چہ بخاطر موعظہ پولس باشد و یا چہ بواسطہ وعظ کس دیگری. مهم اینست کہ مردمان بہ انجیل ایمان بیاورند زیرا کہ انجیل مسیح **قوت خداست برای نجات ہر کس کہ ایمان آورد** (رومیان ۱:۱۶؛ اول قرن‌تیاں ۱:۱۸).

قیامت مردگان (۱۵:۱۲-۳۴)

۱۲ چون می دانیم کہ مسیح از میان مردگان برخاست، ایمان داریم کہ در روز قیامت، ہمہ مردگان نیز زندہ خواہند شد. بعضی از مسیحیان فرتنس می گفتند کہ **قیامت مردگان نیست**. اغلب یونانیان معتقد بودند کہ پس از مرگ، فقط روح است کہ بہ عالم ارواح سفر می کند و جسم کاملاً و برای ہمیشہ از بین می رود. ولی پولس رسول می گوید کہ این اعتقاد یونانیان صحیح نیست، زیرا زمانی کہ مسیح از میان مردگان برخاست، قیامت او جسمانی بود.

۱۳-۱۴ و اگر مسیح برخواست باطلست وعظ ما وباطلست نیز ایمان شما (آیہ ۱۴). اگر مسیح برخواستہ، پس انجیلی کہ بہ آن موعظہ می کنیم خالی از قدرت است! و اگر در انجیل قوتی نیست، ایمان شما باطلست!

ولی از آنجا کہ مسیح از میان مردگان برخاستہ است، می توان بہ او بعنوان خدا اطمینان کردہ و ایمان آورد. می توان از درستی و حقیقت تعالیمش مطمئن بود. می توانیم بہ او صددرصد اعتماد کردہ، او را تکیہ گاہ زندگی خود قرار دہیم. در این صورت ایمان ما باطل نخواہد بود، زیرا کہ بواسطہ ایمان بہ او، از همان قوتی کہ او را از مردگان برخیزانید و او را بہ دست راست خدا نشانیدہ است، مدد خواہیم گرفت (افسیان ۱:۱۹-۲۱).

۱۵-۱۷ اما ہرگاہ مسیح برخواستہ است

- مسیح نوبر کلیسا است و بوسیله تقدیم نمودن خود، کلیسا را مقدس ساخته است.
- ۲۱-۲۲** موت بوسیله **آدم** ابوالبشر به جهان وارد شد. به همین طریق نیز قیامت از مردگان، و یا خلاصی جسم (رومیان ۸:۲۳)، بواسطه عیسی مسیح آمده است. بخاطر گناه آدم، تمامی بشر در گناهکاری تولد شده و محکوم به مرگ می‌باشند (پیدایش ۲:۱۶-۱۷؛ ۳:۳؛ رومیان ۳:۹-۱۰). بواسطه عدالت مسیح، همه کسانی که در مسیح هستند (همه ایمانداران) عادل کرده شده و حیات جاودانی را خواهند یافت (آیه ۲۲؛ همچنین یوحنا ۱۱:۲۵-۲۶؛ رومیان ۵:۱۲، ۱۵-۱۹؛ اول قرنیتیان ۱۵:۴۵-۴۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).
- ۲۳** بر اساس این آیه، ما ایمانداران در وقت آمدن مسیح، یعنی در ایام آخر این جهان، قیام خواهیم کرد.
- ۲۴-۲۵** وقتی که مسیح دوباره بازگردد، او تمام ریاست و تمام قدرت و قوت (ابلیس در آسمان و بر زمین) را نابود خواهد گردانید (مزمور ۱۱۰:۱؛ مرقس ۱۳:۲۶؛ افسسیان ۱:۲۰-۲۳؛ فیلیپیان ۲:۹-۱۱ و تفسیر آنها را مشاهده کنید).
- پس از نابود ساختن تمامی دشمنان خود، مجدداً **سلطنت را** به پدر خود خواهد سپرد (آیه ۱۴). یعنی اینکه او تمامی قوت و ریاست را که پدرش به او داده بود را به خدا باز خواهد گردانید (متی ۱۸:۲۸). **بعد از آن، انتهای فرا خواهد رسید.**
- بر اساس این آیات، انتهای عالم بدین شکل خواهد بود که ابتدا، مسیح دوباره باز خواهد گشت. سپس مسیح تا نابودی کامل همه قوت شیطانی و از بین رفتن تمامی دشمنان خدا سلطنت خواهد کرد. آنگاه، همه آن کسانی که به عیسی مسیح ایمان داشته باشند، قیام خواهند نمود و سپس جهان انتهای خواهد یافت.
- ۲۶** مسیح چگونه **موت** را نابود خواهد کرد؟ پولس رسول می‌گوید: بوسیله قیامت جسمانی آنانی که در ایمان به مسیح جان سپرده و در مسیح **خواهیده‌اند**. وقتی ایماندار می‌میرد، در واقع **می‌خوابد**. و در روز قیامت، مسیح با قدرت رستاخیزش، خوابیدگان را بیدار خواهد نمود. در آن روز است که موت کاملاً نابود خواهد شد. بنابراین، برای مؤمنین، موت **نیش** (آیات ۵۵-۵۶) خود را از دست خواهد داد. باشد که با ایمان بر این حقیقت، از موت نترسیم و امید خود را از کف ندهیم.
- ۲۷** پولس در اینجا از مزمور ۶۸:۸ نقل قول می‌کند. **خدا همه چیز (از جمله مرگ) را زیر پایهای وی (عیسی مسیح) انداخته است**. یعنی خدا همه چیز را تحت قوت، قدرت و ریاست عیسی مسیح قرار داده است (مزمور ۱۱۰:۱؛ عبرانیان ۲:۶-۹).
- ۲۸** وقتی تمامی دشمنان از جمله موت، گناه و ابلیس نابود شده و یا تحت امر خدا قرار گرفتند (**مطیع شده باشند**)؛ سپس عیسی **سلطنت** را به خدای پدر تحویل خواهد داد (آیه ۲۴). در آن زمان، مسیح خود نیز **مطیع خواهد شد**. خدای پدر تمامی قوت را در زمین و آسمان به پسر سپرده است (متی ۱۸:۲۸). لذا، زمانی که پسر نابود ساختن دشمنان را به اتمام رسانید، عیسی مسیح تمامی قوت را به پدر باز پس خواهد داد.
- تمامی هدف پسر اینست که پدر را جلال بخشد **زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است و او را تا ابد الابد جلال باد** (رومیان ۱۱:۳۶). هدف اصلی از آفرینش جهان و کائنات و کل هستی، و هدف نهایی از آفرینش هر یک از ما انسانها این بود که عالم هستی، خدا را جلال بخشد، تا اینکه خدا در هر چه هست و هر آنچه که آفریده است جلال یابد (متی ۵:۱۶؛ یوحنا ۱۷:۴؛ ۱۴:۱۲-۱۳؛ افسسیان ۱:۱۲-۱۳؛ مکاشفه ۴:۱۱).

مانند هر پدری، پولس به فرزندان خود می‌بالد. ولی فخر پولس در مسیح عیسی است. کلیسای قرن‌تس، حاصل زحمات پولس برای عیسی مسیح بود و برای همین است که پولس حاضر است که جان خود را برای آنها فدا سازد (اول تسالونیکیان ۲: ۱۹-۲۰ را مشاهده کنید).

۳۲ پولس رسول در اینجا به شرح خطراتی که در شهر افسس^{۵۴} تجربه کرده بود، پرداخته (در افسس با وحوش جنگ کردم)، و می‌پرسد: اگر قیامت مردگان وجود نداشته باشد، چرا برای مسیح جان خود را بخطر بیاندازیم؟ پولس می‌پرسد: اگر آن کارها را بطور انسان (با نیرو و با دلایل انسانی)، نه با نیرو و دلایل روحانی انجام داده بودم، **مرا چه سود است؟** اگر پولس امیدی به رستخیز از مردگان نداشت، مُسَلِّماً رفتار وی ناشی از حماقت محض محسوب می‌شد. اگر پولس امیدی به رستخیز مردگان نداشت، از کشته شدن بدست حیوانات درنده چه سودی عایدش می‌گشت؟

پولس مشقت و مرارت‌های بسیاری کشید و بر اساس این آیه حتی در مقابل جانوران درنده انداخته شده بود. (در روم باستان، یکی از طرق اعدام مخالفین حکومت، انداختن ایشان در مقابل شیرهای گرسنه بود).

در اینجا پولس از اشعیا ۱۳: ۲۲ نقل قول کرده می‌گوید: **بخوریم و بیاشامیم چون فردا می‌میریم.** حتی در زمان اشعیا نبی نیز این طرز

۵۳- پولس رسول هم در اینجا راجع به اینکه آیا این کار آنها خوب و یا بد است، چیزی نمی‌گوید. تا آنجا که می‌دانیم، در هیچ گروه و کلیسای دوره رسولان نیز این رسم رواج نداشت.

۵۴- شهر افسس (واقع در ترکیه فعلی) یکی از مراکز مهم اقتصادی جهان آن زمان محسوب می‌شد. در باب ۱۹ کتاب اعمال رسولان بخشی از مشکلات و سختی‌هایی را که پولس بخاطر مسیح متحمل شده بود را می‌خوانیم.

۲۹ درک معنای این آیه بسیار مشکل است. امکان دارد که برخی از مسیحیان کلیسای قرن‌تس بجای ایماندارانی که بدون غسل تعمید مُرده بودند تعمید می‌گرفتند. در هیچ جای دیگری در عهدجدید اشاره‌ای به این رسم نشده است.^{۵۳}

اگر قیامت مردگان نباشد، آنها هیچ دلیلی ندارند که برای مردگان خود تعمید بیابند. زیرا که تعمید، برای متوفی هیچ سودی در بر نخواهد داشت!

۳۰ پولس می‌پرسد: اگر قیامت از مردگان وجود ندارد، **ما نیز چرا هر ساعت خود را در خطر میاندازیم؟** برعکس، اگر قیامت از مردگان وجود نداشته باشد، بهتر است که به هر طریق ممکن موت خود را به تعویق بیاندازیم (آیه ۱۴ را مشاهده کنید).

۳۱ پولس می‌گوید: **هر روزه مرا مردنی است.** این گفته پولس را به دو صورت می‌توان تفسیر کرد. اول اینکه، پولس هر روزه حاضر و آماده رویارویی با مرگ می‌باشد. پولس در آیه ۳۰ گفت که **هر ساعت خود را در خطر می‌اندازیم.** همچنین در رومیان ۳: ۸ **بخاطر تو تمام روز کشته و مثل گوسفندان ذبحی شمرده می‌شویم.**

معنی دیگر این آیه به قرار زیر است: انسانیت کهنه پولس **هر روزه** بدست مرگ سپرده می‌شود (رومیان ۶: ۶). پولس هر روزه انسانیت کهنه خود را با مسیح مصلوب می‌کند و اجازه می‌دهد که مسیح در وجود او قیام کرده و مسیح در او زندگی نماید. او هر روزه می‌میرد و هر روزه صلیب خود را برداشته، خود را انکار می‌کند (لوقا ۹: ۲۳).

پولس رسول کلیسای قرن‌تس را بنا نمود و از این جهت او آنقدر به ایمانداران قرن‌تس افتخار می‌کند که به آن فخر قسم خورده و می‌گوید: **به آن فخری در باره شما که مرا در خداوند ما مسیح عیسی است قسم که هر روزه مرا مردنی است.** قرن‌تین فرزندان روحانی او بشمار می‌رفتند و

قیامت جسمانی (۱۵:۳۵-۵۸)

۳۵ برای بسیاری از اعضای کلیسای قرنیتان این سؤال مطرح بود که **مردگان چگونه بر می‌خیزند و بکدام بدن می‌آیند؟** آیا قبرها باز شده و اجساد مردگان از خاک بیرون خواهند آمد؟

۳۶ پولس، این گونه سؤالات را احمقانه خوانده و برای روشن شدن موضوع دانه و روئیدن دانه در زمین را مثال می‌زند. وقتی که دانه‌ای را در زمین می‌کاریم، آنچه که از زمین می‌روید آن دانه نیست بلکه موجودی نو و تازه است که از خاک بیرون خواهد آمد.

وقتی که دانه‌ای را در زمین می‌کاریم، آن را دفن می‌کنیم! به یک معنا، آن دانه مانند جسدی در زیر خاک مدفون می‌گردد ولی پس از مدتی بصورت گیاهی زنده، سر از زمین بیرون خواهد آورد.

به همین صورت نیز بدنهای ما نخست خواهند مرد ولی در روز قیامت، دوباره بصورتی نو، زنده خواهند شد. هرآنچه بر سر جسم ما بیاید، (چه بدنهای ما دفن شود و یا سوخته و پاره پاره گردد)، در چگونگی رستاخیز ما هیچ تأثیری نخواهد داشت. مهم نیست که چگونه مرده و کجا مدفون شویم، آنچه مهم است، این حقیقت است که ما نیز مانند عیسی مسیح از مردگان قیام خواهیم کرد.

این اصل در مورد زندگی روحانی ما نیز صادق است، روحهای ما بایستی ابتدا بدست مرگ سپرده شوند تا آنکه مجدداً بصورتی نو قیام کرده و تازه شوند (یوحنا ۱۲:۲۴؛ رومیان ۶:۳-۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). تنها پس از کشتن انسانیت کهنه است که تولد تازه را بدست خواهیم آورد (یوحنا ۳:۳؛ رومیان ۸:۱۱).

۳۷-۳۸ بدنهای ما در حال حاضر، مانند آن دانه‌ها است. و همانگونه که گیاهی که سر از خاک بیرون می‌آورد بمراتب زیباتر از دانه‌ای است که در زمین کاشته شده بود. همچنین ما

فکر در میان افراد دنیادوست رواج داشت و این طرز تفکر، تا امروز نیز در بین افراد ملل مختلف دیده می‌شود. و برآستی اگر جهان آینده، قیامت مردگان، و پاداش آخروی وجود نداشته باشد، بهتر است که از این چند صباحی که در این عالم هستیم حداکثر استفاده را ببریم!

اگر رستاخیز از مردگان در کار نباشد، از زجر بردن برای مسیح چه سود؟ پاسخ این سؤال پولس مشخص است. سود حقیقی زمانی است که از مردگان قیام کرده و آقای ما عیسی مسیح ما را بخاطر فداکاری و جانبازی ما، مورد تقدیر قرار داده و تاج جلال و بدن جلال یافته و حیات جاودانی را بما هدیه دهد. لذا، بهتر است که بدنبال لذات این جهان فانی نبوده و در پی جلال عالم دیگر تلاش کنیم.

۳۳ در این آیه، منظور پولس از **معاشرات بد**، کسانی هستند که منکر قیامت و حیات در عالم آینده می‌باشند. این افراد تمامی عمر خود را صرف خوردن و آشامیدن و خوش‌گذرانی در این جهان می‌کنند. اینها افراد دنیوی می‌باشند و فقط مسائل این جهان را دوست دارند و به آنچه در عالم دیگر پیش خواهد آمد، وقعی نمی‌نهند. پولس هشدار می‌دهد: **فریفته مشوید!** با این گونه افراد معاشرت مکنید! زیرا آنها **اخلاق حسنه** (شما) را **فاسد می‌سازند**.

ما ایمانداران، بایستی در پی سود سماوی باشیم. بیایید که فریفته نشده و گول دنیاپرستان را نخوریم.

۳۴ پولس با لحنی پدران به قرنیتان نهیب می‌زند: **برای عدالت بیدار شده گناه مکنید**. باشد که کلیسای قرنیتس قیامت مردگان را انکار نکرده و در پی کسب منفعت دنیوی نباشد، که انکار رستاخیز مردگان و در پی این جهان بودن، گناه است.

آنهایی که قیامت مردگان را نفی می‌کنند، در واقع وعده‌های خدا را منکر می‌شوند و **معرفت خدا را ندارند**.

می‌دانیم و آن اینست که پس از رستاخیز از مردگان، دیگر از موت اثری نخواهد بود (یوحنا ۴۰:۶، ۶۳؛ ۱۱:۲۵-۲۶ را مشاهده کنید).

۴۵ انسان اول یعنی آدم، نفس زنده شد، یعنی بصورت انسانی زمینی و معمولی آفریده شد (پیدایش ۷:۲). **اما آدم آخر** (عیسی مسیح) **روح حیات بخش شد** (یوحنا ۵:۲۱؛ ۶:۳۳-۳۵ را مشاهده کنید). مسیح نه تنها روحانی بود، بلکه او همچنین انسانی کامل بود. مسیح، پسر خداست که به صورت انسانی بر زمین مجسم شد (بخش مقاله عمومی: «عیسی مسیح» را مشاهده کنید).

۴۶ اول بدنهای ما جسمانی است و پس از قیامت، بدنهای ما روحانی خواهد شد.

۴۷ آدم از زمین و خاک خلق گردید (پیدایش ۷:۲). ولی مسیح از روح القدس تولد یافت (متی ۱:۱۸؛ یوحنا ۳:۳۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۴۸-۴۹ بشریت بدنهای جسمانی و خاکی خود را از آدم به ارث برده است. ولی از مسیح بدنهای روحانی و جلال یافته خود را دریافت خواهیم نمود.

در حال حاضر بدنهای ما جسمانی و انسانی است. پس از رستاخیزمان، مانند مسیح خواهیم بود (دوم قرن‌تیاں ۱۸:۳؛ فیلیپیان ۳:۲۰-۲۱؛ اول یوحنا ۳:۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۵۰ پولس می‌گوید: **جسم و خون** (یعنی شخص غیرمسیحی و غیرروحانی) **نمی‌تواند وارث ملکوت خدا شود.** انسان بی‌ایمان، فردی غیرروحانی و زمینی، قادر به ورود به ملکوت خدا نیست. زیرا که شرط ورود به ملکوت خدا **متبدل** شدن است (آیه ۵۲ و ۵۳). و گام اول در مسیر تغییر یافتن و متبدل شدن، تولد تازه است (یوحنا ۳:۳-۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

همه ایمانداران حقیقی عیسی مسیح، تولد تازه یافته‌اند. روند تولد تازه و انسانیت جدید در

نیز، با بدنهایی نو و جلال یافته رستاخیز خواهیم کرد.

خدایی که هم آفریننده دانه و هم خالق گیاه است، به هر یک از ما بدنی جدید و زیبا عطا خواهد فرمود. چگونه ممکن است که به توانایی خدا که هستی بخش همه موجودات و سرچشمه حیات است، شک نمود؟ هر بهار، قرن‌تیاں شاهد روئیدن انواع گیاهان از زمین بودند. اگر خدا قادر است که از دانه‌ای کوچک و مدفون شده در عمق زمین، گیاهی به آن زیبایی برویاند، آیا قادر نخواهد بود که بدنهای مرده ما را نیز قیام بخشد؟

۳۹-۴۱ به گفته پولس، همانطور که **جسمهای زمینی وجود دارد، جسمهای آسمانی نیز هست** (آیه ۴۰). همانطور که هر جسمی، **شان** خود را دارد، بدنهای قیام کرده ما نیز **شان** خاص خود را نیز خواهد داشت (آیه ۴۲).

۴۲-۴۴ بدنهای ما مانند دانه‌هایی است که در خاک کاشته می‌شوند. **جسد یک مرده در فساد کاشته می‌شود** (جسدهای ما در زیر خاک فاسد شده و می‌پوسد) **و در بی‌فسادی برمی‌خیزد. در ذلت کاشته می‌شود و در جلال برمی‌خیزد** (جسد مرده هیچ جلال و زیبایی ندارد ولی بدنهای قیام کرده ما زیبا و پُر جلال خواهد بود). **در ضعف کاشته می‌شود و در قوت برمی‌خیزد** (جسد مرده نمونه ضعف و ناتوانی است، در حالی که در روز قیامت بدنهای ما از ضعف و ناتوانی و مرض آزاد خواهند بود). بدنهای تازه و قیام کرده ما فاسد ناشدنی، جلال یافته، و پُر قوت خواهد بود.

بدنهای جدید ما روحانی خواهد بود (آیه ۴۴). چگونگی و کیفیت این بدنهای «روحانی» بر ما معلوم نیست. مثلاً ما نمی‌دانیم که آیا در بهشت، غذا خواهیم خورد و یا نوشیدنی خواهیم نوشید؟ مسیح، پس از قیامت با شاگردان خود بر سر سفره نشسته و خورد و آشامید (لوقا ۲۴:۳۹-۴۳). ولی یک چیز را

خود عیسی مسیح، برای مدت کوتاهی در مقابل چشمان شاگردانش متبدل شد (مرقس ۹:۲-۱۰ را مشاهده کنید). در زمان بازگشت مسیح، همگی ایمانداران به شباهت او تبدیل خواهند یافت.

۵۳-۵۴ در این آیات، پولس همان مطالب آیه ۲۲ را تکرار می‌کند.

زمانی که مردگان برخاستند، موت بطور کامل نابود خواهد شد. در آن روز **مرگ در ظفر بلعیده** خواهد شد (اشاره به نبوت اشعای نبی ۸:۲۵).

۵۵ در اینجا پولس از هوشع نبی ۱۴:۱۳ نقل قول می‌کند.

۵۶ نیش موت گناه است. گناه، مانند نیش افعی کشنده است. گناه است که منتهی به موت خواهد گردید (رومیان ۵:۱۲؛ ۶:۲۳ را مشاهده کنید).

ولی مسیح با بخشیدن گناهان ما و فدا کردن خود در عوض ما، زهر کشنده آن نیش را از بین برده است (مرقس ۱۰:۴۵؛ یوحنا ۱:۲۹؛ کولسیان ۱:۱۴؛ اول یوحنا ۱:۷؛ ۲:۲؛ ۳:۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

قوت گناه شریعت است. گناه نیروی کشنده خود را از شریعت دریافت می‌کند، زیرا که شریعت تمامی متخلفین را محکوم می‌نماید (رومیان ۷:۱۰-۱۱).

۵۷ لیکن خدا را شکر است که ما را بوسیله مسیح ظفر می‌دهد. چون مسیح برخاست، ما نیز پس از مرگ رستخیز خواهیم کرد. بخاطر پیروزی مسیح بر گناه و موت، ما نیز بر موت و گناه ظفرمند خواهیم بود (رومیان ۷:۲۴-۲۵؛ ۸:۱-۲، ۱۰-۱۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۵۸ در اینجا پولس به نکته پایانی و نتیجه‌گیری اصلی این باب می‌رسد: **بنابراین ای برادران حبیب من پایدار و بی‌تشویش شده پیوسته در عمل خداوند بیفزائید چون می‌دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست.** چرا زحمت

این زندگی زمینی ما شروع شده و با قوت روح‌القدس زندگی روحانی تازه‌ای در ما شروع می‌گردد. بمجرد ایمان آوردن به عیسی مسیح، حیات جدید روحانی و ابدی ما آغاز می‌گردد. ولی، فقط پس از بازگشت مسیح است که بدنهای جلال یافته خود را بدست خواهیم آورد (آیه ۲۲-۲۳). در آن هنگام کاملاً متبدل خواهیم شد. در حال حاضر، روح‌القدس را بعنوان ودیعه نعمتهای آینده خدا دریافت نموده‌ایم (دوم قرن‌تین ۱:۲۱-۲۲، افسسیان ۱:۱۳-۱۴) ولی در آن روز، میراث موعود خود را که **پسر خواندگی و خلاصی جسم خود** باشد را بطور کامل دریافت خواهیم کرد (رومیان ۸:۲۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

برای کسانی که به عیسی مسیح ایمان ندارند، خلاصی جسم وجود نخواهد داشت. ایشان در بهشت قیام نخواهند کرد و برعکس نهایت کار آنها در جهنم خواهد بود (یوحنا ۵:۲۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۵۱ در اینجا سؤال زیر مطرح می‌شود که احوال ایماندارانی که در زمان بازگشت مسیح زنده هستند چگونه خواهد بود؟ آیا ایشان نیز رستخیز خواهند کرد؟ پولس به این سؤال پاسخ مثبت می‌دهد.

۵۲ در زمان بازگشت دوباره مسیح، مردگان، یکباره و **در طرّفه‌العینی** (یک چشم بهم‌زدنی) **خواهند برخاست و ما** (ایماندارانی که در آن زمان زنده هستیم) **متبدل خواهیم شد.** هرچند که مردگان «برخواهند خاست» و زندگان «متبدل خواهند شد» ولی در حقیقت، هم زندگان و هم مردگان یک چیز را تجربه خواهند نمود. زمانی که مسیح بیاید، هم زندگان و هم مردگان، دارای بدنهای جدیدی خواهند شد. این واقعه **بمجرد نواختن صور آخر** (مکاشفه ۱۱:۱۵)، یعنی در پایان کار این عالم صورت خواهد گرفت (متی ۲۴:۲۷؛ مرقس ۱۳:۲۶-۲۷؛ اول تسالونیکیان ۴:۱۴-۱۷ را مشاهده کنید).

۹:۱-۵).

پولس در اینجا اصول و راه حل عملی جهت جمع‌آوری اعانات را نشان می‌دهد. نخست، بهتر است که هدایا به جای آنکه یک جا و با زحمت جمع‌آوری شوند، به طور مرتب و منظم و هر هفته ذخیره گردند. وظیفه هر مسیحی است که در رفع نیازمندی‌های برادران محتاج خود کوشش کند.

اصل دوم اینست که هر مسیحی بایستی **بحسب نعمتی که یافته باشد نزد خود ذخیره** کند.^{۵۵} باید دانست که ما مسیحیان نباید بخاطر حکم شریعت و یا قانون هدیه بدهیم (در شریعت یهودیان حکمی وجود داشت که به موجب آن حکم، یهودیان موظف بودند که ده درصد از درآمد سالیانه خود را به خدا تقدیم کنند). بلکه دادن ما باید از صمیم قلب و با شادی و شکرگزاری باشد. هر ایماندارای باید از خدا بخواهد تا او را در امر بخشش به کلیسا و میزان آن بخشش، راهنمایی کند (مرقس ۱۲:۴۱-۴۴؛ دوم قرنیتیان ۸:۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۵۵- «بحسب نعمتی که یافته باشد» یعنی اینکه

مسیحیان باید بر مبنای درآمد خود در راه خدا هدیه بدهند. خدا از ایمانداران توقع ندارد که هر سال بخشی از خانه و یا زمین و ملک خود را فروخته، به فقرا بدهد، (هرچند شاید در بعضی مواقع خدا فرزندانش را به چنین فداکاری فرا خواند). ولی در عوض خدا می‌خواهد که مسیحیان بطور مرتب به جهت رفع احتیاجات فقیران کمک کنند.

همه مسیحیان، حتی مسیحیان کم درآمد، بهتر است که حداقل ده درصد از درآمد خود را برای کار خدا هدیه بدهند. باید بدانیم که اگر در راه خدا بخشش کنیم، خدا ما را برکت خواهد داد. هر زمان که خدا نعمتی به ما می‌بخشد، باید بوسیله دادن قسمتی از آن به فقرا، عملاً از خدا تشکر کرده، بدانیم که هر چه بیشتر داشته باشیم، باید بیشتر به نیازمندان کمک کنیم.

و عمل ما در خداوند باطل نیست؟ زیرا که در نهایت پاداش نیکو، یعنی حیات جاودانی و خلاصی از جسم (رومیان ۸:۲۳) یا بعبارت ساده‌تر **نجات** را از سوی خداوند دریافت خواهیم نمود.

ولی بیاد داشته باشید که کارهای نیک و زحمات ما ما را نجات نداده، بلکه بوسیله فیض نجات یافته‌ایم (افسسیان ۲:۸-۹). ما برای کسب نجات زحمت نمی‌کشیم، بلکه زحمات ما به این خاطر است که نجات یافته‌ایم! زحمات و کارهای نیکوی ما، صرفاً به دلیل قدردانی و تشکر از عیسی مسیح است. و خدا پاداشی برایمان در بهشت تدارک دیده است.

پولس می‌گوید اینک با توجه به این حقیقت عظیم (رستاخیز از مردگان)، **پایدار و بی‌تشویش** باشید. بیایید که از نیکویی کردن خسته‌خاطر و دل‌سرد نشویم. بیایید که از زحمات و سختی‌ها و جفاها نهراسیم، زیرا می‌دانیم که هیچ چیز حتی موت قادر نخواهد بود که ما را از محبت مسیح جدا سازد (رومیان ۸:۳۵-۳۹). خدا را شکر که ما را بواسطه عیسی مسیح ظفر می‌دهد. هلولویا!

باب ۱۶

جمع‌آوری کمکهای مالی جهت برادران نیازمند (۱:۱۶-۴)

۱ پولس تلاش زیادی برای جمع‌آوری کمکهای مالی برای کلیسای اورشلیم بخرج می‌داد. در اینجا، پولس مسیحیان اورشلیم را با عنوان **مقدسین** معرفی می‌کند (رومیان ۱۵:۲۵-۲۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲ پولس از قرنیتیان می‌خواهد که پیش از آمدن او کمکهای مالی خود را جمع‌آوری نمایند. یک سال پس از نگارش این کلمات، پولس رسول در رساله دوم به قرنیتیان، مجدداً در باره جمع‌آوری کمک مالی برای کلیسای اورشلیم از ایشان استمداد می‌کند (دوم قرنیتیان

شرح این موقعیت طلائی و دروازه بزرگی را که برای پولس رسول باز شده بود در اعمال ۱۹:۸-۱۲، ۱۸-۲۲ می‌خوانیم. توجه داشته باشید که خدا دروازه را برای پولس گشوده بود. کار خدا اینست که درها را برای ما بگشاید و وظیفه ما اینست که از موقعیتهایی که خداوند فراهم می‌کند استفاده کنیم.

آیا امروز دروازه بزرگی برای کار خداوند باز شده است؟ آیا از این موقعیتی که خدا فراهم کرده است، حداکثر استفاده را می‌کنیم.

در اینجا پولس به وجود **معاندین** (دشمنان) خود اشاره کرده می‌گوید که **معاندین بسیارند** (آیه ۹). بخاطر داشته باشیم که هر جا که دروازه‌ای باز می‌شود، دشمنان بسیاری نیز پیدا خواهند شد. شیطان تمامی سعی خود را بخرج می‌دهد که مانع استفاده ما از موقعیتهایی که خدا فراهم کرده، بشود. در اعمال ۱۹:۲۳-۳۴ نام برخی از دشمنان پولس در افسس ذکر شده است.

پولس قصد دارد که تا فرا رسیدن **عید پنطیکاست** در افسس بماند. عید پنطیکاست، پنجاه روز پس از عید فصح است. در روز پنطیکاست بود که برای اولین بار، روح‌القدس بر رسولان قرار گرفت (اعمال ۲:۴-۴).

۱۰-۱۱ تیموتائوس، همکار و فرزند روحانی پولس بود (اعمال ۱۶:۵-۱۹:۲۲؛ اول قرن‌تیاں ۴:۱۷؛ فیلیپیان ۲:۲۲).

۱۲ آپلس واعظ توانایی بود که پس از پولس مسئولیت هدایت قرن‌تیاں را به عهده گرفته بود (اعمال ۱۸:۲۴-۲۸). ولی بعضی از قرن‌تیاں در پیروی از آپلس افراط کرده و باعث جدایی و تفرقه در کلیسا گردیده بودند (اول قرن‌تیاں ۱:۱۲). احتمالاً، آپلس نمی‌خواست که در آن موقعیت به قرن‌تس برود چون ممکن بود که حضورش باعث تشدید تفرقه در کلیسا گردد.

رهنمودهای نهایی (۱۶:۱۳-۲۴)

۱۳ اول قرن‌تیاں ۱۵:۵۸؛ افسسیان ۶:۱۰؛

۳-۴ پولس از قرن‌تیاں نمی‌خواهد که هدایای کلیسایشان را به شخص او بدهند. او نمی‌خواهد کسی به او تهمت پول‌پرستی و سوءاستفاده از اموال کلیسا را بزند (دوم قرن‌تیاں ۸:۱۹-۲۱). بلکه، او به کلیسای قرن‌تس می‌گوید که از میان خودشان کسانی را انتخاب کرده، هدایای خود را بوسیله ایشان به اورشلیم ارسال نمایند.

اهداف آتی پولس (۱۶:۵-۱۲)

۵ مکادونیه (مقدونیه)، ایالت اصلی شمال یونان بود و کلیساهای فیلیپیه و تسالونیکیه در آن ایالت قرار داشتند. شهرهای فیلیپیه و تسالونیکیه در مسیر سفر پولس از افسس به قرن‌تس قرار داشتند (پولس این نامه را در شهر افسس نوشته بود).

۶-۷ پولس می‌خواهد قرن‌تیاں مطمئن باشند که او آنها را مورد محبت خود قرار می‌دهد؛ و اگر پولس در آمدن بسوی آنها تأخیر می‌کند، به این دلیل است که او قصد دارد که مدت طولانی‌تری پیش آنها بماند (دوم قرن‌تیاں ۱۵-۱۶ را مشاهده کنید).

پولس می‌گوید: **امیدوارم مدتی با شما توقف نمایم اگر خداوند اجازت دهد** (آیه ۷). پولس هیچ کاری را بدون اجازه خدا انجام نمی‌دهد (یعقوب ۴:۱۳-۱۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۸-۹ در اینجا پولس رسول دلیل دوم خود را برای تأخیر در رفتن به قرن‌تس ابراز می‌کند. **در افسس دروازه بزرگ و کارساز برای من باز شد.** پولس همیشه در پی موقعیت مناسبی جهت کار خداوند بود و اینک دروازه‌ای بزرگ جهت بشارت انجیل باز شده بود. وظیفه و خوانده‌شدگی پولس، بشارت و موعظه انجیل بود و اکنون که در افسس فرصت و زمینه مساعدی برای این خدمت پیش آمده بود، وی هرگز افسس را ترک نمی‌کرد!

- اول پطرس ۵: ۸-۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید. **۱۴** رومیان ۱۳: ۸؛ اول قرن‌تیاں ۱۴: ۱؛ افسسیان ۵: ۲؛ کولسیان ۳: ۱۴؛ اول یوحنا ۴: ۱۱، ۷؛ و تفسیر آن را مشاهده کنید.
- ۱۵-۱۶** در عهد جدید مثالهای متعددی از ایمان آوردن تمامی اهل خانه دیده می‌شود (اعمال ۱۰: ۲۴، ۴۸؛ ۱۶: ۲۹-۳۴ را مشاهده کنید). همچنین استیفان و اهل **خانواده استیفان** همگی ایمان آورده بودند.
- پولس از اعضای کلیسای قرن‌تس می‌خواهد که: **چنین اشخاص را اطاعت کنید.** در هر کلیسایی، افراد باتجربه و دینداری هستند که مانند «پدران روحانی» افراد جوانتر می‌باشند. در بسیاری از مواقع، افرادی مانند استیفان اولین کسانی بودند که در آن شهر ایمان می‌آوردند و یا اولین واعظ و شبانی بودند که آن کلیسا به خود دیده بود. لازم است که اعضای کلیسا از این افراد و مشایخ خود اطاعت و احترام کرده، در زحمات ایشان شریک باشند (افسسیان ۵: ۲۱ را مشاهده کنید).
- چه بسیار پیش می‌آید که بجای اطاعت از رهبران خود، ایشان را به باد انتقاد گرفته، پشت سرشان غیبت می‌کنیم و یا به غیبت‌کنندگان گوش می‌دهیم؟! این روزها متأسفانه اعضای جوانتر و کم‌تجربه‌تر، اعضای پیر و باتجربه را بباد انتقاد گرفته، از مشایخ کلیسا آنطور که باید اطاعت نمی‌کنند. اگر شما مرتکب تمرد و انتقاد از رهبران خود شده‌اید، لازم است که توبه کرده، از خدا تقاضای بخشش کنید.
- ۱۷-۱۸** استیفان و همکارانش **قرن‌توئیس** و **آخائیکوس** نامه‌ای از سوی ایمانداران قرن‌تس برای پولس برده بودند که در آن ایمانداران سؤالاتی راجع به ازدواج و خوردن گوشتی که به بتها تقدیم شده بود، مطرح کرده بودند (اول قرن‌تیاں ۷: ۱). پولس در رساله اول خود به قرن‌تیاں تمامی این سؤالات را پاسخ گفته بود. استیفان، فرتوناتس، و آخائیکوس اهل
- قرن‌تس بودند. آنها آنچه از جانب شما (اعضای کلیسای قرن‌تس) **نا تمام بود** (یعنی مشارکت و اطلاعاتی پیرامون وضعیت کلیسای قرن‌تس) **تمام کردند.** پولس می‌گوید که استیفان، فرتوناتس، و آخائیکوس **روح** او را تازه کردند.
- ۱۹** رومیان ۱۶: ۳-۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید.
- ۲۰** رومیان ۱۶: ۱۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید.
- ۲۱** پولس معمولاً رسالات خود را بدست کاتبی می‌نوشت (رومیان ۱۶: ۲۲ را مشاهده کنید). ولی، چهار آیه نهایی این رساله را با دست خود نوشته و بدین ترتیب مهر خود را بر مضمون رساله قرار می‌دهد (دوم تسالونیکیان ۳: ۱۷).
- ۲۲** آنانی که خداوند را محبت نمی‌کنند، مورد لعنت (**اناتیما**) هستند. ایشان خود را از خدا جدا ساخته‌اند. کسانی که احکام خدا را نگاه نمی‌دارند، خدا را محبت نمی‌کنند (یوحنا ۱۴: ۱۵؛ ۲۳: ۱۴-۲۴). بعضی از اعضای کلیسای قرن‌تس، از احکام خدا سرپیچی می‌کردند. با تمرد و سرپیچی از احکام خدا، این افراد، خویشتن را از خدا دور ساخته، خود را مورد لعنت قرار می‌دادند. باشد که گناهکاران و متمردین هشدار پولس را شنیده و بسوی خداوند بازگشت کنند، مبادا که در جدایی و لعنت ابدی باقی بمانند.
- ۲۳** **فیض عیسی مسیح خداوند با شما باد.** فیض خداوند، شامل رحمت خداوند، محبت او، ثمرات روح‌القدس، و قوت روح‌القدس می‌گردد. اگر در دعا فیض خدا را برای خود و دیگران طلب نمائیم، خدا تمامی نعمات بالا را به ما و دیگران خواهد بخشید. باشد که همگی ما فیض خدا را تجربه کنیم!
- ۲۴** هر چند که پولس در این رساله بارها مسیحیان قرن‌تس را مورد ملامت و توبیخ قرار داده بود؛ ولی تمامی آن توبیخ و ملامتها بخاطر

محبت او بدیشان بوده است. پولس می‌گوید که او، قرن‌تیاں را **در مسیح عیسی**، محبت می‌کند. پولس رسول، قرن‌تیاں را با محبتی روحانی، محبتی که عیسی مسیح در دلش نهاده است، دوست می‌دارد. و بدین ترتیب پولس رسالهٔ خود را با پیام محبت به اتمام می‌رساند.